





ثابت قدم در تحول (با همراهان نستوه) | جلد دوم

تهیه و تنظیم: اداره روابط عمومی و امور بین‌الملل
گردآوری و تدوین: صدیقه حسن‌زاده
طراح گرافیک و صفحه‌آرا: مجتبی زند
نمونه‌خوان: فروزان امیدی



تهران | خیابان کریمخان | خیابان ایرانشهر | ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش |
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی | کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ |

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ | شماره: ۸۸۳۰۹۲۶۵ | سایت: www.oerp.ir



کتابچه مقدمه در محفل

(باهمراهان نستوه)

جلد دوم

با مقدمه دکتر حسن ملکی
معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

فهرست

پیش‌گفتار | ۵

فصل پنجم | جلسات کارشناسی | ۹

فصل ششم | مصاحبه‌ها | ۳۱۵



پیش‌گفتار

ندای تحول مشتمل بر مجموعه‌ای از رویدادهای علمی، آموزشی، فرهنگی و مدیریتی است که طی سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به طرق گوناگون در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به‌وقوع پیوسته است. بدون شک همه‌ی آنچه که در این سال‌ها راجع به اقدامات تحولی صورت گرفت در این مجموعه قرار نگرفته است لکن در اسناد سازمانی وجود دارد. در ندای تحول آن بخش از اقدامات و یا فعالیت‌ها درج شده است که در روند تحولی اثرگذار بوده‌اند و امکان ثبت و تدوین آنها نیز فراهم گشته است.

این سال‌ها برای اینجانب تجارب جدیدی بود که امکان اجرای اندیشه‌ی تحولی بنده و همکارانم را فراهم ساخت و فصول دیگری را به کتاب حرفه‌ای‌ام افزود. فرصتی بود که از جهات گوناگون قابل تأمل و بررسی است. آن زمان که رهبر حکیم و فرزانه‌ی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای؛ خطاب به جامعه‌ی فرهنگیان و نخبگان فرمود:

در آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قلب آموزش و پرورش است، این قلب را گرامی بدارید، اهمیت بدهید و حفظ کنید؛ ... سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را جدی بگیرید، به آن اهمیت بدهید، آنجا را غنی کنید از لحاظ انسانهای دانا و آگاه و خوش فکر و متدین و انقلابی. از این رو اینجانب مصمم به بازگشت به سازمان شدم. بار نخست در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بود که قریب ۲۰ سال در همین سازمان خدمت کردم و از کارشناسی تا مدیرکلی دفتر تألیف کتاب‌های درسی مراحل اداری را گذراندم. در آن دو دهه مخصوصاً در سال‌هایی که مسئولیت دفتر را عهده‌دار بودم موفق شدم به کمک همکارانم اصول و روش‌های برنامه‌ریزی درسی را تا حدود زیادی استقرار بخشم و تقدم برنامه‌ریزی درسی بر تألیف و تدوین مواد آموزشی را در نظر و عمل تثبیت کنم. اکنون نیز همکاران من از آن سال‌ها به نیکی و با خاطره‌ی خوش علمی و حرفه‌ای یاد می‌کنند.

از آغاز دهه‌ی هشتاد از طریق دانشگاه علامه طباطبایی آثار علمی متعددی را به جامعه‌ی متخصصان و علاقه‌مندان عرصه‌ی علوم تربیتی تقدیم کردم. در این سال‌ها نیز به دلیل علاقه‌ی وافری که به آموزش و پرورش و به‌طور خاص به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی داشتم، ارتباطم با همکاران قطع نشد و در برخی شوراها و کمیته‌ها حضور یافتم تا اینکه در سال ۱۳۹۸ فرمان رهبر حکیم و فرزانه جهت حضور افراد مرتبط در سازمان پژوهش صادر شد. حقیقتاً این فرمان برای اینجانب جز تبعیت معنای دیگری نداشت لذا تصمیم گرفتم برای دیگر بار به این مکان و مکانت با ارزش برگردم. به‌طور هم‌زمان درخواست مسئولان محترم وقت نیز زمینه را فراهم نمود تا اینجانب از جهت اداری و رسمی و به‌صورت مأمور از دانشگاه حضور یابم. تجربه‌ی بسیار با ارزشی بود که تاکنون نیز ادامه دارد و لحظاتی که برای این حقیر سپری می‌شود با همه‌ی سختی‌هایش بسیار دلنشین است.

در آغاز مأموریت، معاونت ریاست سازمان و قائم‌مقامی ریاست را تجربه کردم و با فاصله‌ی اندکی پس از بازنشستگی ریاست محترم وقت سازمان، جناب آقای ذوعلم به‌عنوان مسئول سازمان انتخاب شدم. این انتخاب تعهد سنگینی را متوجه اینجانب کرد و با توکل بر خدا آغاز نمودم. تحول در نظام برنامه‌ریزی درسی بر پایه‌ی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه‌ی درسی ملی هم جزء برنامه‌ی کاری اینجانب بود در مسیر مطالبات اصلی نظام تعلیم و تربیت نیز قرار داشت. حضرت آقا نیز مکرر تأکید فرموده بودند که سند تحول اجرا شود و از سستی در این مسیر گله‌مند بودند. مجموعه‌ی اینها باعث شد که با علاقه و اراده‌ی قوی برنامه‌ریزی براساس اسناد را آغاز نمایم.

از آنجا که به اوضاع سازمان و ضرورت‌های تحول اشراف لازم را داشتم هیچ‌گاه احساس ناتوانی و سستی در این رسالت مهم نداشتم بلکه برعکس سر تا پا شوق و تصمیم بودم تا این امر مهم در یک فرایند علمی و منطقی و زیرچتر فلسفه‌ی تربیتی اسلام پیش رود. ابتدا الگوی برنامه‌ریزی درسی با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی تدوین شد و طی چند کارگاه آموزشی به همکاران آموزش داده شد و در کارگروه‌های یازده حوزه‌ی تربیت و یادگیری برنامه‌ریزی درسی آغاز گردید. سعی شد شوراها و کمیته‌های برنامه‌ریزی درسی با اعضای مناسب و تخصص‌های مورد نیاز تشکیل گردد تا قادر باشند برنامه‌های درسی تحولی را تدوین نمایند. با شرکت در جلسات شوراها و هم‌اندیشی با آنان زمینه‌ی خوبی برای تداوم برنامه‌ریزی فراهم گردید. در این میان از حوزه‌ی محترم علمیه نیز تقاضا شد نمایندگان جهت شرکت در شوراها سازمان معرفی نمایند. حضور آنان موجب گردید از همان آغاز، برنامه‌های درسی با معارف اسلامی پیوند بخورند و با صیانت از این پیوند و غنی‌سازی آن بسته‌های تربیت و یادگیری تولید شوند. البته برای

تحقق ماهیت اسلامی و بومی برنامه‌ها، اتصال بناها به مبانی فلسفی شرط مهم و بی بدیل است. لکن حضور اعضای متخصص در معارف اسلامی و تربیت قرآنی به این مهم کمک می‌کند. اگر این مرحله بدون ارتباط بنا و مبنا سپری گردد، در مراحل بعدی نمی‌توان اقدام مؤثری به عمل آورد. گاهی وصله‌هایی که از این جهت به بعضی برنامه‌ها زده شده بود، از این خلاء ناشی می‌شد. بدیهی است که اگر از ریشه، تحول آغاز نشود در شاخ و برگ نمی‌توان اقدام اساسی به عمل آورد. باید اعتراف کنم که این قسمت از اقدامات تحول ظریف‌ترین اقدامات است. چنانچه این کار یعنی اتصال معنادار و قوی "بنا به مبنا" به نحو مطلوب انجام گیرد بخش بنیادین تحول برنامه‌های درسی انجام گرفته است. برعکس اگر در این اقدام موفقیت حاصل نشود فعالیت‌های بعدی مؤثر واقع نخواهند شد. اگر فردی یا گروهی این حقیقت را انکار کند کل کار تحول را انکار کرده است. لذا شرط اصلی تحول از جهت نرم‌افزاری تدوین "الگوی ربط" است که بتواند این اتصال را ایجاد کند. الگوی تدوین برنامه‌های درسی که در سازمان پژوهش تهیه گردید همان الگوی ربط است که طبق آن برنامه‌های درسی یازده گروه پژوهش و برنامه‌ریزی درسی به مبانی مرتبط شد

این مسیر منتهی به تولید راهنماهای برنامه‌ی درسی تحولی شد که برای نهایی شدن و تصویب به دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش ارسال گردیده است. در مجموع راه تحول راه پر مسئله و حساسی است که هم به دقت نیاز دارد و هم به سرعت. ما سعی کردیم از طریق تهیه‌ی الگوها و استفاده از ملاک‌های علمی دقت برنامه‌ریزی را بالا ببریم و از طریق مدیریت جهادی سرعت را افزایش دهیم. بدین ترتیب رویدادها و وقایعی که در قسمت‌های مختلف مجموعه‌ی ندای تحول ملاحظه می‌کنید، نشان‌دهنده‌ی راه طی شده است. با اینکه همه‌ی منزلگاه‌ها و ایستگاه‌های راه تحول در این مجموعه قرار نگرفته است لکن آنها تنظیم و ارائه شده است.

در پایان لازم می‌دانم از همه‌ی همکاران عزیز و کارشناسان محترم، مخصوصاً روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان که در تنظیم و آماده‌سازی ندای تحول زحمت زیادی کشیده‌اند صمیمانه تشکر کنم. امیدوارم بتوانیم با تشریک مساعی و با مدیریت جهادی این مسیر را ادامه دهیم و آنچه را که شایسته‌ی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران است به انجام برسانیم.

دکتر حسن ملکی

معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش

و برنامه‌ریزی آموزشی

فصل پنجم

جلسات کارشناسی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش



اولین جلسه
شورای مشورتی
سازمان پژوهش
و برنامه‌ریزی
آموزشی



اولین جلسه‌ی شورای مشورتی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با حضور دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دکتر فاطمه قاسم‌پور رئیس فراکسیون زنان مجلس و اعضای شورای سازمان از جمله دکتر آیت‌اللهی، دکتر فلاح و دکتر عسگر ملکی و نیز با حضور دکتر علی محبی معاون سازمان و دکتر روح‌الله رضاعلی مشاور اجرایی سازمان با دبیری دکتر اسدی برگزار شد.

در شروع این نشست دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گفت: فکر می‌کنم الان دیگر کمتر استاد یا نخبه‌ای وجود دارد که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را نشناسد. ممکن است میزان شناخت به دلیل ارتباط یا ضعف ارتباط با سازمان پژوهش متفاوت باشد ولی اساتید گرامی نوعاً این سازمان را می‌شناسند و اهمیت و جایگاه این سازمان را استحضار دارند، چون تنها سازمانی است که برنامه‌های درسی، مواد آموزشی و کتاب‌های درسی همه مقاطع تحصیلی تا قبل از دانشگاه را طراحی و تولید می‌کند. خود این وظیفه نشان می‌دهد که این سازمان چقدر دارای اهمیت است.

ملکی افزود: در اهمیت این سازمان به استحضار برسانم که موجودیت این سازمان قبل از انقلاب اسلامی ایران مصوب شورای ملی وقت است. یعنی قانون مجلس آن زمان را دارد. بعد از انقلاب اسلامی ایران همین قانون در شورای انقلاب به تصویب رسید و با یک اصلاحیه‌ای تجدید و تمدید شد. عنوان سازمان تا قبل از انقلاب سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی بود و بعد از انقلاب در سال ۱۳۵۸ به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تغییر کرد و این عنوان تاکنون بر سر در این سازمان نصب شده است.

ابعاد اصلی فعالیت‌های سازمان پژوهش

رئیس سازمان پژوهش در ادامه به ابعاد اصلی فعالیت‌های این سازمان اشاره کرد و در این باره گفت: طبق قانون چند قلمرو اصلی به‌عهده‌ی سازمان پژوهش گذاشته شده است. یکی از آن‌ها پژوهش است، حالا چه پژوهش‌های بنیادی و چه پژوهش‌های کاربردی. این سازمان که عنوانش هم سازمان پژوهش است باید ورود پیدا کند و عنداللزوم و عندالاجتضاء و عنداللزوم کار پژوهشی کند. البته با ذکر این نکته که آن زمان که این سازمان با شرح وظایف خودش موجودیت پیدا کرد خبری از سایر مراکز پژوهشی در وزارت آموزش و پرورش نبود. مثلاً ما چیزی به نام پژوهشگاه آموزش و پرورش نداشتیم. تنها جای علمی و پژوهشی در وزارت آموزش و پرورش همین سازمان بود. بعداً پژوهشگاه‌ها نیز در آموزش و پرورش ایجاد شد و به طور طبیعی در ضلع پژوهشی سازمان پژوهش یک تعدیلی ایجاد شد.

ملکی ادامه داد: از زمان تأسیس پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش بنا شد که بخشی از کارهای پژوهشی را پژوهشگاه انجام دهد. البته این معنایش این نبود که سازمان پژوهش کار پژوهشی انجام ندهد ولی چون پژوهشگاه تأسیس شد دیگر بیان این که بود آموزش و پرورش نیازهای پژوهشی را از طریق پژوهشگاه تأمین کند. در عین حال در خود سازمان پژوهش هم کارهای مطالعاتی، پژوهشی و ارزشیابی جریان داشت و هنوز هم این رسالت بر قوت خودش باقی است.

رئیس سازمان پژوهش با تأکید بر این که ضلع دوم کارهای این سازمان برنامه‌ریزی درسی است، بیان کرد: برنامه‌ریزی درسی اساس و عصاره فعالیت‌های این سازمان است. اگر پژوهش هم انجام می‌گیرد به خاطر این است که این کار به درستی انجام شود. یعنی پژوهش مبنای کار را ایجاد و تدوین می‌کند تا برنامه‌ریزان درسی که در گروه‌های درسی گوناگون پخش و شاغل هستند بتوانند کار برنامه‌ریزی درسی را به نحو مطلوب انجام بدهند. فلذا ما از کار پژوهشی به‌عنوان زمینه‌ساز

مبانی برنامه‌ریزی درسی نام می‌بریم. برنامه‌ریزی درسی بدون انجام پژوهش، آب در هاون کوبیدن است و هیچ فایده‌ای ندارد.

ملکی بیان کرد: بعد از آن که برنامه‌ریزی درسی انجام شد کار بعدی باید انجام شود که همان تولید مواد آموزشی و رسانه‌های تربیت و یادگیری است. البته ما الآن در ادبیات تحولی جدیدمان اسمش را بسته‌های تربیت و یادگیری می‌گذاریم. فعلاً در کشور ما و شاید بشود گفت در کل عالم، مهمترین و اساسی‌ترین ماده آموزشی کتاب درسی است. بنابراین بسته‌های تربیت و یادگیری شامل کتاب درسی به‌علاوه سایر مواد آموزشی و رسانه‌های تربیت و یادگیری است. اگر مواد آموزشی فقط به کتاب درسی منحصر شود مطلوب نیست، اما کتاب درسی قابل حذف هم نیست. در هیچ جای عالم نیز کتاب حذف نشده است بلکه تغییر موقعیت داده و تعدیل شده است.

وی ادامه داد: سازمان پژوهش بعد از آن که بسته‌های تربیت و یادگیری را تولید کرد، مأموریت نظارت بر اجرا و ارزشیابی را انجام می‌دهد. این هم قلمرو و عرصه دیگری است که سازمان پژوهش باید طبق وظایف قانونی خودش انجام بدهد. طبیعی است که سازمان هر قدر در انجام این مأموریت صاحب موفقیت شود یک سازمان کارآمد خواهد بود و هر قدر که در این کارها ناتوان باشد و بد عمل کند ناکارآمد خواهد بود. این کارآمد یا ناکارآمدی هم نهایتاً متوجه دانش‌آموزان معصوم و بی‌گناهی است که امانت الهی در دست بنده، شما و دیگری هستند. بستگی دارد که ما چگونه از عهده‌ی این کار برآییم و بتوانیم این کار را به درستی انجام بدهیم.

هدف سازمان پژوهش عملیاتی کردن اسناد تحولی است

معاون وزیر آموزش و پرورش بیان کرد: آن چیزی که ما اسمش را برنامه‌ی درسی می‌گذاریم و براساس آن مواد آموزشی تولید می‌شوند یک مقوله‌ی پیچیده است. کتاب درسی یک صورت و فرم فیزیکی و مادی دارد که مطالبی هم در داخل آن آمده است، اما آنچه که کار را پیچیده می‌کند سیرت و باطن آن است. همین باعث شده که بنده به‌عنوان مسوول سازمان احساس کنم که به متفکران، اندیشمندان و استادانی به‌عنوان شورای مشورتی احتیاج دارم که به ما یاری کنند و کمک فکری کنند تا با این امر پیچیده مواجهه درست و منطقی‌تری داشته باشیم. ما به دنبال آن هستیم که با مقوله‌ی پیچیده‌ای به نام کتاب درسی یا برنامه درسی مواجهه‌ای کنیم که در آن پیچیدگی‌های ما را متوقف نشویم و آن پیچیدگی ما را مبهوت و متحیر نگه ندارد. هر قدر بتوانیم با این امر

پیچیده مواجهه‌ی منطقی‌تر و درست‌تری داشته باشیم به همان اندازه خواهیم توانست آن را خوب و مطلوب‌تر مدیریت کنیم.

حسن ملکی تأکید کرد: ما الآن در یک موقعیت حساس در نقش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قرار داریم که پیچیدگی تولید مواد آموزشی را پیچیده‌تر کرده است. در آموزش و پرورش این کشور سندی به نام سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تولید شد. سالانتشار این سند ۱۳۹۰ است و دو سال بعد هم یک سند دیگری به نام برنامه درسی ملی منتشر شده است. از آن زمان تاکنون مقام معظم رهبری مکرر فرموده‌اند که چرا سند تحول بنیادین عملیاتی نمی‌شود؟ آخرین فرمایش ایشان هم در سال ۱۳۹۸ بود. در همان جا اشاره فرمودند که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جای مهمی است و افراد، کارشناسان و دانایان بروند به آن کمک کنند. ایشان برای سازمان پژوهش تعبیر قلب را به کار بردند. اکنون این سازمان در موقعیتی قرار دارد که بنا دارد اسناد تحولی را عملیاتی کند.

وی ادامه داد: در سال‌های قبل هم در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به سند تحول بنیادین توجه داشته‌اند ولی برنامه‌های درسی در آن سال‌ها مبتنی بر سند تحول بنیادین شکل نگرفته است. برنامه درسی یک بنا است و باید مبتنی بشود بر مبنا. باید بین مبنا و این بنا رابطه قوی، محکم و مدلل وجود داشته باشد که این اتفاق نیافتاده است. اکنون بنده به‌عنوان مسوول سازمان پژوهش که عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی هستم در صدد آن هستم که بحث مربوط به ابتناء برنامه‌های درسی بر مبانی تحولی بنا به دستور مقام رهبری و با کمک اساتید و نخبگان، با قوت و غنای بیشتر و با شفافیت بالاتر تحقق پیدا کند.

ملکی اظهار داشت: اکنون بنده، معاونان بنده، مدیران کل و گروه‌های کارشناسی ما به نوعی بسیج‌اند برای انجام این مأموریت. همه در مقابل این سوال قرار دارند که ما چگونه و به چه طریقی عمل کنیم تا بتوانیم به این مأموریت کمک کنیم. ما به خاطر اینکه این کار مطلوب‌تر انجام شود در سازمان پژوهش کارهای مختلفی از جمله برگزاری کارگاه‌های آموزشی متعدد با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی، طراحی الگوی تدوین برنامه درسی و برگزاری نشست‌های هفته‌گی پی در پی انجام داده‌ایم تا نهایتاً کمک کنیم که امسال تا پایان بهمن و اسفند راهنماهای برنامه درسی ما که همان نقشه راه ما است تولید شود. پس از آن انشاءالله در سال آینده مرحله بعدی کار که تولید بسته‌های تربیت و یادگیری را دنبال خواهیم کرد.

کتاب درسی یک موجود عجیب‌الخلقه‌ی پیچیده است

حسن ملکی با بیان اینکه کتاب‌های درسی از بعد سیاسی، بعد اجتماعی، بعد اقتصادی و بعد هنری و زیبایی‌شناسی دارای اهمیت هستند، تأکید کرد: به قدری کتاب درسی و ماده آموزشی اهمیت دارد و زیر ذره‌بین است که وقتی روی جلد یک کتاب درسی که تصویر دو دانش‌آموز دختر و دو دانش‌آموز پسر است و یک تغییراتی در آن ایجاد می‌شود به یک‌باره بحث‌هایی درباره آن در جراید، اخبار و رسانه‌ها به وجود می‌آید و قضیه را حتی تا شبکه "من و تو" هم می‌کشاند. حالا این که یک اغراضی هم پشت قضیه بوده که قطعاً همین‌طور است، بماند و ما کاری به آن‌ها نداریم، اما می‌خواهیم بگویم چرا فقط به کتاب‌های درسی کار دارند و چرا به کتاب‌های غیر درسی کار ندارند؟ پس معلوم است که کتاب درسی یک چیزی دارد. کتاب درسی هم برای افرادی که بتوانند دانش‌آموزان را خوب تربیت کنند وسیله‌ی مناسبی است و هم برای کسانی که خدایی ناکرده سوء نظر داشته باشند وسیله‌ی مناسبی است. قبل از انقلاب با یک مرام و مسلک دیگری داشتند این کار را انجام می‌دادند و بعد از انقلاب هم اگر این کار به دست آدم‌هایی بیافتد که به مبانی این نظام باور ندارند، همین اتفاقات ممکن است بیافتد. مسئله، مسئله‌ی مهمی است. به همین دلیل عرض می‌کنم که برنامه درسی و کتاب درسی یک موجود عجیب‌الخلقه‌ی پیچیده است.

رئیس سازمان پژوهش افزود: در اهمیت مطالب کتاب درسی همین بس که ما در تاریخ برنامه‌ی درسی داریم که به خاطر نوشتن یک مطلبی در کتاب درسی یک کشور بر علیه یک کشور دیگر، ارتش‌های دو کشور در مقابل هم صف‌آرایی کردند. یا خاطرتان هست که رژیم خبیث عربستان سعودی در زمان حیات امام خمینی (ره) آن مواجهه فاجعه‌بار خونین را با حجاج ما در مکه انجام دادند و حجاج ما را مظلومانه به شهادت رساندند. آن موقع دو جمله در کتاب درسی ما نوشته شده بود و این فاجعه را تقبیح کرده بودند که عربستان اعتراض کرد و گفت چرا این حرف را می‌زنید. چرا عربستان اعتراض کرد؟ چون می‌گویند کتاب درسی سند حاکمیتی و سند ملی است. حرفی که در کتاب درسی می‌آید حرف حاکمیت است و الا ممکن است در صد کتاب دیگر صد جور مطلب بنویسند و چنین اعتراضی هم نشود. اما می‌گویند کتاب درسی فرق می‌کند چون کتاب درسی یعنی دولت و حاکمیت دارد این حرف را می‌زند.

جلسات شورای مشورتی ادامه خواهد داشت

رئیس سازمان پژوهش در ادامه بیان کرد: عنوان این جلسه که انشاءالله ادامه خواهد داشت، شورای مشورتی است. بنده به کمک آقای دکتر اسدی تعدادی از استادان عزیز را انتخاب کرده‌ایم و در بین این استادان گرامی نماینده محترم مجلس هم افتخار داده‌اند تشریف دارند که خیلی عالی است و با وجود ایشان ما خیلی وسیع‌تر می‌توانیم به بحث بپردازیم. این شورای مشورتی به تعبیری عقل منفصل سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است. بنده احساس می‌کنم که رئیس سازمان به‌عنوان یک نفر به اندیشمندانی احتیاج دارد که در قالب یک شورای مشورتی در خدمت‌شان باشیم و با حضور آنان ابعاد مختلف بحث شود و هر بار یک زمینه‌ای مورد گفت‌وگو قرار بگیرد. ملکی گفت: در این جلسه که جلسه اول است هر یک از اساتید از زاویه و ضلعی که خودشان اعتقاد دارند و مناسب می‌بینند وارد گفت‌وگو شوند. در نهایت ما به یک مجموعه مطالبی خواهیم رسید که از آن مجموعه مطالب می‌توانیم محورهای مشخص‌تری برای جلسات بعدی مان مدون کنیم.

قاسم‌پور: کتاب درسی باید تقویت‌کننده هویت جنسی انسان‌ها باشد

در ادامه نشست دکتر فاطمه قاسم‌پور رئیس فراکسیسون زنان مجلس شورای اسلامی بیان کرد: مسئله‌ی کتب درسی و برنامه‌ریزی درسی از مباحث بسیار جدی است که باید مورد اهتمام قرار گیرد و این اهتمام جناب آقای دکتر ملکی و سازمان پژوهش قابل تقدیر و تشکر است. بنده مسوولیت فراکسیون زنان مجلس را دارم و جدای از آن دغدغه مسائل زنان و خانواده از دغدغه‌هایی بوده که سابق بر حضور در مجلس هم پیگیری می‌کردم.

فاطمه قاسم‌پور اظهار داشت: بنده می‌خواهم عرایضم را براساس جلسه اخیری که با فعالین تربیتی و جلسه دیگری که با دختران برگزیده آزمون سراسری داشته‌ام خدمت‌تان عرض کنم. جلسه‌ای که بنده با دختران برگزیده کنکور سراسری داشتم با طرح این سوال که "چقدر مفاد کتب درسی و محتوای آموزشی می‌تواند تقویت‌کننده هویت جنسی شما باشد و چقدر این اتفاق در کتب درسی افتاده است؟" برگزار شد. پاسخی که من دریافت کردم این بود که محتوای این کتب دارد یک زاویه‌ای با عرصه اجتماعی ایجاد می‌کند. در واقع بحثی که داشتند این بود که کتب درسی نوعاً وقتی دارد در مباحث هویت جنسیتی وارد می‌شود در این فضا دوگانه‌سازی می‌کند. یعنی اگر شما

می‌خواهید یک هویت جنسی داشته باشید قاعدتاً این در مغایرت با نقش‌های خانوادگی و هویت اجتماعی‌تان است.

وی افزود: دختران برگزیده کنکور سراسری می‌گفتند داستان‌هایی که در کتب درسی طرح شده است به این نتیجه‌گیری منجر می‌شود که اگر دختران به جای انتخاب حضور اجتماعی، زندگی خانوادگی و ازدواج را انتخاب کرده بودند قاعدتاً فرد موفق‌تری بودند. شاید این محتوای آشکار آن‌طوری که باید با ظرافت طرح نشده است و یک مقدار دلزدگی ایجاد کرده است. بنده بعد از آن جلسه فرصت نکردم که خودم کتب پایه دوازدهم که دختران برگزیده راجع به آن صحبت می‌کردند را بررسی کنم و اعتقاد دارم در باب این موضوع باید بررسی بیشتری صورت بگیرد.

نسبت بین آموزش و جنسیت هنوز تدوین نشده است

عضو هیات علمی مرکز تحقیقات زنان و خانواده ادامه داد: می‌خواهم از این بحث یک پلی به یک بحث عمیق‌تر بزنم که شاید هنوز نسبتش در آموزش و پرورش مشخص نشده است. دقیقاً خاطر هست که من سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ در مرکز تحقیقات یک پروژه‌ای راجع به بحث نسبت بین جنسیت و آموزش در دستم بود که این نسبت یک نسبتی است که هنوز تدوین و اجماع‌سازی نشده است و چون این اتفاق نیافتاده است وقتی ما می‌خواهیم در تدوین کتب درسی وارد شویم عملاً نمی‌دانیم باید به چه ترتیبی ورود کنیم. شاید خروجی‌اش می‌شود همین کتابی که دختران برگزیده کنکور اسم می‌آوردند و نتیجه‌اش این است که نهایتاً مشخص نیست که محتوای آشکار و پنهان کتب درسی دارد چه نقشی در ساخت هویت جنسیتی دختران و پسران بازی می‌کند.

نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: بحث نسبت بین جنسیت و آموزش از آن دست مباحث جدی است که بالأخره باید تکلیفش مشخص شود. قاعدتاً پژوهش‌های لازم باید در این زمینه طراحی شود. بعد از این که این نسبت مشخص شد باید اجماع‌سازی گفتمانی نسبت به این بحث اتفاق بیافتد. من فکر می‌کنم این از آن بحث‌هایی است که می‌شود مورد گفت‌وگو قرار بگیرد، چون همان‌طور که آقای دکتر ملکی فرمودند حذف یک جنسیت از کتب درسی می‌تواند چه جریان‌های اجتماعی ایجاد کند. این مسئله، مسئله مهمی است.

کلانتری: فضای مجازی ارکان آموزش را دگرگون کرده است

در ادامه نشست کلانتری، استاد دانشگاه بیان کرد: جهان به شدت و به طرز عجیب و غریبی در حال دگرگونی است و همه حوزه‌ها دگرگون می‌شود. برش مهمی از این تحولات و دگرگونی‌ها هم به واسطه‌ی فضای مجازی است. فضای مجازی به شدت بسط و گسترش پیدا کرده است و این بسط و گسترش کماکان ادامه دارد. یعنی تازه آغاز راه است. پیش‌بینی‌هایی که موسسه‌های آینده‌پژوهی معروف جهان ارائه می‌دهند حاکی از این است که این آغاز طلیعه‌ی هوش مصنوعی است و هوش مصنوعی تا سال ۲۰۵۰ خودش را نشان می‌دهد. تصور بفرمایید چه اتفاقاتی پیش روی ما است. این فضا با تمام فناوری‌هایش ویژگی‌های بنیادینی دارد و بعضی از ویژگی‌هایش بسیار حیاتی است و ما باید نسبت خودمان را با آن مشخص کنیم.

کلانتری افزود: فضای مجازی به شدت شبکه‌ای است. هر کنش و هر تصمیمی که ذات و ماهیت شبکه‌ای بودن فضای مجازی را لحاظ نکند دیر یا زود منجر به شکست می‌شود. فضای مجازی علی‌الاصول به شدت اجتماعی است. اجتماعی به معنای این که ارتباطاتی را شکل می‌دهد و مرادفات را زیاد می‌کند و شدت و وسعت روابط را به طرز بی‌بدیلی بالا می‌برد. فضای مجازی سبک زندگی را به شدت مهم می‌کند. در حوزه‌های مختلف از جمله علم نیز دارد تأثیر می‌گذارد. الآن گوگل پاسخ‌گوی همه‌چیزدان شده است و نقش معلم را دارد دگرگون می‌کند. ارکان آموزش و پرورش و حوزه‌های تربیت، معلم، دانشجو، کتاب و کلاس به شدت دارد دگرگون می‌شود. کتاب از انحصاری که قبلاً داشت خارج شده است. یک زمان همه منتظر بودند که یک روزی کتاب بیاید. الآن دیگر واقعاً این انتظار چندان وجود ندارد چون متن کتاب‌ها قابل دسترسی است. الآن همه با هم داده‌های خود را به اشتراک می‌گذارند و علم حالت اشتراکی شده است.

این استاد دانشگاه تأکید کرد: آموزش همه‌زمانی و همه‌مکانی شده است. خود من امروز ساعت ۶ و نیم صبح کلاس داشتم. چنین چیزی برای دانشگاه قدیم واقعاً مقدور نبود. بعضی از اساتید ساعت ۱۱ یا ۱۲ شب با بچه‌های دکتری خود کلاس دارند. آموزش همه‌جایی هم شده است. یک وقت‌هایی صدای بوق یا صدای موتور می‌آید و شما متوجه می‌شوید که دانشجو داخل ماشین است. کلاس اصلاً فروپاشیده است. به یک نوعی می‌شود گفت که پایان کلاس دارد اتفاق می‌افتد. در حوزه اقتصاد آموزش که حوزه حکمرانی این فضا است نیز دارد تغییرات زیادی ایجاد می‌شود. وی افزود: در حال حاضر پلتفرم‌های بزرگ داخلی و خارجی متعددی شکل گرفته‌اند که این‌ها

رقبای آموزش و پرورش هستند. آموزش و پرورش باید با این‌ها چه کند؟ تا چه زمانی می‌خواهد این‌ها را نادیده بگیرد و بگوید اصلاً شما نیستید؟ خب هستند. الان بچه‌های دانشگاه شریف دور همدیگر جمع شده‌اند و تمام دروس ابتدایی تا دانشگاه را تبدیل به کلاس‌هایی کرده‌اند که پکیج‌هایش به صورت رایگان در دسترس قرار گرفته و همه می‌توانند استفاده کنند. این آموزش و پرورش را دچار تحول می‌کند. در واقع انحصاراتی که در آموزش و پرورش وجود داشته است دارد از بین می‌رود و این یخ دارد آب می‌شود.

فرصت‌ها و تهدیدهای حضور دانش‌آموزان در فضای مجازی

کالانتوری با تأکید بر این‌که این تحولات عظیم باید بررسی شود، افزود: برش مهمی از این تحولات ناشی از فضای مجازی است و ما باید تأثیرات فضای مجازی در ارکان مختلف آموزش و پرورش را بکاهیم. از فرآیندهای داخلی آموزش و پرورش گرفته تا خدماتی که می‌دهد و تا نوع حکمرانی که بر این فضا داشته است و طبیعتاً باید دگرگون شود. باید این کار را بکنیم تا بتوانیم کنش لازم را متناسب با این فضا انجام بدهیم. این کار نیاز به یک برنامه کلان دارد. به صورت انضمامی‌تر اگر بخواهیم بگوییم این می‌شود که اساساً حضور دانش‌آموزان در فضای مجازی و خیره شدن آن‌ها به صفحات اینترنت تبعاتی دارد که آموزش و پرورش باید این‌ها را رصد کند. تبعات آموزشی، تربیتی و حتی پزشکی دارد. ما اگر این مسئله را جدی نگیریم بعد از ۵ سال با بچه‌هایی مواجه می‌شویم که از حیث بدنی و فیزیولوژیک دچار مشکل هستند. بچه‌ها در مدارس تحرک داشتند ولی الان ۷-۸ ساعت به کامپیوتر خیره می‌شوند و به نظر من این فاجعه است.

این استاد دانشگاه افزود: ما باید فرصت‌ها و تهدیدهای حضور دانش‌آموزان در فضای مجازی را رصد کنیم. حتی بنده فکر می‌کنم که ما باید آینده‌پژوهی کنیم. این تازه طلیعه‌ی یک افق جدید است. واقعاً این تازه آغاز کار است. ما مدتی بعد یک آموزش و پرورش شخصی شده که کاملاً مبتنی بر نیازهای دانش‌آموز است را خواهیم داشت. آیا آموزش و پرورش ما بناست که در این مسیر گام بردار و این قدر هوشمند شود یا خیر؟ الان مرز بین سرگرمی و آموزش به شدت فرو ریخته است. الان بحث‌های مرتبط با گیم فیکیشن که همه آموزش‌ها دارد در خلال سرگرمی صورت می‌گیرد خیلی جدی است و به نظرم باید به آن توجه کرد.

آیت الهی: موضوع مورد بحث جلسه را دقیقاً مشخص کنیم

در ادامه دکتر آیت الهی خواستار تعیین موضوع برای بحث در شورای مشورتی سازمان پژوهش شد. این استاد دانشگاه اظهار داشت: خواهش بنده این است که معلوم کنیم که در این جلسه می‌خواهیم دقیقاً راجع به چه چیزی صحبت کنیم. آیا می‌خواهیم درباره اجرایی کردن سند تحول بنیادین صحبت کنیم؟ یا می‌خواهیم در مورد برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی بحث و گفت‌وگو کنیم؟ این علیرغم این که با سند تحول بنیادین مرتبط است ولی یک موضوع دیگر است. موضوع دیگری که بسیار مهم است و باید خیلی درباره‌ی آن عجله کرد این است که پارادایم تعلیم و تربیت نه در کشور ما بلکه در همه جای دنیا دارد عوض می‌شود. یعنی پارادایم‌ش می‌شود فضای مجازی که فضای مجازی ویژگی‌های خاص خودش را دارد. این فضا اولاً زمان ندارد. شما هر وقت بخواهید می‌توانید از فضای مجازی استفاده کنید. ثانیاً این فضا مکان هم ندارد. به طوری که همین الآن هر کس در خارج از کشور هم باشد می‌تواند در این جلسه شرکت کند. ضمن این که باید توجه داشت که وقتی فضا و مکان از بین می‌رود یک سری موقعیت‌ها و فرصت‌های جدید برای ما پیش می‌آید.

آیت الهی افزود: اگر بحث ما فضای مجازی است نیاز است در این مورد صحبت کنیم که در مورد انتقال برنامه درسی در فضای مجازی چه اقداماتی می‌شود انجام داد و چگونه می‌شود بین برنامه درسی و فضای مجازی رابطه برقرار کرد. یا اگر بحث اجرایی کردن سند تحول است که می‌شود به صورت متمرکز به آن پرداخت. بنابراین خواهش من این است که موضوع مورد بحث در جلسه شورای مشورتی را مشخص کنیم و وارد جزئیات دیگر نشویم.

سپس دکتر فلاح که همچون دکتر آیت الهی به صورت مجازی و غیر حضوری در جلسه حضور داشت، بیان کرد: برای جلسه یک تحلیل تعالی‌جویانه تعریف شده است ولی همان‌طور که آقای دکتر آیت الهی فرمودند به لحاظ عملیاتی معلوم نیست که عملیات این جلسه چیست. به همین دلیل بنده که کمی از دورتر به این جلسه نگاه می‌کنم باید بیشتر نگاه کنم تا متوجه شوم که گفت‌وگوها راجع به چیست. موضوع جلسه موضوع مهمی است و گفت‌وگوهای زیادی می‌شود در این باب انجام داد ولی بنده ترجیح می‌دهم فعلاً کلی‌گویی نکنم و بیشتر شنونده سخنان دوستان باشم.

در ادامه دکتر علی محبی معاون برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری گفت: پیشنهاد من این است که موضوعات جلسه شورای مشورتی سازمان دو بخش داشته باشد. یک بخشش را به موضوع خاصی که از قبل اعلام می‌شود اختصاص بدهیم تا همان‌طور که آقای دکتر آیت‌اللهی فرمودند دوستان قبل از جلسه روی این موضوعات فکر کنند. چالش‌ها و موضوعات اصلی که سازمان پژوهش با آن مواجه است می‌تواند موضوع بحث این جلسات باشد. برای نمونه می‌توان به بحث فضای مجازی و بحث بُعد پرورشی که یکی از بحث‌های اساسی سازمان است پرداخت. به هر حال کل مجموعه آموزش و پرورش در زمینه‌ی بعد تعلیمی و بعد آموزشی از طرق مختلف دارند تلاش می‌کنند ولی بعد پرورشی ممکن است با آسیب بیشتری مواجه شود. یا کتاب‌های درسی و چالش‌ها و راه‌کارها می‌تواند بحث دیگری باشد. بحث فضای مجازی و برنامه درسی که آقای دکتر کلاتری فرمودند نیز یکی دیگر از این مباحث قابل طرح است.

محبی افزود: ما نصف جلسات شورای مشورتی سازمان را می‌توانیم به موضوعات از پیش تعیین شده اختصاص بدهیم و نصف دیگرش را هم بحث آزاد بگذاریم، چون این برای ما خیلی مهم است که عزیزی که به این جلسه می‌آیند از این جلسه تا جلسه بعد خودشان فکر کنند و بحث‌هایی که احساس می‌کنند مغفول مانده است را مطرح کنند. از جمله مسئله‌ای که الآن خانم دکتر قاسم‌پور مطرح کردند. به هر حال نظیر تجربه‌ای که خانم دکتر با نخبگان داشته‌اند مهم است و خروجی همچنین جلساتی برای ما یک فرصت است. اگر ما این‌گونه پیش برویم هم به خوبی به موضوعات از پیش تعیین شده می‌پردازیم و هم می‌توانیم از تجربه زیسته دوستان و موضوعاتی که خود آن‌ها مطرح می‌کنند؛ استفاده کنیم.

ذکر پنج نکته توسط عسگر ملکی

در ادامه نشست عسگر ملکی عضو شورای مشورتی بیان کرد: بنده در امتداد فرمایشات آقای دکتر ملکی که از پیچیدگی امر برنامه‌ریزی درسی و نقشی که آموزش و پرورش نتوانست در این ۱۰ سال در زمینه اسناد تحولی به خوبی ایفا کند و ما باید به آن سمت برویم، ۵ مسئله و نکته را از منظر سازمان عرض می‌کنم که از دغدغه‌های ۲۰ ساله خودم بوده است. من قبل از این که به سازمان بیایم هم غیاباً درگیر بودم. آن وقتی که در دانشسرا و تربیت معلم تدریس می‌کردم با مسئله‌های سازمان پژوهش قدری درگیر بودم.

عسگر ملکی افزود: نکته اول بنده این است که در طی ۳۵ سال گذشته یک فرآیند تدریجی شکل گرفت که سازمان پژوهش که باید عهده‌دار برنامه آموزشی و تحول و نوسازی در نظام آموزشی می‌شد، امروز از او فقط توقع برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته می‌رود. پس برنامه‌ریزی آموزشی در کجای وزارتخانه هدایت و راهبری می‌شود؟ آیا بین ۶ ساحت تربیتی سند تحول بنیادین به صورت مکانیکی حاصلش می‌شود برنامه‌ریزی آموزشی؟ به شکلی می‌شود، اما الآن سند تحول نسبت به برنامه‌ریزی آموزشی و روندش حرفی نمی‌زند. یعنی در نقشه‌ی راهش حرفی نیست. شاید از علل گم‌گشتگی ما در تحقق سند تحول بنیادین این است که ما اگر طی ۴۰ سال گذشته در محیط‌های آکادمیک با ادبیات برنامه‌ریزی درسی و ادبیات مدیریت آموزشی خو گرفته‌ایم الآن که سند تحول را جلوی مان گذاشته‌ایم و می‌خواهیم با ساحت‌های تربیتی، اهداف دوره‌ها و عناصر چندگانه پیش برویم و می‌خواهیم این‌ها را با ادبیاتی که دانش‌آموزان ما یاد گرفته‌اند پیوند بزنیم از آن نقشه راه در نمی‌آید.

وی افزود: شاهد مثال بنده انجمن مطالعات برنامه‌ریزی درسی ایران است. این انجمن در حالی که در طی سال‌ها برای تولید ادبیات آکادمیک و ادبیات دانشگاهی در حوزه تخصصی برنامه‌ریزی درسی کرده است اما در کمک به امر برنامه‌ریزی درسی در سازمان پژوهش و در عرصه حکمرانی نظام ناکارآمد و ناموفق است. گرچه ادعا دارد و مدعی است ولی در عمل موفق نیست چون ادبیاتی که او در دانشگاه خوانده است با آنچه که سند تحول می‌گوید منافات دارد. نمی‌خواهم بگویم چه کسی مقصر است بلکه می‌خواهم بگویم در این قضیه نیاز به یک همگرایی داریم.

عسگر ملکی به لزوم رسیدن به یک مدل تحول‌گرایی تأکید کرد و گفت: نکته و پرسشی که برای بنده مطرح شده این است که با فرض این که برنامه‌ریزی آموزشی محقق شود و ما بتوانیم گفتمان مورد انتظار نظام، سند تحول و حضرت آقا را داشته باشیم، تسری دادن و جاری کردن دوازده پایه درسی ما در نظام آموزشی چگونه است؟ یعنی می‌خواهیم تحول را از پایه اول شروع کنیم و هر سال یک پایه تغییر پیدا کند؟ این یعنی ۱۲ سال طول می‌کشد تا تحول در کل پایه‌ها اتفاق بیفتد. این همان اعتراضی است که حضرت آقا به سند ۱۴۱۴ داشتند و گفتند ۱۲ سال خیلی زیاد است و باید تحول در عرض چند سال رخ بدهد. بنابراین فکر می‌کنم که نیاز است در این قضیه به یک مدل برسیم.

عضو شورای مشورتی سازمان اظهار داشت: سوال دیگر بنده این است که ما در برنامه‌ریزی آموزشی مان علاوه بر سند تحول نسبت به سایر اسناد بالادستی چه موضعی باید داشته باشیم و

تا الآن چه کرده‌ایم؟ کار خیلی زیادی نکرده‌ایم. یا سایه نقشه جامع علمی کشور که نیازهای آتی کشور را در حوزه‌های علوم پایه و سایر حوزه‌ها دسته‌بندی می‌کند بر برنامه‌های درسی ما چگونه افکنده شده است؟ من که در سازمان هستیم این ارتباط را خیلی نمی‌بینیم. نه این که مخالفتی باشد اما خود ما باید به مدلی برسیم که این اسناد سایه خود را بر برنامه درسی ما بیاندازند. سوال دیگر این است که مثلاً در ۳۰ کتاب استان‌شناسی ما سیاست‌های ابلاغی سند آمایش سرزمینی چگونه سایه افکنده است؟ سایه همه سیاست‌ها اعم از سیاست‌های ابلاغی، سیاست اشتغال، سیاست جمعیتی، سیاست مسکن، سیاست محیط زیست و سیاست‌های بهداشت بر برنامه درسی ما افکنده شده است. البته کسی ما را در این زمینه بازخواست نکرده است و شاید هم هیچ‌وقت این کار را نکنند ولی ما خودمان را نسبت به آن متعهد می‌دانیم.

وی گفت: نکته و سوال چهارم بنده این است که ما نسبت به دغدغه علوم انسانی-اسلامی و بومی چه موضعی داریم؟ آیا ما مشاهده‌گر هستیم یا مطالبه‌گر؟ ما بنیه و مأموریت این را نداریم که مبدع و تولیدکننده ادبیات در علوم انسانی-اسلامی باشیم. ما خوشه‌چین هستیم، اما آیا وقتی علوم انسانی و غیر انسانی نگارش می‌شود ما در سازمان پژوهش هیچ‌وقت تلاش و مطالبه جدی داشته‌ایم که این محتوا در زمینه آن چه که می‌خواهیم به دانش‌آموزان بگوییم دست ما را پر کنند؟ اگر خانم دکتر قاسم‌پور می‌گویند نسبت برنامه درسی با جنسیت معلوم نیست، بنده عرض می‌کنم نسبتش با خانواده، علم، فضای مجازی، حکمرانی و حکمرانان هم معلوم نیست. اگر این نسبت‌ها بخواهد معلوم شود ما باید در علوم انسانی مطالبه بیشتری داشته باشیم و به حساب بیاوریم و مدعی باشیم. عسگر ملکی بیان کرد: نکته پنجم بنده این است که سایه متخصصان موضوعی در سازمان پژوهش خیلی سنگین است. سال‌های سال است که متخصصان موضوعی در دروس مختلف تقریباً حرف اول را در تدوین و طراحی برنامه‌های درسی زده‌اند. این‌ها مغتنم هستند و کسی با حضور آن‌ها مخالفت ندارد، اما با این که این نگاه تمام کار باشد مخالفت وجود دارد. عده‌ای با این مخالفت دارد چرا که ما جای دکترای آموزش را در بسیاری از رشته‌هایمان به متخصصین موضوعی داده‌ایم و متخصصین موضوعی براساس نیازهایی که متخصصین برنامه‌ریزی درسی و متخصصین تعلیم و تربیت مطالبه می‌کنند؛ نمی‌توانند با آن‌ها هماهنگ شوند. نتیجه‌اش می‌شود کتاب‌های ما که به این نحو نگاشته می‌شوند.

۱۰ مسئله مهم و اساسی شورای مشورتی سازمان پژوهش

در ادامه دکتر ملکی درباره علت روشن نبودن موضوع بحث در جلسه نخست شورای مشورتی گفت: در هر جایی که قرار است سلسله جلساتی آغاز شد جلسه اول منطقاً باید جلسه آزادی باشد. به دلیل این که ما در جلسه اول می‌خواهیم خود راه را تعریف کنیم. زمینه‌های بحث را فراهم کنیم و دیدگاه‌ها را بشنویم و با شنیدن دیدگاه‌ها بتوانیم به یک رویکردی دست پیدا کنیم. علت این که در این جلسه عرض شد همکاران عزیز هر کدام از زاویه‌ای که مایل‌اند وارد بحث آموزش و پرورش و برنامه‌های درسی شوند از این جهت بود، چون طبیعی است که ما از قبل برای این جلسه نمی‌توانستیم دستور جلسه مهندسی شده و معینی داشته باشیم. اما برای ادامه جلسات باید این کار را انجام دهیم. رئیس سازمان پژوهش در ادامه بیان کرد: ما چند مسئله ناگشوده داریم. یا اگر هم گشوده شده اصلاً کافی نبوده است. جا دارد که اول آن‌ها را فهرست کنیم و بعد یک یک بحث کنیم. یعنی هم نظر جناب آقای دکتر آیت‌الهی محقق شود و هم جلسات یک توالی هم داشته باشند و ما نهایتاً بتوانیم یک نخ تسیحی هم به این مسئله‌ها اضافه کنیم. من تعدادی از آن مسئله‌ها را می‌خواهم عرض کنم. این مسئله‌ها هم مسئله‌های خرد نیست. مسئله‌های اساسی کلان است و فقط حد کلان بودن‌شان ممکن است متفاوت باشد. بنده به‌عنوان مسوول این سازمان برای مسائلی که عرض می‌کنم پاسخ روشنی ندارم. توضیحاتی دارم ولی پاسخ را کافی نمی‌دانم. بنابراین اعتراف می‌کنم تا اطلاعات به دست بیاورم. دکتر ملکی افزود: مسائلی که بنده فهرست کرده‌ام ۱۰ مسئله است که همه این مسائل هم در این جلسه قابل بحث است. ما باید به نسبت برنامه‌های درسی با مواردی که عرض می‌کنم پاسخ بدهیم.

عناوین این مسائل عبارتند از:

- ۱: **برنامه‌های درسی و فضای مجازی:** ما در این زمینه ابهام داریم و باید در جلساتی که داریم به آن بپردازیم.
- ۲: **برنامه‌های درسی و جنسیت:** نسبت این دو برای ما روشن نیست. نه این که هیچ نمی‌دانیم بلکه به آن اندازه نمی‌دانیم که مبنای محکمی برای برنامه‌ریزی درسی باشد.
- ۳: **برنامه‌های درسی و ثابتات و متغیرات:** برنامه‌های درسی جمهوری اسلامی باید با ثابتات و متغیرات دین تعیین تکلیف کند. ما نمی‌توانیم فقط به ثابتات تکیه کنیم و امور متغیر را

فراموش کنیم و نمی‌توانیم امور متغیر را اصطلاحاً بچسبیم و فراموش کنیم که ما ثابتات داریم.

۴: برنامه‌های درسی و الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی: تاکنون به طور جدی به این مسئله پرداخته‌ایم. راجع به پیشرفت اسلامی و ایرانی به تعبیر حضرت آقا نگویید توسعه. واژه‌ی توسعه معنای خاص خودش را دارد. الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی باید به وسیله همین برنامه‌های درسی محقق شود اما با چه نسبتی و چه تعریفی؟

۵: برنامه‌های درسی و علم دینی: آیا نباید ما به این سوال پاسخ بدهیم که برنامه درسی با علم دینی چه نسبتی دارد؟ آیا باید بگوییم که اصلاً علم دینی بی‌معناست؟ اگر بی‌معنا بود پس چرا بزرگان این عرصه این همه وارد بحث شده‌اند؟ چرا در اندونزی، مالزی و جاهای دیگر این قدر کنفرانس برگزار می‌شود؟ موضوع بی‌ربط نیست بلکه ربطش را پیدا نکرده‌ایم. من فکر می‌کنم نخبگان و دانشگاهیان باید این گره را باز کنند.

۶: برنامه‌های درسی و معارف انقلاب اسلامی: این آشناترین بحث ما است ولی هنوز بحث ناقصی است. این که ما در برنامه‌های درسی معارف انقلاب را می‌آوریم، اولاً کدام معارف؟ معارف انقلاب یعنی چه؟ حضرت آقا فرمودند معارف انقلاب را وارد برنامه‌های درسی کنید، اما معارف انقلاب گستره‌اش چیست؟ این برای ما روشن نیست. ما باید دنبال روح معارف بگردیم. آن روح باید بر برنامه‌های درسی دمیده شود.

۷: برنامه‌های درسی و بیانیه گام دوم: استحضار دارید که بیانیه گام دوم یک سند فوق همه اسناد است. یعنی سند تحول بنیادین ما هم اگر بخواهد بازنگری شود باید در پرتو بیانیه گام دوم بازنگری شود. حالا که ما می‌خواهیم در برنامه‌های درسی متحول شویم نباید تحلیل شود که بیانیه گام دوم را باید در هاله‌ای از چه نگه داریم؟

۸: برنامه‌های درسی و آسیب‌های اجتماعی: ما باید ببینیم نقطه‌ی اتصال برنامه‌های درسی با آسیب‌های اجتماعی کجاست. هر کدام از دروس ما با آسیب‌های اجتماعی یک نسبت‌هایی دارند. استحضار دارید که حضرت آقا فرمودند جمعیت دارد به سمت پیری می‌رود. این یعنی تا دیر نشده است یک اقدامی کنید. باید جوان کردن جمعیت به برنامه‌های درسی دمیده شود. این نیاز به بحث و تحلیل دارد.

۹: برنامه‌های درسی و نیازهای منطقه‌ای: اسناد بالادستی ما می‌گوید کاهش تمرکز کنید. از آن طرف نظام ما غیرمتمرکز نمی‌تواند باشد. ما یک کشور ایدئولوژیک هستیم. ما بر پایه

دین‌مان خط قرمز داریم. ما نمی‌توانیم برنامه‌های درسی را در نظام غیر متمرکز مدیریت کنیم. اما این را می‌دانیم که تمرکز مطلق هم بد و شکننده است. یک‌بار بشریت تمرکز مطلق را در رژیم سوسیالیستی شوروی سابق تجربه کرد که تمرکز مطلق کمر آن رژیم را شکست، چون انسان به گونه‌ای نیست که خودش اختیار نداشته باشد و اندیشه نکند. در نظام اسلامی ما بین نظر و رأی مردم با آنچه که امور وحیانی ما است توازن و تعادل برقرار شده است و جمهوری اسلامی ایران هم در فقه سیاسی خودش با همین موضوع دارد اداره می‌شود. پس ما هم نباید به سمت نظام غیرمتمرکز بغلتیم که خطرناک است و هم در نظام متمرکز نماییم که این هم معیوب است.

۱۰: برنامه‌های درسی و نهادهای فرهنگی و تربیتی: ما یک نهاد فرهنگی و تربیتی به نام صداوسیما و نهادهای فرهنگی و تربیتی متعدد دیگر داریم. همه هم تربیت می‌کنند. برنامه‌های درسی هم تربیت می‌کنند ولی این‌ها نقطه تلاقی متعددی دارند. این نقاط تلاقی برای همیشه باید تحمل شوند؟ نقاط تلاقی کجا مشکل‌گشا بوده‌اند که اینجا مشکل‌گشا باشند؟ هر قدر نقاط تلاقی افزون شود ناکارآمدی اضافه می‌شود. سوال من این است که آیا خیلی از برنامه‌های درسی ما را سایر نهادهای فرهنگی پودر و خراب نمی‌کنند؟ ماهواره‌هایی که در کنترل ما نیست بماند، در همین داخل کشور آیا نهادهای فرهنگی و تربیتی طوری حرکت کرده‌اند که اجزای یک نظام منسجم تمدن‌ساز شوند؟ بنده شدیداً تردید دارم. در این زمینه مشکل داریم. گاهی وقت‌ها در همان صدا و سیما ما که انصافاً هم زحمت می‌کشند یک فیلم یا سریالی پخش می‌شود که با آنچه که ما در برنامه درسی طرح می‌کنیم کاملاً تضاد دارد. آن‌ها هم قصدی ندارند، بلکه مسئله این است که همراهی، همکاری و همدلی وجود ندارد. سازمان پژوهش به‌عنوان تنها سازمان برنامه‌ریزی درسی نمی‌تواند نسبت به چنین مسئله‌ای بی‌اعتنا باشد. ممکن است نتوانیم کاملاً حلش کنیم ولی یک قدم‌هایی می‌توانیم برداریم.

آیت‌اللهی: شرایط آموزشی امروز با ۳۰ سال قبل متفاوت است

سپس دکتر آیت‌اللهی عضو شورای مشورتی سازمان بیان کرد: من معتقدم که الآن نظام آموزش و پرورش در کل دنیا با یک تغییر اساسی مواجه شده است و در کشور ما هم به شدت چنین تغییری

وجود دارد. مسئله این است که ما باید شرایط جامعه جدیدی که در آن قرار داریم و متفاوت از جامعه ۳۰ سال پیش است را بفهمیم و متناسب با آن کارهایی را انجام بدهیم. موضوع، موضوع بسیار مهمی است و باید یک نفر تحقیق و بررسی کند تا این تفاوت‌ها را شناسایی کند و شرایط جدید را بفهمد. آیت‌اللهی افزود: الان دو ماه از سال تحصیلی گذشته است ولی ما تقریباً هیچ برنامه تربیتی برای دانش‌آموزان در نظر نگرفته‌ایم. باید یک فکری کنیم که اگر مسئله کرونا و آموزش مجازی پابرجا ماند بدانیم که برای تربیت بچه‌ها در زمینه‌ها و ساحت‌های مختلف باید چگونه کار کنیم. ما باید یک برنامه فوری داشته باشیم، یک برنامه میان‌مدت و یک برنامه درازمدت. باید برنامه‌ای داشته باشیم که اگر شرایط به هر نحوی تغییر کرد بتوانیم آن را ارائه کنیم تا دانش‌آموز بتواند از آن استفاده کند. آیت‌اللهی درباره صحبت‌های پیشین خود در مورد موضوع جلسه گفت: با صحبت‌هایی که آقای دکتر ملکی داشتند به نظر می‌آید که ما بحثی به نام نحوه اجرایی ساختن سند تحول بنیادین را فعلاً نداریم. این که ما چگونه می‌توانیم سند تحول را اجرایی کنیم خودش یک موضوع دیگر است که باید درباره آن بحث کنیم. اگر لازم باشد بنده می‌توانم برنامه‌ای ارائه کنم که ما ظرف ۶ بتوانیم یک برنامه اجرایی داشته باشیم که این برنامه تمام سند تحول را با مشارکت معلمان و کلیه افرادی که در آموزش و پرورش هستند بتواند اجرا کند. این استاد دانشگاه بیان کرد: بحث دیگر این است که ما پژوهش‌هایمان را چگونه به سمتی ببریم که مؤثر باشد. خیلی جاها این بحث مطرح می‌شود که پژوهش‌هایی که نه در سازمان پژوهش بلکه در خیلی از جاهای کشور ارائه می‌شود به درد جایی نمی‌خورد. فقط یک پژوهشی انجام می‌شود و بعد به قفسه‌ها می‌رود و خاک می‌خورد. ما باید ببینیم چگونه می‌توانیم پژوهش‌های کاربردی را به داخل سازمان بیاوریم و یک تحول ایجاد کنیم.

آموزش و پرورش رقیب پیدا کرده است

آیت‌اللهی در ادامه بحث رقابت کلاس‌های خصوصی با آموزش و پرورش رسمی را مطرح کرد و گفت: ما امروزه با مسئله‌ای بسیار اساسی مواجه هستیم که این مسئله حتی قبل از کرونا هم وجود داشت و با کرونا و موضوع فضای یک تغییری پیدا کرد. فضای مجازی یک امکانی را فراهم کرده است که هر دانش‌آموز بتواند درس را از هر معلمی در هر جای کشور یاد بگیرد. بنابراین یقیناً کسانی می‌توانند درس را بهتر یاد بدهند که امکانات بیشتری داشته باشند. این‌ها کسانی مثل قلم‌چی، گاج و پرش هستند. پس اگر قرار باشد برنامه درسی همان کار را کند و معلم فقط بیاید درس بدهد

و کلاس تمام شود، یقیناً نمونه بهتر از آن در پرش و دیگر کلاس‌های خصوصی ارائه خواهد شد. ما باید ببینیم با کدام برنامه درسی می‌خواهیم با آن‌ها رقابت کنیم. در نتیجه بعد از مدتی می‌بینیم که نقش معلم نقش فعالی نیست و معلم کار خاصی نمی‌تواند بکند. من اعتقاد دارم که اگر ما زود نجنبیم در یک مخمصه‌هایی گیر می‌کنیم و گرفتار مافیاهای بزرگی می‌شویم.

وی گفت: پیشنهاد من این است که ما کم کم از سلطه و محوریت کتاب درسی کم کنیم. روش قدیمی این بود که ما یک محدوده‌ای از اطلاعات داشتیم و می‌گفتیم دانش‌آموز باید این قدر از اطلاعات را مثلاً تا کلاس هفتم یاد بگیرد. اما الآن شرایط فرق کرده است به اعتقاد بنده کتاب‌های درسی باید یک هسته مختصر و یک هسته اولیه باشد و ما در کنار آن از مواد آموزشی دیگر نیز استفاده کنیم. ما فیلم، کتاب صوتی، تحقیق و سایر مواد آموزشی را داریم که دانش‌آموز می‌تواند به آنان مراجعه کند و اطلاعات خود را بالا ببرد. کتاب درسی به جای این که اطلاعات بدهد باید قوت تفکر دانش‌آموز را از همان کلاس اول زیاد کند. مقدار مراجعه‌ای که به سایت رشد یا تبیان می‌شود نشان‌دهنده این است که ما باید برای آموزش یک برنامه داشته باشیم. بنده راه‌حل غلبه بر این مسئله را دو مورد می‌دانم، یکی این که بررسی کنیم و ببینیم سبک‌های دیگر برنامه آموزشی که باید متناسب با شرایط فعلی داشته باشیم چیست و دیگری آن که میزان تربیت، منش، اخلاق و تدین را با مواد آموزشی در میان دانش‌آموزان بالا ببریم.

مسائل قابل بحث در شورای مشورتی از نگاه دکتر فلاح

در ادامه نشست دکتر فلاح استاد دانشگاه و عضو شورای مشورتی سازمان گفت: ما در نظام تعلیم و تربیت باید وظیفه خودمان را تربیت جوانان هوشیار، دارای عظم و علاقه‌مند به اصلاح و نقش‌آفرینی‌های جدی اجتماعی بدانیم و باید جوانانی به شدت مسوول، دارای کرامت و آرزو و دارای احساس اثرگذاری تربیت کنیم. یک بخش این موضوع در کتاب‌های درسی منعکس می‌شود و اضلاع دیگرش در قسمت‌های دیگری از ساز و کار تعلیم و تربیت منتشر خواهد شد. یک بخش خیلی خوب و جدی آن در برنامه‌ریزی درسی است. به نظر می‌رسد کتاب‌های درسی باید خیلی زنده باشد. دانش‌آموز باید از داخل کتاب و داخل کلاس یک نطقی را برای زندگی عادی خودش در خانه و محله بیاورد. لذا کتاب باید دانش‌آموز را با واقعیت یک زندگی پیش‌تاز و مسئولانه و یک زندگی ایرانی که من روی آن اصرار و تأکید می‌کنم، نزدیک کند.

فلاح در ادامه مسائل قابل بحثی که رئیس سازمان پژوهش مطرح کرد، به مسئله برنامه‌های درسی و جهان اسلام که از نگاه وی دارای اهمیت است اشاره کرد و گفت: واقعیت زندگی امروز این است که یک آدم غربی از آن طرف دنیا موضوع اهمیت جهان اسلام را درک می‌کند و این نشان می‌دهد که جهان اسلام واقعاً مهم است. جهان اسلام داعیه این را دارد که فردای بشریت را می‌خواهد صورت‌بندی کند. این مسئله چه میزان در کتب درسی ما منعکس است؟ در کتب درسی ما چقدر به قضیه داعش، سوریه و لبنان یا قضیه پاکستان، کشمیر و هند پرداخته شده است؟ آنچنان که باید منعکس باشد منعکس نشده است. کتاب باید در موقعیت رهبری جهان بشری بایستد و نگاه کند و قضاوت کند. به قول مقام معظم رهبری ما در بعضی از برنامه‌های آموزشی خودمان داریم سرباز برای نظام سلطه تربیت می‌کنیم.

وی افزود: سوال من این است که وجود مبارک امام زمان (عج) چه میزان حس می‌کند که از این جا دارد یک بسیج ذهن، بسیج عواطف و حتی بسیج سبک‌های زندگی جریان داده می‌شود؟ من معتقدم که گوگل این کار را نمی‌تواند بکند. نمی‌خواهد بکند و حتی صلاحیتش را ندارد که بکند. خیلی از کارها را فضای سایبری موجود که فعلاً مدیریتش چندان در دست ما نیست نمی‌تواند انجام بدهد و نباید زیاد خرسند باشیم که یک ظرفیت‌هایی درست شده است.

فلاح به پرداختن به مسئله برنامه‌ریزی درسی و مقوله زیست جهانی در شورای مشورتی سازمان پژوهش تأکید کرد و گفت: مقوله‌ی جهانی شدن و مسئله‌ی نظام سلطه یکی دیگر از واقعیت‌های زندگی جوان امروز است. ما باید موضع فعال خودمان را بگیریم و آن را داخل کتاب‌ها بیاوریم تا بچه ببیند که به‌روز است. مسئله برنامه درسی و مقوله‌ی پر احتشامی به نام ظهور یا مقوله پایان تاریخ از جمله دیگر مسائلی است که می‌شود به آن پرداخت. ما باید در مورد این مسائل ایده و نظریه داشته باشیم. مقوله برنامه‌ریزی درسی و مردم‌سالاری دینی هم یک مسئله دیگر است. مردم‌سالاری دینی از نظر حضرت امام الگوی حکمرانی نیست، بلکه نظریه سعادت است. تفکر مردم‌سالاری دینی کاملاً قرآنی است.

این استاد دانشگاه یادآور شد: برنامه‌ریزی درسی و دستاوردهای انقلاب اسلامی یک مسئله دیگر است. دستاوردهای انقلاب اسلامی و اساساً زیست ۴۰ ساله شیعه بعد از انقلاب اسلامی در طول تاریخ حیات اسلامی ما بی‌نظیر است. مسائلی که ما با آن مواجه بوده‌ایم هیچ بشر مومن و موحدی در طول تاریخ با آن مواجه نبوده است. اصلاً کلاس حیات ما کلاس متفاوتی است. دستاوردهای انقلاب اسلامی دستاوردهای مهمی است که باید به آن پرداخته شود.

دکتر فلاح در ادامه بیان کرد: برنامه‌های درسی و تهدیدهای راهبردی انقلاب اسلامی یک مسئله دیگر است. چرا جوان ما فهرستی از تهدیدهای راهبردی انقلاب اسلامی ندارد؟ چرا نمی‌تواند هندسه این‌ها را تفسیر کند؟ چرا نمی‌تواند اولویت‌گذاری کند؟ این ضعف بزرگی است. آدم نمی‌تواند مسئول باشد. برنامه‌ریزی درسی و انسان کامل، برنامه‌ریزی درسی و مقوله ولایت فقیه و برنامه‌ریزی درسی و انسان و زیست جدید مسائل دیگری است که می‌تواند مطرح شود. این‌ها مسائل دیگران نیست بلکه مسئله‌های یک فکر باز الهی و اسلامی است. این ما هستیم که باید به انسان جدید و زیست جدید فکر کنیم. این مسائل باید در برنامه‌های درسی منعکس شود.

در پایان نشست دکتر ملکی ضمن تشکر از دکتر آیت‌الهی و دکتر فلاح، تأکید کرد: از حالا بدانید که وقتی از صحبت‌های مطرح شده در جلسات شورای مشورتی سازمان به یک جمع‌بندی متقن برسیم بنده بلافاصله این‌ها را به نظام برنامه‌ریزی درسی عملی که گروه‌های ما مشغول طراحی آن هستند تزریق خواهیم کرد. نخواهیم گذاشت که این‌ها بدون استفاده بمانند.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



دومین جلسه
شورای مشورتی
سازمان پژوهش
و برنامه ریزی
آموزشی



دومین نشست شورای مشورتی سازمان پژوهش با حضور دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دکتر عبدالحسین کلانتری رئیس پژوهشگاه فضای مجازی، حجت الاسلام دکتر محمدرضا فلاح استاد حوزه علمیه قم، دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی استاد دانشگاه علامه طباطبایی، حجت الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا رییس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، دکتر علی محبی معاون رئیس سازمان پژوهش، عسگر ملکی بیرجندی و عبدالله اسدی مشاوران رئیس سازمان در تاریخ ۵ آذر ۱۳۹۹ برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر حسن ملکی بیان کرد: مأموریت‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مأموریت‌های پیچیده‌ای است. پیچیده به این معنا که برنامه‌ی درسی طرح و نقشه‌ی تعلیم و تربیت است و تعلیم و تربیت ماهیتاً امر پیچیده‌ای است. تعلیم و تربیت ماهیتاً چند بعدی و چند عاملی است و به دلیل همین ویژگی‌ها و مختصات، پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد. برنامه‌ی

درسی هم که طراحی و تولید آن از طریق این سازمان انجام می‌شود به طور طبیعی پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد. مخصوصاً اینکه اگر ما برنامه‌ی درسی را در ارتباط با مسئله‌ها به ذهن بیاوریم و مورد تأمل قرار دهیم؛ مسئله پیچیدگی برنامه‌های درسی بیشتر وضوح پیدا می‌کند و ضرورت تشکیل شورای مشورتی را نشان می‌دهد.

معاون وزیر آموزش و پرورش تأکید کرد: ما از جهت مسائل اساسی جامعه مسوولیت داریم که آن‌ها را شناسایی کنیم و مسوولیت داریم که از طریق برنامه‌های درسی، نحوه‌ی مواجهه درست و منطقی با برنامه‌ها را آموزش دهیم. یعنی با آن مسئله‌ها مواجهه‌ی درست، علمی و آموزشی کنیم. همچنین راه‌های بهره‌مندی از ظرفیت‌های اجتماعی و علمی نخبگان جامعه و گروه‌های علاقه‌مند به برنامه‌ریزی درسی در جهت کاهش مسئله‌هایی که اشاره کردم نیز باید هموار شود و باید قدم‌هایی را برداریم.

شناسایی مسئله‌ها و استقرار آن‌ها در برنامه‌های درسی

دکتر حسن ملکی با بیان اینکه برنامه‌های درسی محاط در مسئله‌ها هستند، افزود: استحضار دارید که ما وقتی از برنامه‌ی درسی حرف می‌زنیم از یک طرح و نقشه‌ای صحبت می‌کنیم که در دوره‌های تحصیلی مختلف در دروس گوناگون تجلی پیدا می‌کند و حد می‌خورد و اسامی و عناوین خاصی به خودش می‌گیرد. اما هر برنامه‌ی درسی یک طرح و یک نقشه است. حالا این طرح و نقشه در ابتدا محاط در مسئله‌ها است. یعنی مسئله‌هایی که در دل اجتماع وجود دارد بر برنامه‌های درسی محیط هستند، مگر اینکه آن‌ها در متن برنامه‌های درسی استقرار پیدا کنند. اگر استقرار پیدا کردند قضیه تا حدودی برعکس می‌شود.

ملکی ادامه داد: تا وقتی برنامه‌های درسی محیط بر مسئله‌ها نشوند و مسئله‌ها استقرار در متون پیدا نکنند ما نمی‌توانیم مواجهه درست با مسئله‌ها را داشته باشیم. این نکته‌ی ظریفی است که من در طول تجربیات کاری خودم آن را به دست آورده‌ام. ما اگر مسئله‌ها را از جهت تربیتی رام نکنیم، نخواهیم توانست آن‌ها را حل و فصل کنیم و یا در کاهش آن‌ها سهیم باشیم. رام کردن مسئله‌ها یعنی استقرار بخشی آن‌ها در متون و در بطن و متن برنامه‌های درسی. بنابراین ما مأموریت ظریف، سنگین، چندبعدی و پیچیده‌ای باید انجام دهیم.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی خاطر نشان کرد: ما وقتی شناسایی مسئله‌ها و استقرار آن‌ها در برنامه‌های درسی؛ دوره‌ها و دروس مختلف و مواجهه منطقی و درست داشتن با آن‌ها را

وقتی در کنار هم قرار می‌دهیم یک پیام به ما می‌دهد و آن پیام این است که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی صرفاً به وسیله‌ی رئیس سازمان نباید اداره شود. کافی نیست و کفایت نمی‌کند. مأموریت پیچیده است. چون مأموریت پیچیده است باید یک عقل منفصلی در کنار رئیس سازمان باشد. این شورای مشورتی که مرکب از استادان عالی مقام و برجسته است در شکل‌گیری این عقل منفصل سازمان به ما کمک می‌کند.

ملکی درباره‌ی جلسات شورای مشورتی بیان کرد: طبیعی است که اگر ما بخواهیم قدم مؤثری برداریم باید هر بار و در هر جلسه یک مسئله‌ای را مورد بررسی قرار بدهیم. موضوع نشست‌های ما باید هر بار معلوم شود. در جلسه‌ی قبل مقدماتی بیان شد و در این جلسه هم فراز دیگری از این مقدمات و بیان مسئله تقدیم حضور استادان گرامی شد، اما دیگر ما باید از این جلسه به بعد روی یک مسئله متمرکز شویم. استاد گرامی و معزز، جناب آقای دکتر عبدالحسین کلانتری رئیس محترم پژوهشگاه فضای مجازی لطف کرده‌اند اولین ارائه را از جهت یک مصداقی از مسئله‌ها که فضای مجازی و برنامه‌های درسی است تقبل فرموده‌اند و من صمیمانه از این استاد عالی مقام تشکر و سپاسگزاری می‌کنم. رئیس سازمان پژوهش افزود: استاد کلانتری موضوع بسیار بسیار مهمی را انتخاب کرده‌اند. اگر ما در یک طرف فضای مجازی را قرار بدهیم و طرف دیگر برنامه درسی را، ده‌ها سوال در این عرصه داریم. سوالاتی که پاسخ داده نشده و اگر پاسخ پیدا نکنیم ما نخواهیم توانست قدم‌های مؤثری در این ارتباط برداریم.

ارائه گزارشی با عنوان "فضای مجازی و برنامه‌های درسی"

در ادامه نشست دکتر عبدالحسین کلانتری رئیس پژوهشگاه فضای مجازی که به صورت مجازی و غیر حضوری در این مراسم حضور داشت به بیان ارائه‌ای درباره "فضای مجازی و برنامه‌های درسی" پرداخت.

کلانتری در شروع سخنانش گفت: در عصر فضای مجازی تحولات عمده‌ای در حوزه‌ی آموزش ایجاد شده است. یک نمونه آن تغییر جایگاه معلم، کتاب، مدرسه، دانش‌آموز و رابطه‌ی آموزشی میان آن‌ها است. آموزش از انحصار فیزیکی معین خارج شده و به هر جا و هر وقت و به انواع ابزارها تسری پیدا کرده است. دانش‌آموز و معلم با کمک یکدیگر تولیدکننده محتوای آموزشی هستند. موتورهای جستجو و ویکی‌ها رقیب معلمان می‌شوند، کما اینکه شده‌اند. علم در حقیقت،

گوگل ایزه، ویکی، افقی و شبکه‌ای شده است و از انحصار خارج است. آن سلسله مراتب کلاسیکی که ما در علم و سازمان علم می‌دیدم به هم خورده است. یا حداقل به سمت افقی شدن و شبکه‌ای شدن پیش می‌رود. ویکی‌ها جایگاه عمده‌ای پیدا کرده‌اند. طبیعتاً انحصاری که پیش از این در حوزه‌ی علم معاصر مشاهده می‌شد از بین رفته است.

رئیس پژوهشگاه فضای مجازی تأکید کرد: معلم نقش مهم خودش را از دست داده است و در واقعیت و شوربختانه معلم‌ها کم کم تبدیل به یک اپراتور نظام آموزشی می‌شوند. این تبدیل، وجوه منفی بسیار زیادی دارد که باید به جد به آن اندیشید. کلاس تبدیل به کنترل‌کننده داشبورد آموزشی خواهد شد. اساساً مرز میان بازی و علم نیز کمرنگ می‌شود. بسیاری از نقل و انتقالات مدارس علمی از طریق بازی‌ها صورت می‌گیرد. حتی مهارت‌هایی نظیر خلبانی، رانندگی، تشریح در اتاق عمل و امثال آن به واسطه‌ی سیمولیشن و گیم فیکیشن انجام می‌گیرد، یعنی ترکیبی از شبیه‌سازی و بازی‌سازی. سبک مطالعه در حال تغییر است. مطالعات، مطالعات کلیدواژه‌ای شده است. اتفاقاً فضای ویکی و موتورهای جستجوگر هم به این موضوع کمک می‌کنند.

عبدالحسین کلانتری در ادامه گفت: تغییر عمده دیگر ورود شرکت‌های خصوصی خارجی و داخلی (پلتفرم‌ها) به مدیریت آموزش رسمی است و آموزش‌های مجازی تکمیلی و کمک درسی در فضای مجازی افزایش پیدا کرده است. در دهه‌ی اخیر شرکت‌ها و پلتفرم‌های بزرگی به ارائه‌ی خدمات آموزش مجازی روی آورده‌اند که می‌شود یک بحث مجزا پیرامون این موضوع داشت. پلتفرم‌های نوپدید از چین و هند بالا می‌آیند و داعیه‌دار هستند و به نظر می‌رسد نرخ رشد فوق‌العاده‌ای دارند. ما در این زمینه علیرغم کارهای خوبی که اتفاق افتاده از بسیاری فرصت‌ها، خوب استفاده نکرده‌ایم. ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای وجود دارد که می‌شود به آن پرداخت.

دکتر کلانتری افزود: هر اقدامی که دانش‌آموز در این نظام آموزشی انجام می‌دهد تبدیل به داده می‌شود و ذخیره خواهد شد و این با نظام آموزشی قبلی تفاوت ماهوی دارد که نوع داده‌سازی‌اش به میان ترم، تمرینات کلاسی یا پایان ترم و پایان ثلث محدود می‌شده است. آموزش مبتنی بر همین داده‌ها به نوعی شخصی‌سازی می‌شود و ما یک جورهایی شاهد پرسنوالیزیشن هستیم که داده‌ها را شخصی‌سازی می‌کند و برآورد دقیقی از قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و انگیزه‌های فرد به دست می‌آید که می‌تواند آموزش هر فرد را براساس آن برنامه‌ریزی کند. فلذا پرونده‌ی آموزشی و برنامه‌ی تربیتی افراد توسط این شرکت‌ها مدیریت و دستکاری می‌شود و حتی ممکن است تغییرات برنامه‌ریزی شده‌ای در آن‌ها صورت بگیرد و نظام ارزش‌گذاری پلتفرم‌ها ملاک عمل خواهد بود.

رئیس پژوهشگاه فضای مجازی در ادامه نشست اظهار داشت: تحول بزرگ دیگری که اتفاق می افتد "غیررسمی شدن آموزش" در تلفیق با سرگرمی است. فضای مجازی کل اوقات فراغت دانشجویان را تسخیر می کند. بسیاری از شرکتها اوقات فراغت و زمانهای غیردرسی دانش آموزان را در اختیار می گیرند و ساعاتهای مطالعات درسی آنها عملاً کاهش پیدا می کند. فضای مجازی سعی دارد همه چیز را با مفهوم سرگرمی تلفیق کند و مرز میان آموزش و سرگرمی کمرنگ می شود. فضای مجازی از قدرت آموزشهای جدی که مستلزم توجههای جدی است می کاهد، چرا که آموزشهای مبتنی بر فضای مجازی عموماً افراد را سطحی می کند.

فرصتها و تهدیدهای آموزش در عصر فضای مجازی

عبدالحسین کلانتری در ادامه تأکید کرد که فضای مجازی موجب فرصتها و در عین حال تهدیدهایی برای آموزش می شود. وی فرصتهای آموزش در عصر فضای مجازی را این گونه برشمرد و تشریح کرد:

- ۱) تبدیل شدن فضای مجازی از عنصر تهدیدکنندهی نظام آموزشی به ابزار ارتقای شیوههای آموزشی و عامل مدیریت فضای تربیتی دانش آموز در فضای خارج از مدرسه: اگر ما رگولاتوری مناسبی در خصوص پلتفرمها داشته باشیم واقعیت این است که این فضایی که من ترسیم کردهام می تواند به نفع نظام آموزش و پرورش عمل کند.
- ۲) ارتقای کیفیت آموزش بر اساس ویژگیهای تعاملی با اعتنا در ظرفیتهای فضای مجازی: وقتی شما داده سازی و شخصی سازی کردید و تمام دادههای تک تک کاربران یا دانش آموزان را داشته باشید به نحو مناسبی می توانید به آنها خدمات بدهید و خدمات آموزشی و تربیتی هوشمندانه ای به آنها ارائه می دهید.
- ۳) امکان رصد و داده کاوی از روندهای کلان و خرد آموزشی و اصلاح روندها: وقتی دیتافیکیشن صورت می گیرد شما امکانات فوق العاده ای برای رصد دارید. از حضور و غیاب ساده بگیرید تا امکان رصد کردن میزان خیره شدن و تمرکز افراد به صفحات مجازی.
- ۴) گسترش عدالت آموزشی و تربیتی در سراسر کشور
- ۵) تقویت نقش و مشارکت ذی ربطان و ذینفعان در حکمرانی آموزش

دکتر کلاتتری در ادامه بیان کرد: تهدیدها و چالش‌های جدی فضای مجازی نیز عبارتند از:

(۱) تضعیف جایگاه حاکمیتی نظام آموزشی و نقش دولت در پیشبرد اهداف آموزش: واقعیت این است که حاکمیت در اینجا باید قدرت را به نحو هوشمندانه‌ای به اشتراک بگذارد. اگر خوب به اشتراک بگذارد جایگاه حاکمیتی خودش را با حفظ رگولاتوری می‌تواند حفظ کند، اما به محض اینکه خطا کند کلی از این ظرفیت‌ها را از دست خواهد داد و عملاً جایگاه مدیریتی و حاکمیتی خودش را از دست می‌دهد.

(۲) تضعیف نظام آموزشی رسمی در مقابل نظام آموزشی غیررسمی: به نظر من این موضوع فی نفسه ایرادی ندارد. ایراد زمانی برای این کار مترتب است که ما رگولاتوری مناسبی نداشته باشیم.

(۳) نقض حریم خصوصی افراد: ما در این مدت محدود دیده‌ایم که گه‌گاهی چگونه به حریم خصوصی معلمان و حتی خانواده‌ی آن‌ها و خانواده دانش‌آموزان به یک شکلی تعدی شده است.

(۴) خطر سهیم‌گیری سکوهای خارجی و افزایش قدرت آن‌ها در نظام آموزشی کشور: این خیلی جدی است. به هر حال این امکان فراهم می‌شود که سکوهای خارجی دانش‌آموزان ما را بلعند و آن‌ها را در سیستم آموزشی خودشان تدریس کنند. واقعیت امر این است که این سکوها فعلاً در ایران فعال نیستند و شاید ما خیلی نگرانی نداشته باشیم، اما اگر این سکوها فعال شوند و خصوصاً اگر محدودیت‌های زبانی هم برداشته شود مشکلات عظیمی را به بار خواهد آورد.

(۵) از بین رفتن عدالت اقتصادی و اجتماعی در حوزه آموزش: این هم یک مشکل جدی است که وجود دارد. در کنار فرصت‌هایی که بحث عدالت فراهم می‌کند؛ واقعیت این است که مشکلات زیادی هم در این عرصه به بار خواهد آورد و نوعی ناعدالتی و تبعیض را دامن می‌زند یا حداقل بازتولید می‌کند. نمونه‌ی خیلی ساده‌اش عدم دسترسی کثیری از دانش‌آموزان به دستگاه‌های هوشمند و اسمارت است.

(۶) خطر استفاده‌ی نادرست از کلان داده‌های خصوصی: این هم معضل دیگری است چون داده‌های خصوصی هر لحظه ممکن است توسط شرکت‌های خصوصی یا هکرها به یغما برود و بعداً مورد استفاده یا سوءاستفاده قرار بگیرد.

(۷) تضعیف مدرسه محوری در نظام آموزشی

۸) تغییر شاخص‌ها و ملاک‌های تربیتی و ارزش‌ها و هنجارهای دینی در حوزه آموزش: در واقع ما شاهد سطحی شدن آموزش‌گیرندگان می‌شویم.

۹) اعتیاد به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و تبعات منفی آن: از کم تحرکی که یک بحث جسمی و فیزیولوژیک است و جداً باید به آن فکر کرد تا زورگیری اینترنتی و بیماری‌های روانی مثل خودشیفتگی. واقعیت این است که ما ابزارهای لازم برای اینکه فضای مجازی سالم و شبکه‌های اجتماعی را تفکیک کنیم وجود ندارد.

پیشنادهایی برای مقابله با تهدیدهای فضای مجازی

رئیس پژوهشگاه فضای مجازی در ادامه به ارائه‌ی پیشنهادهایی برای مقابله با تهدیدهای فضای مجازی پرداخت. کلانتری در این بخش بیان کرد: در سه نقطه از سند برنامه درسی ملی به موضوع فضای مجازی پرداخته شده است؛ ۱) آداب زندگی در محیط مجازی ۲) بهره‌گیری از ظرفیت و قابلیت محیط مجازی ۳) کسب شایستگی‌های مرتبط با فناوری‌های وابسته به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت ترویج فناورانه و زندگی سالم در فضای مجازی.

وی افزود: به نظر من این خیلی حداقلی است اما باید سعی کرد از دل همین حداقل‌ها تمام مسائل و مشکلات را درآورد. به نظر بنده باید "یک‌بار دیگر سند برنامه‌ی درسی ملی را بازخوانی کنیم." کلانتری بیان کرد: نکته دوم تعیین "استانداردهای ملی و رده‌بندی محتوایی و شکلی و قالبی برای تولید و نشر محتوای برنامه‌های درسی" در فضای مجازی است. این بسیار مهم است. یعنی به نظرم اصلی‌ترین نقش رگولاتوری وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش همین موضوع است.

رئیس پژوهشگاه فضای مجازی اظهار داشت: سومین نکته "زمینه‌سازی و قاعده‌گذاری برای مشارکت ذیربطان و ذینفعان مختلف" حوزه‌های آموزشی کشور است. ما باید برای ذیربطان و ذینفعان قاعده‌گذاری کنیم که چه قاعده‌ای برای تولید و نشر محتوای برنامه‌های درسی الکترونیک و مجازی وجود داشته باشد. این قاعده‌گذاری را سازمان پژوهش باید انجام بدهد که هر کسی برای خودش دست به تولید نزند.

کلانتری گفت: نکته چهارم "توجه به نقش مولد معلمان و مدارس در زمینه‌ی تولید و توزیع محتوا در خدمات آموزشی مجازی و برنامه درسی" است. به نظر من معلمان و مدارس در این زمینه خیلی می‌توانند فعال‌تر از گذشته باشند. به نظرم سازمان باید جدی‌تر ورود کند و از این ظرفیت‌ها استفاده

کند. استفاده‌ی فعال و خلاق از سرگرمی و گیم فیکیشن در امر آموزش و تولید و نشر برنامه‌های درسی کمک‌کننده است.

دکتر کلانتری افزود: اگر وضعیت آموزش مجازی ما با همین روش کنونی پیش برود ما یک نسل بحران‌زده از حیث آموزشی مواجه خواهیم بود. بحث‌های تربیتی‌اش هم باید توجه شود که البته از آن لحاظ شاید بتوان یک امیدی داشت که خانواده‌ها را جبران کند، اما با فهمی که من از فضای مجازی دارم و مدل‌های آموزشی که با فضای مجازی سازگاری ندارند و در واقع انعکاس همان اتفاقات در فضای مجازی هستند، ما با یک نسلی از دانش‌آموزان مواجه می‌شویم که بحران‌های آموزشی جدی خواهند داشت.

رئیس پژوهشگاه فضای مجازی تصریح کرد: تصمیم‌گیری درباره‌ی چگونگی و میزان ورود سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای آموزشی در تولید و نشر محتوای برنامه‌ی درسی بسیار مهم است. یعنی یک ورود سخت‌افزاری و نرم‌افزاری؛ یک وجه امنیتی هم پیدا می‌کند و ممکن است مخاطراتی را برای کشور داشته باشد. ما باید در این زمینه ورود جدی داشته باشیم.

عبدالحسین کلانتری افزود: باید به سواد فضای مجازی اعم از سواد رسانه، دیجیتال و اطلاعات توجه ویژه شود. همچنین رصد دقیق پیامدهای منفی حضور دانش‌آموزان در فضای مجازی باید صورت بگیرد که به نظرم این یک پروژه‌ی مستقل را می‌طلبد. هم اعتیاد به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را به بار می‌آورد و هم مشکلات جسمی، بدنی و روانی را به دنبال دارد. آخرین نکته هم این است که فضای مجازی فقط یک ابزار نیست. نباید ساده‌انگارانه با آن مواجه شد. ما باید به اقتضائات مان در تدوین و اجرای برنامه‌ی درسی توجه کنیم. در این رابطه می‌توان صحبت‌های زیادی کرد. ما در برنامه‌ی درسی مان باید توجه عمیق و فراتر از توجه ابزاری به فضای مجازی داشته باشیم تا بتوانیم به نحو خوب و مفیدی از این فضا استفاده کنیم.

آیت‌اللهی: باید یک نقشه راه عملیاتی طراحی کنیم

در ادامه این نشست دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی بیان کرد: در تیم قبلی سازمان نیز همه این حرف‌ها به نحو دیگری گفته شد. چندین جلسه برگزار شد و من در آن جلسات اصرار داشتم که باید یک نقشه راه عملیاتی طراحی کنیم که بتواند طرح‌های فوری و کوتاه‌مدت را تعیین کند. برای عملیاتی کردن مطالبی که آقای دکتر کلانتری گفتند باید بلافاصله یک اکیپ ۵۰ نفره تشکیل شود و سازمان حمایت کند و هر چه زودتر بعضی از این کارها را اجرایی کنند.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی افزود: فضای مجازی یک ماه دیگر یک کار می‌طلبد و یک ماه بعد از آن نیز یک کار دیگر. ما باید از این گزارش‌ها به یک جایی برسیم که بتوانیم آن را اجرایی کنیم. خواهش من از آقای دکتر ملکی این است که چند مورد از این برنامه‌ها را اجرایی کنند. این‌ها خیلی مهم است. من درباره‌ی فضای مجازی و تغییر کاربری آموزش تعلیم و تربیت در دنیا (قبل و بعد از کرونا) عرایضی دارم که دلم می‌خواهد آن‌ها را برای دوستان بفرستم و مطالب را با همدیگر به اشتراک بگذاریم.

وی ادامه داد: حتی اگر کرونا نبود هم فرآیند تعلیم و تربیت، یادگیری و یاددهی تغییرات بنیادین و اساسی می‌کرد. تغییری که می‌کرد این بود که از معلم محوری تبدیل به دانش‌آموز محوری می‌شد. برای تمام این‌ها باید بنشینیم و فکر اجرایی کنیم. بعضی از کارها مانند همین نرم‌افزاری که آقای دکتر کلانتری گفتند ظرف یک هفته هم می‌تواند اجرایی شود.

دکتر آیت‌اللهی در ادامه بیان کرد: من هنوز جایی ندیده‌ام که به طور رسمی امکانات شبکه‌ی رشد و تبیان مطرح شده باشد. این کار نیاز به اطلاع‌رسانی دارد. مبنای تمام فعالیت‌هایی که از این به بعد انجام می‌شود قدرت رسانه‌ای است. شورا باید یک کار رسانه‌ای بسیار قوی داشته باشد. ما نزدیک به ۱۱ میلیون دانش‌آموز و یک میلیون معلم داریم و باید برای آن‌ها کار رسانه‌ای مناسب انجام بدهیم.

فلاح: آموزش را داریم از دست می‌دهیم

در ادامه حجت الاسلام دکتر محمدرضا فلاح استاد حوزه‌ی علمیه قم و عضو هیأت امنای سازمان تبلیغات اسلامی بیان کرد: نکته‌ای که من می‌خواهم مطرح کنم یک معضل و حادثه راهبردی است که برای ما اتفاق می‌افتد. ما ظاهراً در حال ورود به دنیای جدیدی هستیم و این نکته مصیبت اصلی است. احساس می‌کنم استفاده اول ما از ارائه آقای دکتر کلانتری و امثال این ارائه‌ها، درک دنیای جدیدی است که ما را به سمت آن می‌کشند. آیا ایران اسلامی می‌تواند در این راستا کاری انجام بدهد؟ من فکر می‌کنم این نکته اصلی است. خیلی خوب است که این مسئله فراموش نشود و به موازات دائماً مطرح شود، چرا که ما به این تصویر شدیداً احتیاج داریم. ای کاش کسانی که صاحب عزم هستند ما را روشن کنند که آیا می‌توان در برابر این اراده ظالمانه که دارد زندگی بشر را ویرایش می‌کند کاری کرد یا نه؟

دکتر محمدرضا فلاح افزود: آقای کلانتری برخی از قسمت‌ها را نخواستند تلخ کنند ولی اگر برخی از قسمت‌ها را راحت‌تر بگویم و فعل و انفعالاتی در سطح حاکمیتی از خودمان نشان بدهیم، واقعیت

این است که آموزش را داریم از دست می‌دهیم. الان به این تصویر خیلی احتیاج داریم. هر نوشته یا ارائه‌ای که بتواند کمک کند که ببینیم وارد چه زندگی‌ای می‌شویم، مایه استفاده خواهد بود.

پارسانیا: در ارتباط با فضای مجازی نیاز به یک آینده‌پژوهی داریم

سپس حجت الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا رییس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران گفت: آقای دکتر کلانتری گزارش خوب و جامعی را ارائه دادند. نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که ما یک آینده‌پژوهی نسبت به مسئله‌ی فضای مجازی می‌خواهیم. اگر کرونا تمام شود ما نمی‌توانیم به فضای قبل از کرونا برگردیم. یعنی حوزه‌ی جدیدی که برای فضای آموزش مستقر شده قابل بازگشت نیست. هم در این ماجرا ظرفیت‌هایی را ایجاد کرده که آموزش نمی‌تواند از این ظرفیت‌ها دست بردارد و هم یک کانون‌های قدرتی را ایجاد کرده که به شدت تأثیرگذار هستند. در یک طرف دیگر قضیه، به موازات تهدیدی که به حوزه‌ی ارتباطات مان وارد می‌شود ظاهراً، یک فرصت‌هایی هم به وجود می‌آید و باید مسائل را پیش‌بینی کنیم.

حجت الاسلام حمید پارسانیا افزود: به هر حال حوزه‌ی ارتباطات انسانی و انتقال معنا، ابزارها و حالت‌های پیش روی خود را از دست داده و وارد یک سطح دیگری از جهان شده است. ما نمی‌توانیم نسبت به این مسئله بدبینانه نگاه کنیم. حوزه‌ی تکنولوژی احتمالاً می‌تواند برای ما ظرفیت‌هایی را ایجاد کند که قبلاً نبوده، منتها شناسایی درست این مسائل مورد نیاز است.

تأملی بر اشارات اسناد بالادستی به فضای مجازی

در ادامه‌ی نشست عسگر ملکی بیرجندی بیان کرد: من به‌عنوان کسی که سال‌ها در سازمان پژوهش و آموزش و پرورش بودم باید بگویم از سال ۱۳۸۶ که سند فاوا در شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شد تا الان، ما به اندازه‌ی کافی وقت را از دست داده‌ایم. همین الان که سند فاوا را نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که همان زمان توجه‌های خوبی درباره‌ی ورود آموزش و پرورش به عرصه اطلاعات و ارتباطات شده بود که متأسفانه ما زمان را از دست دادیم. اینکه ما از آموزش به سمت یادگیری منتقل می‌شویم نکته‌ای است که باید در برنامه‌های درسی مان به آن توجه داشته باشیم.

مشاور رئیس سازمان پژوهش افزود: من می‌خواهم بازخوانی کنم که ما به‌عنوان تکالیفی که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش داریم، نگاه‌مان به این فضای جدیدی که ظاهراً تهدید است ولی می‌تواند فرصت هم باشد چیست؟ در کلیات بیانیه ارزش‌های سند تحول بنیادین ذکر شده: "آینده پژوهی و پایش تحولات موثر بر تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور ایفای نقش فعال در مواجهه‌ی با چالش‌های پیش رو در عرصه‌های مختلف". این حرف یک دهه قبل است که به ما تکلیف شده است. همان‌جا در بند ۱۷ بیانیه ارزش‌ها می‌گوید که نهاد تعلیم و تربیت باید از فناوری‌های اطلاعاتی بهره‌گیری و مواجهه هوشمندانه داشته باشد و از پیامدهای نامطلوب آن پیشگیری کند.

ملکی بیرجندی افزود: در راهکار ۶ سند تحول به همه‌ی دستگاه‌های تعلیم و تربیت، تنوع‌بخشی به محیط یادگیری در فرآیند تعلیم و تربیت رسمی عمومی تکلیف شده است. باید بتوانیم ارتقای کیفیت فرآیند تعلیم و تربیت را با تکیه بر استفاده‌ی هوشمندانه از فناوری‌های نوین داشته باشیم. از یک دهه پیش تاکنون چنین تکالیفی برعهده‌ی وزارت آموزش و پرورش بوده است. ما در سند تحول بنیادین وظیفه‌ی خطیر تربیت را برعهده‌ی معلم گذاشته‌ایم. در همان بیانیه ارزش‌ها می‌گوید نقش معلم به‌عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در فرآیند تعلیم و تربیت و موثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی است. در این فضا چگونه می‌خواهیم با این گزاره‌هایی که داریم و نگاهی که در فلسفه تعلیم و تربیت وجود دارد؛ مواجه شویم؟

وی ادامه داد: وقتی افق چشم‌انداز سال ۱۴۰۴ نگاه می‌کنیم، در آنجا گفته شده که مدرسه به‌عنوان کانون تعلیم و تربیت رسمی محل کسب تجربه‌های تربیتی است و بعد ۱۵ مؤلفه برای مدرسه آورده که مدرسه چه کارکردهایی دارد و باید داشته باشد. حتی در راه‌کار ۷ نیز گفته شده که خواستار افزایش نقش مدرسه هستیم. از طرفی ما بر خودمان تکلیف فرض کردیم که باید متوازن به همه‌ی ساحت‌های تعلیم و تربیت توجه کنیم و پیش برویم. در بند ۲۸ بیانیه ارزش‌ها آورده شده که "تقویت شأن حاکمیتی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در ابعاد سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی و نظارت و ارزیابی ضمن مشارکت‌پذیری و کاهش تصدی‌گری غیر ضروری در بعد اجرا با رعایت اصل عدالت". من فکر می‌کنم باید این تکالیف را کنار هم بگذاریم تا ببینیم چه کار کنیم.

مشاور رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی افزود: من پیشنهادات خودم را مطرح می‌کنم. آقای دکتر کلانتری فرمودند که ما باید بخش دولتی، بخش خصوصی و تمام کسانی که می‌خواهند در تولید مشارکت کنند را داشته باشیم. ما الآن مصوبه ۸۲۸ را در خصوص ساماندهی فضاها کمک

آموزشی و تولیدات غیره را داریم. امروز علاوه بر آن مصوبه با تولیدات محتوای الکترونیکی هم مواجه هستیم. متأسفانه باید بگوییم که ما در این یک دهه کار زیادی در این عرصه انجام نداده‌ایم. من معتقدم که ما نسبت به فضای مجازی، سواد مورد نیاز برای فضای مجازی و تدوین راهنمای عملی چندان توجه نکرده‌ایم. باید توجه گروه‌ها را به این بخش بدهیم که در کنار طراحی برنامه‌های جدید به فضای رسانه هم توجه کنند. همان‌طور که تأکید شد ما در آینده با مسئله‌ی جسمی و تحرکی دانش‌آموزان مواجه می‌شویم. به همین خاطر ما در دورانی که پیش رو داریم باید برنامه‌ی درس تربیت بدنی و سلامت را جدی‌تر دنبال کنیم.

عسگر ملکی بیرجندی در پایان سخنانش گفت: در سند برنامه درسی ملی گزاره‌هایی راجع به نظام ارزشیابی و ارزیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان تصویب شده که امروز با حضور پلتفرم‌ها و مشارکتی که ما در طراحی محتواهای مجازی داریم باید درباره‌ی آن مجدد فکر شود. نکته آخر اینکه ما بر تبیین استانداردهای آموزشی تأکید داریم. سازمان پژوهش در سه سال گذشته چهار استاندارد را نوشته و پیش‌نویس کرده بود که بنده حقیر در دو مورد آن به شدت تأمل و نقد داشتم. امروزه شورای هماهنگی‌های سازمان اگر به تدوین استانداردهای آموزشی در عرصه‌های مختلف مکلف است، به نظر می‌رسد با فضایی که ما با آن روبرو هستیم بایستی جامع‌تر به این استانداردها نگاه کند.

محبی: برنامه درسی ما حتی بعد از کرونا ترکیبی خواهد بود

سپس علی محبی معاون رئیس سازمان پژوهش بیان کرد: آنچه که در ذهنم بود مطرح کنم را دوستان مطرح کردند. به نظرم می‌آید ما در سریع‌ترین زمان به یک سند یا نقشه راهبردی سازمان با دوران جدید تعلیم و تربیت نیاز داریم. این یک کار اساسی است که سازمان باید انجام بدهد. من دو، سه کار کوتاه‌مدت و میان‌مدت را پیشنهاد می‌دهم. یکی از کارهای کوتاه‌مدت این است که ما یک کارگروه تشکیل بدهیم که بلافاصله برای مواجهه با شرایط جدید و شناسایی دقیق نقاط قوت و ضعف راهکار ارائه بدهند. این کارگروه باید یک کارگروهی باشد که دائم کار کند و هر کجا به نتیجه رسید آن نتیجه را به ریاست سازمان ارائه کند و ما اگر دیدیم هر کدام از آن‌ها قابلیت اجرایی داشتند سریعاً به دنبال اجرایی کردن آن‌ها برویم.

معاون آموزشی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری افزود: واقعیت این است که ما برنامه‌های درسی را برای برنامه درسی مجازی تدوین نکرده‌ایم. درست است که به بحث سواد رسانه‌ای پرداخته‌ایم ولی

کافی نیست. تأکیدی که اساتید بزرگوار داشتند این بود که حتی اگر کرونا هم از بین برود، برگشت ما به دوران پیش از کرونا به این آسانی‌ها نخواهد بود. با توجه به آن قابلیت‌هایی که این دوران برای ما ایجاد کرده است، نظام تعلیم و تربیت کامل به قبل بر نمی‌گردد. بنابراین در خوشبینانه‌ترین حالت باید بدانیم که برنامه‌ی درسی ما یک برنامه‌ی درسی ترکیبی خواهد بود. یعنی برنامه‌ی درسی که نه کاملاً حضوری است و نه کاملاً الکترونیکی. ما باید با نگاه ترکیبی برگردیم و جایگاه آموزش الکترونیکی را کمی برجسته‌تر ببینیم.

علی‌محبی تأکید کرد: کار زود هنگام و زودبازده دیگری که می‌توان انجام داد این است که در کتاب‌های درسی تغییرات جزئی لحاظ کنیم تا به نوعی دانش‌آموز محوری و والدین محوری را برجسته کنیم. سرعت بخشیدن به کار زیبایی که سازمان در بحث مصوبه ۸۲۸ دارد نیز یکی دیگر از کارها خواهد بود. گرچه کارهای خوبی انجام داده ولی می‌طلبید که با سرعت بیشتری از آن ظرفیت کم نظیر برای مشارکت پذیری در سازمان در حوزه تولید و ارزیابی برنامه‌ها و محتواهای مورد نیاز استفاده کنیم. بحث بعدی که میان مدت است، تولید بسته‌های تربیت و یادگیری است که در اتاق اندیشه‌ورزی روی آن کار می‌کنند. ما در بسته‌ی تربیت و یادگیری نیز باید بحث یادگیری الکترونیکی را برجسته‌تر ببینیم تا از ابتدای سال ۱۴۰۰ که قرار است بسته‌های تربیت و یادگیری را تولید کنیم بتوانیم آن را عملیاتی و اجرایی کنیم.

محبی در پایان اظهار داشت: بسیاری از مطالب که بزرگواران مطرح می‌کنند ممکن است از مأموریت سازمان خارج باشد و کل نظام تعلیم و تربیت را در بر بگیرد ولی به نظر می‌آید این‌ها کارهایی است که می‌تواند به ما در سازمان کمک کند تا بهتر پیش برویم.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

سومین جلسه
شورای مشورتی
سازمان پژوهش
و برنامه ریزی
آموزشی



این جلسه در تاریخ ۳ دی ماه ۱۳۹۹ تشکیل شد. در ابتدای جلسه عبدالله اسدی به مرور دو جلسه قبل پرداخت و گفت: در جلسه اول شورای مشورتی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی به تدوین فلسفه وجودی شورای مشورتی پرداختیم و مقرر شد در هر جلسه از ارائه ارزشمندی که اساتید خواهند داشت و مباحثه‌ای که روی نکات و مباحث خواهد شد، بهره‌مند شویم و از برآیند و عصاره دستاوردهای جلسه انشاء الله در برنامه‌ریزی‌های کلان و جهت‌گیری‌های سازمان استفاده کنیم.

جلسه دوم که آذرماه برگزار شد با توجه به اهمیت موضوع فضای مجازی به این موضوع اختصاص داشت و آقای دکتر عبدالحسین کلانتری قبول زحمت کردند و ارائه خوب و ارزشمندی را درباره نسبت فضای مجازی و برنامه‌های درسی داشتند.

این جلسه نیز پیرو یکی از مهمترین توقعاتی که از سازمان پژوهش می‌رود و دغدغه‌های مهم و ارزشمندی که هم ریاست محترم سازمان از بدو شروع مسئولیت‌شان دغدغه جدی نسبت به این موضوع داشتند و هم مطالبه نظام و دلسوزان نظام تربیتی کشور از سازمان بود، به موضوع نسبت معارف انقلاب اسلامی و درج معارف انقلاب اسلامی در برنامه‌های درسی اختصاص پیدا کرده است.

دکتر ملکی در سازمان به کمک راهبردهای دانش‌انسان احتیاج داریم

جلسات و هم‌اندیشی‌های ما در اداره امور سازمان در چند سطح انجام می‌گیرد و هر کدام برکات و آثار مثبت خودش را دارد. برخی از جلسات و شوراها ما، شوراها را مدیریت اجرایی است. به طور طبیعی یک سری امور اجرایی و مدیریتی داریم که اگر آن‌ها به موقع بررسی و رسیدگی نشوند، در فرآیند اجرا به مشکل برمی‌خوریم. معمولاً در این جلسات بحث علمی مگر بنا به ضرورت انجام شود و مباحث عمده‌تر مدیریتی است.

سطح دیگر جلسات ما در اینجا جلسات کارشناسی است، کارشناسی به این معنا که یک مسئله و یک موضوعی در ارتباط با برنامه‌های درسی یا محتوای آموزشی کتاب‌های درسی و یا بسته‌های تربیت و یادگیری و مواردی از این قبیل مطرح می‌شود و احساس نیاز می‌کنیم که در جلسات کارشناسی آن‌ها را بررسی کنیم. اما علاوه بر این دو دسته جلسه که هر کدام اهمیت خاص خودش را دارد ما نیاز به یک سری هم‌اندیشی‌ها و مباحث راهبردی داریم.

دو نوع اول جلساتی که عرض کردم عمده‌تر ما را در وضع موجود می‌توانند یاری کنند تا در این وضع تعادل مان به هم نخورد و امور را در یک انتظام اداری مدیریت کنیم. اما از دل آن مباحث راهبردی در نمی‌آید، در حالی که ما نیاز به راهبردهای اساسی داریم. درست است که سازمان پژوهش در شناخت صراط اصلی وظایف خود چیزی کم ندارد و همکاران بنده و کارشناسان سازمان صراط کار خودشان را می‌شناسند و این را می‌دانند که برنامه‌های درسی از مسیر اسلامی، ایرانی و علم نباید خارج شود و زاویه بگیرد، اما به مشاوره و یاری کارشناسان برون سازمان هم احتیاج داریم.

برنامه‌های درسی باید اعتقادی باشند و از یک جهتی به مبانی دینی، مسائل بوم‌شناختی، ضرورت‌ها و نیازهای اجتماعی و ضرورت‌های علمی ما مربوط باشند. این‌ها ارکان اصلی صراطی است که ما

در آن حرکت می‌کنیم، اما برای حرکت در این صراط نیاز به راهبردهای اصولی و منطقی داریم. در همین مسیر باید هدف‌های کلان و هدف‌های خرد داشته باشیم و به فرصت‌ها بیاندیشیم و به تهدیدها فکر کنیم و از این تحلیل‌ها به یک سری راهبردها برسیم، چرا که آن راهبردها است که سازمان را می‌تواند در این دنیای پرتلاطم، پرمسئله و مناقشه برانگیز یاری کند. تصور ما این است که این راهبردها را باید از راهبردشناسان بگیریم، افرادی که راجع به راهبردها فکر کرده‌اند و اندیشیده‌اند و در جلسات کلان نظام تعلیم و تربیت یا نظام فرهنگی ما حضور دارند. این قبیل از افراد نوعاً در دانشگاه‌ها یا در مراکز علمی پژوهشی غیر از دانشگاه‌ها حضور دارند، اما ممکن است افرادی باشند که علی‌الظاهر نام دانشگاهی هم نداشته باشند ولی یک پژوهشگر قوی، عمیق‌نگر و عمیق‌بین هستند. به نظر می‌آید که ما تمام این‌ها را باید به نوعی شناسایی کنیم و مستقیم و غیر مستقیم از دیدگاه‌هایشان بهره‌مند شویم و استفاده کنیم. آنچه که فعلاً برای ما ممکن بود و شناخت داشتیم، همین سروران محترم و استادان عزیزی هستند که ما زحمت داده‌ایم و سومین جلسه شورای مشورتی را در خدمت‌شان هستیم. البته ما برای برخی از استادان گرامی هم دعوت‌نامه تقدیم می‌کنیم ولی توفیق دیدارشان را نداریم. بی‌تردید به دلیل مشکلات و اشتغالات متعددی که دارند این توفیق برای ما حاصل شده است. اما من در همین جا می‌خواهم از فرصت بهره‌برداری کنم و مجدداً از استادان گرامی تقاضا کنم که تشریف‌فرما شوند تا ما از قبل از مباحث و هم‌اندیشی‌ها با ایشان به یک راهبردهای اثربخش و کارگشا برسیم. الان که ما در یک مرحله‌ی تحولی در سازمان پژوهش قرار داریم، یکی از مسائلی که باید جایگاهش از جهت مفهومی و از جهت نرم‌افزاری در برنامه‌های درسی معلوم شود، همین معارف انقلاب اسلامی در برنامه‌های درسی است. برنامه‌های درسی ما متعدد و گوناگون است و طبیعتاً مباحثی که مطرح می‌شود یک مرتبه دیگری باید روی آن تأمل شود و آن این است که این مباحث انقلاب اسلامی در هر یک از حوزه‌های تربیت و یادگیری چگونه باید استقرار پیدا کنند، که البته آن بحث کارشناسی بعدی را به طور طبیعی تشکیل خواهد داد.

حجه الاسلام محمدرضا فلاح شیروانی: انقلاب اسلامی یک امکان است

در ادامه حجت الاسلام دکتر محمدرضا فلاح استاد حوزه علمیه قم در شروع سخنان خود گفت: معماران حیات نوین ما بیشتر علاقه دارند که انقلاب اسلامی را به‌عنوان یک سخن نو معرفی

کنند، نه صرفاً یک حرکت مقتدر. البته دومی هم بوده است، هم برای مردم خودمان و هم برای مردم منطقه و جهان بشری. این خیلی پدیده‌ی مغفول و مجهولی نیست. اما امثال حضرت امام (ره) و نخبگان از جمله حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی را به‌عنوان یک سخن نو و جدید که کهنه‌گی کلیشه‌های رایج در جهان چند دهه پیش بشری را به نمایش گذاشت و اثبات کرد، معرفی فرمودند.

به نظر می‌رسد رسالت جمع‌های فکری اسلامی و انقلابی این است که تصویر روشنی از چهره‌ی این سخن نو به جامعه ارائه بدهند و به همین جهت هم ارزش امثال این جلسه خیلی بالا می‌رود تا همه با همدیگر تلاش کنند که بشود خطوطی از این چهره عزیز و اثرگذار را ترسیم کرد. برداشت من از انقلاب اسلامی این است که گذشته از تمام فراز و فرودهایی که داشته، یک امکان است. امکان اندیشیدن، امکان دریدن تمام کرانه‌ها و نسل‌هایی که برای ما محدودیت پدید آورده و ما را تحقیر کرده و ما را کوچک نگه داشته و دسترسی‌های ما را کم کرده است. فکر می‌کنم من و امثال بنده شیفته‌ی این نکته در انقلاب اسلامی هستیم، نه امکان حکومت، مملکت‌داری و در گوشه‌ای از این کره خاکی حکم راندن. ما براساس امکانی که به آن اشاره داشتیم می‌توانیم فردای باشکوهی را رقم بزنیم و از تمام ظرفیت‌های این شعور مترقی که کشور ما را از بی‌هدفی نجات داد، استفاده کنیم. البته از هر شعور دیگری که می‌تواند این خدمت را بکند هم دریغ نکنیم.

ما به یک آرمان احتیاج داریم

ما واقعاً به سمت فردای عجیبی در حال حرکت هستیم. واقعاً هیچ چیز شوخی نیست. خود ما هم با این موضوع شوخی نداریم. ما درباره‌ی آینده بشر اندیشه داریم. ما حتی درباره‌ی فرآیند راهبردی رسیدن به این آینده هم خالی‌الذهن نیستیم. بنابراین بدون تعارف پیشنهاد می‌کنم که این جمع و امثال این جمع با یک ایده‌ای از فردای شکفته‌ی بشری کنار میزهای محتوا و تألیف بنشینند. چیزی از آن نقطه درست و دلکش را باید در دست خود داشته باشند و امروز را آن نقطه باید به سمت خودش بکشد. فردا، نقطه تعادل و تکامل است و این نقطه حق دارد درباره بشر سخن بگوید.

ما به یک آرمان احتیاج داریم و آرمان باید حضور محتشمی داشته باشد. عبارت فنی‌اش این است که معماری حیات بشر به «نظریه سعادت» احتیاج دارد. معمولاً مکاتب بشری که قصد تمدن‌سازی دارند به این باب ورود می‌کنند و حتماً باید در باب سعادت نظریه ارائه کنند و یک فردای زیبا و یک وضع خواستنی را برای بشر تصویر کنند. برخی از مکاتب به خصوص دغدغه داشتند که کرامت

انسانی را در این تصویر تأمین کنند. البته ما حرف‌مان این است که این‌ها هنوز نتوانسته‌اند این کار را انجام بدهند. به هر صورت ما برای اینکه بشود باید یا نبایدی را تصویر کرد به این نظریه سعادت نیاز داریم.

امام خمینی (ره) جزو معدود کسانی هستند که در حوزه‌ی ترسیم سعادت بشر، مقدمات نظری و ذهنی‌شان در یک حد بی‌رقیبی است. این واقعاً جزو توانمندی‌های ابزارهای مفهومی است که دست امثال حضرت امام است و می‌توانند چنین چیزی را ترسیم کنند. البته مسئله بیش از این‌ها است. یعنی صرفاً نقاشی و امثال این‌ها نیست. ما وقتی به مکاتب انسان‌گرا که دم از شکوفایی بی‌نهایت بشریت می‌زنند نگاه می‌کنیم، پی می‌بریم که بی‌نهایت آن‌ها در برابر شکفته‌گی که مکتب امام ره ترسیم می‌کند، بیشتر شبیه یک نقاشی تار است. بیشتر شبیه بی‌وزنی است. امثال امام واقعاً انسان را ممکن الاطلاق و بی‌نهایت واقعی می‌دانند، اما این در مکاتب بشری اتفاق نمی‌افتد. به همین جهت "زیارت جامعه" که ترسیم انسان کامل در آن است برای حضرت امام منبع یک فهم تمدن‌گرا است.

مکتب امام کارآمدی خود را نشان داده است

دکتر فلاح درباره نگاه غربی‌ها نسبت به انسان و حیات بشری گفت: از آن طرف یک ادعای وضع شکوفا و ادعای کرامت انسانی مطرح است که به صورت پتک بر سر ما کوفته می‌شود، اما واقعیت چیز دیگری است و فقط کافی است به خروجی‌شان نگاه کنید. در خروجی آن‌ها، انسان در یک جهان بی‌معناست، نه هدفی دارد، نه شعوری پشت این جهان وجود دارد، نه خدای قادر و متعالی بالای سرش است، نه شور و سروری در دل این هستی دمیده، نه اجزای آن ربط واقعی به هم دارند و نه این اجزا درکی از هم دارند و نه از تولد و نه از مرگ می‌شود توجیه قابل قبولی داشت. در این خرابه‌ی بدبختی، حالا انسان کدخداست. این مثل به این می‌ماند که آدم را از یک کاخ بیرون بکشند و به یک خرابه ببرند و بگویند شما در اینجا پادشاه هستید. این ترسیم خود بیچارگی و فلاکت بشر است.

بنده به مکتب امام اشاره کردم که یک زندگی و حیات نوین را برای ما رقم زده است. بنده یک تصویری از این حیات نوین را ارائه کردم اما تصویر از آن چیزی که ارائه شد خیلی مفصل‌تر و هیجان‌انگیزتر است. مکتب امام کارآمدی خودش را نشان داده است. تعلیماتی را به بشر داده و یک کشور را از زیر چکمه‌ی استکبار بیرون کشیده و به جامعه خود آرزوها و آرمان‌هایی داده است. البته

ما در این زمینه نقص‌هایی داریم که نقص‌های خیلی جدی است اما بالأخره این ملت را گرم کرده و آن وزن را به لحاظ معیارهای پیشرفت جابجا کرده است.

شما اگر بخواهید تمدن‌سازی کنید به نظریه سعادت احتیاج دارید. ما درحوزه‌ی نظریه سعادت اندیشه داریم. اندیشه‌ای که حکمت، عرفان، تجربه‌های روی زمین تاریخ ایران اسلامی و قرآن هم آن را پشتیبانی می‌کند. چرا ما باید این همه پشتیبانی و عقلانیت و این همه تجربه را کنار بگذاریم؟ چرا باید این اتمسفر را کنار بگذاریم؟ عرض من این است که ما باید با دارایی‌های معرفتی خودمان یک آرمان ترسیم کنیم. این یکی از بایدهایی است که متفکرین جامعه اسلامی امروز با آن مواجه‌اند. باید آستین‌ها را بالا بزنند و برای این کشور یک آرمان درست کنند. ما در این زمینه نظریه داریم و می‌توانیم آن را خیلی بهتر کنیم. طبیعتاً این‌ها بعداً در نهاد تعلیم و تربیت منعکس می‌شود.

ما از زاویه نظریه سعادت پر از سخن هستیم

حجت‌الاسلام فلاح یادآور شد: یکی از اشکالاتی که تحصیل در دوران دانش‌آموزی دارد و بخشی از آن هم مربوط به کتاب‌های درسی است و باید آن را برطرف کنیم، این است که ما یک آرمان باشکوه به جوانان مان نمی‌دهیم. انصافاً این کار را نمی‌کنیم. باید کاری کنیم که جوان احساس کند برای او یک فردای خواستنی تصویر کرده‌اند. ما حتی قبل از دوران مدرسه و بعد در زمان دبستان باید روی این آرمان کار کنیم تا دانش‌آموزان پس از دوران تحصیل در مدرسه به این آرمان باشکوه برسند. حرف من این است که ما از زاویه نظریه سعادت و از زاویه آرمان بشر پر از سخن هستیم، سخنی که با جهان غرب تحدی می‌کند. واقعاً اندیشمندان ما باید در این کار تلاش کنند و عرق بریزند تا آرمان خواستنی و قابل دفاعی درست کنیم و آن را وارد خون جوان‌ها کنیم.

بنده فقط به یکی از رگه‌های مکتب امام ورود کردم. احساس کردم اگر فقط به یک رگه ورود کنم شاید بحث ملموس‌تر باشد و حتی پیشنهاد می‌کنم که به همین یک رگه رسیدگی بیشتری کنیم. رگه‌ها و حوزه‌های دیگر را هم می‌شود مثال زد. حوزه‌های دیگری که امام در آن‌جاها حتی در حد مکتوبات وارد می‌شود. بماند که امام خمینی چقدر حرف زده و چقدر عمل کرده است و بعد حضرت آقا، به‌عنوان یکی از شاگردان باهوش و جامع‌النظر در نزد ایشان چقدر کار کرده است و البته نخبگان دیگر. فلذا ما یک منبع پر و غنی داریم.

گذشته از آنچه که در دفتر اندیشه ما می‌گذرد، روی زمین هم غنی هستیم. انقلاب الآن یک حقیقت توفنده و پرسخن است و ما باید آن را روایت کنیم.

عسگر ملکی بیرجندی: مغفول ماندن برخی مفاهیم و کلیدواژه‌ها در برنامه درسی

در ادامه عسگر ملکی بیرجندی خطاب به حجت الاسلام فلاح گفت: صحبت‌های جامعی را مطرح کردید و به همان شکل که فرمودید باید عمل کرد. ما دست‌مان پر است و باید هم خودمان باور کنیم و هم بتوانیم باورمان را به شیوه‌ی زیبا، جذاب و خواستنی در خون بچه‌ها منتقل کنیم. اینکه چرا این بحث امروز پس از ۴۰ سال مطرح می‌شود یک سوالی است که باید از خودمان بپرسیم. این یک بحث به شدت واضح، ضروری، منطقی و اولیه است ولی ما آن را چرا الآن مطرح می‌کنیم؟ حضرت آقا سال گذشته مطالبه‌ای را مطرح کردند و ما امروز نیاز به بازنگری در خودمان داریم که نظام آموزشی در این ۴۰ و چند سال چه کرده است که حالا مخاطب این مطالبه واقع شده؟ در این سال‌ها یک تغییراتی در همین راستا در محتوای نظام آموزشی صورت گرفته است که من به بخشی از آن اشاره خواهم کرد، اما قبل از آن به یک دسته از مفاهیم عمده و روندهایی که از آن‌ها غفلت کرده‌ایم خواهیم پرداخت.

برخی مفاهیم و کلیدواژه‌ها وجود دارند که ما در محتوای آموزشی کتاب‌های درسی‌مان رد پای چندانی از آن‌ها پیدا نمی‌کنیم. یکی از این کلیدواژه‌ها "عدالت" است. گفتمان عدالت در برنامه‌های درسی ما رنگ و بویی ندارد. ما گفتمان انقلاب اسلامی و "گفتمان پیشرفت" در کتاب‌های درسی‌مان نداریم. ما در طراحی نظام آموزشی بیشتر تک واژه و کلیدواژه را هم‌معنا می‌کنیم و برنامه‌های درسی ما تلاشی برای گفتمان‌سازی ندارند. چه بسا نظام برنامه درسی ما و ادبیاتی که برنامه‌ریزی درسی در کشور ما دارد به ما راهنمایی نمی‌کند و خودش فاقد این قابلیت است که بتواند طراحان برنامه‌های درسی را به گفتمان‌سازی قادر و توانا کند.

"مردم‌سالاری دینی"، "استقلال" و لزوم "تشکیل حکومت اسلامی و دینی" از دیگر کلیدواژه‌هایی است که در کتب درسی ما تا حدی مغفول واقع مانده‌اند. ما در کتاب‌مان می‌گوییم حکومت دینی، حکومتی است که احکام الهی در آن اجرا شود. این تنها تعریفی است که یا در قالب یک جمله یا نهایتاً در قالب یک پاراگراف به آن پرداخته شده است. بچه‌های ما با ضرورت تشکیل حکومت دینی آشنا نمی‌شوند. "گفتمان پیشرفت" یک کلیدواژه دیگر است. آینده انقلاب اسلامی چگونه خواهد بود و ما می‌خواهیم به کجا برویم؟ باور رهبر معظم انقلاب این است که آینده انقلاب اسلامی آینده روشنی است که نسل بعد از ما خواهند دید. اما این در برنامه‌های درسی ما برای نسل آینده تصویر نمی‌شود.

دستاوردهای انقلاب اسلامی مثل بسیج، مدیریت جهادی، روحیه جهادی، فرهنگ جهادی، نظریه مقاومت، دولت مقاومت، تقوای اجتماعی، جهاد کبیر، تمدن نوین اسلامی، عقلانیت و انقلاب، شناسایی پایه‌های هویتی، شاخص‌های انقلابی‌گری، فرهنگ "ما می‌توانیم" و قوی شدن، مفهوم انتظار، نگاه دین به علم و مفاهیمی مثل دشمن‌شناسی، استکبار، بیداری جهان اسلام و فلسطین برخی دیگر از کلیدواژه‌هایی است که با انقلاب همراه است و ما یا به آن‌ها نپرداخته‌ایم و یا می‌توانیم به صورت مفصل‌تر و جامع‌تر به آن‌ها پردازیم و آن‌ها را برای بچه‌ها به خوبی تصویر و مفهوم کنیم.

ما نمی‌توانیم بگوییم که تا الآن معارف انقلاب اسلامی را در کتاب‌ها نداشته‌ایم. ما داشته‌ایم، اما ما این‌ها را یا از سر غفلت و یا از سر هدایت ناخواسته، تراکمی مطرح کرده‌ایم. عمدتاً در دو درس آمادگی‌های دفاعی و کتاب‌های استان‌شناسی به این موضوع پرداخته‌ایم. البته در کتاب دینی، فارسی و ادبیات ما هم به این مفهوم پرداخته شده است ولی در کل این دو کتاب بستری شده‌اند برای پرداختن به معارف انقلاب اسلامی.

نکته دیگر استفاده از هنر در طرح معارف انقلاب اسلامی است. آقای فلاح از عبارت خواستنی شدن و شیرین شدن استفاده کردند. این تأمل وجود دارد که ما از ابزار هنر چقدر استفاده کنیم؟ نکته بعد رویکرد تلفیقی است و نه انضمامی. ما الآن پشت کتاب‌های درسی عکس حاج قاسم را می‌گذاریم یا یک جمله از حضرت آقا یا یکی از شهدا را می‌نویسیم، اما این باید در دل متن و به صورت تلفیقی و نه انضمامی باید بیاید. ما این هنر را زیاد به خرج نداده‌ایم.

دکتر حسن ملکی رئیس سازمان : تأکید دکتر ملکی بر تئوری‌سازی و نظریه‌پردازی

نحوه ورود جناب آقای فلاح به بحث معارف انقلاب اسلامی و برنامه‌های درسی، فرآیند مطالبی که مطرح کردند، نوع چینش فرازهای گوناگونی که انتخاب کرده بودند و تأملات بین راه که داشتند، حقیقتاً آموزنده بود.

در این سه جلسه گذشته معلوم شده که برخی از استادان گرامی از سر صدق، لطف و طبع بلند خود بنا دارند به ما کمک کنند و حضرت آقای فلاح هم از جمله این شخصیت‌ها است که بنده به‌عنوان مسوول سازمان صمیمانه از ایشان تشکر می‌کنم.

تلقى بنده از فرمایشاتی که آقای فلاح ارائه کردند این است که در واقع تلاش کردند یک نگاه مشابه یا الهام گرفته از بیانیه گام دوم حضرت آقا را به ما تبیین بفرمایند که بسیار هم تبیین خوبی از بخش‌هایی از این بیانیه بود. تعبیر من این است که آقای فلاح تلاش کردند تا این را بفرمایند که پدیده‌ی انقلاب اسلامی ایران صرفاً یک رویدادی نبود که در بخشی از تاریخ زندگی این ملت اتفاق بیافتد و در تقویم سالانه ما هم روز پیروزی انقلاب ذکر شود و بعد فقط تبدیل به تاریخ و تقویم زمانی شود.

باید مراقب باشیم این انقلاب از حالت انقلابی بودن و از حالت ساختن فرداهای دیگر و از وضع تبیین و ترسیم راه نو در پیش پای بشریت فاصله نگیرد. ما خودمان را باید از این بر حذر داریم و تحلیل‌ها و تبیین‌های ما هم باید در این جهت حرکت کند. ما ظرفیت انقلاب اسلامی را باید به‌عنوان یک نقشه‌ی تمدن‌ساز به خاطر داشته باشیم و تبیین کنیم، منتها این ادعای درست استلزاماتی دارد. طبق فرمایش آقای فلاح حداقل یکی از استلزامات این است که ما باید تئوری‌پردازی کنیم. یعنی با الهام با این پدیده نوظهور در دنیا و عصر امروز که مسیر تاریخ را به مقدار زیادی تغییر داد، نظریه‌پردازی کنیم. بدون نظریه‌پردازی نمی‌توانیم الگوهای عمل را به دست بیاوریم.

آقای فلاح به یکی از این تئوری‌ها به درستی اشاره فرمودند که تئوری سعادت است، اما تئوری‌های دیگری هم وجود دارد. شاید ما به مجموعه تئوری‌های هماهنگ و مجموعه تئوری‌هایی که مجموعاً یک نرم‌افزار برای ساختن تمدن اسلامی و ایرانی برای آینده امکان‌پذیر کنند، احتیاج داریم. در واقع اگر از ما سوال کنند که برای تمدن‌سازی بر پایه انقلاب اسلامی ایران به کدام نقشه راه نیاز داریم، در دل آن نقشه تئوری‌هایی باید خودش را نشان بدهد چون مأموریت بزرگ و عظیم است. بنابراین تئوری‌پردازی در عرصه‌های گوناگون از جمله سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیت، مسائل امنیتی و مسائل دیگر، حقیقتی است که نمی‌شود ضرورتش را منکر شد.

این را هم فراموش نکنیم که ما باید خودمان را برای مقابله با تمدن تک بعدی و صرفاً مادی غرب آماده کنیم. این مأموریت بزرگی است که انقلاب اسلامی ایران به ما تعلیم داد و الآن در افکار و اندیشه‌های نخبگان کشور به حق مطرح است و آن مأموریت این است که ما می‌خواهیم تحدی تمدنی کنیم. البته این کلمه و واژه را خود بنده مسوولیش را به عهده می‌گیرم. حالا آیا استلزاماتش را داریم که تحدی تمدنی کنیم؟ اگر بعضی جاها استلزاماتش را نداریم یعنی ممکن است ما در یک خلأهایی به سر ببریم، باید در فکر تهیه آن استلزامات باشیم. آن استلزامات هم ممکن است ابعاد تربیتی، مدیریتی، سیاسی یا اقتصادی داشته باشند. در مجموع ما برای تمدن‌سازی نیازمند استلزاماتی هستیم.

ما برای اینکه این راه را در عرصه‌ی تعلیم و تربیت آغاز کنیم، باید در ذهن و وجود دانش‌آموزان آرمان‌سازی کنیم. اینجاست که نقطه‌ی اتصال تعلیم و تربیت و مباحث مربوط به انقلاب اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک بذر، بحث شود و فعالیت پیدا کند و از دل این بذر شاخ و برگ‌ها و درختان و شکوفه‌های متعددی قابل رویاندن و قابل رویش است. ما باید بتوانیم بر پایه‌ی انقلاب اسلامی ایران و با رویکرد تمدن اسلامی ایرانی در ذهن دانش‌آموزان آرمانی را ترسیم کنیم، به گونه‌ای که برای حرکت به سوی آن آرمان سر از پا نشناسند و تشنه باشند. البته این کار ساده‌ای نیست.

آنجایی که معارف انقلاب اسلامی می‌خواهد با تربیت پیوند بخورد، ظریف‌ترین و حساس‌ترین کار است. من اعتقاد دارم که اتصال معارف انقلاب اسلامی با امر سیاست، اقتصاد و امور دیگر، سهل‌تر منعقد می‌شود، تا زمانی که ما می‌خواهیم این معارف را متصل به بحث تعلیم و تربیت کنیم. اینجا سلسله اعصاب ظریفی وجود دارد که باید با آرامش تمام کنکاش شود. مبادا عصبی بریده شود. مبادا دچار یک حالات و دچار یک شرایطی بشویم که اثر منفی هم بگذارد. اینجا حساسیت‌ها بالاست و عرصه، عرصه تربیت است. عرصه تربیت به متخصصان باحوصله، متعهد و پا به رکاب نیاز دارد.

تقاضا می‌کنم اساتید گرامی عنایت داشته باشند که موضوع بحث ما نه معارف انقلاب به تنهایی است و نه برنامه درسی به تنهایی؛ موضوع بحث ما ارتباط بین معارف انقلاب و برنامه‌های درسی است. ما باید این پیوند را بزنیم. باید این ارتباط را برقرار کنیم. حالا به خاطر اینکه این ارتباط برقرار شود بنده ۱۱ سوال مطرح می‌کنم. به نظر بنده رسید که باید به چند سوال پاسخ بدهیم که فکر می‌کنم اگر این سوال‌ها مقبول بیافتد می‌توان در جلسه شورای مشورتی سازمان این محورها را دنبال کرد:

۱- سوال اول این است که ما چه تعریفی از معارف انقلاب اسلامی ایران داریم؟ وقتی معارف انقلاب را مطرح می‌کنیم مراد ما از آن چیست؟ معنای این سوال این نیست که موضوع برای ما نامعلوم است. به طور طبیعی هر کدام از ما در پاسخ به این سوال توضیحاتی داریم، اما در اینجا مراد بنده تعیین بخشی تربیتی است. سوال را از این منظر باید پاسخ بدهیم که معارف انقلاب اسلامی در عرصه‌ی تعلیم و تربیت چه معنایی پیدا می‌کند؟ چه هندسه‌ای دارد؟ همین سوال را می‌توان در وزارت امور خارجه و سایر وزارتخانه‌ها هم مطرح کرد ولی ما می‌خواهیم این سوال را در عرصه‌ی تعلیم و تربیت مفهوم‌شناسی کنیم. معنای معارف انقلاب اسلامی در این جغرافیا چیست؟

۲- سوال دوم که به نوعی می‌تواند مکمل سوال اول تلقی شود ولی عین آن سوال نیست، این است که معارف انقلاب اسلامی شامل کدام قلمروهای قابل بررسی است؟ کدام قلمروها را در بر می‌گیرد؟ جای تأمل دارد.

۳- سوال سوم این است که اگر بخواهیم معارف انقلاب اسلامی را در یک شبکه‌ی مفهومی نشان بدهیم چه تصویری از معارف انقلاب اسلامی قابل ارائه است؟ یعنی قرار باشد در معارف انقلاب اسلامی اصطلاحاً شبکه‌پردازی کنیم و بگوییم مفاهیم کلان در این بحث این‌ها هستند و مفاهیم جزئی‌تر هم این‌ها هستند. در واقع شبکه مفهومی نشان بدهیم. این شبکه‌ی مفهومی است که می‌تواند با شبکه مفهومی مناسبات تربیتی و یادگیری ما جای خودش را باز کند. متناسب‌سازی شود و کار آسان‌تر شود.

۴- سوال چهارم این است محدودیت‌های ما در طرح معارف انقلاب اسلامی در کتاب‌ها و برنامه‌های درسی کدام هستند؟ افراد ذی‌ربط باید این سوال‌ها را پاسخ بدهند و برخی را هم باید ما کمک کنیم و پاسخ بدهیم. من اعتقاد دارم آقای فلاح برای پاسخ به این سوال هم نکاتی را خواهند داشت. عرصه‌ی تعلیم و تربیت یک گستره ملی است. در هر خانه‌ای دانش‌آموز و دانشجو وجود دارد و درس می‌خوانند. یعنی همه ما در دریای تعلیم و تربیت هستیم. حالا برخی غواصی می‌کنند و برخی بر روی قایق‌ها سوار هستند و تماشا می‌کنند. یک عده هم ساحل‌نشین هستند ولی اوضاع را می‌بینند و می‌توانند به این سوال پاسخ بدهند.

۵- سوال پنجم این است که کدام بحث یا مباحث در مجموعه معارف انقلاب اسلامی حکم پیشران و لوکوموتیو را دارند که اگر آن‌ها یاد گرفته شوند سایر مطالب به دنبال آن‌ها می‌آیند؟ آیا در بحث معارف انقلاب اسلامی می‌توانیم یکی دو نفر پیشران معرفی کنیم؟ آیا در جغرافیای مفهومی معارف انقلاب اسلامی می‌توان دنبال پیشران گشت یا اینکه ما باید همه را یکجا ببینیم؟

۶- سوال ششم این است که معارف انقلاب اسلامی باید به چه زبانی طرح شود تا نافذ شود؟ شما در قرآن که پیام الهی است و مستقیماً از سوی خداوند متعال برای هدایت بشر نازل شده است ملاحظه می‌فرمایید که خدای قهار، مالک و علیم و خدایی که همه چیز در هستی ملک اوست، چطور با بندگان خودش حرف می‌زند. ما از شما بزرگواران و علمای گرانقدر آموخته‌ایم. یک عده آمده‌اند در بعد هنری و زیبایی‌شناختی قرآن کار کرده‌اند.

یعنی خداوند متعال در قرآن با بندگان خودش متناسب به ذائقه‌ی آن‌ها حرف می‌زند. در بیان معارف انقلاب اسلامی باید ذائقه‌شناسی کرد. اینجاست که باید از هنرشناس‌ها و افراد نویسنده خاص استفاده کرد. مثلاً بنده فکر می‌کنم اگر معارف انقلاب را بخواهیم در دوره‌ی ابتدایی مطرح کنیم باید به سراغ نویسندگان مطرح حوزه کودک برویم. ما در مطالبی که مطرح می‌کنیم ممکن است به جای غذا به کودک مواد اولیه بدهیم و او را مریض کنیم. بنابراین باید مراقب باشیم. برای پاسخ به این سوال باید از نویسندگان متعهد ادبیات کودک بخواهیم که به ما جواب بدهند. معارف انقلاب اسلامی باید به چه زبانی ارائه شود که در کام کودک و نوجوان نافذ باشد. کامی که دشمنان ما قبلاً بر آن چیزهایی ریخته‌اند. فراموش نکنید ما درباره‌ی فضای مجازی صحبت می‌کنیم و می‌دانیم فضای مجازی چه کار کرده و چه کار می‌کند. ما در این بحث معارف انقلاب اسلامی نمی‌توانیم از ضایعاتی که از این منظر متوجه ما است غفلت کنیم.

۷- سوال هفتم این است که استقرار معارف انقلاب اسلامی در هر یک از برنامه‌های درسی چه وضعی پیدا می‌کند؟ ما وقتی از معارف انقلاب اسلامی و برنامه‌های درسی حرف می‌زنیم علوم، ریاضی و ادبیات و درس‌های دیگر هم مدنظر ما است ولی نکته‌ی ظریف اینجاست که مهمانی به نام معارف انقلاب اسلامی چه نسبتی با میزبان‌ش باید برقرار کند تا میزبان پذیرایی و مهمان‌نوازی کند. می‌خواهم عرض کنم اگر مسئله ساده‌ای بود تا الآن انجام می‌شد. ما کارهایی در این زمینه انجام داده‌ایم ولی بنده به عنوان مسوول سازمان راضی نیستم و دلم آرام نیست.

۸- سوال هشتم این است که معارف انقلاب اسلامی در یک رویکرد تطبیقی باید با چه معارفی مقایسه شود تا قد بلندش فهمانده شود. قد یک انسان بلند قد، زمانی نمایان می‌شود که در کنار یک کوتاه قد قرار بگیرد. ما باید قد بلند انقلاب اسلامی ایران را در کنار کوتاه‌قدها نشان بدهیم و از اینکه یک بلند قد در کنار کوتاه قد قرار بگیرد نهراسیم. بگذارید مقام رفیع و قامت استوار انقلاب اسلامی نشان داده شود ولی با کدام روش تطبیقی؟ چه مقایسه‌ای باید انجام بگیرد که بلندی قامت انقلاب اسلامی ایران برای یک کودک ۱۰ ساله رخ بنماید؟

۹- سوال نهم این است که معلم‌ها باید در ترویج و تقویت معارف انقلاب اسلامی ایران چه نقشی ایفا کنند؟ ما معارف انقلاب اسلامی را متصل به معلم معنا می‌کنیم. من معتقدم

که برنامه درسی یک الصاقی ذاتی دارد و آن معلم است. به قدری بدیهی است که اگر نگوییم هم وجود دارد. مگر بدون مربی می‌تواند آرمان‌خواهی را در وجود کودک زنده کرد. آیا نوشته‌ها می‌توانند کاری کنند؟

۱۰- سوال دهم این است که مجموعه دستگاه‌های فرهنگی تربیتی در یک هم طرازی با نظام تعلیم و تربیت رسمی چه رسالتی دارند؟ اکنون این هم‌آوایی و هم طرازی چگونه تحلیل می‌شود؟ بنده فکر می‌کنم در این برنامه‌های تحولی که در سازمان دنبال می‌کنیم از لوازم توفیقات تحولی این است که دستگاه‌های تربیتی و فرهنگی با همدیگر آشتی کنند. منظورم آشتی صوری و ظاهری نیست. با هم دعوایی نکرده‌اند ولی با هم فرق مفهومی و تربیتی ندارند. آموزش و پرورش و صداوسیما هیچ‌وقت نشست‌اند به طور جدی در این خصوص بیان‌دیشند که در کجاها باید به هم پیوند بخورند؟ اگر پیوند نخورند پیام هردو، زمین می‌ماند و قربانی می‌شود. نباید بگذاریم نقاط تلاقی زیاد شود. نقطه‌های تلاقی را دستگاه‌های فرهنگی تربیتی نامتوازن و ناهمراه ایجاد می‌کنند.

۱۱- سوال پایانی هم این است که برای صیانت از معارف انقلاب اسلامی و پیشگیری از تحریف، تخریب و تضعیف آن‌ها باید چگونه عمل کنیم؟

همان‌طور که مستحضر هستید تحریف‌گران و مخربان آرام ننشسته‌اند و هر از گاهی سر و کله‌شان در قالب نوشته‌ها و فیلم پیدا می‌شود. ما باید از معارف انقلاب اسلامی صیانت کنیم. منتها نه صیانت مکانیکی، بلکه صیانت پویا و صیانتی که با زایش و رویش همراه باشد. ما اگر بتوانیم در این مدار حرکت کنیم در مسیر تمدن اسلامی ایرانی هستیم.

بنده پیشنهاد می‌کنم که سروران محترم این سوالات را نقد و اصلاح کنند تا در نهایت به چند سوال شسته رفته که در آن اجماع داریم؛ برسیم و هر جلسه به یکی دو سوال پاسخ بدهیم. مثلاً بگویید حاضریم سوال چهارم شما را همراه با الگوی عمل پاسخ بدهیم. ممکن است برخی از سوال‌ها را خود بنده عهده‌دار شوم و سایر سوالات را دوستان پاسخ بدهند. می‌خواهم بگویم اگر بدون سوال وارد این وادی شویم بعید است به جایی برسیم.

حجت الاسلام دکتر فلاح شیروانی:

حضرت آقا در ابتدای بیانیه گام دوم یک بیانی داشتند و البته بعدها هم توضیح دادند و گفتند من کم درباره انقلابها مطالعه نکرده‌ام. ایشان می‌فرمایند من هیچ انقلابی را سراغ ندارم که توانسته باشد آرمان‌های خودش را حفظ کند و ارزش خودش را از دست ندهد. این نکته قابل توجهی است که خدا را شکر ما هنوز داریم به همان حرف‌های ۶۰ سال پیش فکر می‌کنیم و هنوز هم از همان مبانی تغذیه می‌کنیم.

من فکر می‌کنم آن قدر این قضیه دارد خوب و تمیز اتفاق می‌افتد که برای ما عادی جلوه می‌کند، در صورتی که عادی نیست. در عین حال چیزی که روشن است این است که باید غنیمت شمرد و استفاده کرد. ورود آقای دکتر ملکی هم ورد بسیار خوبی بود و این بحث را پیگیری کردند. ان شاء الله بتوانیم از فرصت‌ها استفاده کنیم و وظیفه‌مان را هم انجام بدهیم.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

ابلاغ پیام

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

به سازمان پژوهش

و برنامه ریزی

آموزشی



شورای هماهنگی اقدامات تحولی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی روز شنبه ۱۸ بهمن با موضوع ابلاغ پیام مقام معظم رهبری به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی توسط ریاست این سازمان در جمع مدیران و کارشناسان برگزار شد.

در شروع این نشست دکتر حسن ملکی ضمن گرامیداشت فرا رسیدن دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی با اشاره به پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به سازمان پژوهش بیان کرد: یک مبارکی دیگر با عنایت و ابلاغ پیام مقام معظم رهبری برای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی رقم خورد و دهه فجر ما را امسال مبارک‌تر کرد و آن پیام تشکری است که از سوی حضرت آقا در یک عبارت امیدبخش و حکیمانه به سازمان پژوهش واصل شده است. بنده گزارشی از فعالیت‌های سازمان را به حضرت آقا تقدیم کردم که ایشان ملاحظه فرمودند و پیامی را به سازمان پژوهش مرحمت فرمودند. این لطف و عنایت ایشان در دهه فجر امسال شامل حال سازمان پژوهش شده است.

معاون وزیر آموزش و پرورش اظهار داشت: من دریغم آمد که این پیام را در جمع همکاران سازمان پژوهش و بعد در جمع شورای معاونان وزارتخانه طرح نمایم و از شعاع معنوی این پیام احیاناً بی بهره بمانیم. به همین دلیل تقاضا کردم برنامه‌های پیش‌بینی شده را کنار بگذاریم و جلسه شورای هماهنگی امروز را تشکیل دهیم و قدری در این باره با هم حرف بزنیم و مشترکاً سپاس‌گذار فرمان امام خود حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای باشیم.

رئیس سازمان پژوهش گفت: این پیام با امضاء رئیس دفتر محترم مقام معظم رهبری، جناب آقای محمدی گلپایگانی به بنده رسیده است. در متن این پیام از قول مقام معظم رهبری آمده است: "از برنامه‌ریزی‌ها تشکر شود. کار با آماده‌سازی برنامه پایان نمی‌یابد، گام‌های عملی و پیگیری دائمی لازم است که ان شاء الله در آن موفق باشید."

واژه واژه پیام رهبر انقلاب توتیای چشم ما است

دکتر ملکی درباره متن پیام رهبر انقلاب بیان کرد: واژه واژه این متن توتیای چشم ما است و معانی و مفاد شفاف و روشن آن قوت قلب همه‌ی ما است. حضرت آقا پیشتر سازمان پژوهش را قلب آموزش و پرورش نام‌گذاری کرده‌اند. پیام امروز ایشان نسبت به سازمان پژوهش گویی قلب آموزش و پرورش را قوت دیگری بخشید و همه ما را در راه برداشتن قدم‌های قوی و محکم، مصمم‌تر و با اراده‌تر کرد. ما همان راه و قدم‌هایی که با شما همکاران گرامی در مدار تحول آغاز کرده بودیم را با گام‌های عملی، آن‌گونه که در متن خود پیام کوتاه آمده است، ان شاء الله برخواهیم داشت.

سه کلیدواژه مهم در پیام رهبر انقلاب

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی خاطر نشان کرد: در متن پیام مقام معظم رهبری سه کلیدواژه وجود دارد که لازم است روی این سه کلیدواژه قدری تأمل کنیم تا ببینیم از این به بعد تکلیف ما چیست. یک کلیدواژه مسئله تشکر است که ایشان کریمانه از سازمان پژوهش تشکر فرموده‌اند. این تشکر برای ما بسیار بسیار ارزش و در عین حال تعهدآور است. ما باید برای پاسخ به این تشکر گام‌های مؤثر و مفیدی در روند تحول برنامه‌های درسی برداریم تا زمانی که ان شاء الله در آینده توفیق دیدار و زیارت حضرت آقا را به دست بیاوریم با گزارش ما ایشان احساس کنند که تحول در بخشی از عرصه و میدان تحول عملاً رخ داده است.

ملکی ادامه داد: کلیدواژه دوم، گام‌های عملی است. در فرمایشات قبلی هم اشاره فرموده بودند که شما باید تحوّل را در عمل محقق کنید. حضرت آقا به بنده و شما همکاران عزیز فرموده‌اند که باید گام‌های عملی بردارید. معلوم می‌شود که صرفاً مشغول شدن به الگوهای نظری مشکل‌گشا نیست. هر چند گام‌های نظری در جای خود دارای اهمیت و اثرگذاری است و باید انجام شود. راهنماهای برنامه‌های درسی که همکاران عزیز ما زحمت کشیده و تدوین کرده‌اند گام‌های نظری مقدماتی و ضروری برای گام‌های عملی است. من یک بخشی از گام‌های نظری را خدمت حضرت آقا گزارش داده بودم و ایشان با ملاحظه این گام‌ها فرموده‌اند گام‌های عملی را بردارید.

وی اضافه کرد: کلیدواژه سوم، پیگیری دائمی است. وقتی گام‌های عملی را برداشتیم نباید متوقف شویم یا سرعت خودمان را کند کنیم. باید خیلی سریع، محکم و پیگیر این قدم‌ها را برداریم تا به آن نقطه‌ای برسیم که احساس کنیم مدارس ما به وسیله برنامه‌های درسی تحولی رنگ و رخ دیگری پیدا کرده‌اند. بر این اساس به نظر می‌رسد که ما باید برای برنامه‌های بعدی مان با شما یک تعیین تکلیف مشخص‌تر، عملی‌تر و مرحله‌بندی شده‌تر و در عین حال زود بازده‌تر داشته باشیم.

تأخیر و تعجیل را کنار بگذاریم

معاون وزیر آموزش و پرورش اظهار داشت: من در پیام حضرت آقا و واژه‌هایی که به کار برده‌اند تأمل می‌کردم. به نظرم رسید که ما در یک چیز باید قبل از همه چیزها تجدیدنظر کنیم. یعنی حداقل سؤالی را مطرح کنیم و به آن سؤال، پاسخ شایسته‌ای بدهیم. آن سؤال این است که اگر بخواهیم لباس تحول را بر قامت دانش‌آموزان این کشور بپوشانیم به کدام برنامه زمان‌بندی احتیاج داریم؟ بعد از آنکه راهنماهای برنامه درسی به اتمام برسد، مراحل بعدی کار ما چیست و چگونه باید حرکت کنیم که مقوله تحول هم به تأخیر نیافتد و هم با تعجیل غیر اصولی مصدوم نشود؟ این مسئله اصلی ما است.

به نظر می‌رسد که ما با یک برنامه‌ریزی عملیاتی دقیق‌تر، باید زمان را قدری کوتاه کنیم. اگر بخواهیم پایه به پایه حرکت کنیم و تدریجاً ما به معنای شمولیت برنامه تحولی بر پایه‌های تحصیلی باشد، نتیجه این نگاه این است که ما لباس تحول را تا ۱۲ یا ۱۴ سال آینده به تن نخواهیم کرد. به نظر می‌رسد که این زمان طولانی است. بنده فکر می‌کنم که ما باید با یک برنامه مدیریتی حساب شده، کنترل شده و زود بازده، برنامه تحولی را زودتر به منصفه ظهور و عمل برسانیم.

درست است که ما الآن در مورد کتاب‌های درسی که وجود دارند می‌توانیم یک اقدامات تحولی

انجام بدهیم ولی کتاب‌های درسی تألیف شده قبلی و موجود را نمی‌توان به طور شایسته صبغه تحولی بخشید چون آن کتاب‌ها با یک ساختار معینی طراحی و تألیف شده‌اند. دست ما خیلی باز نیست که بتوانیم در وضع موجود نگاه تحولی عمیق داشته باشیم. بر این اساس لازم است یک سری اقدامات برای سال آینده و سال‌های بعد در ارتباط با کتاب‌های درسی به عمل آوریم. یکی از آن‌ها کاربردی کردن محتواهاست. به تعبیر دیگر باید محتوای کتاب‌های درسی را به علم نافع نزدیک‌تر کنیم. علمی که در صورت یاد گرفتن بتوانند در زندگی خود مورد استفاده قرار دهند. اقدام دیگر اضافه کردن رمزبینه پاسخ سریع به کتاب‌های درسی است. این کار باعث می‌شود دانش‌آموزان برای توسعه دانش و یادگیری خود به واقعیت‌های افزوده دسترسی داشته باشند. این قبیل کارها را در خصوص کتاب‌های درسی باید انجام بدهیم تا به کارآمدی آن‌ها افزوده شود.

برنامه تحولی را با تأخیر شروع کرده‌ایم ولی نباید با تأخیر به پایان برسانیم

دکتر حسن ملکی در ادامه تأکید کرد: هر چیز خوب و مطلوب در دو حالت آسیب می‌بیند و چه بسا تبدیل شود به یک چیز نامطلوب. حالت اول این است که نابهنگام به آن پرداخته شود. یعنی وقت آن نرسیده باشد و ما به آن بپردازیم. مانند یک میوه نارس که از روی درخت می‌چینیم. حالت دوم این است که یک کار را آنقدر با تأخیر انجام دهیم که دیگر لطف و اثرگذاری خودش را از دست بدهد. مانند همان میوه‌ای که به قدری برسد که از رسیدن افراطی به درد نخورد و از بین برود. هر دو حالت، امور خوب را خراب می‌کند. هم زود هنگام عمل کردن و هم مبتلای به تأخیر شدن. معاون وزیر آموزش و پرورش اظهار داشت: ما برنامه تحولی را نه زود هنگام بلکه با تأخیر شروع کرده‌ایم. کسی نمی‌تواند این را انکار کند. ما سند تحولی مصوب سال ۱۳۹۰ را در سال ۱۳۹۹ مورد توجه قرار داده‌ایم یعنی ۹ سال تأخیر داریم. قبل از آن نگاه تحولی به این معنا مطرح نبوده است. در عین حال پیشینیان زحمات زیادی در جهت اصلاح و بهبود کتاب‌های درسی کشیده و قدم برداشته‌اند که آن در جای خود محفوظ است. به هر صورت ما برنامه‌های تحولی را با تأخیر شروع کرده‌ایم اما نباید با تأخیر به پایان ببریم. برنامه‌ای که آن را با ۷-۸ سال تأخیر آغاز کرده‌ایم نباید دیگر مبتلای به تأخیر شود. همین‌طور مایل نیستیم تعجیل نا روا، ضربه‌زننده و ناصحیح نیز انجام بدهیم بلکه به دنبال این هستیم که به حرکت مان سرعت بدهیم. برای این سرعت باید برنامه عملیاتی زمان‌بندی شده و دقیق داشته باشیم.

در ادامه دکتر حسن ملکی با طرح این سؤال که "چه کار کنیم تا زمان تحول کوتاه شود و لباس تحول در سریع‌ترین زمان به قامت دانش‌آموز پوشانده شود" از همکاران در سازمان پژوهش درخواست کرد نظر خود را در این مورد و نیز درباره پیام کریمانه رهبر معظم انقلاب به سازمان پژوهش بیان کنند.

محبی: پیام رهبر انقلاب سبب آرامش و تحرک بیشتر است

دکتر علی محبی معاون برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری، پیام رهبر انقلاب به سازمان پژوهش را تبریک گفت و بیان کرد: پیام حضرت آقا و تشکر معظم له هم سبب آرامش برای ما است و هم سبب تحرک، انرژی و توان مضاعف.

حضرت آقا در چند جای دیگر در زمینه نحوه پیشبرد صحیح کارها مطالب خیلی زیبایی را دارند. در یک جا دارند که اگر سه کار صورت بگیرد کار به نتیجه می‌رسد؛ نخست برنامه‌ریزی دقیق، دوم تلاش و پیگیری مستمر و سوم رعایت تقوا در حین انجام کار.

وی افزود: برنامه‌ریزی دقیق برای تحول مستلزم این است که ما برای خودمان نقشه راه داشته باشیم. آقای دکتر ملکی درست فرمودند که ۱۲ سال زیاد است. ما باید یک نقشه برای ۱۲ سال داشته باشیم منتها به صورت طبیعی در دل این نقشه کلان ۱۲ ساله باید نقشه‌های ۳ ساله و حتی سالیانه دقیق برای دوره‌ها داشته باشیم و خروجی این دوره‌های کوتاه‌مدت را رصد کنیم.

یکی از کارهای دیگر این است که ما برنامه‌های ۵ ساله دولت را هم بیاوریم بر اساس همین برنامه‌های تحول خودمان پیش ببریم و اگر آنجا تعهدی می‌دهیم و می‌آوریم دقیقاً بخشی از پازل و نقشه خودمان باشد تا هم آنجا پاسخگو باشیم و هم از این طرف کار خودمان را پیش ببریم.

محبی با اشاره به گام مهم تلاش و پیگیری مستمر بیان کرد: ما در برنامه‌ریزی خودمان باید راهبردهای مشخص، زمان‌دار و قابل‌رصدی داشته باشیم. در این راستا پیشنهاد می‌کنم همه ارکان سازمان با همدیگر عهد و پیمان ببندیم و این تلاش با یک برنامه کاملاً قابل‌سنجش صورت بگیرد. همه ارکان سازمان باید با هم گفت‌وگو کنند تا ما با سرعت مناسب بتوانیم این کار را پیش ببریم. الان احساس می‌شود که به سازمان قدری شتاب و فشار وارد می‌شود که وقتی وارد صحنه می‌شوید، می‌بینید که این فشار و شتاب بر دوش یک عده‌ای است و یک عده دیگر نه تنها این فشار را کمتر احساس می‌کنند بلکه کمتر مشارکت می‌کنند. باید آن‌ها هم به تحرک و انگیزه وا

داشته شوند. برای این کار باید هم جنبه انگیزشی کارکنان و هم جنبه نظارت و پایشی کارکنان را تقویت کنیم.

علی محبی افزود: نکته دیگر این است که در عین حال که همه را به تلاش و تحرک وامی‌داریم، برنامه رصد و پایش و گزارش دقیق هم داشته باشیم تا گام به گام حرکت کنیم. بر اساس این نقشه علمی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم، گزارش بدهیم و هر جا که احساس می‌کنیم به آن رسیدگی نکرده‌ایم چرایی‌اش را در بیاوریم و برگردیم آن را اصلاح کنیم. حقیقت این است که همه برنامه‌های تحولی دست‌یافتنی و قابل انجام هستند و هم‌زمان می‌توانند پیش بروند.

ملکی: روی مدل رسیدن به تحول متمرکز شویم

در ادامه رئیس سازمان پژوهش بیان کرد: درخواست من این است که در این جلسه روی مدل تغییر متمرکز شویم که هم ما را تا ۱۲-۱۳ سال آینده با خود نبرد و هم یک تعجیل ناروا نشود که نقض غرض شود. یک مدل این است که مثلاً بگوییم سال ۱۴۰۱ کتاب‌های پایه اول ابتدایی سال ۱۴۰۲ و کتاب‌های پایه دوم به بسته‌های تربیت و یادگیری تبدیل می‌شوند و به همین ترتیب پیش برویم تا این کار تا ۱۲ سال آینده طول بکشد. این یک مدل است که من در مقابل این مدل علامت سؤال می‌گذارم.

ملکی افزود: متوجه هستیم که ما باید توالی را هم مد نظر داشته باشیم. یعنی طوری عمل نکنیم که دچار یک گسستگی ملال‌آور و مخرب شویم. اما آیا نمی‌توان یک مدل دیگری اندیشید که آن مدل زمان را کوتاه کند و در عین حال شکل و قواعد مخل و مخرب هم داخلش نباشد؟ این مهم‌ترین نکته ما است.

راهکار علوی تبار برای عملیاتی کردن برنامه‌های تحولی

سپس محمد علوی تبار معاون توسعه منابع و پشتیبانی سازمان بیان کرد: حضرت آقا در پیامی که برای سازمان فرستاده‌اند در رابطه با گام‌های عملی صحبت کرده‌اند و تأکیدشان بر اقدام و عمل است. در این زمینه مدلی که در بحث اقدام و عمل به ذهن من می‌رسد این است که ما یک کارهایی را به صورت سازمان یا گروه‌های مجازی ایجاد کنیم ولی واحد واحد. ما در گروه‌ها به خاطر اینکه بتوانیم

آن سالی که حضرت آقا فرموده بودند را کاهش بدهیم و به حداقل ممکن برسانیم باید به سمتی حرکت کنیم که گروه‌های موازی را با هدایت‌کننده مرکزی ایجاد کنیم تا از این طریق بتوانیم کاری که قرار است در ۱۲ سال انجام شود را در ۳ یا ۴ سال پیاده‌سازی و عملیاتی کنیم.

علوی تبار افزود: ما هنوز برای برنامه سال ۱۴۰۰ خودمان اقدام عملیاتی انجام نداده‌ایم. پیامی که آقای دکتر ملکی در رابطه با گام دوم تحولی فرمودند به‌عنوان یکی از ارکان برنامه‌ریزی سازمان مطرح است و خواهشی که من دارم این است که گروه‌ها و دفاتر در رابطه با این ارکان برنامه‌ریزی سازمان برای سال ۱۴۰۰ این‌ها را مورد دقت قرار بدهند تا ما این‌ها را به‌عنوان موضوعات اصلی در برنامه‌ریزی قرار بدهیم. به تبع آن، پایش، نظارت و کنترل فرآیندها را هم انجام دهیم. یعنی مثل همان جلساتی که برگزار می‌کنیم در بازه‌های زمانی مشخص از گروه‌ها و دفاتر گزارش انجام کار بخواهیم تا ببینیم که تا چه مرحله‌ای کار را انجام داده‌ایم. بحث تأمین منابع مالی کار را هم مؤظف هستیم انجام بدهیم و ان‌شاءالله اجازه نمی‌دهیم خللی در کار ایجاد شود.

محمدی: مرقومه رهبر انقلاب انتظارات را از سازمان بیشتر کرده است

در ادامه محمدابراهیم محمدی مدیرکل دفتر انتشارات و فناوری آموزشی اظهار داشت: به اعتقاد بنده، این مرقومه رهبر معظم انقلاب به سازمان پژوهش هم طی مبارکی است و هم نقطه آغازین است. فکر می‌کنم ما باید بیاییم در آغاز نقطه حرکت کنیم. نکته دیگر این است که این مرقومه انتظارات را از سازمان بیشتر کرده است. این که تشکر کرده‌اند احساسم این است که راجع به کلیت کار رضایت خاطر دارند اما منتظر اقدامات عملی بعدی هستند که ما باید به ایشان گزارش بدهیم. نکته دیگر این است که سازمان پژوهش، یک سازمان استراتژیک و راهبردی است بنابراین می‌طلبند که ما از مدیران ادواری و نخبگان کشور در تراز ملی دعوت کنیم تا به ما کمک کنند. یعنی یک هم‌افزایی صورت بگیرد و با اتقان و قوت بیشتری پی گرفته شود.

رهبری معظم راجع به آموزش و پرورش و سازمان پژوهش حرف‌های روشنی دارند. من فکر می‌کنم جای دارد که کمیته‌ای بنشینند و بررسی کنند که از دل این گفته‌ها و مفاهیمی که از دیرباز مطرح فرموده‌اند، انتظارات ایشان را فهرست کنند. آخرین انتظارات ایشان این است که باید علم نافع، مفید و کاربردی وجود داشته باشد و صرفاً در برنامه‌های راهبردی نماییم. اگر این کار انجام بگیرد ما طبیعتاً به دنبال این

می‌رویم که گام‌ها را عملیاتی کنیم و گزارش بدهیم. من احساس می‌کنم که ما باید پیش از انجام کار، در حین انجام و پس از آن گزارش بدهیم.

متأسفانه ما در سازمان پژوهش هم تجربه تعجیل داشته‌ایم و هم تجربه تأخیر. من فکر می‌کنم پیام رهبر انقلاب این است که هم باید اندیشه و هم باید حرکت انجام شود. بنابراین ما باید هم تأخیر را کنار بگذاریم و هم تعجیل را.

محمدابراهیم محمدی سپس راهکارهای خود را این گونه مطرح کرد: سازمان نباید در خودش بماند و باید توسعه سمپادی داشته باشد. دوم اینکه ما باید در کشور به دنبال گفتمان‌سازی تحولی و نخبگانی باشیم. یعنی سازمان مرکز گفتمان باشد. سوم اینکه باید اندیشه‌ورزی‌های سازمان معطوف به انتظارات رهبری باشد. نکته آخر این است که فکر می‌کنم پس از این مرقومه رهبری معظم انقلاب جای دارد دوباره در برنامه‌های تحولی دفاتر یک بازبینی صورت بگیرد تا در مسیری که مد نظر است قرار بگیرد.

سوزنچی: کارهای حاشیه‌ای نباید مسیر تحول را کند کنند

در ادامه دکتر حسین سوزنچی سرپرست دفتر تألیف کتاب‌های درسی آموزش عمومی و متوسطه نظری بیان کرد: در مدیریت زمان کارها را به چهار قسمت ضروری و غیر ضروری و فوری و غیر فوری تقسیم می‌کنند. آفت مهم این است که کارهای فوری غیر ضروری می‌آید کار ضروری غیر فوری را عقب می‌زند. کار خوبی که در سازمان انجام شده این است که کار ضروری غیر فوری تحقق سند بنیادین را پس از ۷-۸ سال معطل ماندن شروع کرده است. اما آن چیزی که من در این مسیر نگرانم هستم این است که دوباره کارهای غیر ضروری فوری بیاید و کار ضروری فوری را از حرکت باز بدارد. الآن تنها دغدغه من همین است.

من در مدت کوتاهی که مسئولیتی را در سازمان برعهده گرفته‌ام تقریباً تمام اخبار یک سال اخیر سازمان را خواندم و یک‌دفعه با واقعه‌ای به اسم QR Code مواجه شدم. QR Code چیز بدی نیست اما افق سازمان خیلی بالاتر از این است. دفتر تألیف می‌خواهد برنامه‌ریزی کند که ما با پدیده جدید فضای مجازی چه مواجهه‌ای باید داشته باشیم که موضوع مهمی است، اما من با خواندن اخبار احساس کردم که در همین حین یک نفر پیشنهاد QR Code را مطرح کرده و بعد یک‌دفعه سازمان را مجبور کرده‌اند که بیایند QR Code را بگذاریم.

سرپرست دفتر تألیف کتاب‌های درسی آموزش عمومی و متوسطه نظری اظهار داشت: بنده با اصل کار اصلاً مخالف نیستم ولی می‌دانم بحث QR Code یک کاری است که بسیار انرژی‌بر است و کارشناسان ما را درگیر می‌کند. بنابراین نگران می‌شوم که آن ۱۲ سالی که برای تحول در موردش صحبت می‌کنیم نشود ۱۴ سال. کار اصلی ما پیشبرد راهنماهای برنامه‌های درسی است و بنده می‌خواهم این کار را جلو ببریم تا به نتیجه برسیم و اجازه ندهیم کارهای حاشیه‌ای بیاید اصل کار را تحت شعاع قرار بدهد.

بهمنی: برنامه‌ها میان مدت ۳ ساله تعریف کنیم

سپس افشار بهمنی مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش گفت: یک سری مسائل رخ داد که به ذهن من رسید باید قدر فرصت‌هایمان را بیشتر بدانیم. مثل همین پیام رهبر معظم انقلاب که خیلی ارزشمند است و نشان می‌دهد که ماه‌ها تلاش مستمر و شبانه‌روزی بعضی جاها نتیجه خودش را عرضه می‌کند. یا درگذشت بعضی از عزیزان‌مان. این‌ها باعث شده که ضمن کار به این توجه کنیم که تک تک ثانیه‌ها و اقدامات و برنامه‌ها یک فرصت ارزشمند است که باید بیشتر به ماهیت آن توجه کنیم.

پیشنهاد من این است که به برنامه‌های تحولی عمیق‌تر ورود کنیم. قطعاً اگر برنامه درسی با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی و نگاه تلفیقی ایجاد شود ما بتوانیم زیربنای بحث‌های مهارتی را در حوزه فنی و حرفه‌ای ایجاد کنیم، نیاز است که زیرساخت‌ها و زیرنظام‌های دیگر مهیا شود. اما زیرساخت‌ها یا زیرنظام‌های طرح تحول ما یک شبه ایجاد نخواهد شد. طبیعتاً اگر ما در برنامه درسی مان به این موضوع اشاره کنیم ولی معاونت‌ها و بخش‌های دیگر به آن قائل نباشند کار با مشکل مواجه می‌شوند.

افشار بهمنی ادامه داد: تدوین الگوی برنامه درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش و رسیدن به برنامه‌های درسی رشته‌ها قطعاً در ۶ ماه و یک سال مقدور نخواهد بود. طبیعتاً طی سه سال می‌توانیم یک بسته کامل را عرضه کنیم. در این سه سال گفت‌وگوهای ساز و تهیه استلزامات آن از جنس آموزش، اجرا و اشاعه می‌تواند مفید باشد. خود دوره تحصیلی باید در اینجا مفهوم پیدا کند. اینکه نسبت شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش با هم چیست طبیعتاً در یک طرح یک ماهه یا سه ماهه و شش ماهه نهادینه نخواهد شد. در نتیجه در طرح عمیق سه ساله نیاز داریم که طراحی کلان دوشاخه، الگوی

برنامه درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و آمایش سرزمینی تک تک رشته‌ها که چالش ملی است را داشته باشیم.

بهمنی در پایان بیان کرد: بنابراین نیاز است که طی یک فرآیند حداکثر ۳ ساله، طرح عمیق تحولی شکل بگیرد. اما در کنار آن نباید آسوده بنشینیم و باید اصلاح و بهبود مستمر را در نظر بگیریم.

باهو: پیام رهبر انقلاب به سازمان یک فرصت گرانبهاست

سپس مهندس محسن باهو بیان کرد: باید از فرصتی که برای سازمان پیش آمد خوب پاسداری کرد. پیام مقام معظم رهبری برای سازمان یک فرصت است. تشکر پیام مقام معظم انقلاب، برنامه‌ریزی، نگرش و شناخت در موضوعات است، اما وجه عملی‌اش این است که باید منظم باشیم و استمرار داشته باشیم و کار کنیم.

وی افزود: آقای دکتر ملکی روی مدلی که کمک کند سازمان به نتیجه برسد تأکید دارند. درس‌آموختگی‌های حوزه علم و فناوری در دنیای امروز یک مدل‌هایی را به ما ارائه داده است. به فرض مثال در مدل‌های تعالی سازمان چندین مدل داریم که یک مدل که می‌شود وفاق کرد و به آن پرداخت، مدل‌هایی است که در سازمان‌های محتوایی به‌عنوان مدل تعالی سازمانی یا EFQM به آن پرداخته می‌شود.

در هر کدام از این مدل‌های تعالی سازمانی نگاه می‌کنیم چند مؤلفه بسیار بسیار جدی است. اگر به این مؤلفه‌ها با یک زیر بنای تفکری نگاه نکنیم آسیب خواهیم دید. اولین پیشنهاد من این است که ما از منظر تفکر راهبردی، انتظاراتی را ترسیم کنیم. سازمان در یک، دو یا پنج سال آینده قرار است به چه نظام مسائلی پاسخ دهد؟ اگر نظام مسائل ما کوتاه‌مدت است با یک رویکرد به آن وارد شویم و اگر نظام مسائل ما بلندمدت است با یک رویکرد دیگر.

باهو در ادامه گفت: نکته دیگر این است که سازمان پژوهش یک سازمان مستقل نیست که اثراتش به خود آن وابسته باشد. ما یک سازمان هستیم در درون یک سیستم بزرگ. یعنی ما تابعی از تحولات آن سیستم هستیم. اگر نتوانیم سیستم را با خودمان همراه کنیم و ادبیات و انتظارات سیستم را به خودمان پیوند بدهیم، یقیناً دچار مخاطره خواهیم شد. اصلاً شکی نیست. در هر مدل برنامه‌ریزی که به آن رجوع کنیم اگر مجموعه مشارکت‌کنندگان نتوانند به موفقیت یک سیستم کمک کنند سیستم آسیب می‌بیند.

وی افزود: پیشنهاد من این است که به طور جد به مجموعه نظام مسائلها بپردازیم و آنها را دسته‌بندی کنیم. تا اینجا هر چیزی داشتیم خوب بوده ولی از این به بعد قرار است گام تحولی ما آن چیزی باشد که به سیستم ما کمک کند. من فکر می‌کنم اجماع عقلانی و خیرگانی که دوستان فرمودند کمک زیادی می‌کند. بحث بعدی، حکمرانی درست است. پایش و رصد دستاوردها هم اهمیت دارد. این مسئله منوط بر این است که ما از تحولات زمان استفاده کنیم. آقای علوی تبار بحث کامپیوتر و پردازنده را مثال زدند. امروز هر سازمانی که خودش را با فناوری و رخدادهای فضای سایبر گره نزند، نمی‌تواند ادعا کند که یک سازمان تحولی است. ما در عرصه عمل دچار اختلال هستیم.

محسن باهو مشاور رئیس سازمان بیان کرد: در حوزه تعالی سه مؤلفه و چند شاخصه وجود دارد. مؤلفه اول این است که جهت‌گیری‌های ما باید درست، شفاف و مشخص باشد که بتوانیم رصد کنیم. دوم اینکه در اجرا باید محکم و پذیرا باشیم. این پذیرا بودن یعنی ما مشارکت ذی‌نفعان را داشته باشیم. سوم اینکه باید به محرک‌های عملکرد و تحول توجه زیادی کنیم. آخرین نکته این است که نتایج ما نتایجی است که منبعث از رضایت ذی‌نفعان ما است. نتایج راهبردها، برنامه‌ها و اقدامات استراتژیک ما باید مبتنی بر یک سری یافته‌ها و اصولی باشد که به ما قوت علمی بدهد تا کار کنیم.

مظاهری: تحول را طیفی و لایه‌ای بینیم

حسن مظاهری دبیر شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش بیان کرد: پیشنهاد من این است که سندنویسی و برنامه‌ریزی کردن را یک مقدار سبک‌تر کنیم. به نظر من گام‌های عملی و پیگیری دائمی و میوه اصلی را دانش‌آموزان می‌بینند. اینکه ما در سازمان بنشینیم و دائم سند بنویسیم و برنامه‌ریزی کنیم و حتی تولید بهترین بسته‌های تربیت و یادگیری را در سازمان داشته باشیم؛ این یک بخش کار است. بخش دوم خود مدرسه و دانش‌آموز است. شاید ما داریم آن را کم‌رنگ می‌بینیم. من می‌گویم گام‌های عملی این نیست که بهترین اسناد در اینجا تولید شود. همان‌طور که سند تحول تولید شده است، شاید تولید این سند مقدمه تحول باشد. من می‌گویم از یک زاویه دیگری نگاه کنیم.

مظاهری افزود: به عبارت قلب آموزش و پرورش توجه کنید. قلب باید به تک تک سلول‌ها پمپاژ کند. سازمان می‌تواند در برابر تک تک دانش‌آموزان، معلم‌ها و مخاطبان مسئول باشد. پیشنهاد

بنده این است که بیاییم تحول را طیفی و لایه‌ای ببینیم و به سمت برنامه‌ریزی درسی شبکه‌ای برویم. برنامه‌ریزی درسی شبکه‌ای متفاوت از برنامه‌ریزی درسی خطی است. اول و انتها ندارد که از یک جا شروع کنیم و یک جا پایان پیدا کند. از طرفی ما اگر بگوییم دوره تحولی را ۱۵ سال پیش‌بینی می‌کنیم، دانش‌آموزی که امسال دارد درس می‌خواند از این برنامه‌های تحولی بی‌بهره می‌ماند. ما در برابر دانش‌آموز امسال مسئول هستیم و اگر می‌توانیم همین امسال کاری را انجام بدهیم باید دریغ نکنیم. طبق یک برنامه زمان‌بندی شده می‌شود در دوره‌های یک، سه یا پنج ساله، لایه‌ای از تحول را اجرا کرد. به نظر من نگاه‌مان باید دانش‌آموز و کلاس درس باشد. وی ادامه داد: در جلسه قبل آقای دکتر ملکی فرمودند که خودتان روی زمینه تحول کار کنید، یک پیش‌نویسی را به عنوان نقشه عملیاتی برنامه‌های تحولی سازمان پژوهش آماده کردیم که عنوان فرعی‌اش این است "برنامه درسی ملی تا برنامه درسی کسب شده (تربیت دانش‌آموز)". به اعتقاد من ابتدا بررسی کنیم تا ببینیم آیا پازل تحولی که سازمان در دستور کار خودش قرار داده همه چیزش کامل است یا نه و بعد بیاییم برای آن مؤلفه‌ها برنامه زمان‌بندی شده ببینیم. مظاهری در ادامه گفت: آقای مهندس باهو فرمودند که این سازمان تابع است ولی من می‌گویم بیاییم این موضوع را از یک زاویه دیگر ببینیم. این سازمان به نوعی متولی برنامه درسی است و برنامه درسی محور کار در سیستم آموزش و پرورش است. این سازمان تابع نیست.

رضاعلی: به مدرسه معطوف شویم

در ادامه این نشست رضاعلی بیان کرد: بنده یک نکته، یک پیش‌بینی و یک پیشنهاد دارم. نکته این است که مراسم رونمایی از محتوای الکترونیکی تعاملی که راهکار ۱۷-۲ سند تحول بود نشان داد که سازمان توان و انرژی انجام کارها را دارد. می‌تواند یک انتظار چند ساله را در عرض چند ماه انجام دهد. البته نشان داد که سازمان دچار یک نوع تواضع و فروتنی علمی است که خوب است اما این تواضع و فروتنی منجر به گوشه‌گیری و انزوا در اجرا شده است. یعنی سازمان در صحنه اصلی تربیت و یادگیری که مدرسه است، غریب است.

وی پیش‌بینی خود را نیز این گونه عنوان کرد: با توجه به صحبتی که آقای دکتر مظاهری داشتند مبنی بر اینکه ارزیابی اسناد تحولی در شورای عالی آموزش و پرورش در حال شکل‌گیری است، من فکر می‌کنم با توجه به اینکه تقابل خیلی سازنده‌ای که بین سازمان و حوزه‌های نظارتی نبوده است؛ ممکن است برنامه درسی ملی در تضاد با سند تحول بنیادین باشد. یعنی ۱۳۱ راهکار سند تحول که اشکالات فنی و

ساختاری در درون این راهکارها وجود دارد معطوف به برنامه‌های درسی شود و برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که ما داریم انجام می‌دهیم را بعداً در اصلاحیه‌ای که به وزیر آموزش و پرورش داده‌ایم دچار توقف شود. این یک پیش‌بینی است که من می‌خواهم یک مقدار هوشمندانه به آن دقت شود. اما پیشنهاد عملی‌ام را از صحبت‌های آقای دکتر مظاهری اقتباس می‌گیرم و نظرم این است که معطوف شویم به مدرسه. ما می‌توانیم غنی‌سازی مدارس با رویکردها و محتوای علمی و عملی بسته‌های تربیت و یادگیری را به صورت آزمایشی در ۵-۶ مدرسه از هر استان هدف قرار دهیم. بنابراین پیشنهاد من این است که بسته‌های تربیت و یادگیری را از طریق غنی‌سازی مدارس به داخل مدرسه‌ها ببریم. از این طریق مدارس پیشرو در استان‌ها هم شناسایی می‌شوند.

نیک‌نژاد: سازمان برای تحول به مدل مشارکت نیاز دارد

در ادامه بهنام نیک‌نژاد مدیر برنامه و بودجه سازمان پژوهش بیان کرد: بنده سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش که مقام معظم رهبری ابلاغ فرموده‌اند را نگاه می‌کردم و می‌دیدم که بسته‌های مختلفی در آنجا مطرح شده و سازمان پژوهش چقدر مرتبط با این سیاست‌های کلی در حوزه تحولی است. این سیاست‌ها شاید در طول این سال‌ها مغفول مانده و نتوانسته‌ایم آن‌ها را به خوبی اجرا کنیم، اگرچه از دل همین سیاست‌ها سند تحول، برنامه درسی ملی و زیر نظام‌ها هم ایجاد شد که خیلی از آن‌ها هم به منصفه ظهور و عملیاتی تبدیل نشد.

وی افزود: ما دیدیم که وقتی حضرت آقا فرمودند سازمان پژوهش قلب است شاید در همان سال بود که رگ‌های این قلب که عقبه سازمان در استان‌ها بود زده شد و ما دیگر عقبه خودمان را هم در استان‌ها از دست دادیم. شاید باید با یک نگاه جدی‌تر وارد این عرصه شد که به هر صورت قلب آموزش و پرورش نیاز به پشتوانه‌ها و عقبه مناسب دارد تا بتواند فعالیت‌های خودش را بهتر دنبال کند. بنده دیدم که در بخش سیاست‌های کلی بحث بهسازی و اعتلای منابع انسانی برای ایجاد تحول خیلی حائز اهمیت است. با توجه به فرمایشاتی که امروز دوستان داشتند احساس کردم سازمان پژوهش یک مدلی به‌عنوان مدل مشارکت نیاز دارد که در حقیقت مشارکت ذینفعان ما را بتواند در این مدل جویا شود و دنبال کند و به نتیجه برساند. از جمله دانش‌آموز، از جمله معلمان و از جمله خانواده. ما در این مدل باید بتوانیم شرایطی را ایجاد کنیم که نیازهای خودمان را در آن جستجو کنیم.

این مدل پشتیبانی‌هایی را هم نیاز دارد که در حوزه اصلاح و بهبود منابع انسانی خودمان و در حوزه‌های پشتیبانی منابع می‌شود برای حمایت و پشتیبانی این مدل مشارکت از آن بهره‌برد و کار را پیش برد. اگر این مدل هر چه زودتر فراهم شود شاید زودتر بتوانیم به آن گام‌های عملی که در کوتاه‌مدت و میان‌مدت دنبالش هستیم، نزدیک شویم و ایجادش کنیم. یکی از اعضای مهم این مدل مشارکتی، اعضا و کارشناسان خود سازمان پژوهش هستند.

راهکارهای پیشنهادی عبدالله اسدی

در ادامه عبدالله اسدی مشاور رئیس سازمان گفت: برای تحقق برنامه‌هایی که در گام دوم تدوین شده است یک شروطی لازم است که من فکر می‌کنم اگر این شروط محقق نشود، تحول محقق نخواهد شد. یکی از این شروط، تقویت سرمایه انسانی سازمان است. هر اقدام تحولی منوط به افرادی است که اهل تحولش باشند. راهکارش این است که اولاً ظرفیت گروه‌های موجود سازمان آزاد شود. به نظر من هنوز برخی ظرفیت‌ها آزاد نشده است؛ یا آدم نیروهای ارزشمندی را در گوشه و کنار سازمان می‌بیند که از ظرفیت‌شان استفاده نمی‌شود.

وی افزود: ثانیاً باید این تجربه را بشود به نیروهای جدیدی که اهل تحول هستند منتقل کرد. انجام چنین اتفاقی نیاز به یک فرآیند دارد که الآن دست سازمان از این بابت بسته است. ساز و کارهایی که وجود دارد خیلی ساز و کارهای مضیقی است و اجازه نمی‌دهد که نیروهایی از انجام کار تحولی برمی‌آیند در سازمان میدان و موقعیت کافی را داشته باشند.

نکته دوم تقویت سرمایه اجتماعی سازمان است. باید از اقدامات سازمان در عرصه عمومی استقبال کرد. یعنی شرط تحقق تحول، پذیرش اجتماعی است. در حال حاضر چیزی که مردم از سازمان در ذهن‌شان است تغییر برخی از کتاب‌های درسی است. تصویری که از اقدام سازمان به بیرون داده می‌شود اهمیت زیادی دارد. ما باید ایفای نقش رسانه‌ای کامل‌تری داشته باشیم و تأثیر رسانه‌ای‌مان را بالاتر ببریم و نکته دوم اینکه باید برخی از دیپلماسی‌ها را فعال کنیم.

اسدی افزود: شرط سوم تقویت سرمایه علمی سازمان است. در سازمان سرمایه خوبی وجود دارد، منتها این وفاق است که برتری می‌آورد و می‌تواند بر موانع سر راه تحول غلبه کند. راهکارش این است که همه آراء و اندیشه‌های نو را در حوزه‌های مختلف به سازمان وارد کنیم. باید جریان گفت‌وگوی غنی شده در سازمان اتفاق بیفتد.

مشاور رئیس سازمان بیان کرد: شرط چهارم، تقویت فرآیندها و خرده فرآیندهای مدیریتی درون سازمان

است. ما بدون اینکه فرایندها را متحول کنیم نمی‌توانیم فرآورده متحول شده‌ای داشته باشیم. برخی از فرایندها باید تغییر کنند چون کشش تحول را ندارند. باید برای همه کنش‌گران تثبیت شود که سازمان متولی تألیف است نه متصدی تألیف. این دو مفهوم با همدیگر تفاوت دارند. ما برای استفاده از ظرفیت‌ها به یک سری پلتفرم‌ها نیاز داریم.

عبدالله اسدی ادامه داد: شرط پنجم، تقویت اقتدار سازمان در نظام تربیتی کشور است. عدم توجه به رأی سازمان در موضوعات حساس ظاهراً هیچ هزینه‌ای ندارد و اتفاق می‌افتد. ما بعضی از معاونت‌های وزارتخانه را می‌بینیم که قلمروی عملکردشان تا داخل سازمان آمده است که این خلاف قانون تأسیس سازمان است. راهکارش برخی از موضع‌گیری‌های به‌هنگام و به‌اندازه همه ما است.

محبی: سازمان پژوهش یک سازمان مشتری محور و پاسخگو است

در ادامه علی محبی معاون رئیس سازمان بیان کرد: من در ارتباط با سؤال آقای دکتر ملکی به نظرم می‌آید که ما باید شفاف و روشن عنوان برنامه‌مان را مشخص کنیم و آن را تبدیل به زیر برنامه‌های کاملاً زمان‌بندی شده کنیم. هر کدام از معاونت‌ها باید این کار را انجام دهند. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی یک سازمان مشتری محور و پاسخگو است و با پژوهشگاه‌هایی که دوستان در ذهن‌شان است تفاوت زیادی می‌کند. اگر هر سازمان مشتری‌مداری برنامه‌های جذاب و توأم با رصد مسائل روز و پیشرفت علم و دانش نداشته باشد کم‌کم فراموش می‌شود و مرجعیتش را از دست می‌دهد. یعنی در عین حال که افق دارد باید برنامه‌های به‌روز برای نشان دادن خودش را هم داشته باشد. به نظر من بحث کتاب الکترونیک از این دست برنامه‌ها است.

محبی تأکید کرد: سازمان نمی‌تواند پاسخگو نباشد. نگرش ما باید از نگاه تصدی‌گری فاصله بگیرد و به سمت نگاه مدیریت امور برنامه‌ریزی درسی برویم. برای این کار مشکلات زیادی داریم ولی باید سریعاً بیابیم مشکلات را حل کنیم. به اعتقاد من در فرایندها و الگوها مشکل داریم ولی در برخی از موارد هیچ مشکلی نداریم.

در ادامه حسین سوزنچی بیان کرد: به نظر من سازمان باید جایگاه خودش را بالا ببرد و نباید یک سازمان منفعل شود. برای اینکه در جایگاه خودش قرار بگیرد باید نگذارد دیگران برای آن تعیین تکلیف کنند. البته من معتقدم ما باید در فضای مجازی حضور جدی داشته باشیم. حجم کارهایی که الان از بیرون دارد به کارشناس‌های ما وارد می‌شود بسیار زیاد است.

جمع‌بندی

در ادامه این نشست دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش به جمع‌بندی نکات مطرح شده پرداخت. دکتر ملکی ابتدا گفت: بنده می‌خواهم یکی از بیانات حضرت آقا در هفته معلم سال ۱۳۹۸ را متذکر شوم. ایشان در آن سخنرانی فرمودند به من گفته‌اند: "۱۲ تا ۱۴ سال طول می‌کشد تا این تحول در کتاب‌های درسی اتفاق بیفتد ولی بنده مخالف هستم". علت مخالفت‌شان در این جمله است که می‌فرمایند: "در دنیای امروز تغییرات در لحظه است و ما نمی‌توانیم ۱۴ سال دیگر صبر کنیم تا تغییرات افتاد بیفتد." این حرف آن قدر محکم و حکیمانه است که کسی نمی‌تواند در برابر آن مقاومت کند. حالا ما دل‌مان را خوش کنیم که برنامه تحولی را شروع کرده‌ایم و به قول برخی از دوستان اسناد زیبایی را هم تولید کرده‌ایم. فرض کنید ما ۱۱ علم تحول را بلند کنیم، اما فعلاً این‌ها علم است و عمل نیست. ما باید به عمل برسیم.

ملکی افزود: در عین حال مقام معظم رهبری از برنامه‌ریزی تشکر کردند. بنابراین مشخص است که ایشان یک رضایت نسبی از این شکل برنامه دارند ولی از ما گام‌های عملی و پیگیری دائم می‌خواهند. این واژه‌ها مبهم نیست. ما اگر بخواهیم گام‌های عملی برداریم طبیعتاً به الگوی عملیاتی تحول احتیاج داریم. اول از همه باید الگوی عملیاتی تحول را طراحی کنیم. زمان الگوی عملیاتی ما حتماً باید کوتاه باشد. برای کوتاه کردن زمان ممکن است لازم باشد از برخی تغییرات مدیریتی استفاده کنیم. آقای علوی‌تبار، آقای باهو و سایر دوستان در کوتاه کردن زمان با بهره‌گیری از الگوهای مدیریتی تغییر، صاحب نظر هستند. بنابراین برنامه عملیاتی ما برای ۱۲ سال اصلاً قابل قبول نیست.

رئیس سازمان پژوهش ادامه داد: نکته دوم این است که باید برنامه بلندمدت‌مان را با برنامه کوتاه مدت تفکیک کنیم. ما یک سری برنامه‌های کوتاه مدت لازم داریم چون باید زمان را در اختیار داشته باشیم و استفاده کنیم. جهت استحضار دکتر سوزنچی باید بگویم این برنامه رمزینه سریع پاسخ را این قدر با دآوری‌های ناصحیح خرابش نکنید. این یک ضرورت زمان است. ما می‌خواهیم به دانش‌آموز بگوییم شما که دارید این مطلب را می‌خوانید، از طریق این امکان می‌توانید به مطالب غنی‌تری هم دست پیدا کنید. کجای این مسئله ابهام و ایهام دارد؟ این امری است که منطقی دارد. ما باید برنامه غنی‌سازی محتوای کتاب‌های درسی را دنبال کنیم. البته بنده این را تصدیق می‌کنم. همین که گروه‌های ما راهنماهای برنامه درسی را به این نقطه رسانده‌اند زحمت زیادی کشیده‌اند. به هر حال این هم یک ضرورت است.

دکتر ملکی ادامه داد: ما اگر زمان را از دست بدهیم، فردا دیر می‌شود. همان قدر که برای برنامه‌های کوتاه‌مدت باید به زمان توجه کنیم و آن را از دست ندهیم، برای برنامه‌های بلندمدت نیز باید زمان را در اختیار داشته باشیم. من تقاضا دارم که این برنامه رمزینه را این قدر رمزآلود نکنید. این یک امکان فناورانه برای غنی‌سازی محتوای برنامه‌های درسی است. بنده یک آدم ضد فرمول و ضد نقشه‌های مخرب هستم و هر کجا بینم نقشه وجود دارد تحمل نمی‌کنم. باور کنید که در این جا هیچ نقشه‌ای وجود ندارد، بلکه فقط این یک امکان است. ما با امکان‌های ضروری نباید مقابله کنیم. وضعیت به ما می‌گوید اگر بایستید ضرر می‌کنید چون آن‌هایی که در عالم دارند با ما مقابله می‌کنند بی حرکت نمانده‌اند.

رئیس سازمان پژوهش‌های یادآور شد: من قبلاً هم عرض کرده‌ام که ما در محتواهای رمزینه سریع پاسخ فقط دنبال علم و مهارت نیستیم، بلکه باید مطالب‌های ارزشی و فرهنگ شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی را هم بیاوریم. فرمول‌ها و آزمایش‌ها در جای خودش ولی ما باید از این امکان برای غنی‌سازی محتوای کتاب‌های درسی استفاده کنیم. البته این کار زحمت دارد و من در جریان آن هستم. اگر نشد با افرادی از بیرون استفاده کنیم تا آن‌ها هم به ما کمک کنند. ما هنوز فکر می‌کنیم که کارها را باید خودمان انجام بدهیم.

معاون وزیر آموزش و پرورش ادامه داد: من این روزها این اتهام را می‌شنوم که می‌گویند سازمان پژوهش فضاها را بسته است. بیایید در عمل نشان بدهیم که سازمان پژوهش می‌خواهد تولید بسته‌ها را مدیریت کند و نه اینکه خودش تولید کند. مرتب به ما می‌گویند اسم چند نفر در کتاب‌های درسی دارد تکرار می‌شود، پس چه زمانی می‌خواهید از این قضیه رها شوید؟ ما در حال حاضر باید در اداره امور نیز متحول شویم. بنابراین تقاضا می‌کنم این برنامه‌های کوتاه مدت از جمله برنامه رمزینه سریع پاسخ که در بین افراد به QR Code معروف است را جدی بگیریم. این برنامه نه توطئه است و نه نقشه و بیاییم این قدر رمزآلودش نکنیم. اگر منطقی پشت آن نبود بنده جلوی آن می‌ایستادم.

ملکی افزود: باید برنامه اشاعه و ترویج را تدریجاً مد نظر داشته باشیم. یعنی الگوی عملیاتی ما نشان بدهد که ما چطور می‌خواهیم تولیدات خودمان را اشاعه و ترویج بدهیم. ما در روابط عمومی مان به این بیان معروف سهراب سپهری که می‌گوید: "چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید" احتیاج داریم. البته برنامه اشاعه فقط مربوط به روابط عمومی نمی‌شود و من می‌خواهم بگویم یک بخشی از آن را باید از طریق روابط عمومی دنبال کنیم.

شبکه ملی رشد باید در خدمت این تحول قرار بگیرد. باید یک رسانه کلان باشد که در دل آن رسانه‌های خرد به برنامه تحولی یاری برساند. ما برای این موضوع این همه سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. محور دیگر این است که نقش همه قسمت‌ها باید در این الگوی تحول تعریف شود. این ماشین چهار چرخ دارد و نمی‌توان با یک چرخ پنجر جلو رفت. مسیر طولانی است و همه بخش‌ها باید نقش خودشان را به درستی ایفا کنند. بنده همین‌جا از آقای علوی تبار این تقاضای تکراری را می‌کنم که برنامه اداری و مالی ما باید با تحول جلو بیاید. اگر قواعد نیاز به اصلاح دارد آن‌ها را اصلاح کنید. ما سازمان پژوهش هستیم و هیات رئیسه داریم. اگر چیزی را تصویب کنیم تبدیل به قانون می‌شود.

ملکی افزود: من به دوستان مجدد تأکید می‌کنم اگر احساس کردید یک مدل توقف ایجاد می‌کند، آن را اصلاح کنید. اگر این‌طور نباشد قضیه همان ماشینی می‌شود که در حال حرکت است و بخشی از آن معیوب است. مدل‌های پرداخت ما باید با موضوعات تحولی ما متناسب باشد. برنامه هفتم توسعه ما باید با همین برنامه هماهنگ شود. نمی‌توانیم در برنامه هفتم توسعه یک حرف‌هایی بزنی و اینجا هم یک حرف‌هایی بزنی.

معاون وزیر آموزش و پرورش تأکید کرد: از توجه به نیازهای دانش‌آموز و مسئله‌های او باید اطمینان به دست بیاوریم. خواهش می‌کنم روی این فکر کنید که در این الگو چه چیزی باید تعبیه شود تا اطمینان حاصل شود. ما نهایتاً می‌خواهیم دانش‌آموز رشد کند و احساس کند که دارد تربیت می‌شود، وگرنه هر چقدر نقشه تهیه کنیم فایده ندارد. ما دنبال زیبایی اسناد نیستیم، بلکه دنبال تحقق اسناد هستیم. اگر اسناد را دوست داریم به‌عنوان یک راهبرد به آن علاقه‌مند هستیم و نه به‌عنوان نقطه ایستایی خودمان که مغرور شویم که سند داریم. اگر سند تبدیل به عمل نشود چه فایده‌ای دارد؟ بدیهی است که ما باید کارها را با این نگاه پیش ببریم. باید گروه‌های موازی تشکیل بدهیم. اصلاً کار ما با یک گروه پیش نمی‌رود. حالا اینکه گروه‌های موازی باید چگونه باشند را باید تدبیراندیشی کرد. باید از گروه‌ها و نخبگان بیرونی بهره‌مند شویم وگرنه بدون آن‌ها نمی‌توانیم به مقصد برسیم. الان دنیا دیگر دنیای تک‌روی نیست و نمی‌توانیم مدام "من" بگوییم. ما در برنامه‌های درسی خودمان درباره خط قرمزهای اعتقادی و فرهنگی با کسی معامله نمی‌کنیم و کوتاه نمی‌آییم ولی برای عملیاتی شدن آن‌ها از نخبگان بیرون سازمان استفاده می‌کنیم. ما باید مدیریت کنیم. البته مدیریت با حفظ موازین ارزشی و اعتقادی خودمان که در صیانت از آن لحظه‌ای دریغ نمی‌کنیم، اما برای عملیاتی کردن آن از دیگران بهره‌مند شویم. سند تحول بنیادین همین را از ما می‌خواهد. حالا اینکه به چه صورتی باشد باید در این الگو لحاظ شود.

رئیس سازمان پژوهش اظهار داشت: بنده نام نکاتی که آقای دکتر اسدی به درستی اشاره کردند را اقدامات پشتیبان می‌گذارم و معتقدم همه آنها نیز درست است ولی این احتیاطها و توجه‌ها به اقدامات پشتیبان، ما را دچار این حالت نکند تا آنها آماده نشود ما قدم از قدم برداریم. باید مراقب باشیم. در وضع موجود هر چه در توان داریم را باید صرف کنیم تا یک برنامه عملیاتی تحول طراحی کنیم. برای تهیه این برنامه باید یک کارگروه تشکیل بدهیم. اگر یک کارگروهی از مسئله شناخت درستی داشته باشد می‌تواند گره‌گشایی کنند. من پیشنهاد می‌کنم الآن که راهنماهای برنامه درسی مرحله اول ما تقریباً تمام شده است، از هفته آینده به طور پشت سر هم جلسات شورای هماهنگی علمی سازمان را تشکیل بدهیم و ۱۱ راهنما را در سه، چهار جلسه به یک نقطه‌ای برسانیم. از دبیرخانه شورای عالی هم چند نفر عضویت خواهند داشت و حاصل جلسات مستقیم به صحن شورا خواهد رفت. ما باید کار خودمان را قبل از عید نوروز تمام کنیم.

دکتر ملکی در پایان بیان کرد: برای برداشتن گام‌های عملی بعدی نیازمند این الگو هستیم. آقای دکتر محبی عزیز زحمت بکشند مسئولیت این کارگروه را عهده‌دار شوند و هر کسی که فکر می‌کند در این کارگروه می‌تواند مفید باشد تقاضا می‌کنم که دریغ نکند. این کارگروه تشکیل شود و به ما اعلام کنند که این الگو در چه بازه زمانی نهایی خواهد شد. به ما بگویند این الگو را طبیعتاً در چه بازه زمانی می‌خواهند تهیه کنند تا ما همراه با آغاز سال گام‌های عملی بعدی را پیگیری کنیم.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی

نشست علمی

غنی‌سازی

و کارآمدسازی

محتوای آموزشی

متناسب با جنسیت



نشست علمی "غنی سازی و کارآمدسازی محتوای آموزشی متناسب با جنسیت" با حضور کارشناسان و صاحب نظران حوزه‌ی تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی درسی در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۹۹ در سالن شهید جهرمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به صورت مجازی و حضوری برگزار شد. در این نشست دکتر ایراندخت فیاض عضو هیأت علمی گروه آموزش و پرورش دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی سخنرانی کرد. در ادامه مشروح این نشست ارائه شده است.

دکتر اکرم عینی

ریس کتابخانه و مرکز اسناد سازمان پژوهش

یکی از وظایفی که جناب آقای دکتر ملکی برای بخش امور زنان سازمان ابلاغ کرده‌اند، برگزاری نشست‌ها و جلسات هم‌اندیشی در حوزه امور بانوان به خصوص در زمینه نقش اساسی و انکارناپذیر بانوان در دستیابی به آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و به ویژه در حوزه تعلیم و تربیت است.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بر اساس رسالتش تولید بسته‌های تربیت و یادگیری را برعهده دارد و این کار را براساس اسناد تحولی انجام می‌دهد. در این راستا مقرر شد که جلسات هم‌اندیشی برگزار شود و امروز اولین جلسه با دعوت از سرکار خانم دکتر فیاض با عنوان "غنی‌سازی و کارآمدسازی محتوای آموزشی متناسب با جنسیت" را برگزار می‌کنیم.

دیدگاه‌های مختلف درباره کارآمدسازی محتوای آموزشی متناسب با جنسیت

ایراندخت فیاض

عضو هیأت علمی گروه آموزش و پرورش دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی در مورد غنی‌سازی و کارآمدسازی محتوای آموزشی متناسب با جنسیت، دیدگاه‌های بسیار پارادوکسیکال وجود دارد. برخی با جنسیتی کردن محتوای آموزشی مخالف هستند و می‌گویند اصلاً لزومی ندارد که محتوا جنسیتی شود؛ بلکه محتوا در نظام تعلیم و تربیت باید یک‌دست، واحد و با رویکرد انسان‌وار ارائه شود. گروه دیگر که دیدگاه معارض دارند بر این اعتقاد هستند که جنسیت و به تعبیری زنانگی و مردانگی، ویژگی‌های پراهمیتی است. به دلیل اینکه نقش‌ها، انتظارات و مسئولیت‌های خطیری را ایجاد می‌کند. به همین دلیل جنسیت به‌عنوان یک عامل مهم در آموزش بایستی مد نظر قرار بگیرد.

از آنجایی که بخش زیادی از شناختی که هر فرد از هویت مرد بودن یا هویت زن بودن خودش و مسئولیت‌هایی که دارد و انتظاراتی که متناسب با این هویت از او می‌رود و نقش‌هایی که متناظر با این هویت بایستی ایفا کند در نظام آموزش و رسمی ما از طریق مدرسه و به طور ویژه از طریق محتوای آموزشی کسب می‌شود؛ لذا محتوای آموزشی به ناچار بایستی رنگ و بوی جنسیتی به خودش بگیرد.

دو تبیین علمی برای جنسیتی شدن نظام آموزشی

دو تبیین علمی برای جنسیتی شدن نظام آموزشی توسط صاحب‌نظران و کارشناسان مطرح است. یک تبیین این است که برخی معتقدند به دلیل منشأ تکوینی تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد که در نظام آفرینش وجود دارد، نظام آموزشی باید تمایزها و تفاوت‌های تکوینی را جدی تلقی کند و متناسب با ویژگی‌های زن و مرد، رنگ و بوی جنسیتی خودش را داشته باشد.

استدلال این گروه این بوده که جنسیت یک متغیر مهم است که بر موقعیت، تجربه‌ها و احساسات دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد و از این منظر بی‌توجهی به جنسیت در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آموزشی باعث می‌شود مسائل خاصی که دختران و پسران با آن مواجه هستند از نظر دور بماند و دانش‌آموز ما در سه بعد معرفتی، مهارتی و توانمندی واجد آن نیازها و الزامات نشود و بعد به‌عنوان یک شهروند موفق، متناظر با هویت مردانه و زنانه نتواند نقش آفرینی و مسئولیت‌پذیری کند و انتظارات اجتماعی را برآورده نماید.

در تبیین دیگر به رویکرد دینی گرایش پیدا می‌کنند و معتقد هستند که در اولویت‌های دینی تمایز جنسیتی نمود پیدا می‌کند و اولویت‌های دین در مورد نقش‌های اجتماعی زن و مرد باعث می‌شود که مجموعه‌ای از تمایزهای جنسیتی در محتوای درسی اولویت پیدا کند. لذا ما با یک رویکرد جامعه‌شناسانه و یک رویکرد دین‌مدارانه ناچار هستیم که هویت جنسیتی محتوای آموزشی را مورد نظر قرار دهیم.

پارادایم خردورزانه و سه مؤلفه اصلی آن

اگر ما ضرورت جنسیتی شدن محتوای آموزشی را پذیرفتیم برای تحقق این هدف چه باید کنیم؟ اولین گام ما تحول در پارادایم نظام آموزشی است. ما مدام شنیده‌ایم که پارادایم حاکم بر نظام آموزشی ما یک پارادایم معرفت‌آموزی است و شاید هم به یک پارادایم اطلاعاتی تقلیل پیدا کند. یعنی داده و اطلاعات به متریبان و دانش‌آموزانش می‌دهد. اما ما به یک پارادایمی احتیاج داریم که علاوه بر اینکه دانش‌ها و اطلاعات را به بچه‌ها منتقل می‌کند، دو وظیفه دیگر را هم به‌عهده بگیرد که یکی توانمندسازی دانش‌آموزان در ابعاد مختلف از جمله بعد جنسیتی است و دیگری آموزش مهارت‌های پایه و اساسی با رویکرد ایفای نقش‌های جنسیتی. از آنجایی که زیرساخت این پارادایم، خردورزی است بنده فکر می‌کنم که ما اسم این پارادایم را می‌توانیم پارادایم خردورزانه بگذاریم.

پارادایم خردورزانه واجد سه مؤلفه معرفت‌آموزی، توانمندسازی و مهارت‌آموزی است. معرفت‌آموزی یعنی معرفت‌ها و دانش‌هایی که ما به متریبیان منتقل می‌کنیم تا در جهت ایجاد، ارتقا و اصلاح نگرش‌های نسل جوان ما تأثیرگذار باشد.

ما اگر بخواهیم این اصلاح و ارتقای نگرشی را داشته باشیم راهی جز این نداریم که برای دانش‌آموزان مان ساختمان ذهنی ایجاد کنیم. پس برای تحقق بخش معرفتی پارادایم خردورزانه، نیازمند ایجاد یک ساختمان ذهنی یا طرح‌واره‌های شناختی از ضرورت‌ها هستیم. منظور ما از ساختمان ذهنی، ایجاد یک ساختار منسجم فکری و باوری و یا به تعبیری ایجاد یک جهان‌بینی همه‌جانبه است که فرد از طریق آن ساختمان ذهنی یا آن طرح‌واره‌های شناختی با جهان اجتماعی بیرون از خودش برخورد می‌کند و مواجه می‌شود.

ساختمان‌های ذهنی از این جهت مهم‌اند که انسان‌ها با یک سری طرح‌واره‌های ذهنی که در وجود آن‌ها نشسته است و رابطه وجودی و هستی‌شناسانه‌ای که با آن باورهای ذهنی و طرح‌واره‌های شناختی برقرار کرده است، جهان اجتماعی را فهم، ادراک، ارزشیابی و ارزش‌گذاری می‌کند. علاوه بر این، با همین طرح‌واره‌ها عملکرد خودش را تولید، ادراک و ارزش‌گذاری می‌کند. پس این طرح‌واره‌ها به‌عنوان زیرساخت‌های مهم نگرشی اهمیت دارند.

این طرح‌واره‌ها متناظر با اینکه ما در درازمدت چه نقشی را در جهان اجتماعی ایفا می‌کنیم، ساخته می‌شوند و منطبق با ماهیت جایگاهی که افراد در جهان اشغال می‌کنند، تغییر پیدا می‌کنند. پس ما می‌توانیم بگوییم که این ساختمان ذهنی یا طرح‌واره‌های شناختی فرآورده تاریخ هستند زیرا انسان در فرآیند تاریخ رشد می‌کند. اصلاً عقل یک پدیده تاریخی است و به مرور که انسان در فرآیند زمان پیش می‌رود، عقل توسعه‌یافتگی پیدا می‌کند؛ چون تعاملات و تجربیات بیشتری را به دست می‌آورد.

ویژگی‌های ساختمان ذهنی و طرح‌واره‌های شناختی

طرح‌واره‌های ذهنی که در یک فرآیند تاریخی شکل می‌گیرند، هم از طریق تعامل با جهان اجتماعی تولید می‌شوند و هم جهان اجتماعی را تولید می‌کنند. یعنی در یک بده‌بستان هم می‌توانند روی جهان اجتماعی تأثیر بگذارد و یک جهان اجتماعی متفاوت‌تری را ایجاد کنند و هم خودشان می‌توانند تحت تأثیر موقعیتی که در جهان اجتماعی وجود دارد، تغییر کنند.

طرح‌واره‌ها و ساختمان ذهنی یک سری ویژگی دارند، یکی از این ویژگی‌ها قابلیت انتقال از یک محیط به محیط دیگر است. وقتی ما در درازمدت نقش همسری ایفا می‌کنیم طرح‌واره‌های ذهنی ما آن طور شکل می‌گیرد. یا وقتی ما در یک موقعیتی قرار می‌گیریم که واجد یک نوع نگرش و جهان‌بینی و طرز تفکر خاص است. ساختمان ذهنی ما متناظر با آن محیط و موقعیت شکل می‌گیرد. اگر ما موقعیت خودمان را عوض کنیم ساختارهای ذهنی ما هم عوض می‌شود. ساختمان ذهنی لزوماً ثابت و غیر قابل تغییر نیست. گرچه به صورت پایدار روی کنش‌ها و نگرش‌های ما تأثیرگذار است ولی غیرقابل تغییر هم نیست. نکته دیگر این است که این ساختمان ذهنی در کنش‌ها و فعالیت‌های ما تأثیر خیلی جدی دارد. در واقع راهبر رفتارهای ما، ساختمان ذهنی ما است.

اگر ما اهمیت ساختمان ذهنی را در بخش معرفتی این پارادایم خردورزانه روشن کردیم، نظام تعلیم و تربیت به‌عنوان نظامی که دانش‌آموز را در درازمدت در اختیار خود می‌گیرد، در تولید طرح‌واره‌های کارآمد و غنی شده نقش مهمی دارد. در واقع نظام تعلیم و تربیت می‌تواند دانش‌آموزان را در ایفای نقش‌ها، مسئولیت‌ها و انتظارات جنسیتی، راهنمایی و کمک کند. کار مهم دیگری که نظام تعلیم و تربیت می‌تواند انجام دهد این است که طرح‌واره‌های شناختی را ارتقا دهد.

مهارت‌های پایه

مهارت‌های پایه ایفای نقش‌ها و انتظارات جنسیتی دومین پارادایم خردورزانه است. نظام تعلیم و تربیت صرفاً مسئول انتقال دانش‌های سرد و بی‌روح نیست، بنابراین باید در این نقطه به مهارت‌های پایه و اساسی بپردازیم که بخشی از آن مربوط به پرورش مهارت‌های ذهنی به شکل متعادل است. ما اگر مهارت‌های ذهنی که شامل مهارت‌های حافظه‌ای، مهارت‌های خلاقانه، مهارت‌های تحلیلی و مهارت‌های عملی است را به بچه‌ها آموزش ندهیم؛ دچار گرفتاری خواهیم شد. تحلیل موقعیت و شناخت عناصر موجود در این بخش، از دیگر مهارت‌هایی است که باید بر مبنای این نگاه به دانش‌آموز ارائه شود زیرا او باید بتواند بر این مبنای نگرش‌های خوب و بد را بنا بر شرایط خود تشخیص دهد. چه بسا کسانی که تحلیل موقعیت را براساس این نوع تربیت، ندارند؛ نمی‌توانند در موقعیت‌های مختلف خانوادگی، جنسیتی و... کنش مؤثری داشته باشند. بنابراین این مهارت‌های پایه‌ای در بخش آماده‌سازی فرد برای ایفای نقش جنسیتی به عنوان زن یا مرد بسیار می‌تواند به افراد کمک‌دهنده باشد.

مهارت تأثیرگذار دیگر، پرورش مهارت‌های عمومی زندگی است. یکی از این مهارت‌ها، مهارت ایجاد تعادل میان خود و دیگری است. مهارت تعادل برای انسان یک مهارت فوق‌العاده استراتژیک است. این تعادل می‌تواند در دو بخش تعادل در سیستم‌های درونی و تعادل بین منافع خود و دیگران معنا پیدا کند.

مهارت بعدی مهارت قضاوت صحیح است. قضاوت صحیح ناشی از تقویت مهارت‌های سطح بالا است و مستلزم فرارفتن از منافع شخصی است. یعنی همان بحث رسیدن به مقام کرامت است. انسان وقتی که منافع دیگران را به حداکثر و منافع خود را به حداقل می‌رساند، قضاوت‌های او قضاوت‌های صحیحی می‌شود.

طیب‌گزینی هم در مهارت‌های زندگی خیلی مهم است. به این معنا که دانش‌آموز ما بین اتفاقات و پیامدهای مختلفی که برای او می‌افتد، بتواند بهترین را انتخاب کند. این طیب‌گزینی هم از بُعد خود آن پدیده و هم از بُعد فاعل انتخاب‌کننده، معیارهایی دارد.

توانمندی‌های پایه

یکی از توانمندی‌های پایه در پارادایم خردورزانه، توان تفکر تأملی است که در روابط انسان‌ها و به خصوص در ایفای نقش‌های جنسیتی خیلی می‌تواند کمک‌کننده باشد. تفکر تأملی همان‌طور که از اسمش هم پیداست به معنای واکنش پس از بررسی است. یعنی وقتی ما با یک پدیده‌ای مواجه شدیم فرصت پردازش اطلاعات، فرصت پیامدسنجی، فرصت واریسی موقعیت و فرصت درک طرف مقابل را با یک درنگ و تعامل به خودمان بدهیم. در واقع تفکر تأملی به ما بینش عمیق‌تری نسبت به رفتار خودمان و دیگران می‌دهد. حتی بینش عمیق‌تری نسبت به ارزش‌ها و انگیزه‌های ما می‌دهد.

کمکی که آموزش تفکر تأملی به ما می‌کند این است که؛ امکان واریسی استراتژی‌هایی که از طریق سازمان ذهنی برای ما به وجود آمده است را فراهم می‌کند. یعنی طرح‌واره‌های شناختی ما که در حوزه نگرش‌ها، معرفت و باورها است به ما می‌گوید این روشی که در پیش گرفته‌ایم و این طرز تفکری که داریم، روش‌ها، کنش‌ها و رفتارهای ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ویژگی‌های برنامه درسی متناظر با نیازهای جنسیتی

حال "اگر براساس پارادایم خردورزانه بخواهیم محتوای آموزشی مان را متناظر با نیازها و مسئولیت‌های جنسیتی تنظیم کنیم برنامه‌های درسی ما در حوزه محتوا و فرآیند یاددهی و یادگیری چه ویژگی‌هایی می‌تواند داشته باشد؟" از جمله ویژگی‌هایی که برنامه‌های درسی باید داشته باشد تا متناظر با نیازهای جنسیتی باشد، توازن در محتوا در سه بُعد سیستم‌های درونی اعم از دانشی، نگرشی و مهارتی است. به این معنا که محتوا نباید صرفاً بر بُعد دانشی محدود باشد چون بعد دانشی سرد، خشک و بی روح است. اگر محتوا صرفاً بعد معرفتی و دانشی داشته باشد ممکن است توسط دانش‌آموز جذب نشود و از طرفی متناظر با اقتضائاتش هم نباشد که اگر متناظر با نیازها و اقتضائات نباشد دلیلی بر فهم وجود ندارد.

نکته دیگر این است که ارزش‌ها هم در محتوای آموزشی مورد بررسی و مطالعه قرار بگیرد و منتقل شود. علاوه بر اینکه محتوا صرفاً محدود به دانش و معرفت نباشد و ارزش‌ها را منتقل کند، محتوا در قالب فعالیت ارائه شود. این در حوزه انتقال مفاهیم به متریبان نکته بسیار مهمی است. اگر محتوا در قالب فعالیت ارائه نشود و در قالب واژه‌ها و کلمات ارائه شود ممکن است پل ارتباط بین پیام‌دهنده و پیام‌گیرنده هرگز زده نشود و پیام در همان فضای انتقالی خودش از بین برود و به فضای دریافت‌کننده وارد نشود. وقتی محتوا در قالب فعالیت ارائه می‌شود؛ اتفاق مثبتی که می‌افتد این است که توانایی به‌کارگیری دانش در شرایط و موقعیت‌های واقعی زندگی برای یک دانش‌آموز راحت‌تر می‌شود.

محتوای جذاب، متنوع و سودمند

نکته دیگر در مورد محتوا این است که محتوا جذاب و مورد علاقه باشد. در این صورت دانش‌آموز واقعاً علاقه پیدا می‌کند محتوایی که یاد گرفته است را در مورد خودش پیاده کند و آن را به کار ببندد. این جذابیت محتوا باعث می‌شود که یک رابطه هستی‌شناسانه و وجودی با متن برقرار کند. متن در وجود او می‌نشیند و با او عجین می‌شود و در لحظه‌های زندگی با آن متن زندگی می‌کند و از آن استفاده می‌کند.

ویژگی دیگر محتوا تنوع در متون ارائه شده است. یعنی ما صرفاً به کتاب‌های درسی اکتفا نکنیم و بچه‌ها را به خواندن محتواهای متنوع و آثار اندیشمندان متفاوت دعوت کنیم. این باعث می‌شود که بچه‌ها نوعی "معرفت پنجره‌ای" به دست بیاورند. منظور از معرفت پنجره‌ای، معرفت نسبی نیست بلکه به این معناست که بچه‌ها معرفت را از دریچه‌های مختلف به دست بیاورند و به سمت یک معرفت نسبتاً کامل سوق داده شوند.

اگر ما محتوا را ارائه کنیم ولی روی مفید بودن آن متمرکز نباشیم، واقعاً ارتباط مؤثری بین دانش‌آموز و محتوا برقرار نمی‌شود. سودمند بودن در اینجا به معنای کارگشایی محتوا در شرایط فعلی و در شرایط آتی است. در واقع سودمندی محتوای آموزشی می‌بایست به گونه‌ای باشد که کاربردی فوری آن‌ها در زندگی فعلی فرد او را به توفیق برساند و از او گره‌گشایی کند و در عین حال او را برای آینده هم آماده کند. پس محتوا باید ناظر به مسائل روزمره زندگی دانش‌آموزان با رویکرد آینده‌نگرانه باشد.

سازماندهی محتوا

محتوا ترکیبی از دانش‌های موضوعی است و هر چه محتوا یکپارچه و هماهنگ باشد به درک جامع‌تر و عملی‌تری برای دانش‌آموزان منجر می‌شود و دانش‌آموز را در همه مسائل کمک می‌کند. دانش‌آموز در برنامه تجمیعی یا همان برنامه درسی جامع، در ارتباط با امور مختلف اعم از امور زیستی، عملی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و فلسفی، نگاه سطح بالاتری پیدا می‌کند.

یعنی نظر من این است که ما در سازماندهی مطالب، نیاییم یک درسی را به‌عنوان مهارت‌های جنسیتی یا ناظر بر هویت جنسیتی ارائه کنیم، بلکه بیاییم از برنامه درسی تزریقی استفاده نماییم. یعنی ما اهداف جنسیتی‌مان را با حفظ استقلال موضوعات درسی در اهداف محتوای هر درس تزریق کنیم. یعنی جنسیت در هر موضوع درسی می‌تواند آموزش داده شود.

راهبردهای یاددهی-یادگیری

در اینجا به بحث الگوسازی و الگودهی اشاره می‌کنم. این اهمیت دارد که ما در ابتدا یک شناخت واقع‌گرایانه و درست از الگو به دانش‌آموزان بدهیم. نکته دیگر این است که ما در الگوها ابهام‌سازی زیادی می‌کنیم و در راهبردهای یادگیری ابهام‌زدایی از الگو خیلی مهم است. بحث بعدی این است که برای دانش‌آموز انگیزه ایجاد کنیم تا در مورد رفتارها و ویژگی‌های الگو تأمل کند.

ما برای الگوسازی می‌توانیم مدل‌های پارادوکسیکال را مطرح کنیم. یعنی هم مدل‌های کارآمد و هم مدل‌های ناکارآمد را معرفی کنیم و آن‌ها را مقابل هم قرار دهیم و بعد از دانش‌آموز بخواهیم که آن‌ها را تحلیل کنند و خودشان به مدل‌های ناکارآمد راه‌حل بدهند و ضعف‌ها و اختلالات احتمالی مدل را خود آن‌ها شناسایی کنند.

پاسخ دکتر فیاض به سؤالات

در بخش دیگری از این نشست دکتر ایراندخت فیاض به سؤالات حاضرین در نشست پاسخ داد. ابتدا فخری ملکی سرپرست گروه فلسفه و منطق سؤالش را چنین مطرح کرد: در مورد عقل فرمودید که عقل یک عنصر تاریخی است. البته بنده هم با شما هم عقیده هستم منتها برنامه‌های درسی مبتنی بر اندیشه حکمای اسلامی است و هر سه حکمت متعالی، حکمت مشاء و حکمت اشراق که در طول هم قرار دارند و به نوعی همدیگر را تکمیل کرده‌اند روی خرد جاودان اتفاق نظر دارند. اگر از جهت نظریه صدور به موضوع بنگریم، هر سه مکتب به این قائل‌اند که عقلی وجود دارد و صدور عالم به وسیله آن‌ها از خداوند ناشی می‌شود. در مورد انسان هم قائل هستند که ما عقل مان ابتدا عقل هیولایی و بعد عقل بالملکه، بعد عقل بالفعل و بعد عقل مستفاد است. جنابعالی که می‌فرمایید عقل تاریخی است، آیا تبیینی با این نظر حکمای ما دارید که بتوانیم استفاده کنیم؟ فیاض در پاسخ به این سؤال گفت: عقل یک طیف وسیع و تاریخ متفاوتی دارد. عقل موحدانه و حیوانی که در آموزه‌های صاحب‌نظران اسلامی مطرح است با عقلی که من در اینجا مطرح می‌کنم فرق دارد. عقلی که من مطرح می‌کنم common sense است، یعنی عقلی که ناشی از تجربه و تعامل به دست می‌آید. منظورم عقل موحدانه نیست. بله، عقل موحدانه تاریخی نیست بلکه عقل موحدانه به جهد و جد و تهذیب نفس است. یعنی ممکن است یک فرد در سن ۱۳-۱۴ سالگی هم به اوج عقل که قرآن کریم از او به اولوالباب یاد می‌کند، برسد. اما عقل common sense به شکلی است که ما هر چه بیشتر تجربه به دست بیاوریم و بیشتر تعاملات داشته باشیم، عقل‌ورزی ما قوی‌تر می‌شود.

معصومه فرهوش رییس گروه برنامه ریزی و ارزشیابی نیز پرسید: بحثی راجع به الگوهای عادت‌ی مطرح کردید که فرد در واکنش به مسئله‌ای که در یک موقعیت پیش آمده است اگر بخواهد دائم و به صورت عادت‌ی واکنش‌هایی را نشان دهد مسلماً خیلی مطلوب نیست. همه ما معتقد هستیم که انسان یک موجود تمام‌ساختی است و یک انسان تمام‌ساختی باید تمام ابعاد وجود خودش را

رشد دهد. از واژه الگوی یکپارچه استفاده کردید که برای بنده محل سؤال بود که منظورتان دقیقا از الگوی یکپارچه چیست؟

دکتر فیاض در پاسخ به این سؤال بیان کرد: منظور من از واژه یکپارچه که به کار برده‌ام، الگوی واحد است. مثالش این است که در زندگی مشترک همیشه این الگو را مد نظر قرار دهیم که قهر کنیم یا سکوت کنیم و هرگز واکاوی نکنیم که شاید یک راه‌حل دیگری وجود داشته باشد. مثال دیگر یکی از دانشجویان دکتری من است که می‌گوید من وقتی از کسی بدم بیاید و کینه کسی را به دل بگیرم دیگر تا قیامت از ذهنم پاک نمی‌شود. این یعنی یک سازمان ذهنی فوق‌العاده مخرب. این آدم می‌خواهد در جامعه اجتماعی نقش پدران یا همسرانه ایفا کند. شما فکر می‌کنید این آدم با این طرح‌واره ذهنی چه بلایی سر خودش می‌آورد؟ مگر می‌شود کسی اشتباه نکند؟

فیاض تأکید کرد: انسان‌ها به لطف پروردگار متعادل و اعظاهای درونی دارند که در درون خودشان فکر و واریسی می‌کنند و اعظاهای، اتفاقات و تجربیات بیرونی هم دست به دست می‌دهند که انسان‌ها تغییر کنند. خیلی مهم است که ما این سازمان‌های ذهنی را مدام در سیستم مدرسه‌مان واکاوی کنیم.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش



**بررسی
ابعاد مختلف
پدافند غیرعامل
در سازمان پژوهش
و برنامه‌ریزی**



جلسه "پدافند غیرعامل" با حضور دکتر حسن ملکی معاون وزیر و رئیس سازمان، دکتر محسن محبی معاون توسعه فرهنگی و اطلاع رسانی سازمان پدافند غیرعامل و جمعی از مسئولان سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، قهرمانی از کارشناسان سازمان پدافند غیرعامل و مطلبی رئیس اداره پدافند غیرعامل مرکز حراست وزارت آموزش و پرورش در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۹۹ برگزار شد.

دکتر حسن ملکی در ابتدای این جلسه اظهار داشت:

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، در دوره تحول برنامه های درسی بر پایه اسناد تحولی قرار دارد. با توجه با تاکیدات مقام معظم رهبری بر عمل به سند تحول بنیادین و حجت آفرین بودن این مطالبه ای ایشان برای دلسوزان عرصه تعلیم و تربیت؛ لذا از زمانی که کار خود را به عنوان مسئول، آغاز کردم، با کمک همکاران سازمان بر روی عملیاتی کردن تحول مد نظر مقام معظم رهبری، تمرکز کردیم.

از ۱۰ ماه قبل وقتی مسئولیت سازمان را عهده‌دار شدم تصمیم گرفتم با یاری همکاران خودم در سازمان پژوهش مطالبه به حق رهبری را عملیاتی کنم. تلاش کردیم قدم‌هایی را برداریم که این قدم‌ها نشان‌گر تحول اساسی باشد. ما تحول اساسی در برنامه درسی را این‌طور معنا می‌کنیم که برنامه‌های درسی بناهایی هستند که این بناها باید مبتنی بر یک مبنایی شوند، وگرنه بنا معنا پیدا نمی‌کند. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی، دو سند بسیار مهم هستند که مبنایی برنامه‌ریزی درسی ما تلقی می‌شوند. ما آن‌ها را مدنظر قرار دادیم و شروع به طراحی الگوی برنامه‌ریزی درسی فطرت‌گرایی توحیدی کردیم.

خوشبختانه در این راستا، توانستیم با نگاه تحولی، الگوها را به صورت عملیاتی‌تر مطرح کنیم. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و تولید نیازهای نرم افزاری، در دستور کار قرار گرفت. برنامه‌ریزی‌های درسی در ۱۱ حوزه تربیت و یادگیری نیز بر همین اساس انجام شد و تاکنون تعدادی از این راهنماها مصوب شده است. مراحل بعدی کار عملیاتی ما، شامل تولید بسته‌های تربیت و یادگیری است لذا احتیاج داریم درباره ضرورت‌های تربیتی اندیشه عمیق‌تری را دنبال کنیم تا قدم‌های بعدی را عالمانه‌تر و آگاهانه‌تر برداریم. این پرسش مطرح است که بین پدافند غیرعامل و برنامه‌های درسی چه نسبتی وجود دارد؟ پدافند غیرعامل به دلیل وسعت و عمقی که دارد صرفاً در یک درسی به نام آمادگی دفاعی کافی نیست. البته این کتاب یکی از کتاب‌های خوب ما است و ابعاد گوناگون پدافند غیرعامل در آن مطرح شده است ولی اکنون که در مدار تحول قرار داریم باید قدری وسیع‌تر بیاندیشیم که این موضوع در مجموعه برنامه‌های درسی چه جایگاهی دارد.

احکام و مبانی پدافند غیرعامل در قرآن آمده است

پدافند غیرعامل دارای چند بعد و وجه است که من گذرا به آن‌ها اشاره می‌کنم. پدافند غیرعامل بعد اعتقادی دارد و مسئله قرآنی است. طبیعی است که واژه پدافند غیرعامل در قرآن نیامده ولی احکام و مبانی آن آمده است. در آیات متعددی به موضوع دفاع نظامی و غیرنظامی اشاره شده است. ما نمی‌توانیم نسبت به پدافند غیرعامل کم توجهی و کم‌اعتنایی کنیم، چرا که برای ما بعد اعتقادی دارد. پدافند غیرعامل بعد انقلابی هم دارد. انقلاب اسلامی ایران برای تداوم حیات خود به انسان‌های انقلابی نیاز دارد. انسان‌هایی که صرفاً در واقعیت جا خوش نمی‌کنند و برای حرکت به سوی آرمان‌ها از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند.

البته انقلابی‌گری فقط بحث پدافند غیرعامل نیست، بلکه ابعاد گوناگونی دارد ولی ما باید از این نظر هم دانش‌آموز را مقاوم بار بیاوریم. اگر جمهوری اسلامی بخواهد عمر طولانی پیدا کند با پدافند غیرعامل امکان‌پذیر است چون پدافند غیرعامل است که دفاع را به‌عنوان یک روح بر جامعه می‌دمد. دفاع فقط برای دوره نظامی‌گری نیست. هر کجا حیات هست دفاع هم وجود دارد. جمهوری اسلامی دشمنان قسم خورده‌ای دارد که هیچ موقع کوتاه نمی‌آیند چون ذات‌شان هجوم بر علیه جمهوری اسلامی ایران است.

ما باید پدافند غیرعامل را جدی بگیریم. پدافند غیرعامل یک امر قانونی است و ما موظف به اجرای آن هستیم. در عین حال پدافند غیرعامل یک امر سیاسی نیز هست. ما اگر بخواهیم دشمنان را باز بداریم که به ما حمله‌ور نشوند راهش اقتدار ملی و قدرتمندی است. آن‌ها باید احساس کنند که مردم در برابر دشمنان روحیه دفاع دارند.

آثار تولیدی سازمان پژوهش در ارتباط با پدافند غیرعامل

سپس مهدی جلالی مدیر کل امور اداری و پشتیبانی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیان کرد: سازمان پژوهش یک سند بالادستی به نام برنامه درسی ملی دارد و فعالیت‌های خودش را در ۱۱ حوزه تربیت و یادگیری دنبال می‌کند. حوزه یازدهم در برنامه درسی ملی، حوزه تربیت و یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده است که در قلمروی این حوزه، بخشی را به‌عنوان سند یاد کرده و مصوب شورای عالی آموزش و پرورش است و آن هم مهارت کار با دیگران و مهارت‌های پدافند غیرعامل و آمادگی دفاعی است.

سازمان پژوهش تولیدات مناسبی از جمله تولیدات محتوایی مکتوب که تألیف و آماده‌سازی ۲۰۰ صفحه مطلب آموزشی پیرامون پدافند غیرعامل ویژه کارشناس‌ها، معلم‌ها و مدیران دوره‌های متوسطه اول و دوم را انجام داده و برای آموزش به کمیته‌های استانی ارسال کرده است. تألیف و تدوین کتاب ویژه مبانی اصول و شیوه‌های پدافند غیرعامل برای آموزش ضمن خدمت معلم‌های سراسر کشور، تولید شش عنوان کتاب ویژه دانش‌آموزان و فرهنگیان با عناوین مقاومت ملی، پایداری و پدافند غیرعامل ویژه مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، تألیف کتاب "کلام آفتاب" ویژه فرهنگیان کشور، تألیف و تدوین سه کتابچه آموزشی ۲۴ صفحه‌ای تمام رنگی ویژه مدیران و فرهنگیان با موضوع بسیجیان در پایداری ملی، آشنایی با مدیریت بحران، تهیه و توزیع کتاب آموزشی پدافند غیرعامل ویژه خانواده‌ها

هم در این بخش آماده‌سازی شده است.

همچنین فراخوان مقاله پیرامون پدافند غیرعامل منتشر شد که پس از بررسی ۹۲ مقاله آن انتخاب شد و به برگزیدگان جوایزی هم داده شد. از جمله آثار تولید شده نیز می‌شود به تولید سه عنوان نرم‌افزار آموزشی در موضوع جنگ نرم و مقابله با تاکتیک‌های جنگ نرم ویژه دانش‌آموزان ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، تولید محتوای آموزشی الکترونیک، تولید ۱۱ عنوان فیلم با ۲۲۹ دقیقه محتوا با تیراژ ۳۳ هزار نسخه و تولید ۵۰ دقیقه فیلم آموزشی پدافند غیرعامل برای استفاده عموم در آموزش و پرورش اشاره کرد.

تولید ۷۰ دقیقه فیلم انیمیشن آموزشی پدافند غیرعامل با عنوان "قصه‌های هادی و هدی"، تولید فیلم ۱۰ دقیقه‌ای "یک رویا" با مفهوم پدافند غیرعامل، تولید فیلم ۴۰ دقیقه‌ای "آزیر قرمز" با موضوع معرفی پدافند غیرعامل، تولید فیلم ۱۰ دقیقه‌ای "حریم" با موضوع رعایت اصول حفظ اطلاعات در جامعه و تولید فیلم ۱۲ دقیقه‌ای "دفاع پنهان" با موضوع آشنایی با مفاهیم فریب، استتار، اختفا و استحکامات؛ ویژه دانش‌آموزان دوره متوسطه، از دیگر آثار تولیدی در این زمینه بود. گفتنی است که از چهار فیلم پدافند غیرعامل تقدیر شد و وبسایت آموزشی و اطلاع‌رسانی پدافند غیرعامل ویژه دانش‌آموزان و معلمان کشور در شبکه ملی رشد راه‌اندازی شد.

تعریف پدافند غیر عامل

در ادامه نشست دکتر محسن محبی معاون توسعه فرهنگی و اطلاع‌رسانی سازمان پدافند غیرعامل بیان کرد:

من از همدلی، همکاری و هماهنگی بسیار خوب آموزش و پرورش با حوزه پدافند غیرعامل تشکر می‌کنم. همان‌طور که آقای جلالی گزارش دادند، اقدامات بسیار تأثیرگذار و خوبی توسط آموزش و پرورش در این حوزه انجام شده است.

پدافند غیرعامل در جامعه جهانی به دفاع غیرنظامی معروف است ولی در کشورهای عربی به دفاع‌المدنی معروف است. برخی از کشورها ترکیبی از سازمان‌ها را در دفاع‌المدنی و دفاع غیرنظامی با هم می‌بینند. از مفهوم دفاع غیرنظامی می‌توانیم دو استنباط و هدف برای جامعه ایران متصور شد. یکی از آن‌ها دفاع توسط غیرنظامیان است. یعنی اگر امر دفاع را یک امر جامع در نظر بگیریم، یک بخش آن دفاع عامل می‌شود و یک بخش دیگر آن دفاع غیرعامل و بدون استفاده از سلاح است. بنابراین یک تعریف دفاع غیرنظامی این است و تعریف دیگر آن دفاع از غیر نظامی‌ها است.

یعنی اگر قائله‌ای پیش آمد بایستی غیرنظامی‌ها مورد حمایت قرار بگیرند و برای آن‌ها مصونیت ایجاد کنیم. یعنی اینکه جامعه بیاید پشت سر نیروهای مسلح دفاع کند. یک حجم انبوهی از این جامعه در آموزش و پرورش است که ۱۳-۱۴ میلیون نفر دانش‌آموز، دو میلیون نفر کارمند و ۱۳-۱۴ میلیون نفر اولیاء دارد. اگر قرار به دفاع از جامعه باشد، مثل دوران دفاع مقدس بسیاری از دانش‌آموزان دفاع می‌کنند. هنوز هم این توقع وجود دارد که غیرنظامی‌ها هم در یک شرایطی از جامعه دفاع کنند. اگر آن جنبه دیگر که بایستی از غیرنظامی‌ها در شرایط بحران دفاع کرد را در نظر بگیریم، همچنان آموزش و پرورش بخشی از این کار است چون مدارس تبدیل به محل امدادسانی به مردم می‌شوند. در همین دوران کرونا نیز همین کار را انجام دادیم. اگر بخواهیم به مردم در شرایط اضطرار کمک کنیم، بخشی از این کار را در مدرسه‌ها انجام می‌دهند.

پنج مأموریت پدافند غیر عامل

پدافند غیرعامل پنج مأموریت دارد؛ پدافند غیرعامل، اقدامات غیر مسلحانه‌ای است که منجر به پنج مأموریت شامل افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری‌ها، استمرار خدمات ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل در مدیریت بحران می‌شود. آقای دکتر ملکی در رابطه با بازدارندگی توضیحات خوبی دادند. بازدارندگی یعنی ایجاد حالتی که دشمن هوس حمله کردن به کشور را نداشته باشد. یعنی شما او را از حمله کردن باز می‌دارید. بخشی از این کار عمل و بخشی از آن نمایش و گفتار است.

تمام رزمایش‌های نیروهای مسلح که با هزینه‌های زیادی انجام می‌شود این پیام را به جهان می‌دهد که اگر به ما حمله کنید در مقابل شما دفاع می‌کنیم. اگر ما بازدارندگی مان خوب نباشد دشمن به ما حمله می‌کند. در دوران دفاع مقدس هم صدام احساس کرد ما ضعیف هستیم و به همین خاطر به ایران حمله کرد. ما باید خودمان را به جامعه جهانی نشان بدهیم. آمریکایی‌ها نمی‌توانند به ما حمله کنند. شک نکنید اگر می‌توانستند به ما ضربه بزنند یک لحظه هم درنگ نمی‌کردند ولی نمی‌توانند. پس از شروع جنگ این بازدارندگی شروع شد و دانش‌آموزان، معلم‌ها، پزشک‌ها، مهندس‌ها و همه به میدان آمدند.

الآن شکل جنگ‌ها عوض شده است. ما در حال حاضر در حال جنگ نرم هستیم. از جنگ نرم هم داریم به یک جنگ دیگری عبور می‌کنیم. حضرت آقا فرمودند که جنگ آینده، جنگ شناختی است. ما الآن وارد فاز جنگ شناختی شده‌ایم. برای مقابله با جنگ شناختی، محور ما آموزش و

پرورش است. ما الآن دچار یک جنگ ترکیبی هستیم که شامل جنگ رسانه‌ای، جنگ شناختی، جنگ نرم، جنگ اقتصادی، معیشتی و جنگ سیاسی است. بر بستر معیشت مردم سوار می‌شوند و معیشت را گروگان می‌گیرند و بعد در رسانه‌ها به انواع مختلف به ما آسیب می‌زنند. دشمن در جنگ نرم می‌خواست ما در ظاهر مثل آن‌ها لباس بپوشیم و مثل آن‌ها فکر کنیم ولی در جنگ شناختی به سمت مدیریت ادراک، معرفت و شناخت رفته‌اند. یعنی الآن شناخت افراد را نشانه گرفته‌اند. بچه‌های ما شاید قبلاً کاهل به نماز می‌شدند ولی الآن دارند ادراک بچه‌ها را نسبت به نماز خدشه‌دار می‌کنند. متأسفانه باورها و ریشه‌ها دارد زده می‌شود. بازدارندگی در این حوزه سخت است به این معناست که به دشمن بفهمانیم آن‌قدر پایه‌های فکری و ادراکی بچه‌های ما قوی است که حرف‌های شما اثری روی آن‌ها نخواهد گذاشت. من امیدوارم که دوستان ما در آموزش و پرورش بتوانند این کار سخت را انجام بدهند.

پدافند غیرعامل از نگاه دین

ما در حوزه دین دو، سه بحث کلان داریم که به رویکردهای پدافند غیرعامل برمی‌گردد، منتها این‌ها لایه زیرین است که دوستان ما در آموزش و پرورش با همکاری حوزه علمیه بتوانند از عمق به سطح بیاورند که منجر به برنامه‌هایی برای اجرا شود. یکی از آن‌ها آیه "وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ" است. این فرمایش فقط برای نظامی‌ها نیست، بلکه برای همه است. همه یعنی آموزش و پرورش، خانواده‌ها و... واقعیت این است که ما الآن دچار هجمه هستیم. به فرمایش حضرت آقا یکی از مشکلات اساسی جامعه این است که بعضی از افراد به جنگ نرم باور ندارند. تا زمانی که این باور وجود نداشته باشد انسان احساس خطر نمی‌کند. ما باید خودمان را برای شرایط سخت آماده کنیم. موضوع بعدی، آیه "نفی سبیل" است. خداوند در این آیه نمی‌خواهد کافر بر مسلمانان مسلط شود. یکی از تسلط‌ها، نفوذ آدم‌های غریبه است و دیگری تسلط مبانی غیر بومی و غیر اسلامی است. من نمی‌دانم تکلیف سند ۲۰۳۰ چه شد و فقط جهت اشاره عرض می‌کنم. اگر سند ۲۰۳۰ تسلط دیگری را بر ما می‌رساند باید مقابل آن بایستیم. جامعه از هر جهتی باید زیر تسلط نباشد. ما باید با برنامه مقابل آن‌ها بایستیم. ما مثل آن‌ها خبیث نیستیم و نمی‌توانیم دانش‌آموزی را تربیت کنیم که به جامعه جهانی آسیب برساند، بلکه به آن‌ها می‌گوییم مهربان باشند ولی باید بدانیم که آدم روبروی آن‌ها مهربان نیست. ما بایستی در حوزه‌های مختلف این مباحث را مدنظر قرار دهیم. بزرگان ما در جنگ‌های مختلف از پدافند غیرعامل استفاده کردند.

خوشبختانه ما شاهد توفیقات بسیار زیادی در آموزش و پرورش بوده‌ایم. به نظر ما فرهنگ‌سازی پدافند غیرعامل بسیار مهم است و این مهم در آموزش و پرورش خودش را بروز و ظهور می‌دهد. برای محقق شدن فرهنگ پدافند غیرعامل در سطح جامعه الزاماً بایستی از آموزش و پرورش شروع کنیم. آموزش و پرورش در این حوزه می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. سند پدافند غیرعامل وزارتخانه شما نوشته شده، در حالی که بسیاری از وزارتخانه‌ها این نقشه راه را ندارند. یعنی در وزارتخانه شما مشخص است که هر سال باید چه اتفاقی در این حوزه بیافتد. کتاب‌های مختلفی برای سنین مختلف و پایه‌های تحصیلی متفاوت آمده است. ما دنبال این هستیم که با وزارت آموزش و پرورش یک تفاهم‌نامه داشته باشیم. کتاب‌های پایه نهم و دهم عالی است، منتها به نظر می‌رسد که ما باید این کار را از سنین پایین‌تر شروع کنیم.

پدافند غیرعامل شامل تمام حوزه‌های تهدیدات غیرنظامی مانند تهدیدات سایبری، زیستی، شیمی، پرتویی، مردم محور و اقتصادی می‌شود. هر کدام از این محورها در سازمان پدافند غیرعامل قرارگاه خاص خودشان را دارند. قرارگاه‌های ما اعلام آمادگی می‌کنند که برخی از مفاهیم‌شان به صورت کلی برای همه دانش‌آموزان و به صورت اختصاصی برای دانش‌آموزان دروس خاص بیاید. مثلاً ما عمده‌ترین تهدیدات سایبری را به همه بگوییم ولی به کسی که دارد رشته کامپیوتر می‌خواند حتماً بایستی به صورت تخصصی تهدیدهای این حوزه را نیز بگوییم. بنابراین ما هم می‌توانیم مفاهیم کوتاهی از پدافند غیرعامل را برای عموم دانش‌آموزان در نظر بگیریم و هم می‌توانیم در کتاب‌های تخصصی این بخش را بیاوریم.

پیشنهاد اضافه شدن حوزه یادگیری انقلاب اسلامی به حوزه‌های تربیت و یادگیری

شهاب قهرمانی مشاور معاون فرهنگی سازمان پدافند غیرعامل نیز بیان کرد: یکی از اقدامات عمده‌ای که در مرکز حراست صورت گرفت بحث تدوین سند راهبردی پدافند غیرعامل در وزارت آموزش و پرورش و نقشه راه آموزش است. براساس نقشه راه آموزش، تا الآن ۸ جلد کتاب آموزشی تألیف شده و توسط مرکز حراست چاپ و توزیع شده اما توزیع سراسری بین تمام دانش‌آموزان صورت نگرفته است. دو جلد از این ۸ جلد برای دوره اول و دوم ابتدایی است که سال گذشته تألیف شد. دو جلد برای اول و دوم متوسطه (دختران و پسران) است. یک جلد کتاب جدید برای آموزش فرهنگیان و یک جلد هم برای اولیاء است.

در سال‌های اخیر این پیشنهاد به‌عنوان یک مطالبه از سوی شورای ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و از سوی دانشگاه عالی دفاع ملی طرح شده که یک ساحتی به نام ساحت تربیت انقلابی و جهادی ایجاد شود. این پیشنهاد به شورای عالی آموزش و پرورش ابلاغ شده و قرار شده در بازنگری سند تحول بنیادین مطرح شود و یک حوزه یادگیری دوازدهم به نام حوزه یادگیری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به وجود آید. مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۰ به تبیین فلسفه انقلاب اسلامی برای دانش‌آموزان توصیه کردند و این مطالبه در همان راستا است.

چندی پیش آقای جلالی گفته بودند که شما برای انتقال مفاهیم دفاع مقدس در برنامه‌های درسی یک راهنمای برنامه درسی بنویسید. این کار خیلی خوبی است. وقتی یک راهنمای برنامه وجود داشته باشد ما مبنا و مبنای را داریم. من برای پدافند غیرعامل هم پیشنهاد می‌کنم که اگر ما این روش را پیگیری کنیم خوب است. یعنی ما انتظاراتمان از حوزه پدافند غیرعامل را از همه گروه‌های درسی در یک راهنمای برنامه درسی تعریف کنیم و به مؤلف بدهیم تا او این انتظارات را بنا بر اقتضات خودش و متناسب با مخاطب بیاورد.

دفاع متناسب با تهدید است. دفاعی که ما در زمان دفاع مقدس انجام می‌دادیم، دفاع در برابر تهدید سخت نظامی بود. امروزه جنگ‌ها تغییر پیدا کرده‌اند. جنگ‌ها جنگ روایت‌هاست. مدیریت ادراک آن‌قدر اهمیت دارد که ما بنابر ابلاغ ستاد کل نیروهای مسلح، قرارگاه جنگ شناختی تشکیل دادیم و خود آقای دکتر محبی اداره‌کننده آن هستند. در مجلس گفته‌اند که قرارگاه پدافند غیرعامل فرهنگی تشکیل شود که بخش اعظمی از آن به وزارت آموزش و پرورش برمی‌گردد و ما باید برای آن برنامه مدون و مشخص داشته باشیم و در سال ۱۴۰۰ بگوییم از نقطه الف می‌خواهیم به نقطه ب برسیم.

استفاده از سامانه شاد برای پدافند غیرعامل

در ادامه مطلبی رئیس اداره پدافند غیرعامل درباره این اداره و مسئولیت خود در آن گفت: پدافند غیرعامل سال ۱۳۸۲ با حضور سردار جلالی در آموزش و پرورش شکل گرفت، منتها آنچنان منسجم نبود تا اینکه در سال ۱۳۸۶ ورق برگشت. آقای حاج کریم یک ابلاغی برای بنده با عنوان کارشناس مسئول پدافند غیرعامل زدند که بعد تبدیل به رئیس اداره پدافند غیرعامل شد. بنده از سال ۱۳۸۶ تا الان خدمت‌گذار پدافند غیرعامل هستم و بسیار خوشحالم که با هم‌فکری کارگروه‌ها توانسته‌ایم کارهای خوبی را انجام دهیم.

سال‌ها قبل می‌گفتند در کتاب‌های ما حتماً باید توپ، تانک و سنگر باشد که سردار جلالی به شدت مخالفت می‌کردند و می‌گفتند ما دستگاه فرهنگی هستیم. بعدها تغییر موضع داده شد و احساس شد که باید روش عوض شد. الحمدلله دیدگاه‌ها عوض شد و الآن بیشتر داریم به سمت سایبری حرکت می‌کنیم. الآن مشکل و درگیری ما بحث فضای سایبر و گرایش دانش‌آموزان به سمت فضای سایبر است. این است که ما با همکاری بچه‌های سازمان پدافند برخی دوره‌های ضمن خدمت از جمله دوره سایبری، دوره زیستی، دوره تربیت مربی پدافند غیرعامل و... را پیش‌بینی کرده‌ایم که ان‌شاءالله همه فرهنگیان می‌توانند در این دوره‌ها شرکت کنند و ضمن خدمت بگیرند. ما خیلی تأکید داریم که از برنامه شبکه شاد برای بحث پدافند غیرعامل استفاده کنیم. به دنبال این هستیم که در صفحه اصلی شبکه شاد یک لینک داشته باشیم که وقتی مخاطبان وارد شبکه شاد می‌شوند پدافند غیرعامل را ببینند. در آنجا از اعضای کمیته می‌خواهیم که موضوع و مطلب بیاورند تا به ترتیب اولویت بتوانیم مفاهیم پدافند غیرعامل را از تعریف، اهمیت و اهداف شروع کنیم و تا الآن پیش‌بینی می‌کنیم که تهدیدها و آسیب‌های ما در کجاست و همچنین دانش‌آموزان و خانواده‌ها را با پدافند غیرعامل آشنا کنیم و دوره‌های ضمن خدمت را آنجا بارگذاری کنیم.

ظرفیت‌های قابل استفاده سازمان پژوهش در بحث پدافند غیرعامل

سپس دکتر ملکی با اشاره به ابعاد ظرفیتی سازمان پژوهش بیان کرد: سازمان پژوهش ظرفیت‌های مختلفی دارد که اصلی‌ترین آن‌ها بسته‌های تربیت و یادگیری است که براساس طراحی‌های نوین تحولی به تدریج از سال ۱۴۰۰ آغاز خواهد شد. در سال ۱۴۰۰ شاید حدود ۱۵ درصد از عناوین درسی ما مشمول این تحول شود و بقیه راه عادی و طبیعی خودشان را پیمایند و بعد بسته‌های تربیت و یادگیری به تدریج در چند سال جایگزین کتاب‌های درسی کنونی شوند. بنابراین وقتی ما از آموزش پدافند غیرعامل از طریق سازمان پژوهش سخن می‌گوییم، از این ظرفیت حرف می‌زنیم.

ظرفیت دوم، مجلات رشد است که در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی منتشر می‌شوند و متعدد هستند. ظرفیت سوم، فضای مجازی در اختیار سازمان پژوهش است که آن را تحت عنوان شبکه ملی رشد می‌شناسیم. این شبکه در حقیقت یک کلان رسانه است. یک رسانه بزرگ است که رسانه‌های خرد و کوچک‌تری را حمل می‌کند. در این شبکه خیلی چیزها را می‌شود به دانش‌آموزان، معلمان

و والدین ارائه کرد که از جمله آن‌ها تولید محتوای الکترونیکی است. تولید محتوای الکترونیکی در سازمان شروع شده است. در حال حاضر محتوای الکترونیکی بخش قابل توجهی از کتاب‌های درسی ما تولید و بارگذاری شده و اکنون در دسترس کاربران است. ظرفیت چهارم، نصب یا قرار دادن یک امکان فناوری نوین به نام QR Code (رمزینه‌های سریع پاسخ) است که دانش‌آموز از طریق گوشی همراه خودش می‌تواند به یک سری محتوای افزوده و کامل‌تر ورود پیدا کند. این هم امکان خوبی است که بخشی از آن می‌تواند همین آموزش‌های مربوط به پدافند غیرعامل باشد. پنجمین امکان و ظرفیت در سازمان پژوهش نیز انتشار کتاب‌های آموزشی از طریق انتشارات مدرسه سازمان است. از آن طریق هم می‌توان یک سری کتاب‌های آموزشی متناسب با پدافند غیرعامل را برای اقشار مختلف تعلیم و تربیت چاپ و ارائه کرد.

شبکه رشد و پدافند غیرعامل

سپس محمدابراهیم محمدی مدیر کل دفتر انتشارات و فناوری آموزشی بیان کرد: استنباط من این است که ما در بحث پدافند غیرعامل باید به چند مؤلفه توجه کنیم که این‌ها می‌تواند اساس مأموریت‌ها و فعالیت‌های ما باشد. مؤلفه‌هایی که مد نظر است، بحث هویت، بحث معنویت، بحث سواد و شناخت رسانه‌ای و بحث کار، اشتغال و فعالیت در نسل جدید است. این چند کلیدواژه می‌تواند آن مصونیت‌سازی که در نسل جدید مد نظر ما است را ایجاد کند. ما در حوزه مجلات رشد ۳۲ نشریه برای همه مقاطع و همه اقشار درگیر با آموزش اعم از دانش‌آموزان، معلمان و حتی خانواده‌ها تولید می‌کنیم. مجلات رشد به دلیل تازگی، تنوع، سیالیت و جریان پیوسته در طول سال می‌تواند بهترین بستر برای انعکاس رهنمودها، اطلاعات و محتوا باشد به شرط اینکه خیلی ظریف، دقیق و غیر مستقیم باشد و با هندسه خوبی انجام بگیرد. خوشبختانه ما در سال ۱۳۹۹ یک شیوه‌نامه تحولی را برای مجلات نوشتیم که مجلات علاوه بر خوانشی بودن، شنیداری و دیداری هم باشند. در واقع ۲۰ درصد مجلات ما در سال ۱۴۰۰ حالت پادکست و فیلم خواهد داشت. من فکر می‌کنم بعد از کتاب‌های درسی که یک محور و عیار به حساب می‌آیند، هیچ رسانه‌ای در کشور و حتی در خاورمیانه، به اندازه مجلات رشد که ما منتشر می‌کنیم نه ضریب نفوذ دارد و نه تأثیر دارد. ما در شبکه ملی رشد ده‌ها هزار مقاله، محتوا و فیلم داریم. این شبکه ۲۰ سال است که فعالیت می‌کند و روزانه صدها هزار بازدید کننده دارد. جشنواره فیلم رشد هم پایانه‌اش تقریباً همین شبکه

ملی رشد است. اخیراً هم این اتفاق خوب افتاد که کتاب‌های الکترونیکی در شبکه ملی رشد بارگذاری شد.

نکته‌ای که خیلی مهم است و باید روی آن تمرکز زیادی کنیم، ظرفیت بی نظیر QR Code است. من فکر می‌کنم اگر بحث پدافند غیرعامل روی موضوع QR Code تأمل کند و دقیق باشد و از ظرفیت، افق و چشم‌انداز QR Code آگاهی کامل پیدا کند، بسیاری از مأموریت‌های آن در بحث خانواده و دانش‌آموز محقق خواهد شد.

توجه به پدافند غیرعامل از سه حیث برنامه‌ای، عملیاتی و اجرایی

افشار بهمنی نیز درباره توجه به پدافند غیرعامل در سازمان پژوهش بیان کرد:

با راهبری خوب آقای دکتر ملکی در یک سال گذشته، ما هم از حیث محتوایی، هم از حیث برنامه‌ای و هم از حیث عملیاتی و اجرایی توانسته‌ایم به این مؤلفه و رکن اساسی در مدیریت استراتژیک کشور توجه کنیم.

ما سعی کردیم مبنای برنامه‌ریزی‌های درسی‌مان توجه به گروه‌های بزرگ شغلی باشد تا از طریق این آموزش‌ها به انعطاف‌پذیری برنامه‌های درسی و تغییرات به‌روز و مستمر فناوری و اقتصاد جامعه توجه کنیم. همچنین سعی شده که در شاخه‌های کاردانش متناسب با آمایش‌های سرزمینی و نیازهای بومی به رشته‌ها و برنامه‌های جدیدی توجه کنیم که برخی مسائل را در کشور حل کند.

یک مسئله‌ای در آموزش آمادگی دفاعی در شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش وجود داشت که هنوز هم هست، اما با مطالعات خوبی که انجام شد پیشنهاد سازمان پژوهش این است که بتوانیم این درس را از پایه دوازدهم به پایه دهم منتقل کنیم که توجه ویژه‌ای در حوزه پدافند غیرعامل باشد. نکته دیگری که از حیث محتوایی در یک سال گذشته در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از منظر پدافند غیرعامل محقق شد، توجه به ایمنی، بهداشت، محیط زیست، اخلاق حرفه‌ای و کارآفرینی از منظر اقتصاد مقاومتی بود. در برنامه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، ایمنی‌ها یک مؤلفه دارند. یعنی در حال حاضر قبل از مهارت‌های تخصصی و شغلی، ایمنی‌ها را در نظر می‌گیریم.

نکته مهم دیگر درج معارف انقلاب اسلامی به تبع بیانیه گام دوم است. ما توانستیم در بیش از ۸۰ عنوان از کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش تغییر جزئی بدهیم و این سیاست‌ها را به صورت تلفیقی در آن کتاب‌ها تبیین کنیم. یک نمونه‌اش بحث جمعیت و چالش‌های بود که در آینده با آن مواجه هستیم. یا بحث اقتصاد مقاومتی که باید خودش را در محتوا نشان بدهد.

سه نگاه به پدافند غیرعامل

سجاد مهدی‌زاده سرپرست گروه آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده نیز گفت: ما سه نگاه می‌توانیم به پدافند غیرعامل داشته باشیم. یک نگاه این است که به‌عنوان یک موضوع مستقل و خرد به آن نگاه کنیم که فکر می‌کنم کسی در این جلسه با این نگاه موافق نیست. نگاه دیگر این است که آن را یک حوزه مجزا در نظر بگیریم که به این نگاه هم می‌شود فکر کرد ولی به هر حال با عملیاتی کردنش فاصله داریم. نگاه دیگر هم نگاه رویکرد محور است. نگاه رویکرد محور به ما می‌گوید که در هر موضوعی این نگاه را داشته باشیم که در اینجا ممکن است دشمنی باشد که بخواهد به شما ضربه بزند. به اعتقاد من نگاه رویکرد محور خیلی می‌تواند مبارک باشد.

جمع‌بندی

در پایان دکتر حسن ملکی در جمع‌بندی جلسه گفت: موضوع پدافند غیرعامل برای ما اصلی و کاربردی است و آن را تا رسیدن به نتیجه مطلوب، دنبال خواهیم کرد. صحبت‌های مطرح شده، نشان داد که موضوع پدافند غیرعامل عریض و طویل است و برای مواجهه با این مسئله به جهت ذهنی، برنامه‌ای و عملی نیاز به گسترش داریم تا بتوانیم با این وسعت مفهومی، خود را وفق دهیم.

نیازمند یک کمیته فرعی در گروه پژوهش و برنامه ریزی درسی آداب و مهارت‌های زندگی هستیم که بتوانند یک ریز برنامه و برنامه درسی خرد را در دل برنامه درسی کلان طراحی کنند. آموزش پدافند غیرعامل را اگر در یک درس محصور کنیم، اشتباه کرده‌ایم زیرا ماهیت این مبحث یک موضوع بین رشته‌ای است و باید به دروس مختلف گسترش یابد و در دروسی که این ظرفیت را دارند، مهارت را بگنجانیم.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

نشست

تبیین

بسته تحولی

(برنامه ویژه

مدرسه)



نشست تبیین بسته تحولی (برنامه ویژه مدرسه) با حضور دکتر حسن ملکی معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مدیران سازمان، مدیر اجرایی طرح و همچنین مدیران کل آموزش و پرورش استان‌ها به صورت غیرحضوری و وبیناری برگزار شد.

این نشست پیرو دستورالعمل اجرایی طرح بوم ارسال شده در تیر و بهمن سال ۱۳۹۹ و نظر به اهمیت بسته تحولی، کیفیت‌بخشی به اجرای برنامه ویژه مدرسه و تبادل نظر با مسئولان استان‌ها به صورت غیرحضوری برگزار شد. گزارش اجرای بسته تحولی (برنامه ویژه مدرسه)، نظرات دکتر حسن ملکی معاون وزیر و ریاست سازمان پژوهش، بیان نظرات مدیران کل استان‌ها محورهای اصلی این نشست بود.

ابتدای این نشست دکتر عظیم محبی دبیر برنامه ویژه مدرسه (بوم) با اشاره به چرایی تدوین این برنامه و فرایند تشکیل و اجرای آن، گزارشی از اقدامات صورت گرفته تاکنون و ارسال این بخشنامه در سال ۱۳۹۷ به استان‌ها را ارائه کرد.

ماهیت برنامه ویژه مدرسه

این برنامه دقیقاً منطبق بر راهکار ۵-۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است؛ به نحوی که به مدارس امکان می‌دهد ۶۰ ساعت از زمان رسمی آموزشی خود را متناسب با نیازهای دانش‌آموزان و با در نظر گرفتن رویکرد فرهنگی و تربیتی، مهارت‌های شغلی، حرفه‌ای و غیره را برنامه‌ریزی و اجرا نمایند. در دو سال گذشته واکنش مدارس نسبت به این برنامه مثبت بوده است اما واقعیت این است که در دو سال گذشته آنچه که ما اسمش را پشتیبانی‌های علمی می‌گذاریم، اعم از آموزش مدیران مدارس، آموزش معلمان و آموزش مربیان تربیتی و مشاوران، خوب اجرا نشده است و انتظارات ما تحقق پیدا نکرده است. بحث کرونا هم به این مسئله دامن زده است. این برنامه امسال به عنوان بسته تحولی وزارت آموزش و پرورش انتخاب شده و جزو اولویت‌های اول وزیر آموزش و پرورش قرار گرفته است که این انتخاب از نظر ما یک فرصت است.

فعالیت‌های انجام شده در راستای اجرای برنامه بوم

امسال طبق بسته تحولی سه برنامه اصلی داشتیم. برنامه اول ما آموزش مدیران بود که این آموزش مدیران از آبان تا دی برای ۶۰ هزار مدیر متوسطه اول و ابتدایی به صورت متمرکز و در یک دوره آموزشی ۲۴ ساعته برگزار شد. در ادامه بر اساس مباحثی که مطرح شد، آقای وزیر اعلام کردند که معلمان و کارشناسان هم باید آموزش ببینند که یک دوره آموزشی برای معلمان و کارشناسان در نظر گرفتیم. پیشنهاد ما این است که از طریق مدرسان استانی، این دوره‌های آموزشی تا ۲۰ اسفند که دوره‌های ضمن خدمت باز است به صورت وینار برگزار شود و مراحل اداری ضمن خدمت هم در فروردین ماه انجام بگیرد. برای ارزشیابی هم پیشنهاد ما این است که به سمت آزمون‌های عملکردی برویم که آزمون عملکردی بوم همان چارچوب برنامه‌ریزی درسی در سطح مدرسه است. بهتر است که هر مدرسه حداقل یک موضوع را دنبال کنند.

برنامه سوم ارزیابی از ۸ مدرسه مجری برتر استان‌ها بود. به خاطر شرایط کرونایی امکان اعزام تیم از ستاد فراهم نبود و ما زحمت را دادیم به همان مدرسانی که دوره دیده بودند و آن‌ها ارزیابان ما شدند. حداقل ۲۰۰ نفر در کار ارزیابی به کمک ما آمدند و هر مدرسه را به صورت کیفی ارزیابی کردند و نتایجش را برای ما فرستادند.

نتایج ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که مدارس مجری برتر نسبت به بقیه بهتر عمل کرده‌اند، اما باید عرض کنم که آغاز راه هستیم. نتایج نشان می‌دهد که فرآیند نیازسنجی در این دوره‌های آموزشی باید خوب کار شود تا مدارس بر اساس نیازسنجی به عناوین آموزشی برسند.

دو سال اخیر سال تمرین بوده و ما همان مهارت‌هایی که قبلاً خارج از برنامه‌های درسی آموزش می‌دادیم را بازطراحی کردیم که خیلی خوب بوده است، اما حالا می‌خواهیم کار یک مقدار عالمانه‌تر شروع شود و برای اول مهر ۱۴۰۰ انتظار داریم که مدارس به صورت حرفه‌ای‌تر وارد کار شوند.

فلسفه وجودی برنامه بوم، برنامه‌ریزی درسی در سطح مدرسه است

دکتر حسن ملکی ریاست سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی:

این برنامه مهم و راهگشا براساس استلزامات قانونی، آموزشی و عقلی و خردورزانه تهیه شده است. مبنای قانونی این طرح، راهکار ۵-۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که به طور صریح آموزش و پرورش را موظف کرده ۲ ساعت از ساعات هفتگی آموزشی را به برنامه‌ریزی درسی در سطح مدرسه اختصاص دهند. فلسفه وجودی برنامه ویژه مدرسه همین کلید واژه برنامه‌ریزی درسی در سطح مدرسه است. ما براساس فلسفه نظام تعلیم و تربیت مان نمی‌توانیم به سمت آموزش و پرورش غیرمتمرکز برویم اما کاهش تمرکز را می‌توانیم دنبال کنیم.

نظام آموزشی ما به صورت کلی و طبق اصول خاصی شکل گرفته که بخش عمده آن ملی و بخشی از آن نیز به صورت بومی وجود دارد که در کل آن تفاوت خاصی به چشم می‌خورد اما از منظر تعلیم و تربیت، تفاوت‌هایی وجود دارد که باید به این تفاوت‌ها توجه کنیم و تربیت ما رنگ بومی به خود بگیرد.

برنامه ویژه مدرسه یک مبنای خردورزانه و عقلانی هم دارد که این مبانی را بصیرت انسان درک می‌کند و می‌فهمد. این مبانی عبارت از این است که ما نباید این تصور را داشته باشیم که تمام

نخبگان، عاقلان و خردورزان و تمام آن‌هایی که کاربرد و راه بلد هستند فقط در تهران جمع شده‌اند. ما باور داریم که در استان‌ها افراد خردمند و اندیشه‌ورزی وجود دارند. پس ما باید فضایی ایجاد کنیم که بتوانیم از معلمان، مدیران، مؤسسات علمی و فرهنگی، دانشگاه‌ها، مؤسسات قرآنی و سایر نهادها بهره‌برداری کنیم. این حکم عقل است.

لوازم تحقق مطلوب برنامه ویژه مدرسه

اولین لازمه این است که ما باید فهم واحدی از مفاد برنامه ویژه مدرسه داشته باشیم. این که آیا الان داریم یا نه، نمی‌دانیم. لازمه دوم این است که نقش‌هایی که در شیوه‌نامه تعریف شده، انجام بگیرد و اجرا شود. برای ستاد، برای مدیرکل استان و برای عناصر مختلف درون مدرسه، نقشی تعریف شده است اما آیا این نقش‌ها درست اجرا می‌شوند؟ استحضار دارید که اگر نقش تعریف شود ولی اجرا نشود گره‌ای باز نمی‌شود.

سومین لازمه این است که رسالت اصلی برنامه ویژه مدرسه باید به درستی فهم شود. رسالت اصلی این برنامه به حرکت درآوردن مدارس در جهت برنامه‌ریزی درسی محلی، منطقه‌ای و درون مدرسه‌ای است. اگر از این رسالت فاصله بگیریم اصل مسئله قربانی خواهد شد. لازمه چهارم هم این است که اراده قوی برای اجرا وجود داشته باشد.

لازمه پنجم این است که موانع اجرای برنامه ویژه مدرسه را از طریق پایش مستمر به دست بیاوریم. پایش یعنی ارزشیابی فرآیندی. این پایش خیلی می‌تواند به ما کمک کند، اما آیا این پایش انجام شده؟ آیا در مدارس ارزشیابی‌های فرآیندی براساس آنچه که در شیوه‌نامه قید شده، انجام می‌شود؟ تحقق برنامه ویژه مدرسه مستلزم تحقق ابزارهایی است اما اکنون که در سال سوم اجرای این برنامه هستیم سؤالات مهمی پیش می‌آید و آن این است که ارزیابی شما از ماهیت برنامه ویژه مدرسه چیست؟ نحوه اجرای این برنامه چطور بوده است؟ برنامه ویژه مدرسه را مناسب می‌دانید؟ در اجرای این برنامه چه بازخوردهایی به شما رسیده و به چه تجربه‌ی زیسته‌ای رسیده‌اید؟ سپس هر یک از مدیران کل آموزش و پرورش استان‌ها، معاونان آموزشی و رابطان پژوهشی به بیان نظرات و پیشنهادات خود پرداختند.

تمرکززدایی و تفویض اختیار به مدارس از طریق بوم

قاسمعلی خدابنده مدیر کل آموزش و پرورش خراسان رضوی بیان کرد: من فکر می‌کنم یک بحث عمده اهمیت برنامه ویژه مدرسه همان بحث تمرکززدایی و تفویض اختیار به مدیران مدارس است. اینکه ما با اعتماد به صلاحیت همکاران مان و با اعتماد به توان مدیران مدارس بتوانیم برنامه‌ای را ارائه دهیم که همکاران ما هم در تهیه و تدوین محتوا و هم در اجرا و ارزشیابی برنامه همکاری داشته باشند، اتفاق مبارکی است. ما در شرایط کنونی فعلی با توجه به اینکه بیشتر فرآیند آموزشی ما از طریق سامانه شاد انجام می‌گیرد قطعاً باید از این فرصت برای راهنمایی و مشاوره دانش‌آموزان بهره بگیریم و از ظرفیت مربیان پرورشی و مشاوران بهره ببریم. اکثر دانش‌آموزان در طول یک سال گذشته در منزل بوده‌اند و ارتباطها و تعاملات اجتماعی آنها کاهش پیدا کرده است. به نظر می‌رسد که زمینه برخی از آسیب‌های اجتماعی فراهم شده است. باید از ظرفیت بوم استفاده کنیم و باعث انگیزه بخشی، امیدآفرینی، مهارت و گفت‌وگو و تعامل سازنده شویم. درخصوص چالش‌های اجرای برنامه بوم، اولاً به دلیل گستردگی موضوعاتی که توسط شورای مدرسه مد نظر قرار می‌گیرد و در مدارس مختلف این موضوع متفاوت است، یک ارزشیابی دقیق نمی‌شود انجام داد. چالش دوم این است که معمولاً در هر طرحی که از طرف وزارت محترم اعلام می‌شود یک منابع مالی برای اجرای طرح پیش‌بینی می‌شود ولی در اجرای طرح بوم منابع مالی پیش‌بینی نشده است. چالش سوم این است که مسئولیت به کارگیری نیروهای خارج از حوزه آموزش و پرورش یا خارج از مدرسه را به مدیر محترم واگذار کرده‌اند در صورتی که مدیران برای دعوت از افراد مختلف با چالش عدم پاسخ استعلام می‌شوند و معمولاً حراست به این راحتی اجازه نمی‌دهد که یک نفر خارج از آموزش و پرورش بیاید و در کلاس‌های مدرسه شرکت و موضوعاتی را منتقل کند.

اهمیت نقش مدیران مدارس در اجرای بوم

سعید ربوشه معاون آموزش ابتدایی شهر تهران اظهار داشت: کاری که ما در حوزه ابتدایی در تهران دنبال می‌کنیم، ساختن یک شبکه در سطح مناطق است. همچنین ما در راستای لازمه اولی که دکتر ملکی در این جلسه به آن تأکید کردند در چند ماه

اخیر مرتب اعلام کرده‌ایم که مدیران مدارس باید برداشت‌های ذهنی‌شان تقریب پیدا کند و فهم نزدیکی نسبت به این معنای مهم داشته باشند.

یکی از پیش نیازهای بوم این است که مدیر باورش شود که شخص او در مدرسه این قابلیت را دارد که آورده بیاورد و از دانشگاه و جاهای دیگر کمک بگیرد. یعنی ما اجازه تصمیم‌گیری را به مدیر بیشتر بدهیم.

پانته‌آ دری معاون آموزش متوسطه شهر تهران نیز گفت:

در سطح شهر تهران از سه سال پیش تاکنون برنامه‌های متعددی در جهت هم‌سو کردن نگرش مدیران واحدهای آموزشی برای درک مناسبی از مفاهیم کلیدی بوم انجام شده است. اما حتماً مستحضر هستید که بسیاری از این برنامه‌های تحولی قائم به نگرش مدیر مدرسه هستند. یعنی اگر مدیر مدرسه با سند مأنوس باشد و اگر دنبال تحول و بهبود باشد، خودش راهکاری را برای اجرای این برنامه‌ها فراهم می‌کند و حتی مسائل و مشکلات را هم با استفاده از تکنیک‌های حل مسئله، ظرفیت مدرسه محوری، اقتضائات و امکانات مدرسه و امکانات داخلی و خارجی مرتفع می‌کند.

ما در درون مدرسه انتظار داریم که این هم‌سویی و هم‌افزایی را مدیر مدرسه در جمع خودش فراهم کند، اما متأسفانه ما در واحدهای بیرونی به دلیل تعدد برنامه‌ها یا تلقی کردن بوم به‌عنوان یک فوق برنامه، دچار یک مسئله و موانعی هستیم که مرتفع کردن آن نیاز به هم‌افزایی جناب آقای دکتر ملکی و بازتعریف مأموریت‌ها و نقش‌ها دارد.

بخشی از قوانین در این زمینه باید انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند. مثلاً قوانین مربوط به حضور افراد در مدرسه، طبیعتاً انتظار ما این است که مدرسه یک نیازسنجی کند و براساس فراوانی نیازها تصمیم بگیرد که چه عنوانی را در راستای ساحت‌های شش‌گانه برای بچه‌های یک کلاس ترسیم کند. حضور برخی از افراد متخصصی که مؤثر هستند یک مقدار با قوانین ما سازگار نیست. این مسئله‌ای که به نظر می‌آید باید راجع به آن بیشتر گفت‌وگو کنیم و راه‌تخلف یا به در دسر افتادن مدیر مدرسه را ببندیم.

در شهر تهران تمایل بیشتر به برنامه‌های تراکمی است چون شاید همه همکاران در حوزه آموزش ساعت خودشان را مهم بدانند و اختصاص یک ساعت در آموزش حضوری به این ۶۰ ساعت محقق نشود. اما خوشبختانه در آموزش‌های غیرحضوری این مشکل حل شده است. من می‌خواهم خواهش کنم که در پساکرونا این اختیار به شورای مدرسه داده شود که برای چنین برنامه‌های تحولی از ظرفیت غیرحضوری استفاده کنند.

برنامه بوم یک حلقه مفقوده بود

محمد فیاض پور معاون آموزش ابتدایی استان فارس گفت:

طرح بوم برای مدارس کشور یک حلقه مفقوده بود و به نظر من جای خودش را خیلی خوب پیدا کرده است، به طوری که الآن طرح بوم در مدارس استان فارس در میان اولویت‌ها قرار گرفته است. ما برای عوامل اجرایی ۱۶ مدرسه در استان فارس تقدیرنامه صادر کردیم که تأثیر به‌سزایی داشت و من پیشنهاد می‌کنم تقدیرنامه‌ها را بیشتر کنیم. از آنجایی که برنامه بوم یک نهال نوپا است به نظرم می‌آید که باید حمایت‌های بیشتری از آن صورت بگیرد. یعنی هم باید تمرکز فکری، نظری و تئوریک بیشتری روی آن داشته باشیم و هم حمایت‌های مالی بیشتری از آن انجام دهیم.

پیشنهاد‌های اصفهان برای اجرای بهتر برنامه بوم

لیلا سادات ابطحی معاون آموزش ابتدایی اصفهان اظهار داشت:

بوم را می‌پسندیم به دلیل فرصتی که جهت اعتماد به مدرسه در راستای تکوین برنامه‌های درسی تجویزی با توجه به نیازهای بومی و محلی دانش‌آموزان و توجه به مهارت‌آموزی فراهم کرد. یکی از کارهایی که در استان انجام شد، تدوین برنامه عملیاتی و سالیانه توسط کارگروه استانی بوم بود که در ۴ معیار و ۱۳ زیر معیار و با ۳۸ فعالیت اجرایی تدوین شد. همچنین در این رابطه فیلم آموزشی تهیه و بارگذاری شد و ۳۹۰۰ کتاب راهنمای عمل برای کل مدارس استان تهیه شد و در اختیار همه مدیران قرار گرفت.

با توجه به این که ما به محدودیت‌های کرونا برخورد کردیم و دانش‌آموزان نتوانستند در مدارس حضور پیدا کنند، عدم امکان اجرای بسیاری از برنامه‌ها و همچنین محدودیت ساعتی، چالش‌هایی را برای ما ایجاد کرد. عدم شناخت کافی برخی از مدیران و معلمان در تدوین و اجرای درست برنامه‌ها یک معضل خواهد بود. همچنین تراکم بالای دانش‌آموزی در مدارس عادی دولتی یک مشکل خاص است. حجم بالای محتوای کتب درسی نیز به خصوص در شرایط کرونایی برای اجرای برنامه بوم محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند.

یکی از پیشنهادهای ما برای اجرایی شدن بهتر طرح بوم، آموزش مجازی در زیست‌بوم جدید در فضای شاد است. پیشنهاد دیگر هماهنگی دستگاه‌های اجرایی برای رفع موانع و مطرح شدن بوم در شورای آموزش و پرورش است. پیشنهاد دیگر نیز تقدیر از مدیرانی است که عملکرد بهتری داشته‌اند.

تعدد و تنوع برنامه‌ها مانع اثربخشی می‌شود

هادی زارع‌پور مدیر کل آموزش و پرورش کهگیلویه و بویراحمد بیان کرد: یکی از مشکلات و موانعی که در اجرای طرح بوم با آن مواجه‌ایم، تعدد و تنوع برنامه‌ها است که استان‌ها را در اجرا با مشکل مواجه می‌کند. خواهش من این است که تدبیر و تدابیری در سطح ستاد اندیشیده شود که برنامه‌ها کمتر شوند و به کیفیت برنامه‌ها افزوده شود تا استان‌ها در اجرا با مشکل مواجه نشوند. مهم اجرای اثربخش برنامه‌ها است و تعدد و تنوع برنامه‌ها مانعی برای اثربخشی برنامه‌ها در استان است.

شرایط کرونایی از اسفند سال ۱۳۹۸ به بعد اجرای برنامه بوم را با موانع جدی مواجه کرده است. نبود زیرساخت‌های لازم و اعتبارات کافی نیز مشکل دیگری است که در زمینه اجرای بوم وجود دارد. ما به ویژه در بحث مهارت‌آموزی نیاز به اعتبار داریم. ان‌شاءالله بتوانیم زیرساخت‌ها، الزامات و مقدمات اجرای مطلوب و اثربخش برنامه بوم را به خوبی فراهم کنیم.

بوم می‌تواند پیش‌نیاز آموزش‌های بهینه باشد

ناصر علی‌فر معاون آموزش متوسطه خوزستان بیان کرد:

برنامه بوم با توجه به تنوع قومی، جغرافیایی، فرهنگی و زیست‌بوم جدید می‌تواند یک باب را باز کند و پیش‌نیاز خوبی باشد تا ما آموزش‌های بهینه‌ای داشته باشیم، اما عدم تسلط مدیران به اجرای این برنامه باعث شده که مشکلاتی برای ما به وجود بیاید.

اگر ما بخواهیم برنامه بوم را همگانی و فراگیر کنیم و مدیران ما به این باور برسند که یکی از اهداف مهم وزارتخانه برنامه بوم است، حتماً باید این به یک گفتمان تبدیل شود و پیگیری مناسب از سطح ستاد تا صف صورت بگیرد و بازنده‌ها و ارزیابی‌های ما براساس این برنامه باشد.

مهم‌ترین عنصر در اجرای بوم، مدیر مدرسه است

رقیه معتمدی معاون آموزش ابتدایی لرستان نیز اظهار داشت: سال‌هاست که مدیران مدارس ما خواستار تفویض اختیارات بیشتری به مدارس هستند که این تفویض اختیار در حوزه‌های درسی و تربیتی نیازمند توانمندی‌های لازم در این حوزه‌ها است. از طرفی دیگر، مدیران مدارس به کسب آموزش‌های لازم برای تقویت شایستگی‌های پایه برای هدایت برنامه‌های درسی نیازمند هستند. برنامه ویژه مدرسه گامی در جهت اجرایی کردن سند تحول بنیادین است و امیدواریم که با اجرای این برنامه گام مؤثری در جهت تحقق اهداف این سند برداشته شود.

به نظر بنده مهم‌ترین عنصر در اجرای بوم، مدیر مدرسه است. نگرش، اعتقاد و باور مدیر برنامه مدرسه در اجرای درست بوم و پرداختن به آن بسیار مؤثر است. آیا مدیر ما رویکرد مهم برنامه ویژه، چشم‌انداز و پیامد درست این برنامه را شناخته است؟ آیا روی الگو و هدف‌گذاری برنامه درسی ملی شناخت دارد؟ ما باید بیشتر روی این قضیه کار کنیم که مدیران ما فهم و مفاهمه درستی از برنامه داشته باشند.

لزوم هماهنگی کل سازمان‌ها در اجرای برنامه ویژه مدرسه

محمد زمانی معاون آموزش ابتدایی خراسان جنوبی بیان کرد: برنامه ویژه مدرسه لزوم هماهنگی در بالاترین سطح ساختار اداری کشور را می‌طلبد. مدیران کل سازمان‌ها بایستی بدانند که چه خدماتی می‌توانند به مدارس ارائه دهند و چگونه با مدارس تعامل داشته باشند. همچنین لزوم طراحی پوسترها و اینفوگراف‌ها یا کتابچه‌ای که خدمات سازمان‌ها را در مدرسه معرفی کند، ضروری است. شکل‌گیری دبیرخانه برنامه ویژه مدرسه نیز با توجه به اهمیت موضوع می‌تواند قوام‌بخش این برنامه باشد. عظیم محبی تأکید کرد:

بنده در اینجا اعلام می‌کنم که پایان دوره آموزشی، پایان خردادماه خواهد بود و ما با مرکز نیروی انسانی وزارتخانه هماهنگ می‌کنیم که LTMS تا ۳۰ خرداد باز باشد تا همه همکاران مدرسه و کارشناسان استان‌ها و مناطق از ظرفیت‌های لازم بهره ببرند.

درصدی از امتیازات برنامه تدبیر و تعالی باید به بوم داده شود

کامیار قهرمانی فرد معاون آموزش ابتدایی آذربایجان شرقی عنوان کرد:

جای خالی برنامه بوم و جلسه امروز احساس می‌شد که به خوبی به آن پرداخته شد. بوم، فراتر از راهکار ۵-۵، ناظر به تعلیم و تربیت تمام ساحتی است که مورد تأکید سند تحول بنیادین است. برنامه بوم برای تمام ساحتهای شش‌گانه مورد تأکید سند تحول و برنامه درسی ملی، فعالیت و اشرافیت دارد و واقعاً مورد استقبال مدیران مدارس قرار گرفته است.

ما در زمینه ادبیات مشترک و فهم مشترک منتظر ستاد نمائیم و بینارهایی را در سطح استان آذربایجان شرقی برنامه‌ریزی کردیم و در حال اجرا هستیم. حتی کتابچه‌ای را هم تدوین کرده‌ایم که آن را تحت عنوان "برنامه ویژه مدرسه در یک نگاه" در اختیار مدیران محترم مدارس قرار می‌دهیم. این ابتکار استان است.

عظیم محبی در این باره گفت:

خانم حکیم‌زاده، جناب آقای کمرئی و همکاران‌شان همراه هستند و الآن هم برنامه ویژه مدرسه را در الگوی جدید برنامه تعالی دیده‌اند. من امروز پیش‌نویس نامه‌ای را با امضای آقای دکتر ملکی می‌گیرم و آن را برای خانم حکیم‌زاده و آقای کمرئی می‌فرستیم که برنامه بوم را در مدل برنامه تدبیر و تعالی ببینند. الآن از نظر ما حدود ۱۰ درصد امتیازات تدبیر و تعالی باید به برنامه ویژه مدرسه داده شود.

محمد محمدی معاون آموزش ابتدایی چهارمحال و بختیاری نیز بیان کرد:

باور و آرزوی همه ما در تعلیم و تربیت این بود که نظام آموزشی ما آرام آرام به سمت نیمه متمرکز گرایش پیدا کند. شاید یکی از بهترین مدخل‌ها برای انجام این کار برنامه بوم است. اما چرا مدیران محترم مدارس این آرزو را با شدت جویا نمی‌شوند؟ وقتی رصد می‌کنیم می‌بینیم مدیران آنقدر درگیری دارند که از این کار زیبایی که به نفع مدرسه است غافل شده‌اند. ما می‌توانیم یکی از معیارهای سنجش صلاحیت مدیران مدارس را برنامه بوم بدانیم.

جمع‌بندی

در پایان دکتر ملکی در جمع‌بندی این نشست به سؤالات مطرح شده و دغدغه‌های مسؤولان آموزش و پرورش استان‌ها در خصوص شیوه و فرآیند برنامه ویژه مدرسه همچون زمان اجرای این

برنامه، اعتبارات، بهره‌گیری از نیروهای برون سازمانی، اختیارات مدیران مدارس، تراکم دانش‌آموزان در دوره ابتدایی، ارزشیابی‌ها و... پاسخ داد.

دکتر ملکی گفت:

در این جلسه مطرح شد که تنوع و تعدد برنامه‌های ارسالی از ستاد به استان‌ها زیاد است و طبیعتاً کثرت برنامه‌ها باعث می‌شود نقاط طلاقی برنامه‌ها زیاد شود. هر چقدر نقاط طلاقی زیاد شود نظام‌دهی به آن مشکل خواهد بود و برای مدیران سخت می‌شود که از بین برنامه‌ها اولویت‌بندی کنند. اشاره شد که مدیران مدارس در دعوت از افراد بیرونی مشکل دارند و راحت نیستند. لابد این مسئله مد نظرتان بوده که در دعوت از افراد گاهی به استعلام خاصی نیاز دارند.

سومین مسئله‌ای که مطرح شد، ابهام در زمان آموزش بود. بنده این مسئله را مهم می‌دانم و برای آن برنامه داریم. اگر زمان آموزش معلوم نباشد، برنامه ویژه مدرسه اهمیت و جایگاه خاص خودش را پیدا نمی‌کند. اعتبار مالی برای اجرا هم مسئله دیگری بود که مطرح شد. در این بخش انتظار این است که مدیران مدارس بتوانند با جذب و شناسایی افراد خیر کارها را پیش ببرند. البته انتظار ما نباید انتظار خارق‌العاده‌ای باشد چون مدیران به اعتبار مالی احتیاج دارند ولی می‌خواهم بگویم این هم یک فرصت است که برخی مدیران بتوانند در محل زندگی‌شان خیرین را کشف کرده و با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. این مطلب درست است که اگر بخواهیم ۲ ساعت از زمان آموزشی را به برنامه ویژه مدرسه اختصاص دهیم باید از ساعات آموزشی بقیه دروس کم کنیم که در شرایط عادی نیز ساعت آن‌ها کم است بنابراین باید برنامه‌ریزی و دقت لازم در این زمینه صورت گیرد؛ البته در برنامه‌های تحولی به دنبال تولید بسته‌های تربیت و یادگیری هستیم که جایگزین کتاب‌های درسی خواهند شد.

نکته دیگری که مطرح شد این بود که احتمالاً برخی از مدیران مدارس اعتماد به نفس لازم را ندارند. یا احساس می‌کنند اختیار ندارند یا واقعاً این‌طور است. این جای تأمل دارد چون در شیوه‌نامه به مدیر مدرسه اختیار روشنی داده شده است. شاید گاهی اختیار هست ولی روحیه و اعتماد بهره‌برداری از آن اعتماد نباشد.

گفته شد که زیاد بودن تراکم، اختلال ایجاد می‌کند. این مطلب درست است. تراکم دانش‌آموزان هر چقدر بالا باشد طبیعتاً فرصت برای اجرای برنامه‌های نوآورانه کاهش پیدا می‌کند.

من در همین جا باید اشاره کنم که اگر برنامه ویژه مدرسه هدف محور پیش برود، ارزشیابی آن سخت نیست. ارزشیابی زمانی سخت خواهد شد که ما با برنامه ویژه مدرسه برخورد فله‌ای داشته باشیم نه برخورد نظام‌مند ساختاری.

در فرمایشات شما بزرگواران و برنامه‌هایی که امروز ارائه کردید همت والایی دیدم و این اراده قوی شما امید را در دل ما زنده کرد. باید مهارت‌آموزی را در مجموعه تعلیمات برنامه ویژه مدرسه محور قرار دهیم چراکه در استان‌ها نمونه‌های بسیار خوبی از مهارت وجود دارد که شما امروز نمونه‌هایی از آن‌ها را مطرح کردید. معتقدم فقر مهارتی داریم و نتوانستن مشکل اصلی است.

ما نمی‌توانیم به سوی نظام تعلیم و تربیت غیرمتمرکز برویم چون از جهت فکری برای ما منطقه ممنوعه است ولی این مسئله نباید باعث شود که ما کاهش تمرکز نداشته باشیم. کاهش تمرکز یک مطلب است و نظام تعلیم و تربیت غیرمتمرکز یک وادی دیگر که ما اصلاً به آن فکر نمی‌کنیم. سند تحول بنیادین به ما این اختیار را داده که کاهش تمرکز را داشته باشیم.

ما معتقدیم که گفتمان‌سازی را باید به‌عنوان یک راهبرد دنبال کنیم. اقداماتی کرده‌ایم ولی بنده کافی نمی‌دانم. جلسه امروز برای من پیامی داشت و آن پیام این است که باید برنامه ویژه مدرسه را تبدیل به موضوعی کنیم که اولاً همه راجع به آن یک برداشت واحد داشته باشیم و ثانیاً مبلغ و مروج این فکر باشیم.

به نظر می‌آید که شیوه‌نامه ارسالی به استان‌ها در سال ۱۳۹۷ را باید به طور جدی بازسازی کنیم. این کار را خواهیم کرد چون شیوه‌نامه ارسالی برای سه سال بوده و ما برای سال ۱۴۰۰ باید شیوه‌نامه نویسی را طراحی کنیم.

حساب کلاس‌های فوق برنامه از برنامه ویژه مدرسه جداست و بوم نباید تحریف شود. نیازسنجی یک ضرورت است. نیازسنجی را اولاً باید خود مدارس انجام دهند و ثانیاً باید ادارات کل نظارت کنند تا نیازسنجی در مدارس انجام شود و ثالثاً ما در ستاد باید برایش فکر کنیم.

در این زمینه ادارات محترم کل می‌توانند نقش زیادی داشته باشند. یعنی تشویق‌کننده، ناظر و حمایت‌گر باشند. در استان‌شان مدارس باید داد و ستد تجربه داشته باشند.

ما نباید برنامه ویژه مدرسه را محدود در ۲ ساعت تعیین شده بدانیم. اصلاً افکار و نوآوری مگر در ۲ ساعت می‌گنجد؟ چه بسا شرایطی فراهم شود که در یک مدرسه‌ای کارهای نویسی انجام شود ولو آنکه در ۲ ساعت هم نگنجد. ما در برنامه ویژه مدرسه به الگوی برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور نیاز داریم که در آنجا معلوم شود نیازسنجی، تدوین هدف، انتخاب محتوا و... در سطح مدرسه به چه معناست.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی

ضرورت‌های

تحول

و

بایسته‌های

مدیریت



اولین جلسه شورای هماهنگی و پیگیری اقدامات تحولی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در سال ۱۴۰۰ با حضور دکتر حسن ملکی رئیس سازمان و مدیران و معاونان سازمان تشکیل شد.

در شروع این نشست مدیران دفاتر تألیف و معاونان سازمان به بیان توضیحاتی درباره فعالیت انجام گرفته در زمینه رمزیندهای سریع پاسخ (QR Code) و تولید فیلم‌های آموزشی پرداختند.

سال ۱۳۹۹ سال درخشش کارشناسان سازمان بود

در ادامه این نشست دکتر حسن ملکی رئیس سازمان بیان کرد:

در سال گذشته همدلی، همراهی و همکاری‌های خیلی خوبی داشتیم و کارهای خوبی به انجام رسید. سال ۱۳۹۹، سال درخشش کارشناسان دفاتر مختلف و گروه‌های پژوهش و برنامه‌ریزی درسی بود. در این سال کارشناسان یک بار دیگر درخشش کارشناسی داشتند که من از این بابت متشکرم. حقیقتاً در اینجا می‌توان از واژه "انقلابی" به معنای درست کلمه استفاده کرد. شما کار انقلابی انجام دادید. به این معنا که توانستید یک مدل و الگو را با رویکرد بومی و با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی در برنامه‌ریزی درسی طراحی کنید و این مدل و الگو به مقدار بسیار زیادی در راهنماهای برنامه درسی بروز و ظهور پیدا کرد. بنده از کار رضایت بالایی دارم و این را لازم است از باب شکر نعمت به شما اعلام کنم.

بنده قلباً از کار شما مسرور شده‌ام. البته کار ممکن است ایراداتی هم داشته باشد ولی کار در ماهیت و موجودیت خودش کار عظیم و مهمی است و در راستای همان چیزی است که مقام معظم رهبری سالیان سال است از آموزش و پرورش مطالبه می‌کردند و به طور مشخص در سال ۹۸ از سازمان پژوهش به‌عنوان قلب آموزش و پرورش نام بردند و مطالبه خودشان را مجدداً مطرح فرمودند.

کرونایک غصه ملی است که غمگین مان کرد

در سالی که گذشت همه ما غم و اندوه فراوانی هم داشتیم. واقعاً شایسته نیست آن‌هایی که در تعلیم و تربیت کار می‌کنند غم و غصه ملی را از یاد ببرند. یک مربی نمی‌تواند به راحتی غم و غصه ملی را تحمل کند. ما هم غمگین بودیم و غمگین هستیم که این اوضاع کرونایی باعث شده تعداد قابل توجهی از هم‌وطنان ما روزانه از دست ما می‌روند. این برای کسانی که در تعلیم و تربیت کار می‌کنند سنگین‌تر است چرا که تعلیم و تربیت با جان و روح انسان کار دارد و هر انسانی که از دست می‌رود یک امکان تربیتی و یک امکان اعتلای بشری و انسانی از دست می‌رود.

تشکر رهبر انقلاب از سازمان برای ما یک سرمایه است

ما در سالی که گذشت یک مسرت ریشه‌دار و اصیل پیدا کردیم و آن هم عنایت ویژه حضرت آقا به سازمان پژوهش بود. بعضی رویدادها ماندنی و پایا هستند. تشکر و عنایت مقام معظم رهبری از سازمان ولو در قالب یک واژه "تشکر" برای ما یک سرمایه است. سرمایه‌ای است که با هیچ سرمایه دیگری قابل قیاس نیست. بنده شخصاً مباحثات می‌کنم و مفتخرم که سازمان به یک نقطه‌ای رسیده بود که حضرت آقا از برنامه‌ریزی‌ها تشکر کردند. حضرت آقا در عین حال تذکر هم دادند. تشکر دل ما را آرام می‌کند و تذکر دل ما را برای گام‌های محکم‌تر و وسیع‌تر بعدی به حرکت درمی‌آورد.

چهره کره لیبرال دموکراسی افشاشد

در سالی که گذشت یک اتفاق بین‌المللی هم رخ داد که برای ما و برای همه ملت‌های تحت ستم، اتفاق مبارکی بود و آن هم افشای چهره کره لیبرال دموکراسی و مدعیان حقوق بشر در آمریکا بود. حادثه عجیبی بود. تاریخ فراموش نخواهد کرد. در یک کشوری که ادعای لیبرال دموکراسی دارد و مدعی است این ایدئولوژی یک ایدئولوژی کامل و نجات‌دهنده انسان‌هاست، در اثر تحریکات یک رئیس‌جمهور دیوانه، مردم به مرکز قانون‌گذاری همان کشور هجوم آوردند و در همان جا تعدادی هم تلف شدند و از بین رفتند و هنوز هم مسئله حل نشده است.

سند همکاری ایران و چین، مبارک است

بنده اعتقاد دارم که سازمان پژوهش باید سازمان بیدار باشد. کارشناسان این سازمان از مسائل کلان بین‌المللی و ملی ما هم نباید غافل باشند. خود شما کارشناس هستید و می‌توانید تحلیل کنید که علت اینکه استکبار جهانی با این سند مخالفت می‌کند و جوسازی می‌کند چیست. ما از طریق سند همکاری ایران و چین فرصتی را به دست می‌آوریم که بتوانیم تحریم‌ها را دور بزنیم و در برابر استکبار جهانی کم نیاوریم.

در سالی که پیش روی ماست به طور استثنایی، دو نیمه شعبان داریم. برکاتی که از این تولد در کل هستی اشاعه و ترویج یافته را باید در ذهن بیاوریم تا معنای دو نیمه شعبان در سال را دریابیم زیرا

صرفاً آن روز مطرح نیست و زمینه‌ای که در هستی ایجاد می‌شود و سروری که در قلب یک مومن منتظر ایجاد می‌شود، مهم است.

آرزو می‌کنم دولتی تحولی شکل بگیرد

مهمترین انتخابات کشور نیز در سال پیش رو رخ خواهد داد، بنابراین آرزو می‌کنیم که با انتخابات پرشور، رئیس‌جمهور صالح و یک شخصیت ارزشمند، کارآمد، مومن و شجاع انتخاب شود. این مسئله از این جهت مهم است که اگر خدایی ناکرده، دولتی غیر تحولی شکل بگیرد، در اهداف عالیه خلاء و مشکل ایجاد خواهد کرد. ما آرزو می‌کنیم ان‌شاءالله با انتخاب مردم، دولتی شکل بگیرد که آرزوی دیرینه همه ما که تحول ریشه‌دار در تعلیم و تربیت و حرکت به سوی تمدن اسلامی است؛ پا بگیرد.

سالی که پیش رو داریم سال هوشیاری افشار مختلف تعلیم و تربیت است. یک سال از عمر تعلیم و تربیت کرونایی با وجود فراز و نشیب‌ها سپری شد و قطعاً والدین، معلمان، دانش‌آموزان و تمام افراد دخیل در آموزش با سال گذشته متفاوت هستند زیرا با یک بصیرت و هوشیاری فناورانه وارد میدان شده‌اند. لذا باید برای سال جدید چاره‌ای جدید بیاندیشیم.

بگذارید اعتراف کنم که ما سال گذشته ناشی بودیم و چندان خبرگی فناوری در مواجهه با اوضاع کرونایی نداشتیم. در عین حال شما تلاش کردید و ۶ جلد محتوای آموزشی ارائه شد ولی مطمئناً آن دیگر امسال جوابگو نخواهد بود و ما چاره دیگری باید بیاندیشیم. یکی از کارگروه‌هایی که ما تشکیل داده‌ایم مربوط به همین موضوع است و آن کارگروه باید مشخص کند که ما امسال برای آغاز سال تحصیلی چه مواجهه‌ای باید داشته باشیم.

همه ما در برابر شعار سال ۱۴۰۰ مسئول هستیم

رهبر معظم انقلاب، امسال را سال تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها نامگذاری کردند و این جمله امسال شعار ملی ماست. این بدان معناست که همه ملت ایران در برابر این شعار مسئول هستند. بنابراین بخش تعلیم و تربیت نیز در برابر آن مسئول است لذا ما باید به طرح سوال پردازیم که پشتیبانی و مانع‌زدایی تربیتی و نگرشی از تولید، چگونه است؟ آیا ما نمی‌توانیم از طریق

تصمیم‌گیری‌های تربیتی و برنامه‌درسی، تولید را پشتیبانی کنیم و از آن مانع‌زدایی کنیم؟ به نظر من انتشارات مدرسه ما باید وارد این عرصه شود و کتاب‌هایی را از منظر تربیتی تولید کنند زیرا برخی موانع تولید، موانع نگرشی است. در واقع یک سری نگرش‌های غلط جلوی تولید را می‌گیرد، بنابراین ما باید درباره آن فکر کنیم. سالی که در آن قرار گرفته‌ایم، سالی مبارک، الهام بخش و جهت‌دهنده است لذا باید گام دیگر تحول را در آن شجاعانه برداریم.

ضرورت‌های تحول و بایسته‌های مدیریت

ضرورت نخست این است که ما عرصه مدیریتی خودمان را حقیقتاً به یک "عرصه عبادت و معناگرا" تبدیل کنیم زیرا معناگرایی و روح عبودیت با تلاش خود انسان تقویت می‌شود. بدیهی است، معنویت از این بالاتر نیست که خود را برای کاری عبادی آماده کنیم. البته تاکنون نیز اینگونه بوده اما باید این بخش را تقویت کنیم.

ضرورت برنامه محوری

"برنامه محوری"، راهبرد اجتناب‌ناپذیر ما است. ما باید با برنامه حرکت کنیم زیرا اگر برنامه نباشد، پیروزی نخواهد بود. ممکن است ما در یک مواردی بدرخشیم ولی درخشش پایا، ماندگار و ریشه‌دار برای برنامه‌ریزی است.

ضرورت تفکر جمعی و شورا محوری

سومین ضرورت "تفکر جمعی و شورا محوری" است زیرا با تفکر و کار فردی ما به جایی نمی‌توانیم برسیم. بنابراین همانگونه که در راهنماهای درسی به صورت جمعی پیش رفتیم، ادامه راه ما نیز اینگونه خواهد بود. تشکیل شوراهای برنامه‌ریزی درسی، نباید تعطیلی داشته باشد زیرا کار این عرصه هرگز به پایان نمی‌رسد. ما کارمان را باید با تفکر جمعی پیش ببریم. البته این تفکر جمعی و شورا محوری نباید به شوراهای رسمی و روزانه ما محدود شود و ما باید در فکر شوراهای موازی باشیم چون با این دیدگاه کارها زودتر پیش می‌رود.

ضرورت وفاداری به اهداف سازمانی

چهارمین ضرورت، "وفاداری به اهداف سازمانی" است، بدیهی است که ما در سازمان پژوهش اهدافی را دنبال و برنامه‌هایی را پیگیری می‌کنیم بنابراین یکایک ما باید به این اهداف وفادار باشیم و نباید در پیکره سازمانی رخنه‌ای ایجاد شود، تا خدایی ناکرده از خارج سازمان به بخش‌هایی نفوذ پیدا کنند و برنامه‌هایی اجرا شود که ما از آن مطلع نباشیم.

البته حضور کارشناسان ما در بیرون از سازمان، نه تنها بدون اشکال است، بلکه ضروری هم هست اما باید متصل به پیکره سازمان باشد و نه جدا، پراکنده و بی‌خبر. این اصلاً مورد تأیید بنده نیست. ما باید به اهداف سازمانی خودمان و آنچه که سازمان اقتضا می‌کند، وفادار باشیم و جلوتر از سازمان نیفتیم. این معنایش مانع شدن از خلاقیت نیست بلکه به معنای نظم سازمانی است.

ضرورت پرهیز از پراکنده کاری

"پرهیز از پراکنده کاری" بعد دیگری است که باید دنبال شود زیرا این نوع اقدامات چندان به سامان دست نمی‌یابد. در این راستا ما باید کار را تعریف و به صورت جدی دنبال کنیم زیرا پراکنده کار کردن، ما را به جایی نمی‌رساند. بنابراین ما کار را باید ساختارگرا، هدفمند و مشخص با محورهای مشخص پیش ببریم.

مبنای ما برنامه‌های ما است. ما سال گذشته برنامه محوری ناقص داشتیم زیرا شرایط به گونه‌ای نبود که برنامه‌ها را بررسی و تصویب کنیم. یک وضع خاص داشتیم و در عین حال کارهایی انجام شد. اما امسال وقتی برنامه‌ها به تصویب رسید دیگر شاقول ما آن است. البته ممکن است گاهی درخواست غیر مترقبه‌ای هم مطرح شود چون همه چیز را نمی‌شود در برنامه‌ها حبس کرد. برنامه ضروری است ولی قفل و در بسته نیست.

ضرورت جمع‌آوری ایده‌های کارشناسان سازمان

مسئله دیگر، "ایده‌پردازی و ارائه راه‌های نو" از سوی همکاران است زیرا من احساس می‌کنم که در این مسیر به یک الگو و فرایند نیاز داریم. باید برای کارشناسانی که کار را اجرا می‌کند و دارای ایده هستند اما امکانی برای بیان ایده ندارند، فضایی ایجاد کنیم. به همین خاطر ما به یک جریان نیاز

داریم تا بتوانیم بر مبنای آن از ایده‌های نوین بخش‌های مختلف و کارشناسان بهره‌مند شویم زیرا معتقدم که کارشناسان خاموش گاهی فریاد بلندی دارند اما امکان بیان آن را ندارند لذا باید بر روی این بخش بیاندیشیم.

مدیریت جهادی و توجه به همه قلمروهای تربیتی

مدیریت جهادی بخش دیگری است که من بر آن تاکید دارم زیرا مدیریت جهادی ضرورت شرایط کنونی کشور ماست. کارشناسی که مدیریت جهادی نداشته باشد چگونه می‌خواهد بگوید من عضو مؤثر این جامعه هستم؟ مدیریت جهادی یعنی مدیریت را محبوس در زمان نکردن و مدیریت را صرفاً در قواعد قانونی تعریف نکردن.

ضرورت دیگر توجه متوازن به همه قلمروهای تربیتی است چرا که ما امروز وارد گام دوم تحول می‌شویم و قصد داریم که برای بسته‌های تربیت و یادگیری استانداردهای لازم را تولید کنیم، بنابراین باید برای این مسئله برنامه‌ریزی متوازن کنیم تا دچار افراط و تفریط در تصمیم‌گیری‌ها نشویم زیرا ساحت‌های تربیت از ما توازن می‌خواهند. تحول صراط تربیتی ما است و ما نباید آن را گم کنیم.

ضرورت مستندسازی

ما یک کاری را تحت عنوان "ندای تحول" با همت اداره روابط عمومی سازمان شروع کرده‌ایم که الآن به جلد بیستم رسیده است. این ندای تحول بهترین وسیله برای مستندسازی است و در سال ۱۴۰۰ باید به چاپ پنجاهم برسد و در نهایت باید تبدیل به دو سه جلد کتاب شود.

"مستندسازی" امکانی است که برای آیندگان، پایه‌های تفکری ما را مشخص می‌کند و امکان اصلاح یا حرکت در این مسیر را می‌دهد بنابراین مستندسازی در درون هر گروه، دفتر و سازمان ضروری است زیرا ما به وسیله‌ی مستندسازی می‌توانیم به میراث فرهنگی تبدیل شویم و در غیر اینصورت از یادها می‌رویم.

ضرورت تشکیل کارگروه‌های موازی

تشکیل "کارگروه‌های موازی" یک ضرورت دیگر است زیرا ما صرفاً با چند نفر داخل گروه نمی‌توانیم تمام ابعاد کار را اجرا کنیم؛ بنابراین کارگروه‌های موازی امکان گسترده شدن و پیش رفتن کارها به شکل بهتری را فراهم می‌کند. افراد خوش فکر بسیاری در بین دانشگاهیان و معلمان وجود دارد که می‌توانیم در این کارگروه‌ها از پتانسیل آن‌ها بهره‌مند شویم.

ضرورت پرهیز از دخالت دادن گرایش‌های سیاسی

"پرهیز از دخالت دادن گرایش‌های سیاسی" در امر مدیریت، نکته دیگری است که باید مد نظر قرار دهیم زیرا ما اساساً کاری با سلیقه سیاسی افراد نداریم و این مسئله که افراد دلسوز کشور هستند، مسئله اصلی است لذا ما با عملکرد حرفه‌ای افراد کار داریم. البته سلیقه سیاسی زمانی که بخواهد به شاقول مدیریتی تبدیل شود، خطرناک است.

ضرورت تجربه‌اندوزی پویا

مورد بعد "تجربه‌اندوزی پویا" است که باید مد نظر قرار گیرد، زیرا این بخش برخلاف تجربه‌اندوزی ایستا است. در تجربه‌اندوزی ایستا، افراد بارها و بارها از یک نقطه ضربه می‌خورند، بر همین مبنا ما باید تجربه‌اندوزی پویا داشته باشیم زیرا در این صورت هر تجربه یک مکتب، درس و نردبان ترقی است. ما در این مورد از امام صادق (ع) حدیث داریم که فرموده‌اند: مومن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود.

ارتباطات درون سازمانی و برون سازمانی

سازمان پژوهش در فرهیختگی کارشناسی، منحصر به فرد است، بنابراین باید برای حفظ این ویژگی تلاش کنیم. خیلی از جاها حسرت این را می‌خورند که در اینجا کارشناس باشند.

"ارتباطات درون سازمانی و برون سازمانی" مورد بعدی است که در این راستا باید به آن توجه کنیم. ضروری است که بخش‌های مختلف در هر دفتری در طول سال نشست و جلسات مختلف داشته و مدیران گروه‌ها با یکدیگر تعامل داشته باشند. در ارتباطات برون سازمانی نیز امسال باید بیشتر فعالیت داشته باشیم. منظور من ارتباط‌های ساختاری و جلسات مشترک با سازمان‌هایی است که در راستای اهداف سازمان موثر است.

ایفای نقش موثر در هر یک از واحدها و رده‌ها

"ایفای نقش موثر" در هر یک از واحدها و رده‌ها مبحث دیگری است که باید به آن توجه کنیم، زیرا سازمان زمانی به پیش می‌رود که هر یک از نقش‌ها به درستی ایفا شود لذا ما باید در هر رده مدیریتی و سازمانی، نقش درست را داشته باشیم. امیدوارم که در سال پیش رو، بتوانیم به اهداف پیش رو با گام‌های استوار دست یابیم.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی



نشست

آینده

تعلیم و تربیت

در

ایران



دومین نشست از سلسه نشست‌های آینده روشن با موضوع "آینده تعلیم و تربیت در ایران" با حضور دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مهندس محمود فرشیدی رئیس اسبق آموزش و پرورش و دکتر مهدی نوید ادهم رئیس سابق شورای عالی آموزش و پرورش، به همت بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان استان یزد به صورت مجازی در تاریخ سه شنبه ۴ خرداد ۱۴۰۰ برگزار شد.

در این نشست دکتر حسن ملکی، مسئله تعلیم و تربیت را مهم‌ترین مسئله کشور دانست و بیان کرد: در نظام اسلامی، تعلیم و تربیت به طور ذاتی در رأس امور قرار دارد. اگر کسی این حقیقت را انکار کند و یا انکار نکند ولی در عمل کوتاهی کند، دچار یک خطای بزرگ در زندگی خود و در ارتباط اجتماعی با دیگران شده است. نظام اسلامی برای تعلیم و تربیت انسان‌ها و برای اینکه بتواند فطرت الهی انسان را از قوه به فعل بیاورد و انسان را به مقصدی که در خلقت برای او تعیین شده نزدیک‌تر کند، قرار داده شده است.

همه سازمان‌ها و نهادهایی که در نظام اسلامی فعالیت می‌کنند قاعده‌تاً و منطقاً باید در خدمت تعلیم و تربیت باشند و نظام تعلیم و تربیت هم باید تلاش کند نیازهای نیروی انسانی متناسب با نظام اسلامی را برای آن‌ها آماده کند. اگر چنین مناسباتی در نظام اسلامی شکل نگیرد و یا ضعیف شود و تعلیم و تربیت در غیر جای خودش قرار بگیرد و سایر امور زندگی جای این مسئله مهم را اشغال کنند و در مدیریت‌ها جای اصل و فرع عوض شود، طبیعتاً آن جامعه مسیر درستی پیدا نخواهد کرد.

روز نهایی شدن سند تحول بنیادین را جشن بگیریم

می‌خواهم به یک تولد بسیار مبارک اشاره کنم که در سال ۱۳۹۰ در نظام تعلیم و تربیت ما رخ داد و آن تولد اسناد تحولی ما، مخصوصاً سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بود. بنده فکر می‌کنم که جای دارد در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، روز نهایی شدن این سند را جشن تربیتی بگیریم و نگذاریم فراموش شود.

بعد نرم‌افزاری آینده تعلیم و تربیت در کشور ما با تدوین اسناد تحولی تا حدود زیادی تحقق پیدا کرد، اگر ما بخواهیم برای آینده روشن در نظام تعلیم و تربیت قدم برداریم، فعلاً نقشه‌ای مطمئن‌تر از اسناد تحولی وجود ندارد. آینده روشن، برنامه روشن می‌خواهد و من اعتقاد دارم که آن برنامه روشن در همین اسناد تحولی وجود دارد.

اعتقاد دارم که اسناد تحولی، شناسنامه فرهنگی و تربیتی جمهوری اسلامی ایران است. قبل از اینکه این اسناد تولید شوند تعلیم و تربیت ما بی شناسنامه بود و هویت نداشت بنابراین باید برای هر حرکت به سوی آینده از این اسناد الهام بگیریم. متأسفانه این اسناد از سوی برخی هنوز خوب فهم نشده است. مشکل اراده و همت هم داریم ولی معتقدم که هنوز مفاهیم خوب برقرار نشده است و این مهم باید اتفاق بیافتد.

مثلت اسناد، چراغ راه آینده ما خواهند بود

در سال‌های اخیر رهبر معظم انقلاب یک سند دیگری به نام بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران منتشر کردند که این بیانیه از جهت زمانی بعد از اسناد تحولی تعلیم و تربیت است اما از نظر وزانت، فوق آن‌هاست. لذا بنده به بیانیه گام دوم به‌عنوان سیدالاسناد نگاه می‌کنم. بنابراین ما با یک مثلث اسناد، شامل بیانیه گام دوم، سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی، مواجه هستیم که کاملاً با هم گره خورده‌اند و ارتباط معنایی دارند و چراغ راه آینده ما خواهند بود.

ملکی با تأکید بر اینکه ما برای حرکت به سوی آینده روشن، ضعف نرم‌افزاری اساسی نداریم، افزود: ما الآن در عرصه میدان و عمل مشکل داریم. به مردان محکم با اراده‌های قوی نیاز داریم تا بتوانند در میدان و عرصه عمل با الهام از تحول نرم‌افزاری، برنامه عملیاتی طراحی کنند و به سوی آینده روشن حرکت کنند، زیرا ما برای آینده احتیاج داریم که برنامه تحولی نظام تعلیم و تربیت را در عرصه‌های گوناگون و با توجه به واقعیت‌ها و با نگاه به آرمان‌ها، به وسیله برنامه‌های عملیاتی ساماندهی کنیم.

دولت آینده باید تکلیفش را با نظام تحولی روشن کند

رئیس سازمان پژوهش بیان کرد: در دولت و نظام سیاسی بعدی هر شخصی وزیر آموزش و پرورش شود و مسئولیتی را عهده‌دار شود باید تکلیف خودش را با نظام تحولی در تعلیم و تربیت معلوم کند. اینجا جای تعارف و ابهام‌گویی نیست بلکه جای صریح گفتن‌های برنامه‌ای است.

وزیر آینده آموزش و پرورش باید در قدم اول، برنامه تحولی خودش را برای آینده روشن نظام تعلیم و تربیت مشخص کند و صریح بیان کند که چه برنامه نظری و عملی دارد تا مدار تحول را ادامه دهد.

دومین مسئله‌ای که باید برای آینده روشن تعیین تکلیف شود این است که برای نیروی انسانی و مخصوصاً معلم، چه برنامه‌هایی بناست طراحی شود و به اجرا در بیاید. تا زمانی که نیروی انسانی انقلابی، عالم و متفکر و معلمان با صلاحیت پدید نیایند و تربیت نشوند، سخن گفتن از تحول به طنز شباهت دارد چون تحول به وسیله آدم‌های تحول یافته اتفاق می‌افتد. همچنین ما به تربیت نسل مؤمن، متفکر، عالم و عامل به اخلاق اسلامی احتیاج داریم.

ما برای آینده باید تربیت انقلابی را به طور مشخص در برنامه‌های خودمان تعیین تکلیف کنیم. ما در نظام تعلیم و تربیت‌مان ابعاد گوناگون تربیت از جمله تربیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و علمی را داریم ولی بنده اعتقاد دارم که روح همه این‌ها باید تربیت انقلابی باشد. یعنی باید روح انقلابی‌گری درست و منطقی به ابعاد گوناگون برنامه‌های تربیتی دمیده شود که به نظرم این شدنی است.

ویژگی‌های معلم در منظومه فکری تربیت اسلامی

معلم در نظام تعلیم و تربیت اسلامی با معلم در نظام سکولار و غیر اسلامی تفاوت ماهوی دارد، معلم در نظام تعلیم و تربیت اسلامی باید خودش تربیت شده باشد. یعنی اگر فردی خودش تعلیم نیند و بعد تدریس کند، طبیعتاً خرابی‌اش بیش از آبادانی آن فرد خواهد بود. ویژگی دیگر این است که برای معلم، تربیت مهم‌تر از تعلیم باشد. در حقیقت معلم، مربی است و باید از قوه به فعل آوردن مربی را لحاظ کند و برای این موضوع برنامه داشته باشد.

سومین ویژگی که در منظومه فکری تربیت اسلامی باید به آن توجه کرد و در دانشگاه فرهنگیان باید به این مسئله عنایت داشت این است که روش‌های تربیت دینی باید به طور جد مورد توجه قرار بگیرد. ویژگی چهارم هم این است که با فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی طوری آشنا و مجهز شود که بتواند بر مبنای این فلسفه، روش تدوین کند.

تحول باید به عنوان یک لباس بر تن کل تعلیم و تربیت پوشانده شود

مسئولان تعلیم و تربیت توجه کنند که تحول باید به عنوان یک لباس بر تن کل تعلیم و تربیت پوشانده شود. نگاه یکپارچه به تعلیم و تربیت باید داشت نه نگاه تجزیه‌گرایانه، موردی و مقطعی. تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته اما بنده تردید جدی دارم که همه ابعاد تعلیم و تربیت نگاه تحولی داشته باشند. ما اگر بخواهیم تحول در تعلیم و تربیت رخ بدهد، این تحول باید طوری به عنوان یک لباس بر قامت تعلیم و تربیت ما پوشانده شود که نه چیزی اضافه بیاید و نه عضوی از نظام تعلیم و تربیت بیرون از این لباس بماند.

اگر در تعلیم و تربیت الگوهای ما عاریتی باشد شکست ما در همان لحظه اتفاق خواهد افتاد. ما الگوها را نمی‌توانیم از این و آن قرض بگیریم. خرد و کلان الگوها باید جوشیده از مسائل بومی خود

ما باشد. اما برای اینکه این الگوها را پیاده و تدوین کنیم باید از تجربه دیگران هم بهره‌برداری نماییم.

مقام معظم رهبری فرموده‌اند هر کس که می‌خواهد معلم شود باید از صافی دانشگاه فرهنگیان عبور کند و اگر ما می‌خواهیم این فرمایش محقق شود باید دانشگاه فرهنگیان وسعت پیدا کند. باید وزارت علوم، وزارت آموزش و پرورش و به طور کلی حاکمیت، طول و عرض دانشگاه فرهنگیان را متناسب با انتظارات کنند و این نیاز به بررسی دارد.

فرشیدی: به سند تحول بنیادین خیلی جفا شده است

در بخش دیگری از این نشست، مهندس محمود فرشیدی وزیر اسبق آموزش و پرورش به جایگاه تأثیرگذار و بی‌بدیل معلمان در نظام تعلیم و تربیت تأکید کرد و در ادامه گفت: ما در طول ۴۱ سال اخیر، دو نگاه و دو رویکرد به آموزش و پرورش داشته‌ایم. یکی رویکرد انقلابی بوده که در چارچوب نظام اسلامی و با توصیه معارف دینی و انقلاب ایجاد شده است و انسان تراز اسلام را می‌خواهد تربیت کند. نگاه دوم هم نگاه غیر انقلابی یا نگاه محافظه‌کارانه و غربی است.

در این چهار دهه یک فضای سنگینی از کشمکش و تنازع بین این دو نگاه وجود داشته است، اگرچه به نظر من اکثراً غلبه با آن نگاه محافظه‌کارانه و غیر انقلابی بوده و همچنان این تنازع وجود دارد.

من با آقای دکتر ملکی هم صدا هستم که انصافاً نسبت به سند تحول بنیادین به دلیل همان نگاه غیر انقلابی خیلی جفا شده است. برخی از دست‌اندرکاران سند دیگری که جنبه ملی و غربی داشت، همچنان در سوگ آن سند به سر می‌برند و از هر فرصتی استفاده می‌کنند که سند تحول بنیادین را از کارایی بیاندازند.

وجه تمایز رویکرد انقلابی و رویکرد غیر انقلابی به آموزش و پرورش

یکی از شاخص‌های وجه تمایز این دو نگاه، تربیت معلم است. شهید رجایی می‌فرماید که نقطه آغاز تحول در جامعه آموزش و پرورش است و نقطه تحول آموزش و پرورش، تربیت معلم است. اولین تحولی که در صدر انقلاب انجام شد؛ تحولی بود که در نظام برنامه‌ریزی تربیت معلم انجام شد.

رهبر معظم انقلاب نیز برای اینکه قداست دانشگاه فرهنگیان و تربیت معلم را نشان دهند شخصاً از این دانشگاه دیدار کردند، اما در مقابل، تفکر غیرانقلابی به بهانه‌های مختلف دنبال این است که تربیت معلم را تعطیل کند. به باور بنده، کسانی که مراکز تربیت معلم را تعطیل کرده‌اند امروز باید پاسخگو باشند.

برای اینکه ما بخواهیم در آینده در آموزش و پرورش تحول پیش بیاید باید سه گروه در این زمینه کار کنند. یکی بحث ستاد است. یعنی دولت تحول‌گرا و جوان‌گرایی که به سند تحول بنیادین باور داشته باشند. گروه دوم، صف است و گروه آخر هم خانواده‌ها هستند. مطالبه مردم از آموزش و پرورش باید در تراز سند تحول بنیادین باشد. با توجه به نظام مردم‌سالاری ما، مجموعه این عوامل می‌تواند آینده خوبی را برای آموزش و پرورش رقم بزند.

نوید ادهم: آینده تعلیم و تربیت در گرو عمل به اسناد تحولی است

دکتر مهدی نوید ادهم رئیس سابق شورای عالی آموزش و پرورش در ارتباط با موضوع نشست بیان کرد: آینده ما باید همان آینده‌ای باشد که در اسناد تحولی از جمله سند تحول بنیادین و بیانیه گام دوم انقلاب تصویر شده است. همه نهادها از جمله نهاد تعلیم و تربیت باید کمک کنند تا این آینده محقق شود. اصلی‌ترین نهادهایی که می‌توانند این مهم را محقق کنند و انسان را توسعه دهند، نهاد آموزش و پرورش و نهاد خانواده هستند.

انسان باید محور تحول باشد. آینده ایران باید بتواند انسان‌های فرهیخته، خلاق، مؤمن و وفادار به ارزش‌های انقلاب را تربیت کند. دستگاه آموزش و پرورش اصلی‌ترین وظیفه را در این زمینه دارد.

ویژگی‌های جامعه آینده ایران

جامعه ما به شدت به سمت عقل و عقلانیت در حال حرکت است. نظام آموزش و پرورش کشور باید بتواند انسان عاقل تربیت کند و تربیت عقلانی باید در اولویت‌های نظام آموزش و پرورش قرار بگیرد. معنویت‌گرایی از دیگر ویژگی‌های آینده است. جامعه آینده، جامعه دین‌محور خواهد بود. برخلاف همه تبلیغات سوء دشمنان و تئوری‌هایی که می‌پردازند، دین و دین‌خواهی و معنویت‌گرایی در فطرت و سرشت انسان نهادینه شده است.

سومین ویژگی جامعه آینده، تربیت اخلاقی است. جامعه آینده به سمت اخلاق‌گرایی پیش خواهد رفت. هر چند بی اخلاقی‌هایی را در داخل یا خارج می‌بینیم اما آنچه که ما به دنبالش می‌گردیم و وجود امام زمان (عج) نویدش را می‌دهد جامعه اخلاق‌گرا است. ویژگی چهارم هم حاکمیت فناوری است. فناوری‌ها در زندگی ما بیش از گذشته رخ خواهند داد و بر این اساس ما باید تربیت فناورانه را جدی بگیریم.

در سند تحول به حیات طیبه تأکید شده است. حیات طیبه یعنی یک زندگی خوب و سالم بر اساس ارزش‌های اسلامی. این واژه کلیدی از افتخارات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. بنابراین بنده عرض می‌کنم که آینده تعلیم و تربیت در ایران باید زمینه دستیابی به مراتبی از حیات طیبه را فراهم کند.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

نشست مشترک

سازمان پژوهش و

برنامه ریزی آموزشی و

سازمان نوسازی و توسعه و

تجهیز مدارس کشور



با توجه به تصویب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و همچنین راهکار ۲۱-۲ از هدف عملیاتی ۲۱ برنامه‌ی زیر نظام تأمین فضا، تجهیزات و فناوری ابلاغی ریاست محترم جمهوری مبنی بر "استقرار نظام مکان‌یابی مدارس براساس آمایش سرزمین و تحولات جمعیتی" طرح پژوهش و مدیریت استقرار نظام مکان‌یابی در کشور توسط سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس کشور در حال اجرا می‌باشد که با توجه به اهمیت این طرح، به منظور ارائه‌ی فعالیت‌های صورت گرفته و جهت بهبود روند استقرار طرح، نشست مشترکی بین رؤسای دو سازمان و با حضور مدیران زیرمجموعه برگزار شد.

جلسه امروز مبارکی ذاتی دارد

در ابتدای این نشست دکتر حسن ملکی ضمن خیر مقدم به حاضران جلسه گفت: برای بررسی یک موضوع خیلی مهم یعنی "استقرار نظام مکان‌یابی و بازتخصیص مکان‌های آموزشی، ورزشی و تربیتی براساس آمایش سرزمینی و تحولات جمعیتی" اینجا گرد هم آمده‌ایم. جلسه امروز یک مبارکی ذاتی دارد؛ بعضی مبارکی‌ها، مبارکی‌های عرضی است یعنی انسان چیزی را به یک رویدادی به‌طور اعتباری اضافه می‌کند اما بعضی مبارکی‌ها ذاتی است و به همین دلیل منشأ برکات دیگر می‌شود. از آنجایی که ارتباط در نظام تعلیم و تربیت مبارکی ذاتی دارد و امروز هم در این جلسه ارتباط بین دو بخش نظام تعلیم و تربیت برقرار می‌شود؛ می‌توان گفت این جلسه به‌طور ماهوی دارای برکت است.

امروز بخشی از بهار تعلیم و تربیت است

رئیس سازمان پژوهش ادامه داد: اگر بی ارتباطی باشد به همان اندازه هم باید در انتظار کاستی‌ها بود. بخش‌های مختلف نظام تعلیم و تربیت مانند اعضای یک پیکر هستند که اگر با هم باشند ارتباط نزدیک‌تری داشته باشند تعلیم و تربیت بهاری می‌شود و اگر بی ارتباط باشند پاییز سراغ آن‌ها می‌آید، خدا روزی را نیاورد که برگ‌ریزان نظام تعلیم و تربیت را مبتلا کند. برگ‌ریزان خاصیت پاییز است و پاییز هم نماد اضمحلال موقتی طبیعت است! او افزود: امروز بخشی از بهار تعلیم و تربیت است؛ ممکن است موجب تعجب باشد که در دو ساعت جلسه مگر می‌توان بهار تعلیم و تربیت ایجاد کرد، بله در دو ساعت نشست هم می‌توان بذره‌های زندگی بهاری تعلیم و تربیت را کاشت.

استقرار نظام مکان‌یابی به سازمان نوسازی سپرده شده است

معاون وزیر و رئیس سازمان نوسازی و تجهیز مدارس کشور به استخراج معیارها و ضوابط مربوط به مکان‌یابی مدارس اشاره کرد و گفت: سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بحث استقرار نظام مکان‌یابی و بازتخصیص مکان‌های آموزشی، ورزشی و تربیتی را به سازمان نوسازی مدارس سپرده است. یکی از زیرنظام‌هایی که پیشرفت‌های خوبی هم در این زمینه داشتیم؛ زیرنظام فضا و تجهیزات است.

ضابطه اجتماعی ۸۲۷ لازم‌الاجراست و هر شهری که بخواهد طرح هادی را اجرا کند باید این ضابطه در مکان‌یابی مدارس را اجرا کند و اگر این‌طور نشد تخلف کرده است. ساماندهی فضای آموزشی مهم‌ترین ویژگی این ضوابط اجتماعی شماره ۸۲۷ است و هدف امروز ما این است که همکاران آموزش و پرورش را نسبت به وجود چنین نرم‌افزاری مطلع کنیم. بحث ساماندهی نیروی انسانی همیشه در آموزش و پرورش مطرح بوده است ولی جای ساماندهی فضاهای آموزشی خالی است. در این زمینه نرم‌افزاری با قابلیت‌ها و کاربری‌های مختلف تدارک دیده شده که به عنوان یک ابزار برای ساماندهی فضاهای موجود به ما کمک می‌کند.

همکاری دانشگاه‌های مختلف و ورود به فاز اجرایی

در ادامه نشست داریوش ورناصری، معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی بیان کرد: این طرح از ابتدای سال ۱۳۹۷ شروع شده و حاصل تلاش اعضای هیئت علمی چند دانشگاه است. دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی مدیریت این طرح را برعهده داشته و اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران، دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه شهید رجایی نیز، هم در تدوین و تولید محتوا و هم در نوشتن نرم‌افزار مشارکت داشته‌اند. سه فاز تدوین شاخص‌ها، سامانه نرم‌افزاری و شروع عملیات اجرایی در برنامه‌ریزی‌های این سازمان صورت گرفت، این طرح در چهار استان خراسان شمالی، زنجان، سمنان و مرکزی شروع شده است. ما باید از حدود ۹۰ لایه اطلاعات جمع‌آوری می‌کردیم که از این ۹۰ لایه تقریباً ۶۰ لایه عواملی هستند که برای ما محدودیت ایجاد می‌کنند.

در برخی محدوده‌ها نمی‌شود مدرسه ساخت

ما در محدوده فضاهای آموزشی، ورزشی و تربیتی نمی‌توانیم مدرسه بسازیم. مثلاً در نقاطی که پمپ بنزین دارد یا در نزدیکی خطوط انتقال فشار قوی برق، نمی‌شود مدرسه ساخت. حدود ۳۰ لایه هم وجود دارد که مربوط به جایی است که مدرسه باید ساخته شود. در آن مناطق تراکم دانش‌آموزی یا تراکم جمعیت ساکن را داریم. بنابراین ۹۰ لایه‌ای که عرض کردم باید جمع‌آوری شوند و به عنوان دیتا به سامانه وارد شوند. نرم‌افزار طراحی شده یک نرم‌افزار کاملاً تخصصی و کارشناسی است و به بهترین روش می‌تواند خدمات کارشناسی بدهد.

توضیحاتی درباره مدل مفهومی استفاده شده در نرم افزار

در ادامه نشست، خانم دکتر پیله فروش، استاد دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی با اشاره به اینکه سامانه‌ای که طراحی شده از یک مدل مفهومی خروجی می‌گیرد، بیان کرد: ما در مدل مفهومی تعیبه شده سه ورودی اصلی داریم. اولین ورودی ما داده‌های جمعیت است که این داده‌ها در ۴ بازه زمانی و در سناریوهای مختلف پیش‌بینی می‌شود. این داده‌ها برای سال‌های ۱۴۰۵، ۱۴۱۰، ۱۴۲۵ و ۱۴۵۰ به تفکیک مقاطع تحصیلی و به تفکیک جنسیت مرد و زن در نظر گرفته شده و جمعیت در سناریوهای مختلف محاسبه می‌شود.

ورودی دوم، داده‌های مدارس و فضاهای آموزشی ما است. به خاطر اینکه این داده‌ها دقیق باشند و یک ارتباطی بین داده‌های شناسنامه فضا و سامانه HRM باشد یک لینکی بین این‌ها برقرار شد تا داده‌های مدارس به‌روز شوند و مختصات‌شان دقیق باشد.

ورودی سوم، پایگاه داده مکانی است. پایگاه داده مکانی ما شامل یک سری محدودیت‌ها و یک سری معیارهای مؤثر است. محدودیت‌های ما در واقع جاهایی است که ما امکان ساخت مکان آموزشی را نداریم. با استفاده از بررسی منابعی که داشتیم ۵۵ محدودیت را بررسی کردیم و آن‌ها را به عنوان محدودیت‌ها در استقرار فضای آموزشی در نظر گرفتیم. علاوه بر آن یک سری معیار مؤثر هم داریم که این معیارهای مؤثر تعیین می‌کنند ما کجا مدرسه بسازیم بهتر است.

بعد از تهیه سه ورودی اصلی به ارزیابی وضع موجود می‌رسیم که هدف ما از آن، ارزیابی و رتبه‌بندی فضاهای آموزشی موجود است. بعد از ارزیابی وضع موجود دو مرحله می‌توانیم داشته باشیم که یکی از این مراحل بهینه‌سازی فضاهای آموزشی و مرحله دیگر مکان‌یابی فضاهای آموزشی جدید است.

قابلیت‌های موجود در نرم افزار

سپس مهندس قلی‌پور توضیحاتی را درباره قابلیت‌های نرم‌افزار طراحی شده ارائه کرد. او گفت: نرم‌افزار از قسمت‌های مختلفی تشکیل شده ولی یکی از بهترین قسمت‌های آن بحث پراکندگی فضاهای موجود است. ما در این نرم‌افزار می‌توانیم پراکندگی مدارس در شهرهای مختلف کشور را ببینیم و همچنین علاوه بر بحث مدارس می‌توان بقیه اماکن آموزشی، ورزشی و تفریحی را هم در نرم‌افزار مشاهده کرد.

در نرم‌افزار عوارض ناسازگار مشخص شده‌اند که مدارس نباید در کنار آن‌ها ساخته شود. در کنار

آن برخی مکان‌ها هم وجود دارد که بهتر است مدرسه کنار آن‌ها ساخته شود. مثلاً اگر مدارس به ایستگاه‌های آتش‌نشانی نزدیک‌تر باشند بهتر است. یا اگر موزه‌ای اطراف مدرسه باشد طبیعتاً مدرسه می‌تواند از خدمات آن موزه هم استفاده کند. یا اگر پارک و فضای سبز هم نزدیک باشد خیلی خوب است.

نرم‌افزار نسبت مناسب بودن مکان‌یابی مدرسه با مکان‌های دیگر از جمله فضاهای سبز، حمل و نقل عمومی، آتش‌نشانی و... با عدد و امتیاز نشان داده می‌شود و در نهایت تمامی اعداد در امتیاز کل خلاصه می‌شوند و این امتیاز کل به ما می‌گوید که این مدرسه نسبت به معیارهایی که ما داشتیم چقدر مناسب است. یعنی نرم‌افزار میزان مناسب بودن مکان‌یابی مدرسه را به ما نشان خواهد داد. به عنوان نمونه وقتی با نرم‌افزار در منطقه فردیس کرج بررسی کردیم، کمتر مدرسه‌ای را دیدم که مکان‌یابی آن ۸۰ یا ۹۰ درصد مناسب باشد و متأسفانه هیچ مدرسه‌ای وجود نداشت که مکان‌یابی آن طبق شاخص‌های ما ۱۰۰ درصد مناسب باشد. ان‌شاءالله از این به بعد مدارسی بسازیم که مکان‌یابی آن‌ها ۱۰۰ درصد مناسب باشد.

ما در خیلی از مناطق، رشد جمعیت چشم‌گیری نداریم بنابراین با بهینه‌سازی وضع موجود می‌توانیم نیازهای آموزش و پرورش و دانش‌آموزان را رفع کنیم. بنابراین نرم‌افزار این قابلیت را به ما می‌دهد که ببینیم اگر مثلاً یک مدرسه ابتدایی را تبدیل به متوسطه کنیم چه تغییری رخ می‌دهد.

نرم‌افزار، علاوه بر فضا به تجهیزات هم پیردازد

در ادامه مهندس عبداللّه‌زاده معاون دفتر تألیف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش بیان کرد:
در صحبت‌های همکاران ما در سازمان نوسازی سخن از فضا و تجهیزات مطرح می‌شود و سؤالی که بنده دارم این است که آیا نرم‌افزار طراحی شده به بحث تجهیزات هم می‌پردازد؟ ضروری است که ما یک آمایش داشته باشیم تا وضعیت هنرستان‌ها را از نظر تجهیزات بررسی کنیم. ما به عنوان برنامه‌ریز باید یک اطلاعاتی از تجهیزات هنرستان‌ها داشته باشیم و امیدوارم بشود این داده‌های ضروری را از نرم‌افزار استخراج کرد.

ظرفیت نرم افزار به سمت آینده نگری برود

سپس دکتر حسن مظاهری دبیر شورای هماهنگی علمی سازمان بیان کرد: پیاده سازی اسناد تحولی از جمله زیرنظام‌ها از دغدغه‌های مقام معظم رهبری است و واقعاً جای تقدیر و تشکر دارد که سازمان نوسازی در این زمینه محوری پیش قدم شده و کارهایی را انجام داده و امیدوارم این امر مهم را به سرانجام خوبی برسانند. اینکه دو مؤلفه آمایش سرزمین و مطالعات جمعیتی به عنوان محور کار قرار گرفته نیز جای تقدیر و تشکر دارد. تقاضای من این است که ظرفیت این نرم افزار به سمت آینده نگری برود. شاید آینده نگری ۵۰ ساله که مد نظر قرار گرفته کمی سخت باشد ولی امیدوارم سازمان نوسازی در مسیر تغییر وضع موجود با محدودیت‌هایی مواجه نشود. یعنی اگر مدرسه‌ای امتیاز لازم را ندارد به سازمان نوسازی مجوزهایی داده شود که به راحتی بتواند آنجا را بفروشد و جای مناسب‌تری را خریداری کند و مدرسه بسازد.

روشندل، رییس گروه برنامه ریزی معلمان نیز اظهار داشت:

از این نرم افزار خیلی لذت بردم. واقعاً یک چیزهایی در این نرم افزار تعبیه شده که احساس می شود اهدافی در آن نهفته است. اما نکته‌ای که می خواهم به آن اشاره کنم این است که به مرور زمان آن عناصری که در تحقق اهداف برنامه درسی ما دخیل هستند را مشخص کنیم و آن‌ها را جزو معیارهای مؤثر در استقرار فضاهای آموزشی در نظر بگیریم.

لزوم همکاری با سازمان ملی استاندارد

دکتر بدریان رئیس گروه استانداردهای فنی و آموزشی نیز گفت:

اگر یک حداقل امتیاز لازم برای ساخت مدارس در نظر گرفته شود خوب است. یعنی بدانیم کمترین امتیازی که یک مکان می تواند داشته باشد و اجازه ساخت مدرسه در آن مکان داده شود چقدر است. ممکن است یک خیر مدرسه ساز بخواهد یک زمین را اهدا کند و اصرار داشته باشد آن زمین تبدیل به مدرسه شود. در این شرایط باید امتیازهای لازم را براساس شاخص‌هایی که وجود دارد بررسی کرد تا در صورت امکان اجازه ساخت مدرسه در آن زمین داده شود.

ما برای اینکه استاندارد فضا و تجهیزات را بتوانیم با جدیت بیشتری دنبال کنیم و پذیرش جدی سایر دستگاه‌ها و بخش‌های کشور را داشته باشیم، با سازمان ملی استاندارد کشور وارد همکاری شده‌ایم و اقداماتی نیز در این زمینه انجام شده است.

مواجهه علمی با مکان‌یابی فضاهای آموزشی جای تقدیر دارد

دکتر حسن ملکی ملکی در بخش پایانی این نشست به بیان نکاتی پرداخت و گفت:

اینکه با مسأله مکان‌یابی و فضاهای آموزشی مواجهه علمی شده، جای تقدیر و تشکر دارد. استنادی از دانشگاه خواجه نصیر در این طرح مشارکت داشته‌اند که این نشان می‌دهد علی‌رغم مواجهه غیرعلمی سال‌های گذشته، شما خواسته‌اید با مسأله مکان‌یابی مواجهه علمی کنید که خود این فی‌نفسه دارای ارزش است. قطعاً هر جا مواجهه علمی باشد آنجا خطا کمتر است و همه باید خوشحال باشیم.

نکته دوم اینکه بی‌تردید این مسائل یکی از برنامه‌های تحولی آموزش و پرورش می‌تواند تلقی شود به این دلیل که وقتی از تحول در نظام تعلیم و تربیت حرف می‌زنیم هم تحول نرم‌افزاری مدنظر است؛ هم تحول سخت‌افزاری؛ هم تحول در زمان و هم در ارتباط با مکان و موقعیت مدنظر است؛ و ده‌ها مورد دیگر که مجموعاً می‌شود تحول در تعلیم و تربیت. در این میان شما به یک ضلع توجه کرده‌اید که ضلع مهمی است، ضلع فضا و مکان‌یابی.

شما این روزها در اخبار می‌بینید که در نیجریه گروهی به نام بوکو حرام به مدرسه‌ای حمله کرده و ۲۰۰ دانش‌آموز را ربودند. من از مکان آن مدارس مطلع نیستم اما این سؤال برایم پیش می‌آید که آیا موقعیت مکانی یک مدرسه در حفظ و صیانت دانش‌آموزان مؤثر نیست؟ گویی که امروز مدارس بیش از گذشته در معرض انواع حملات قرار دارند.

طرح ارائه شده یک نگاه بیرونی به فضا است

این طرح یک نگاه بیرونی به فضا است و نه نگاه درونی؛ آنچه ما از فضا به‌عنوان یکی از عناصر در برنامه درسی یاد می‌کنیم بیشتر یک نگاه درونی به فضا است که مثلاً این فضا چگونه ساخته شود از نظر درون، چینش بخش‌های مختلف به علاوه آن فضا که با هم جمع می‌شود و در واقع نسبت فضا با یادگیری مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در میان عناصر برنامه درسی، فضا یکی از عناصر مهم است. نسبت بین فضا و برنامه درسی نسبت غیرقابل اجتناب و ضروری است.

از نگاه بیرونی چند دیدگاه تحلیلی مدنظر دارم که می‌تواند به نحوه استقرار مکان‌یابی و بازتخصیص فضاهای آموزشی، ورزشی و تربیتی، تحلیل‌هایی داشته باشد.

۷ تحلیل که باید در مکان‌یابی مورد توجه قرار داد

در نگاه بیرونی فضا باید چند تحلیل را مدنظر قرار داد، یکی از تحلیل‌های "اثرگذاری" است که ما باید در مکان‌یابی انجام دهیم، تحلیل جمعیت‌شناختی مکان است. هر قدر تحلیل جمعیت‌شناختی ما علمی‌تر و قوی‌تر باشد به همان اندازه مکان‌یابی ما دقیق‌تر خواهد بود. الآن علم جمعیت‌شناسی یک آینه‌ای از حرکت خیلی دقیق جمعیتی را می‌تواند در اختیار آن‌هایی که با جمعیت سروکار دارند قرار دهد، فلذا هر قدر بخش جمعیت‌شناسی دانشکده‌های علوم اجتماعی مرتبط‌تر باشد به همان اندازه کارشان دقیق‌تر خواهد بود.

تحلیل دوم، تحلیل "جامعه‌شناختی" است. اشتباه بزرگی است که تصور کنیم اگر کار جمعیت‌شناسی را انجام دهیم از تحلیل جامعه‌شناختی مستغنی هستیم. جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناختی از جهت علمی و از نظر موضوع با یکدیگر متفاوت هستند و در بحث مکان‌یابی باید هر دو علم را مورد توجه قرار داد.

تحلیل سوم، تحلیل "روان‌شناختی" است، درست است که روان‌شناسی بیشتر علم مربوط به فرد است اما این علم توسعه پیدا کرده و امروزه بیشتر روان‌شناسی اجتماعی خریدار دارد تا روان‌شناسی فردی. دلیلش این است که روان‌شناسی اجتماعی، جمع بین فرد و جامعه است.

چهارمین تحلیل، تحلیل "هنری و زیبایی‌شناختی" است. این تحلیل بیشتر به شکل و شمایل فضایی که ما می‌سازیم بر خواهد گشت. خوشبختانه الآن ظاهر مدارس که ساخته می‌شود بسیار زیباست. در سال‌های دورتر، به‌خصوص دانشگاه آزاد، توسعه کمی می‌داد و هر جا که یک ساختمان خالی وجود داشت آنجا را دانشگاه آزاد می‌کردند و این بدترین کاری بود که از بعد کمی اتفاق افتاد. اگر این اتفاق بخواهد در زمینه مدرسه بیافتد درصد تخریبش بالاتر است چرا که ما در مدرسه با کودکان سروکار داریم و نباید چنین نگاهی به ساخت مدارس وجود داشته باشد.

بعد پنجم، بعد "ارتباطی مکان‌یابی" است. باید سنجید که مکان انتخاب شده برای ساخت مدرسه چه مقدار امکان ایجاد ارتباط بین مدرسه با مراکز تفریحی و اجتماعی و سایر مکان‌ها را دارد. الآن دیگر نظام‌های بسته جواب نمی‌دهد و نظام‌ها باید با نمونه‌های مشابه دیگر مرتبط باشند.

تحلیل بعدی، تحلیل "سلامتی و تندرستی" است. باید این سؤال مطرح شود که مکان مدرسه کجا باشد که دانش‌آموزان از جهت رفت و آمد، موقعیت مکان و از جهت جسمی لطمه نینند.

تحلیل هفتم تحلیل "تربیتی" است. تحلیل تربیتی با تحلیل آموزشی و تحلیل یادگیری فرق دارد. اگر

مکان مدرسه یک جایی قرار بگیرد که در چند قدمی آن امکان تجمع معتادان وجود دارد، آن مدرسه حتی از طلا هم ساخته شود لطفی ندارد. ما مدرسه را می‌سازیم که انسان تربیت کنیم بنابراین نباید آن را در محلی قرار دهیم که اطراف آن عوامل ضد انسان و ضد فطرت وجود دارد. اگر بخواهیم نظام مکان‌یابی خوب مستقر شود، باید براساس تحلیل‌های چندگانه به گزاره‌هایی برسیم و براساس آن گزاره‌ها تصمیم بگیریم.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی

نشست

ارائه گزارش

و بررسی عملکرد

برنامه‌های ابلاغی

سال ۱۴۰۰



گزارش عملکرد و بررسی دفتر تألیف کتاب‌های درسی آموزش عمومی و متوسطه نظری

جلسه ارائه گزارش عملکرد و بررسی دفتر تألیف کتاب‌های درسی آموزش عمومی و متوسطه نظری روز یکشنبه ۶ تیر در مدرسه تاریخی دارالفنون با حضور جمعی از مدیران و کارشناسان دفاتر برگزار شد.

ویژگی‌های خاص دفتر آموزش عمومی و متوسطه نظری

در ابتدای جلسه، دکتر حسن ملکی ریاست سازمان، دفتر تألیف کتاب‌های درسی آموزش عمومی و متوسطه نظری را قلب سازمان پژوهش خواند و گفت:

برنامه‌های درسی دوره‌های مختلف تحصیلی در این دفتر و با تلاش‌های همکاران طراحی و تولید می‌شود به همین خاطر می‌توان این بخش را قلب سازمان پژوهش دانست زیرا این دفتر دارای اصالت سازمانی و ریشه‌دار است، لذا لازم است که برنامه‌های این بخش روشن و واضح ارائه شود. ویژگی دیگر این دفتر توانایی کارشناسی است و من هیچ تردیدی ندارم که کارشناسان این دفتر از دیگر بخش‌ها به لحاظ کارشناسی برتر هستند زیرا دفتر به گونه‌ای است که، کارشناس پرور است. سلامت اخلاقی و فرهیختگی از دیگر ویژگی‌های این دفتر است. خود من نیز سال‌ها با این دفتر ارتباط داشته‌ام و معتقدم که فرهیختگی این دفتر در جای دیگری نیست و این جای شکر دارد اما متأسفانه همین دفتر با این عظمت، واژه برنامه‌ریزی را از نام خود نیز حذف کرد و این به نوعی پارادوکس تبدیل شد.

دقیقاً نمی‌دانم چرا در دهه ۷۰ این اتفاق رخ داد و این کلمه حذف شد و آیا ریشه در برنامه‌ریزی داشت یا چیز دیگر؟ مگر می‌توان با امری بدیهی مقابله کرد؛ زیرا بدیهی است که در این دفتر برنامه‌ریزی اولویت دارد. به همین خاطر، من شخصاً به خاطر این نقص، ناراحتم زیرا تألیف شروع کار نیست و برنامه‌ریزی در بدو امر قرار دارد.

رمزینها و کرونا در قالب پایش نمی‌گنجد

در بخش دیگری از جلسه، دکتر حسین سوزنچی، مدیرکل دفتر درسی آموزش عمومی و متوسطه نظری گفت:

مدل سنجش و پایشی که از سوی جناب علوی تبار مطرح شد، دارای مشکلاتی است؛ زیرا مواردی کاملاً رایج شده و به دلیل سابقه قبلی، مشخص است. اما در این دفتر همواره یک سری برنامه‌هایی هست که اساساً در سیستم تعریف نشده است. به عنوان مثال برنامه رمزینها‌های سریع پاسخ یا کرونا، مباحث جدیدی هستند که به نظر می‌رسد در قالب پایش نمی‌گنجد و نوعی چالش را به دنبال دارد.

۳۶ برنامه پژوهشی در دفتر آموزش عمومی و متوسطه نظری

بالغ بر ۳۶ مورد از برنامه‌های این دفتر به پژوهش‌ها اختصاص دارد که تا حدودی پیش‌رفته و مسئولان مربوط به آن‌ها مشخص شده است. البته بخشی از کارها نیز برون‌سپاری شده است. پژوهش‌های دفتر دو قسم است. یک قسمش به کلیت دفتر برمی‌گردد و آقای خداینده به عنوان مدیر دفتر مسئول هستند این کارها را انجام دهند. دسته دیگر پژوهش‌ها هم به افراد و گروه‌های خاص واگذار شده است.

بخشی از کارهای پژوهش به طراحی دوره‌های تحصیلی مرتبط است که بر اساس تأکید رئیس سازمان، طراحی بسته‌ها در اولویت قرار داشت، کار طراحی دوره کنار گذاشته شد و پیشرفتی در آن حاصل نشد.

میزان پیشرفت برنامه‌های دفتر

آقای دکتر ملکی اصرار داشتند که ۱۰۰ درصد کار مربوط به تدوین راهنماهای برنامه درسی در سه ماهه اول انجام شود ولی من می‌توانم بگویم نزدیک به ۱۰ درصدش در این مدت انجام شده است. در مورد طراحی الگوی عملیاتی آموزش و توانمندسازی معلمان قصد من این بود که گروه تربیت معلم را راه‌بیاندازیم و پیش‌بینی‌ام این بود که حداقل ۵ درصد از کار را پیش‌بریم اما با توجه به حجم کارها نتوانستیم این گروه را راه‌اندازی کنیم و به همین خاطر در فضای آموزش معلمان هنوز کاری انجام نداده‌ایم. در مورد تدوین شیوه‌نامه نگارش نیز ۵۰ درصد کار انجام شده است.

در بخش بازبینی برنامه درسی ویژه پاندمی کووید ۱۹، بالغ بر ۱۰ درصد کار انجام شده که از زمان پیش‌بینی کار جلوتر است. در مورد بحث QR Code نیز پیش‌بینی ما این بود که ۲۵ درصد از کار را در سه ماهه اول و ۵۰ درصد را در سه ماهه دوم پیش‌بریم که در مورد سه ماهه اول میزان پیشرفت ما کمتر از درصد پیش‌بینی شده است.

در دو برنامه اصلی عقب هستیم

از میان ۵۶ برنامه، ۳۷ مورد پژوهشی بود که یکی حذف شد و پروپوزال ۵ مورد نیز آماده شده است. ۹ مورد از کارها نیز مربوط به سه ماهه نخست سال نبود. در نهایت از ۱۰ برنامه باقیمانده، ۷ برنامه از زمان‌بندی جلوتر است و دو برنامه‌ی اصلی دیگر که تکمیلی راهنماهای برنامه درسی حوزه‌های

یادگیری و پروژه رمزیننه‌های سریع پاسخ است که جزء برنامه‌های محوری ما قرار دارند. در حال حاضر این دو برنامه اندکی عقب‌تر از برنامه هستند که به دلایل آن نیز خواهیم پرداخت. علاوه بر مواردی که مطرح شد، برنامه‌های خاصی مانند شیوه‌نامه‌ی ویرایش، تدوین محتوای مرکز کودک و طرح اتقان نیز مدنظر ما بود که در دست انجام است. در بخش تکمیلی راهنماهای برنامه‌ی درسی حوزه‌های یادگیری نیز جلسات متعددی در کارگروه‌ها برگزار شد و زحماتی در عرصه برنامه‌ی درسی کودک، برنامه‌ی درسی عشایر و تمرکز بر طراحی دوره‌ی اول ابتدایی به‌صورت تلفیقی نیز انجام شد اما یکی از دلایل به تعویق افتادن این طرح‌ها، سنگینی برنامه‌ی رمزیننه‌های سریع پاسخ بود.

تأکید به اهمیت برنامه درسی ویژه دوران کرونا

برنامه‌ی درسی ویژه‌ی شرایط کووید ۱۹ از جمله مباحثی است که من به شدت نگران آن هستم و معتقدم که باید به‌صورت جدی آن را مدنظر قرار دهیم. قصد من این است که عمده کار سه ماهه‌ی دوم را بر این کار اختصاص دهم و کاری میدانی و جدی در این عرصه انجام دهیم زیرا باید برای ورود دانش‌آموزان به مدارس بیاندیشیم. در پروژه رمزیننه‌های سریع پاسخ، پیگیری‌های بسیار زیادی در بحث برون سپاری انجام شده است اما بنا به دلایلی این بخش انجام نشد و ما مجبور به اجرای کار در درون سازمان شدیم. در این مسیر، یک سری کارگاه‌های آموزشی گذاشتیم تا افراد با محتوا و روند کار آشنا شوند. استانداردهای قابل دفاعی در این بخش استخراج شده است. در ادامه این مسیر نیازهای تفصیلی نیز مشخص شد و محتواهای قابل استفاده از سامانه رشد نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

اهداف میان‌مدت و بلندمدت مدیرکل دفتر

زمانی که برای مدیریت دفتر تألیف آموزش عمومی و متوسطه نظری به سازمان آمدم برخی اهداف میان‌مدت داشتم و برخی اهداف بلندمدت. من دغدغه علم دینی دارم. یعنی نهاد علم باید با نهاد دین، گره جدی بخورد. به نظرم رسیدن به این هدف توسط همین کارشناسان شدنی است. انتظار من از اثرگذاری خودم در سه ماهه اول به اندازه حدود ۶ درصد بود و خروجی اش حدود ۴ درصد شد و آن ۴ درصد این است که مسئله دین یک مقدار در ذهن‌ها جدی شده است.

هدف درازمدت من برای آموزش و پرورش ایده‌ای است که قبلاً آن را در مقاله‌ای تحت عنوان رسالت آموزش و پرورش در گام دوم انقلاب نوشته‌ام و به نظرم آن کار شدنی است اما به حدود ۱۰ تا ۱۵ سال زمان نیاز دارد. من برای این دو هدف به سازمان آمده‌ام اما در کنار آن کارهای مربوط به دفتر تألیف را هم انجام می‌دهم.

لزوم تعامل در فضای مجازی

ما در عرصه‌ی کتاب درسی رقیب خاصی نداریم اما در فضای مجازی، رقبای بسیار قدرتمندی در عرصه انیمیشن، موشن گرافیک و... حضور دارند به همین خاطر نحوه اجرای کارها در اولویت بسیار بالایی قرار دارد.

براساس کارهایی که انجام داده‌ایم فکر می‌کنم که کارهای قابل دفاعی در این عرصه امکان اجرا دارد و می‌توان به آینده آن امیدوار بود. همین امروز، سایت‌هایی درباره‌ی کتاب‌های ما فکر کرده‌اند و ما باید با آنان به رقابت بپردازیم، لذا لازم است که به ابعاد مختلف اقدامات در این مسیر بیاندیشیم و ما سعی کردیم که در این مسیر از یک مدل کار تعاملی استفاده کنیم که می‌تواند جذاب باشد و ناظر به کتاب بدون پیچیدگی، کار را ارائه دهد. بر همین مبنا قصد داریم ۲۵ درصد کار را در بخش ابتدایی با نگاه به همین بخش تعاملی اجرا کنیم.

افت تحصیلی در دوران کرونا را جدی بگیریم

طبق گزارش‌های جهانی، افت ریاضیات در دوران کرونا ۵۰ درصد بوده است و به اعتقاد من در ایران هم وضع همین است. طبق آماري که همکاران اعلام کرده‌اند؛ معدل دانش‌آموزان تمامی مقاطع متوسطه، رشد داشته است. در حالیکه ما می‌دانیم این رشد دروغین است. علتش برگزاری آزمون‌ها به صورت مجازی است.

حتی اعلام شد نمرات پایه نهم که آزمونش نهایی بوده هم رشد داشته و من فکر می‌کنم دلیلش این بوده که گفته شده آزمون‌های بسیار آسانی بگیرد. بنابراین موضوع افت تحصیلی یک معضل جدی است که باید آن را جدی بگیریم. از این رو مهم‌ترین کاری که من برای سه ماهه دوم خواهم کرد پیگیری این کار است.

کار رمزینه‌های سریع پاسخ بسیار گسترده و عظیم است

در ادامه احمد احمدی، رئیس گروه پژوهش و برنامه‌ریزی حوزه تربیت و یادگیری علوم به دغدغه‌های اصلی این دفتر اشاره کرد و گفت:

یکی از بحث‌های اصلی، رمزینه‌های سریع پاسخ (QR Code) است زیرا قرار گرفتن این بخش در کتاب‌های درسی اتصالی مشخص با دروس ایجاد کرده است. لذا اگر خدایی ناکرده کوچک‌ترین اشکال علمی، فرهنگی یا آموزشی وجود داشته باشد یا استانداردهای دیگر در آن رعایت نشده باشد، عواقب گسترده‌ای به دنبال خواهد داشت، به همین خاطر بخشی از کندی کار نیز به این توجه و تأکید بیشتر مربوط می‌شود. کار رمزینه‌ها بسیار گسترده و عظیم است لذا لازم است که جدی‌تر بر آن تمرکز داشته باشیم.

ما امسال در ارتباط با مسئله حضوری یا غیرحضوری بودن کلاس‌های دانش‌آموزان، وضعیت نامشخص‌تری داریم، به همین خاطر فکر می‌کنم لازم است که جلساتی جدی در این راستا داشته باشیم و همه حالت‌های ممکن و راه‌حلی‌هایی که برای آن حالت‌ها ممکن است اتفاق بیفتد را پیش‌بینی کنیم تا حداقل استانداردها را در نظر بگیریم.

تولید ۱۲۰ دقیقه فیلم در حوزه پیش دبستان

سپس مسعود تهرانی فرجاد، رئیس گروه پیش از دبستان برگزاری چنین جلساتی را یک اتفاق مهم در راستای هماهنگی و اجرای گروهی کار دانست و گفت:

ما در حوزه پیش دبستان نزدیک به ۱۲۰ قطعه فیلم آماده داریم و منتظر هستیم که بحث پیش‌دستانی را در شبکه ملی رشد به صورت ویژه ببینیم. امیدواریم که در این مسیر کارهایی که انجام شده است را ببینیم و از متولیان امر قدرشناسی کنیم.

سیدرضا سیدصالحی، رئیس گروه پژوهش و برنامه‌ریزی حوزه تربیت و یادگیری ریاضیات نیز بیان کرد:

بحث برنامه‌ی درسی و وضعیت آموزشی سال آینده در مواجهه با کووید ۱۹، مبحث مهمی است؛ پیشنهاد من این است که در این مسیر حتماً به دانش‌آموزان بگوییم که حداقل ماهی یک بار آزمون کتبی خواهیم داشت. متأسفانه عدم توجه به این روند باعث افت تحصیلی دانش‌آموزان شد و در سال آینده با این روند چه باید کرد؟

موضوع رمزیندهای سریع پاسخ از دغدغه‌های ما است. ما در گروه ریاضی، سه کارشناس داریم و ۲۲ کتاب. در این کتاب‌ها محتواهای زیادی وجود دارد و مدیریت رمزیندها برای این ۲۲ کتاب کار دشواری است و دقت زیادی می‌طلبد.

لزوم ایجاد ارتباط میان کارشناسان آموزش با معلمان

طیبه ارشاد، رئیس گروه پژوهش و برنامه‌ریزی حوزه تربیت و یادگیری تربیت بدنی و سلامت بر لزوم توانمندسازی معلمان تأکید کرد و گفت:

ما دو مبحث رمزیندهای سریع پاسخ و کرونا را پیش رو داریم و برای هر دو این مباحث نیازمند یک ارتباط جدی و مستمر با معلمان هستیم بنابراین اگر نتوانیم پیش‌نیازهای لازم را در این عرصه تأمین کنیم و به آنان آموزش دهیم، نتیجه‌ی مدنظر حاصل نخواهد شد.

شاید یکی از آسیب‌های دوران کرونا، قطع ارتباط ما کارشناسان آموزش با معلمان بود اما امسال فرصت مناسبی برای جبران این کمبودها و توانمندسازی معلمان است.

پیشنهادی برای پویا و زنده ماندن راهنماهای برنامه‌های درسی

پیشنهاد من برای برنامه‌های امسال، بحث تبدیل کردن جریان تولید راهنمای برنامه‌های حوزه‌های تربیت و یادگیری به یک فرآیند پویا و زنده است. همکاران ما در سال گذشته تمام وقت و انرژی خودشان را برای تولید این راهنماها گذاشتند ولی از بهمن‌ماه که این برنامه‌ها تولید و به شورای عالی واگذار شد به نوعی دچار یک رکود و فراموشی شد.

درست است که نیاز داریم فرآیند اصلاح انجام شود ولی پیشنهاد من این است که این راهنماها را تبدیل به یک فرآیند پویا و زنده کنیم به این ترتیب که یک برنامه تحت عنوان "اشاعه و تدوین راهنمای برنامه‌های حوزه‌های تربیت و یادگیری برای معلمان" در همه گروه‌ها دیده شود تا هر گروهی که این راهنماها را تولید کرده است؛ بتواند از طریق وبینارها این برنامه‌ها را معرفی کند و همین جریان به اصلاح برنامه‌ها نیز قطعاً کمک خواهد کرد.

ما هر چقدر آینده‌اندیشی می‌کنیم و پیش‌بینی برنامه‌ها را انجام می‌دهیم باز هم برنامه‌هایی در کار ما قرار می‌گیرد که دیده نشده ولی ساعات زیادی از ما وقت می‌گیرد. لذا پیشنهاد من این است که در هر ماه برای هر گروه، ساعتی شناور در نظر گرفته شود و اگر مدیرکل دفتر تأیید کرد که یک کاری انجام و اجرا شده است امکان ثبت برای آن در سیستم پایش برقرار شود.

مبادا فعالیت‌های فرعی جای کارهای اصلی را بگیرد

در ادامه دکتر علی محبی معاون برنامه‌ریزی آموزشی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری به فعالیت‌های شبانه‌روزی کارشناسان اشاره کرد و به‌خاطر گزارش شفاف و صادقانه‌ی ارائه شده، تشکر کرد و گفت:

این گزارش دارای دو وجه بود. یکی از وجه‌ها به لحاظ شفافیت بسیار خوشحال کننده بود؛ اما در وجه دیگر، باعث نگرانی شدید ما شد که مبادا روزمرگی و فعالیت‌های فرعی جای کارهای اصلی را بگیرد و برنامه محوری ما را دچار مشکل کند زیرا محور، توسعه‌ی تعلیم و تربیت است و قلب تعلیم و تربیت نیز سازمان پژوهش است و طبق تعبیر دکتر ملکی این دفتر قلب سازمان است. در این دفتر به حدی پتانسیل و انرژی وجود دارد که سوق دادن آن به سمت فعالیت‌های فرعی باعث ایجاد آسیب در بدنه سازمان می‌شود. ما بدون برنامه راهبردی راه به جایی نخواهیم برد؛ لذا وقتی یک برنامه تحولی مورد توافق باشد، باید در مرکز توجه قرار گیرد.

هر بخشی از قطار تعلیم و تربیت که به ما سپرده شده، رسالت ماست، بنابراین نمی‌توانیم درخواست توقف این قطار را داشته باشیم، لذا باید کاملاً برنامه محور حرکت کنیم. بهترین کار این است که گام‌های برنامه‌ها را بازبینی کنیم تا اگر علت و اشکالی وجود دارد، رفع و رجوع شود.

تأکید دکتر ملکی به پیشرفت در زمینه‌های رمزیندها و برنامه ویژه کرونا

در بخش پایانی جلسه، دکتر حسن ملکی به جمع‌بندی مباحث مطرح شده پرداخت و گفت: دریافتی که من از مجموعه‌ی گزارش دکتر سوزنچی به‌دست آوردم این است که کار پیش نرفته است اما دلایلی برای آن ذکر شد. پروژه رمزیندهای سریع پاسخ و برنامه‌ی ویژه کووید ۱۹ و تکمیل راهنماهای برنامه‌ی درسی نیز چندان پیش نرفته‌اند البته تلاش‌هایی شده است اما مجموعاً شرایط

به گونه‌ای نیست که بتوان پیشرفتی را از آن دریافت کرد. این گزارش ما را به شفافیتی رساند که در این جلسه برای من کافی است اما تعجب من این است که دفتری با این قدرت کارشناسی، چرا این‌گونه گام برداشته است و این برای من روشن نیست.

با توجه به گزارشات ارائه شده، به نظر می‌رسد این بخش نیازمند یک بازبینی در راستای رفع مشکلات و نکات منفی است زیرا اگر این بخش رفع نشود، ما همچنان با مشکلات روبه‌رو خواهیم بود. راجع به برنامه‌ی کووید ۱۹، مسئله از جهت نسبت ما با این پدیده کاملاً روشن است و هیچ ربطی به مسئله‌ی اجرا ندارد زیرا اجرا دست ما را نبسته است. سال گذشته، ما در فرصت اندکی که داشتیم، زحماتی کشیده شد که حاصل آن شش جلد، راهنماهای درسی بود. این کتاب‌ها نقاط قوتی داشت و بخشی از آن قابل استفاده است اما قطعاً آن چیزی نبود که در شأن سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی باشد.

بدیهی است که دیگر نباید در این دوره نیز همان مسائل را تکرار کنیم و من طی ۸ ماهه اخیر مدام بر آن تأکید داشتیم. ما پیش‌بینی می‌کردیم که برای سال ۱۴۰۰ نیازمند کاری اساسی هستیم؛ اما نقطه‌ای که امروز با آن روبه‌رو هستیم، اصلاً مطلوب نیست؛ لذا باید دقیقاً مشخص کنیم که کدام بخش را دفتر تألیف بر عهده خواهد گرفت زیرا سؤال کاملاً مشخص است و اینکه موضع ما در خصوص برنامه‌ی درسی متناسب با شرایط قرمز و غیرحضور چيست؟ و دارای چه مختصاتی است؟ این مسئله را باید با توجه به چاپ کتاب درسی و اینکه امکان حذف ندارد، مدنظر قرار دهیم. امروز یک سال و نیم از کرونا گذشته است و الگوهای مختلفی در برخورد با این معضل ارائه شده است باید تعیین کنیم که دقیقاً چه مدلی را مدنظر داریم.

در سال ۱۴۰۱ در هر حوزه حداقل باید سه بسته تولید شود

تکمیل راهنماهای درسی کار پیچیده‌ای نیست و من تقاضا دارم که آن را در اولویت قرار دهیم و برای آن مجدداً جلساتی داشته باشیم و احیاء کنیم تا عناصر معین شود. برای سال ۱۴۰۱ ما باید در هر حوزه تربیت و یادگیری و در هر دوره، یک بسته تولید کرده و به اجرای آزمایشی برسانیم لذا در هر حوزه حداقل باید سه بسته تولید شود. بدیهی است که بین بسته‌ها و راهنماها یک

حلقه واسطه وجود دارد لذا هر دو این عرصه‌ها باید هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد. ما امروز باید الگوی فطرت‌گرایی توحیدی را در برنامه‌ریزی درسی مدنظر قرار دهیم و برای آن حرمت قائل شویم.

اشاعه راهنماهای درسی برای معلمان بسیار پیشنهاد خوبی است لذا باید برای آن فکر و تلاش کرده و معلمان را برای این راهنماها توجیه کنیم و به اشاعه آن بپردازیم تا در نهایت به توانمندسازی معلمان دست پیدا کنیم.

در گزارش سه ماهه آینده، فرم گزارش پیشرفت در اختیار دفاتر قرار خواهد گرفت تا در آن زمان، با قالب مشخص شاهد ارائه گزارشات باشیم. در این روند هر دفتر باید دو گزارش ارائه کند که یکی کلی و مربوط به مدیرکل دفتر باشد اما جزئیات باید در گزارش دفاتر و مدیران ارائه شود.





گزارش عملکرد و بررسی دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کار دانش

روز ۶ تیر ۱۴۰۰ جلسه‌ی ارائه‌ی گزارش عملکرد و بررسی برنامه‌های دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کار دانش با حضور ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و مدیران و معاونین سازمان در مدرسه دارالفنون برگزار شد.

در ابتدای این جلسه دکتر حسن ملکی، معاون وزیر آموزش و پرورش، ضمن تشکر و قدردانی از زحمات انجام شده در این دفتر، بیان کرد:

همان‌طور که استحضار دارید، این جلسه به ارائه‌ی گزارش عملکرد اختصاص دارد و با سایر جلساتی که در آن گزارشات به صورت کلی ارائه می‌شود، متفاوت است. هدف از برگزاری این جلسه این است که بررسی کنیم آیا مواردی که قرار بوده دفتر فنی و حرفه‌ای و کاردانش در سه ماهه اول انجام بدهد، به انجام رسیده است یا نه. اگر مواردی انجام شده است، فی‌المراحله و اگر انجام نشده است باید چرایی آن را برطرف کنیم. لذا امیدوارم گزارش‌هایی که ارائه می‌شود ما را با یک همدسته معین به این نقطه برساند.

دفتر فنی و حرفه‌ای و کاردانش، انسجام درونی دارد

دفتر فنی و حرفه‌ای و کاردانش دارای چند ویژگی محرز است که از باب شکرگزاری به آن می‌پردازم البته این موارد نمونه است. یک مورد اصلی در این دفتر، انسجام درونی آن بوده و هست، به همین خاطر همواره این دفتر دارای یکپارچگی است که یک نعمت بزرگ برای دفتر و سازمان به‌شمار می‌رود. یکپارچگی سرمایه‌ی اجتماعی است که به‌واسطه‌ی آن می‌توان کارها را پیش برد. مسئله دوم، حوزه کارشناسی است که من خودم در این زمینه تجربه زیسته دارم. مبحث سوم پرکاری کارشناسان این دفتر است که به شکل خستگی‌ناپذیر فعالیت می‌کنند.

امیدوارم تعلق خاطر بین همکاران و الگوی شایستگی تعدیل شود

شاید در این مسیر ده‌ها ویژگی دیگر وجود دارند که من آن‌ها را ذکر نمی‌کنم اما یک نکته‌ی قابل تأمل در این دفتر وجود دارد که باید به آن فکر کنیم و آن وابستگی دفتر به رویکرد شایستگی است. این رویکرد از سالیان سال، از گذشته انجام شده و کتاب‌های درسی تألیف شده است اما احساس می‌کنم یک تعلق خاطر افراطی بین همکاران و الگوی شایستگی شکل گرفته که تا حدودی باعث عدم پذیرش به رویکردهای نوین شده است.

امیدوارم با تلاش‌هایی که می‌شود این مطلب تعدیل شود زیرا ما نباید شیفتگی خاصی به رویکردها داشته باشیم و اگر رویکرد و برنامه‌ی دیگری وجود دارد، در مقابل آن موضع بگیریم و احساس کنیم که

منطقه‌ی ممنوعه است. البته اطلاع دارم که این امر در حال تعدیل است و در برخی موارد می‌توان از سایر رویکردها نیز بهره برد.

اگر بخواهیم امروز در این جلساتی که داریم، موفقیت‌آمیز حرکت کنیم و بهره‌ی لازم را ببریم چند شرط لازم وجود دارد. شرط نخست، تلاش هر دفتری برای ارائه‌ی گزارش پیشرفت است و نباید گزارشات بر اقدامات مجموعی و کلی متمرکز شود. در این گزارشات باید قدم‌های برداشته شده و فعالیت‌های انجام شده بیان شود یا اگر انجام نشده، چرایی‌ها بیان شود. شرط دیگر این است که اعضای محترم جلسه پس از شنیدن گزارشات، نکات نقد و تأملات خود را مطرح کنند تا بتوانیم در راستای بهبود مسیر گام برداریم.

استانداردسازی بررسی عملکرد سازمان پژوهش

در بخش بعدی این جلسه، محمد علوی‌تبار، معاون توسعه منابع و پشتیبانی سازمان حضور در جمع گسترده‌ی همکاران سازمان را مبارک خواند و گفت: حضور تمامی همکاران و استفاده از نظرات کلیه‌ی کارشناسان، باعث خرسندی است و امیدواریم که امروز به نکات خاص و مهمی منجر شود. او درباره‌ی گزارش عملکرد این معاونت، بیان کرد: برای اینکه میزان عملکرد در یک دفتر یا مجموعه ارزیابی شود، سنجش‌ها و استانداردهایی وجود دارد که متناسب با آن‌ها عملکرد دفاتر و سپس میزان پیشرفت یا عدم موفقیت بررسی می‌شود. در این مسیر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، یک ارگان منحصر به فرد است که نمونه‌ی آن در صنعت و آموزش و پژوهش وجود ندارد لذا متریک کردن و استانداردسازی برای این سازمان به مراتب کار سختی است.

همکاران پایش را جدی بگیرند

بر همین مبنا، کارهای مختلفی انجام شد تا بدانیم که چطور عملکرد دفاتر را بررسی کنیم و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که از استاندارد و نرم‌سازی استفاده کنیم، که بر مبنای آن میزان ساعاتی که همه‌ی افراد در دفاتر برای انجام یک فعالیت دارند، در این برنامه مشخص می‌شود. این نرمال‌سازی با حداکثر امکانی که بوده برنامه‌ریزی شده است.

در این نرمال‌سازی، فعالیت توسط کارشناسان آنالیز شده و متناسب با آن ساعاتی برای همکاران، مدنظر قرار می‌گیرد. لذا میزان حجمی که هر کدام از کارشناسان و گروه‌های زیر مجموعه باید

انجام دهند، کاملاً مشخص می‌شود. در مرحله‌ی بعد و پس از مشخص شدن فعالیت، کار به شخص مورد نظر تخصیص داده می‌شود که پس از آن با توجه به بررسی افراد مشخص می‌کنند که در این فعالیت، چند ساعت را به این کار تخصیص دادند و در مرحله‌ی نهایی نیز ارسال مستندات است که آیا کار به صورت کامل محقق شده است یا خیر؟

در این مسیر ما انتظار داریم که همکاران بحث پایش را جدی بگیرند با توجه به ضرورت‌های برنامه بودجه‌ی امسال و محدودیت‌هایی که خزانه برای ما در نظر گرفته است، ان شاء الله از این ماه، متناسب با پایشی که افراد تکمیل می‌کنند و کاری که به آنها تخصیص داده شده، اضافه کار تعلق خواهد گرفت. در این سیستم، حضور صرف افراد که منجر به فعالیت خاصی برای سازمان نیست، شامل اضافه کار نخواهد شد.

در فصل بهار سه اتفاق مثبت در ارتباط با برنامه‌ها رخ داد

در ادامه‌ی این جلسه، افشار بهمنی، مدیرکل دفتر تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش به ارائه‌ی گزارش عملکرد این بخش پرداخت و در این باره گفت:

خدا را شاکریم که انسجامی که به آن اشاره شد در کنار تألیف کتاب‌های درسی به یک بلوغ تازه دست یافته است.

در فصل بهار امسال با تدبیر آقای دکتر ملکی، سه اتفاق خوب برای برنامه‌ها رخ داد. یک اتفاق این بود که توجه به برنامه‌ی کلان جایگزین توجه به فعالیت‌ها شد و این در انسجام فعالیت‌ها و برنامه‌ها خیلی کمک می‌کرد. نکته‌ی دوم اینکه به وجاهت و جایگاه گروه‌های پژوهش و برنامه‌ریزی بیش از پیش توجه شد و سعی شد تا آن‌ها راهبر و هدایت‌کننده کمیسیون‌های تخصصی باشند. بازسازی نرم‌های فعالیت‌ها نیز گام ارزشمندی بود که ان شاء الله رو به تکامل است.

بخشی از برنامه‌ها مربوط به گروه‌های پژوهش و برنامه‌ریزی ما است که، با تمرکز بیشتری دنبال شده است. بخش دوم، پژوهش‌هایی است که سفارش داده شده و نظارت آن‌ها توسط گروه‌ها انجام می‌شود. در این بخش، هفته گذشته کمیته پژوهشی دفتر اولین جلسه‌اش را شروع کرده و پیش‌نویس پروپوزالی پژوهش‌ها که ارزشیابی برنامه‌های درسی یکی از ارزشمندترین آن‌هاست، تهیه شده و امیدوار هستیم که سرعت حرکت این پژوهش‌ها بیشتر شود. در بخش سوم نیز زمان را در اختیار معاونین قرار داده‌ام تا با توجه به اهمیت و فوریت پروژه تولید و تأمین پروژه‌های رمزین‌های سریع پاسخ، گزارش تخصصی‌تری در این باره ارائه دهند.

در ۵ برنامه جلوتر از پیش‌بینی‌ها هستیم

در بخشی از اقدامات، ۱۶ برنامه توسط گروه‌ها راهبری شده است که به جزئیات آن‌ها خواهیم پرداخت. از این تعداد، در ۵ بخش اعم از تولید و تأمین محتوای رمزیندهای سریع پاسخ، طراحی و تدوین الگوی مفهومی برنامه درسی شاخه کاردانش، الگوی برنامه‌ریزی درسی منطقه‌ای، برنامه ویژه مدرسه و نظارت بر تولید محتوای تکمیلی برای هنرجویان استعداد برتر و نیازهای ویژه جلوتر از پیش‌بینی‌ها هستیم و ۶ عنوان دیگر مطابق با روند پیش‌بینی شده است.

در ۵ عنوان دیگر اندکی عقب هستیم زیرا در سه ماهه‌ی نخست در این گروه، یک جابجایی مدیریتی داشتیم که این مسیر را اندکی عقب انداخت. پیش‌بینی ما این است که در سه ماهه‌ی تابستان با تمرکزی که داریم، اصلاحات مورد نظر شورای هماهنگی علمی در این بخش، محقق شود.

اجرای ۷۰ درصدی محتوای رمزیندهای سریع پاسخ

تعدادی از برنامه‌های ما از جمله تولید محتوای توانمندسازی هنرآموزان در سه ماهه‌ی نخست پیش‌بینی نشده بود و طبیعتاً از تابستان و پاییز آغاز خواهند شد. بحث اصلاح نیازسنجی استانداردهای شغلی رشته‌های جدید کاردانش نیز در دو ماه گذشته به دفتر ابلاغ شد و به صورت فشرده دنبال شد.

در زمینه تولید و تأمین محتوای برنامه رمزیندهای سریع پاسخ، پیش‌بینی شده بود که ۴۰ درصد محتوا تأمین شود که تاکنون بالغ بر ۷۰ درصد آن انجام شده است. استانداردهای ارزشی، فرهنگی، محتوایی، فنی و هنری تدوین شده و در اختیار جناب آقای دکتر محبی قرار گرفته است. در استانداردهای فرهنگی و ارزشی سعی کرده‌ایم به معارف انقلاب، مبانی آداب و رسوم و پاسداشت زبان فارسی توجه ویژه‌ای داشته باشیم و در استانداردهای محتوایی سعی کرده‌ایم به استانداردهای شایستگی‌های فنی خودمان در کنار مباحث بهداشت، زیست محیطی و اخلاق توجه شود.

اکنون در مرحله هفتم پروژه رمزیندهای سریع پاسخ قرار داریم و امیدوار هستیم که طبق برنامه، اوایل یا اواسط برنامه به مرحله دهم برسیم و کل پروژه را برای اعتباریابی ارائه کنیم. ضمن اینکه صدور کارت خبر نیز به صورت فرآیندی دارد دنبال می‌شود.

توجه به نیازهای بومی در برنامه‌ریزی درسی فنی و حرفه‌ای

یکی از مهم‌ترین برنامه‌ریزی‌های این دفتر، برنامه‌ریزی دروس بر مبنای منطقه است لذا توجه به نیازهای بومی و سرزمینی برای ما دارای اهمیت قرار گرفت زیرا این موضوع از برنامه‌ی سوم توسعه هر ساله به سازمان ابلاغ شده است. بر همین مبنای ما سعی کردیم که به احصاء مطالعات گذشته در سطح ملی و بین‌المللی برسیم و الگوهای مطالعه شده را آسیب‌شناسی کنیم. در کنار این اقدامات، سه کارگاه تخصصی نیز، بر اساس تجارب گذشته، اجرا شد. امروز در فاز چهارم این مطالعه هستیم و سعی داریم که با مقایسه‌ی این الگوها، بتوانیم به ارائه‌ی الگوهای منسجم‌تر دست پیدا کنیم و پیش‌بینی می‌کنیم که در اوایل پاییز، بسترها برای تصویب الگو و اجرای عملیاتی آن مهیا شود.

نکته‌ی دیگر این است که بسیاری از رشته‌هایی که به بازار کار وصل می‌شوند، با توجه به تغییرات فناوری، اجتماعی و اقتصادی، تغییرات جدی پیدا کرده‌اند ضمن اینکه بسیاری از حوزه‌های جدید، با توجه به آینده‌ی شغلی در سطح دنیا، نیاز به توجه دارد لذا با رویکرد علمی و منطقی ما سعی کردیم که به زمینه‌های بازار شغلی بیشتر توجه کنیم تا جغرافیایی را که اسناد ملی پاسخگو هستند، محور کار قرار دهیم.

بررسی نیازها و استانداردهای درسی شاخه‌ی کاردانش

سال گذشته در طراحی دوره‌ی تحصیلی، متوجه شدیم که سؤالات بسیاری در حوزه‌ی کاردانش هنوز پاسخ داده نشده است؛ به همین خاطر یک الگوی مفهومی مختص این شاخه با توجه به ۲۸ سال گذشته‌ی آن مدنظر قرار گرفت و کمیسیونی در این راستا تشکیل و مطالعاتی انجام شد. در این بخش ما سعی کردیم که به سؤالات در قالب نگارش نخست پاسخ دهیم اما یک چالش جدی در این بخش وجود دارد زیرا ما در بخش کاردانش، متولیان و مشارکت‌کنندگان متکثر و متنوعی داریم؛ لذا ایجاد یک وحدت و هماهنگی در این بخش نیازمند یک اقدام جدی است، البته امید داریم که با همکاری سایر دستگاه‌های مشارکت‌کننده، بتوانیم به اجماع دست پیدا کنیم؛ زیرا پیش‌نویس این بخش آماده است.

برنامه‌ی تدوین استاندارد برنامه‌های درسی نیز از دیگر اقدامات ماست، زیرا یکی از سؤالات مهمی که همواره مطرح شده، این است که آیا کاردانش نیازمند کتاب است و تفاوت آن با فنی و حرفه‌ای چیست؟ در این راستا یک سند مفهومی تدوین شد تا بتوانیم براساس زمینه‌ها و عناصر بسته‌ها بیشتر راجع به آن‌ها بررسی کنیم زیرا برخی از زمینه‌ها و رشته‌ها، دارای ماهیت کاملاً متفاوت هستند. به‌عنوان مثال، ما اگر بخواهیم وارد حوزه‌ای مانند نوبری شویم، بهتر است از شبیه‌سازها استفاده کنیم اما در فضای رشته‌ی مدیریت خانواده یا تربیت کودک، اقتضات کاملاً متفاوت است لذا ما سعی کردیم، برای هر کدام از اجرای بسته‌ی تربیت و یادگیری، استانداردها را بازنگری کنیم.

تهیه بسته محوری برای ۲۲ عنوان کتاب درسی حوزه کاردانش

بخش بعدی اقدامات این دفتر، تدوین استانداردهای مربوط به بسته‌های تربیت و یادگیری حوزه‌ی کاردانش است. قول توجه به تهیه بسته‌ی محوری ۲۲ عنوان کتاب را داده‌ایم. در این خصوص نیز مطالعات خوبی انجام شده و اجزا و عناصر این بسته کاملاً شفاف‌سازی شده، لذا امیدواریم که در تابستان به‌صورت پایلوت برای این ۲۲ عنوان که در زمینه‌ی اطلاعات و ارتباطات هستند، خروجی گرفته شود تا برای سایرین یک الگو داشته باشیم.

برنامه‌ی دیگری که به واسطه‌ی مسؤولیت ذاتی سازمان باید پاسخگوی آن باشیم، سازمان استعدادهای درخشان و استثنایی است که برنامه‌ها و رشته‌های خود را برای استانداردسازی، تایید، بررسی و در اختیار ما قرار می‌دهند. در این مسیر نیز روی این موضوع کارهایی انجام شده و خروجی نهایی در روند اجرا قرار دارد.

طراحی الگوی برنامه‌ی درسی رشته‌ی صنایع دستی، در بخش دیگری از فعالیت ما قرار دارد اما در این بخش، یک اختلاف نظر در خصوص چهار رشته‌ی صنایع دستی، فرش، طلا و جواهر، هنرهای چوبی و ... وجود داشت، بنابراین ما سعی کردیم که ابتدا الگوی مفهومی رشته‌ی صنایع دستی را مشخص کنیم و کمیسیون مربوطه در این مسیر تشکیل شده است.

در بحث‌های پژوهشی امکان ارائه درصد وجود ندارد

در بخش دیگری از این جلسه، عبدالله‌زاده معاون دفتر فنی و حرفه‌ای، به ارائه‌ی گزارشی از تأمین محتوای رمزینده‌ی سریع پاسخ، پرداخت و گفت:

فعالیت‌های این دفتر در دو بخش اجرایی و پژوهشی است؛ به همین خاطر در بحث پژوهشی، گاهی امکان ارائه‌ی درصد وجود ندارد اما فکر می‌کنم که شرح فعالیت گویای میزان کار انجام شده باشد. ممکن است امروز ۱۰ تا ۲۰ درصد یک کار پژوهشی پیش رفته باشد و هفته آینده به یک‌باره صد درصد کار تمام شود. بنابراین در مورد کارهای پژوهشی باید این مسئله را مد نظر قرار داد.

تولید ۷۶ فیلم آموزشی فنی و حرفه‌ای و کار دانش

در این بخش ما ۱۲۶ عنوان درسی و در بخش رمزینده‌ها ۷۵۶ عنوان مدنظر داشتیم که مباحث کشاورزی، هنر، خدمات، صنعت و علوم پایه را شامل می‌شود و مباحثی چون تولید فیلم‌های آموزشی، تدوین فیلم‌های آموزشی تولید شده قبلی و تولید سایر محتوا را مدنظر قرار دادیم.

در بخش تولید فیلم‌های آموزشی، تاکنون آثار ۳ تا ۷ دقیقه‌ای تولید شده است. در این بخش ۲۲ فیلم تولید و نهایی شده و در مرحله‌ی بارگذاری قرار دارد و ۵۴ فیلم در مرحله دوم است. کل زمان تخمینی که ما برای رمزینده‌های سریع پاسخ در نظر گرفته‌ایم ۷۵۰۰ دقیقه است که در حال حاضر در دست انجام است.

مراحل تولید فیلم‌ها شامل ۷ مرحله است و ما در حال حاضر در مرحله پنجم یعنی مرحله تولید و تدوین قرار داریم. بحث شرح خدمات برای هر فیلم ارائه شده و برآورد هزینه‌ها انجام شده است. عقد قرارداد با یکی از شرکت‌ها نهایی شده و بحث انعقاد قرارداد با سه شرکت دیگر نیز ارائه شده و در حال انجام است.

در بحث سناریوی فیلم‌ها مشخص کرده‌ایم که هر فیلم چه میزان سکانس، زمان و محتوا داشته باشد. این بخش زمان مشترک بین سازمان و کارشناس در راستای تولید اثر است. در حال حاضر ۷۶ فیلم مدنظر داریم که فیلمبرداری ۲۹ عنوان پایان یافته و ۲۲ اثر تدوین نهایی شده است. فیلمبرداری‌ها در استان خراسان، لرستان، شیراز و تهران انجام می‌شود.

در بخش تولید فیلم‌ها خوشبختانه مشکلی وجود ندارد و جلوتر از برنامه هم هستیم و امیدواریم که تا پایان تیرماه بحث تولید تمام فیلم‌ها پیش برود و وارد مرحله تدوین شویم.

تولید سایر محتواها تا ۱۵ شهریور

در بحث سایر محتواها، موشن گرافی، استاپ موشن، انیمیشن، واقعیت مجازی و... در نظر گرفته شده که در ابتدای مسیر نیازسنجی آن انجام شد. از آن جایی که نخستین تجربه‌ی سازمان در این زمینه است، ما برای هر بخش یک درس را به‌عنوان پایلوت مدنظر قرار دادیم و سناریوی کار در دست تدوین است.

کارشناسان ما بعد از اینکه تولید فیلم‌ها تمام شد؛ وارد بحث تولید سایر محتواها خواهند شد و امیدواریم بر اساس قوی که داده‌ایم تا ۱۵ شهریورماه تولید سایر محتواهایمان تمام شود و نسبت به تعهدی که در بحث رمزینده‌های سریع داریم کار را تحویل دهیم. باید در ساختار بودجه‌ریزی عملیاتی با توجه به نوع فعالیت‌های سازمان یک مقدار بازنگری شود. بودجه‌ریزی عملیاتی در قسمت پژوهشی یک مقدار متفاوت است و نظر بودجه‌ریزان عملیاتی این که بودجه‌ریزی عملیاتی باید با سازمان متناسب باشد و بودجه‌ریزی عملیاتی که در سازمان پژوهش وجود دارد باید با بودجه‌ریزی عملیاتی سازمان‌های اجرای متفاوت باشد.

تمرکز بر روی برنامه‌های اصلی باشد

دکتر علی محبی قائم مقام ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در ادامه‌ی جلسه بیان کرد: پژوهش دارای تعریف و گام‌بندی مشخص است و در آن ابهامی وجود ندارد لذا لازم است که در خود برنامه‌ها به‌صورت شفاف و دقیق وارد عمل شویم و جدول زمان‌بندی دقیق ارائه کنیم. بنا بود که ۱۳ پژوهش در این دفتر به‌صورت کامل انجام شود اما در گزارش ارائه شده، مشخص نشد که دقیقاً این پژوهش‌ها در چه مرحله‌ای قرار دارند. عدم تعیین زمان‌بندی مشخص در مسیر اجرای کارها، باعث به تعویق افتادن هدف‌گذاری‌های مشخص شده می‌شود چرا که وزارتخانه‌ی ما بزرگ و گسترده است و همواره برنامه‌های جانبی وارد مسیر می‌شوند بنابراین لازم است که بر روی برنامه‌های اصلی تمرکز داشته باشیم.

به معاونت توسعه پیشنهاد می‌کنم که جدول زمان‌بندی دقیق برنامه‌ها و درصد کمی متناسب با آن زمان‌بندی را در سامانه درج نماید. پیشنهاد دیگر این است که دفاتر در قالب جدول، برنامه‌ها را

در پایان فصل به طرح و برنامه ارائه کنند و توسط آنان کنترل شود تا مشکلات مرحله به مرحله بررسی شود. نکته دیگر این است که سنجه‌ها را به صورت کمی و دقیق، شفاف کنیم تا گزارشات براساس آن ارائه شود.

خروجی کارهای پژوهشی در اسفندماه عرضه خواهد شد

حسن مظاهری، دبیر شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش خاطر نشان کرد: اعضای شورای پژوهشی دفاتر، در هفته گذشته تأیید و به دفاتر اعلام شدند؛ بنابراین نمی‌شود انتظار داشت که دفاتر ما کارهای پژوهشی را در سه ماه اول به جایی رسانده باشند. در نتیجه برای برنامه‌های پژوهشی باید به دفاتر یک فرصت داد تا شوراهای آنها تشکیل شود و برنامه‌ها وارد شوراها شود و بعد از آنها گزارش عملکرد بخواهیم.

بهنام نیک‌نژاد، مدیر طرح و برنامه و امور مالی سازمان نیز گفت:

به اعتقاد بنده که به صورت مستمر با دفتر فنی و حرفه‌ای و کاردانش پیگیر بودم، گزارش خوبی ارائه شد. تعدادی از برنامه‌ها نیز بحث پژوهشی بوده که آقای دکتر محبی باید پاسخ دهند که شورای پژوهشی چه کار کرده است.

مدیرکل و مدیران دفتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش آنچه که لازم بود را گزارش و ارائه دادند اما این گزارش باید راستی آزمایی شود و ما مستندات لازم را از این دفتر خواهیم خواست.

دغدغه جذب دانش‌آموز برای رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش

دکتر حسین سوزنچی مدیرکل دفتر تألیف کتاب‌های آموزش عمومی و متوسطه‌ی نظری در بخشی از جلسه گفت:

فنی و حرفه‌ای از جمله بخش‌هایی است که تا حد زیادی با هدف رسیدن به بازار مشاغل شکل گرفته است البته این در مورد تمام دفاتر صدق می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد که این دفتر خیلی واضح و آشکار درگیر شاخه‌های شغلی شده است. اما آنچه که من در کل این گزارش دیدم، این است که این دفتر و این نهاد تبدیل به یک هویت صنفی شده که مسئله‌اش مشکلات صنف خودش شده است و نه مشکلات جامعه.

مسئله این است که آیا دانش‌آموز ما رغبت دارد که برای استخدام و به کار گرفته شدن در مشاغل، جذب رشته‌های فنی و حرفه‌ای شود یا چون نمی‌تواند وارد رشته‌های دیگر شوند به این رشته می‌آیند؟ یعنی اگر دانش‌آموزی بخواهد مکانیک خودرو بیاموزد، آیا به سمت این رشته سوق پیدا می‌کند یا ترجیح می‌دهد مکانیک را بیرون از مدرسه و در کنار یک شخص مکانیک یاد بگیرد؟ به نظر من این یک مسئله است که دفتر فنی و حرفه‌ای و کاردانش باید به آن بپردازد.

بهمنی درباره سخنان سوزنچی گفت: دغدغه‌ی آموزش مهارتی در تمام کشور وجود دارد اما در این مسیر از مبنا تا نتایج دچار آسیب‌های جدی هستیم. حتی در خود سازمان نتوانستیم آن در هم تنیدگی را به شکل درست سامان بدهیم زیرا خود این مسئله باعث شده که به‌نوعی برنامه‌های کلانی که در آموزش‌های مهارتی باید خوب نهادینه شود، به نتیجه نرسد.

ارائه گزارش توسط مدیران گروه‌های دفتر فنی و حرفه‌ای و کاردانش

در ادامه‌ی این جلسه، مدیران گروه‌های مختلف دفتر تألیف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش به ارائه گزارش پرداختند.

در این بخش پرستو آریانژاد، رئیس گروه معماری و ساختمان گزارشی از کارگروه تدوین الگوی تخمین حرف و مشاغل ارائه کرد و سپس عابدین آریانپور، رئیس گروه کشاورزی بیان کرد: لازم است که برای بخش‌های محروم، به ارائه‌ی سی دی در بسته‌های آموزش و قسمت‌های مربوط به رمزبینه‌های سریع پاسخ، فکر کنیم زیرا برخی از دانش‌آموزان امکان دانلود و استفاده از گوشی در این بخش را ندارند. به همین خاطر قرار دادن سی دی می‌تواند، کمک شایانی به این مناطق کند.

هنرجوهای کشاورزی اکثراً روستا زاده هستند و خود هنرستان‌ها در مکان‌های روستایی هستند؛ بنابراین باید توجه کرد که ما فقط برای تهران و افراد مرفه، برنامه نمی‌نویسیم و برنامه برای این افراد هم هست. ساختار زمینه کشاورزی باید اصلاح شود. ما از سال ۱۳۹۵ تا به حال این پیشنهاد را داده‌ایم و همه مدیران هم تأیید کرده‌اند ولی هیچ‌وقت به عمل نرسیده است. شما یک نقطه را در کشور پیدا نمی‌کنید که تمام این بسته قابلیت این اجرا در آن نقطه را داشته باشد. ما خیلی کلان دیده‌ایم. کاردانش یک گروه است و ما آن را تبدیل به رشته کرده‌ایم. ما اگر می‌خواهیم براساس نیازسنجی پیش برویم باید قابلیت اجرا را ببینیم.

سپس بشری گلبخش، رئیس گروه هنر اظهار داشت: بیشتر برنامه‌هایی که ما انجام دادیم بحث

هماهنگی و پیگیری برنامه‌های تحولی در زمینه هنر بود که بیشتر آن هم به محوریت رشته‌های کاردانش برمی‌گشت. ما تلاش‌هایی انجام داده‌ایم تا رشته‌هایی که در یک حوزه حرفه‌ای قرار دارند، تجمیع شوند. ان‌شاءالله این موضوع را در برنامه تدوین الگوی مفهومی برای رشته صنایع دستی، هم در حوزه فنی و حرفه‌ای و هم در حوزه کاردانش خواهیم دید. الگوی سومی که ارائه خواهیم داد هم الگوی تلفیقی فنی و حرفه‌ای و کاردانش خواهد بود.

در پایان گزارش مدیران گروه‌ها، افشار بهمنی مدیرکل دفتر فنی و حرفه‌ای و کاردانش تأکید کرد: قطعاً هر گونه نظر، پیشنهاد و نقد، به کیفیت کار ما کمک می‌کند و من به طور ویژه از آقای دکتر ملکی سپاسگزارم و از پیشنهاد ایشان استقبال می‌کنم.

ما شرح خدمات و مستندات محتوایی زحمات همکاران را در قالب داریم. مثلاً پروپوزال ۸ پژوهش از ۱۳ پژوهشی که به آن اشاره شد، آماده ارائه است. یا مراحل فعالیت‌های هر کدام از کلان برنامه‌ها را دوستان تدوین کرده و زمان‌بندی کرده‌اند و محتواها قابل بهره‌برداری است. اما پیشنهاد آقای دکتر محبی از جنس عملیاتی کردن و نگاه بالادستی به این فعالیت‌ها، به ما خیلی کمک می‌کند و من از همکارانم تقاضا می‌کنم از آن بهره‌برداری کنند.

جمع‌بندی جلسه توسط دکتر ملکی

در بخش پایانی این جلسه، دکتر حسن ملکی به جمع‌بندی موارد مطرح شده پرداخت و گفت: اگر ما در این جلسه نتوانیم مسئله‌هایمان را به طور صریح بیان کنیم و برای حل آن‌ها اقدامات روشنی نداشته باشیم از جهت کاری چیزی عاید سازمان نخواهد شد.

این شیوه که دفاتر در پایان هر فصل گزارش ارائه کنند، روال گذشته‌ی سازمان نبود و این مسئله با حساسیت من پیوند خورده است زیرا معتقدم انجام این کار به ما کمک می‌کند که از فضای مبهم خارج شویم. به نظر من دشمن پیشرفت، ابهام است و این مسئله در عرصه‌های مختلف اقتصاد، سیاست و... جلوه می‌کند و هر کجا ابهام باشد، پیشرفت و تعالی رخ نمی‌دهد و تنها در صورت شفافیت، موفقیت حاصل خواهد شد.

دفتر فنی و حرفه‌ای پرکار است و مدیرکل و کارشناسان پرکاری در این عرصه حضور دارند و گزارش ارائه شده نیز شاهد همین مسأله است. منتها اشکال اینجاست که در این دفتر کار بسیار انجام می‌شود اما در نهایت خوب تدوین و ارائه نمی‌شود. در تمام دنیا ارائه کردن مطلب امتیاز دارد بنابراین باید در این دفتر بر مسئله‌ی ارائه تمرکزی جدی انجام شود.

روند دفتر فنی و حرفه‌ای در بخش رمزیندها امیدبخش است

یکی از کارهای بسیار خوبی که در این دفتر انجام شده، بحث رمزیندهای سریع پاسخ و تولید فیلم‌هاست زیرا انصافاً هم در بخش تدوین و تولید، خوب پیش رفته است و روند کاملاً امیدبخش است که جای تشکر دارد زیرا این بخش متصل به آبروی سازمان است.

شاخه کار دانش را معیوب می‌دانم

کار دیگری که در این دفتر انجام شده این است که حدود ۷۹ رشته کار دانش، تعدیل و اصلاح شده است. البته بنده با کمال تأسف به شما بگویم که با شاخه کار دانش نتوانسته‌ام مؤانست درست برقرار کنم و کار را معیوب معیوب می‌دانم اما صدایم به جایی نمی‌رسد. گیر کار اینجاست که کار دانش متأسفانه در برنامه درسی ملی هم ذکر شده است.

کار دانشی که امروز هست، متأسفانه تأکیدی جدی بر کار و دانش ندارد اما باید قدم‌های اصلاحی برداریم که زحماتی نیز در این راستا کشیده شده و جای تقدیر دارد اما آنچه که نقطه ضعف کار است و ممکن است به معاونت توسعه بازگردد و به نوعی مشکل مشترک به‌شمار می‌رود، این است که ما باید فرم ارائه‌ی گزارش پیشرفت را در سازمان آماده کنیم اما این بخش دارای این ویژگی نیست. ما باید کار کیفی را به قدم‌های عینی بشکنیم و تعریف آن به صورت کمی کار چندان سختی نیست. کار کیفی درصد بردار نیست اما در این راستا اقدامات تحلیلی آن درصد بردار است و می‌توان بر مبنای آن تحلیل کمی ارائه کرد. بر همین اساس ما باید فرمی تنظیم کنیم که در آن زمان‌بندی دقیق موجود باشد لذا دکتر علوی و دکتر محبی در این عرصه وارد عمل شوند تا در اسرع وقت، فرم ارائه‌ی گزارش پیشرفت را در سازمان داشته باشیم.

امیدوارم نحوه ارائه گزارشات بهتر شود

جدا شدن گزارش‌ها یکی از مشکلات ارائه‌ی این دفتر بود و به همان نقص ارائه باز می‌گردد. در این روند باید بدانیم که گزارش پیشرفت با عملکرد کاملاً تفاوت دارد زیرا گزارش پیشرفت دارای درجه‌گذاری است و ما باید در روند آن مسیر تدریجی اجرای کار را کاملاً دریابیم؛ لذا امیدوارم که با پیشنهاد تنظیم فرم زمان‌بندی شاهد آن باشیم.

بدیهی است که گزارش پیشرفت در امور پژوهشی با موارد دیگر اندکی متفاوت است و تاکنون سازمان شورای پژوهشی نداشته و به تازگی این ایده در حال عملیاتی شدن است. اگر تاکنون سازمان پژوهش نداشته، نقص ما بوده و قانون به ما این اجازه را می‌داده است لذا امیدوارم که از این به بعد شاهد رونق پژوهشی باشیم اما این نیازمند طرح‌های خوب از سوی دفاتر است. امیدوارم در نحوه‌ی ارائه گزارشات در جلسات بعدی به یک نتیجه بهتر دست پیدا کنیم که هم گزارشی جامع را شاهد باشیم و هم تمام همکاران امکان سهیم شدن در آن را داشته باشند. در این روند بهتر است که مدیران گزارشات بخش مربوطه‌ی خود را ارائه کنند که باید در باره آن تأمل داشته باشیم.





گزارش عملکرد و بررسی دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

جلسه گزارش عملکرد و بررسی برنامه دفتر انتشارات و فناوری آموزشی با حضور دکتر حسن ملکی، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دکتر علی محبی قائم مقام رئیس سازمان و مدیرکل و معاونان دفتر انتشارات و فناوری آموزشی تشکیل شد.

دکتر ملکی در ابتدای این نشست به سخنان آیت‌الله جوادی آملی اشاره کرد و گفت:

آیت‌الله جوادی آملی می‌فرمایند واژه حنیف در قرآن به معنای راست‌گرا است. در این تعریف، حنیف فردی است که وقتی در جاده حرکت می‌کند همواره به وسط و تعادل تمایل دارد و به چپ و راست متمایل نمی‌شود و در میانه جاده حرکت می‌کند تا ماندنش در جاده تضمین شود. واژه حنیف اما دقیقاً نقطه متضاد حنیف است. حنیف کسی است که متمایل به جاده خاکی و حاشیه‌ها است.

معتقدم که این تعاریف در مسائل مدیریتی نیز کاربرد دارد، یعنی هم می‌توان حنیفانه و هم حنیفانه مدیریت کرد. به این معنا که اگر مدیریت ما جاده خاکی بیشتری داشته باشد، قطعاً متضرر خواهیم شد اما اگر در میانه راه و صراط مأموریت‌های خودمان حرکت کنیم، به توفیقات روز افزون خواهیم رسید. این یک قاعده کلی است لذا باید از خدای متعال بخواهیم که ما را جزو حُنفاء قرار دهد تا در جاده زندگی اهل لغزیدن به چپ و راست نباشیم.

این تعبیر را مولای متقیان، امام علی (علیه السلام) نیز در نهج‌البلاغه دارند و به تعبیر مختلف این مطلب را بیان می‌کنند. این جمله قصار ایشان است که می‌فرمایند: "الْیَمِیْنُ وَالشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْاَوْسَطُ هِیَ الْجَادَةُ". یعنی ایشان هم به طریق وسطی تأکید دارند. این طریق را در مدیریت هم باید رعایت کرد. بنده از خدای متعال می‌طلبم که در اداره امور سازمان، در صراط رسالت سازمان حرکت کنم و از شما هم همین تقاضا و همین استدعا را دارم.

سه ویژگی متمایزکننده دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

در این دفتر، چند ویژگی وجود دارد که مدیر مربوطه باید به آن واقف باشد تا بتواند پتانسیل‌ها را به‌کار گیرد، پرورش دهد و اهداف را پیش ببرد.

در این دفتر "بُعد هنری، خلاقیت و انعطاف" بالاست، این در حالی است که در سایر بخش‌ها نظیر کتاب‌های درسی به دلیل قوانین حاکمیتی، این امکان وجود ندارد. اما مجلات رشد و امثال آن ماهیتاً به گونه‌ای است که می‌توان انعطاف، خلاقیت و هنرمندی و هنروزی نشان داد، کما اینکه به این دفتر هنرمندان و هنرورزان رفت و آمدهای زیادی دارند. به همین دلیل می‌توان در این دفتر کار کرد و لذت برد.

ویژگی دوم این دفتر این است که "تولیدات متنوع فرهنگی و تربیتی"، متناسب با سنین مختلف دارد و این یک نکته مثبت است که مجلات رشد، برای کودکان، نوجوانان، جوانان، بزرگسالان و... انواع

مباحث تولید می‌شود که جای تشکر دارد؛ زیرا به واسطه‌ی تلاش‌های این بخش، مجلات رشد، رنگ و رخ بهتری پیدا کرده است.

سومین ویژگی این دفتر، "ارتباطات برون سازمانی" است. یعنی کارهایش طوری است که می‌شود با بیرون از دفتر، قوی‌تر و غلیظ‌تر مرتبط شد. این سه امکان برای مدیریت دفتر انتشارات و فناوری آموزشی باید در اولویت باشد تا بتواند این دفتر را هنرمندانه، متنوع و برون سازمانی مدیریت کند.

تأکید بر انعطاف معقول در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

در این مسیر تهدیداتی نیز وجود دارد که یکی از آن‌ها، سیالیت افراطی یا انعطاف افراطی است. همان‌طور که می‌دانید، حد معقول انعطاف خوب است و زندگی بدون انعطاف معنا ندارد اما کشیده شدن این بخش به افراط، تهدید به شمار می‌رود، بنابراین باید در این دفتر بر انعطاف معقول تأکید داشته باشیم.

معیار معقول بودن در این مسیر را نیز می‌توان با ارزش‌ها، آرمان‌ها و اسناد بالادستی تعیین کرد لذا باید توجه داشته باشیم که در این مسیر تا چه حد می‌توانیم با خارج از دفتر همراه شویم زیرا اگر این همراهی از حد بگذرد، ممکن است در آن‌ها هضم شویم اما اگر بتوانیم بخش‌های خارج از سازمان را به کار بگیریم و به‌درستی حرکت کنیم، در واقع آن‌ها را در جهت اهدافمان با خود همراه و هم‌راستا کنیم.

غفلت از بخش فناوری یک تهدید است

تهدید دیگر در این دفتر، غفلت از بخش فناوری است البته در یک سال اخیر با شبکه ملی رشد و تقویت بعد فناوری، شرایط این بخش نیز متفاوت شده و این جای تشکر دارد. بنده هنوز هم موافق یکی شدن دفاتر انتشارات و فناوری نیستم ولی فعلاً به این شکل است و چاره‌ای نیست بنابراین ضروری است بخشی از ساختار تشکیلاتی این دفتر و افرادی که به کار گماشته می‌شوند، فناورانه بیانیشند و بخشی دیگر در حوزه انتشارات فعال باشند.

بخش انتشارات از جمله قسمت‌های فعال است و از تلاش همکاران تشکر می‌کنم اما در بخش فناوری، هنوز نقاط مبهمی داریم زیرا شبکه ملی رشد ما به نقطه‌ای نرسیده که اگر روزی برنامه‌ی شاد تعطیل شود، بتواند این بار را بر عهده بگیرد و این ظرفیت را داشته باشد.

لزوم تقویت شبکه ملی رشد

ما باید در سامانه رشد، به جایی برسیم و ظرفیت فناورانه‌ای به دست آوریم که قابلیت مدیریت فضای مجازی را به ما بدهد و این نقطه‌ای است که باید به سمت آن حرکت کنیم البته بخشی از مشکلات این بخش، مربوط به عقب ماندگی‌های گذشته است اما انتظار من این است که در این بخش فعالیت مضاعف داشته باشیم.

مجلات رشد چند رسانه‌ای خواهند شد

در ادامه این جلسه، محمد ابراهیم محمدی، مدیرکل دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، به ارائه گزارش پرداخت و گفت:

امکان صحبت کردن در این جلسه باعث خرسندی است زیرا نقد می‌تواند ما را به سمت بهبودی، پیش برد و کمک کند که از چالش‌ها عبور کنیم البته آنچه که در جلسه ارائه می‌شود، اقدامات تحولی است زیرا ما در دفتر کارهای جاری بسیاری داریم.

ما در بحث پژوهش و تحقیق، کار را براساس اهمیت و نیاز در این دفتر شروع کردیم و پروپوزال‌هایی نیز نوشته شده و بالغ بر ۲۵ درصد کار ارزشیابی مجلات نیز انجام شده است.

یکی از کارهایی که قول دادیم و در برنامه ما آمده، بحث چند رسانه‌ای سازی مجلات رشد است که ما این کار را انجام دادیم. ما وعده می‌دهیم که مجلات سال آینده چند رسانه‌ای خواهد بود. یعنی مجلات هم از قافله کتاب‌ها باز نمانده و آن‌ها نیز خوانشی، شنیداری و دیداری خواهند بود. در بخش چند رسانه‌ای سازی مجلات رشد، به بازنگری در انتشارات پرداختیم و می‌توان گفت که نزدیک به ۱۵ درصد کار انجام شده است.

ارتباط مستقیم با مخاطبان شبکه رشد

در بخش دیگری از اقدامات تحولی، ما به دنبال اجرای مجلات رشد در شکل دیداری، خوانشی و ... هستیم که یک پروژه بزرگ به‌شمار می‌رود و امیدواریم که در سال آینده، موفق به ارائه آن شویم. در بحث طراحی و تدوین نقشه راه تحولی مجلات، برای نخستین بار اقدام شده و ۵۰ درصد کار نیز آماده ارائه است.

به دلیل اینکه، فضای مجازی، دارای نقشی پررنگ است، ما برای تمام مجلات، صفحات مجازی تعریف کرده‌ایم لذا نامه‌نگاری‌ها مانند گذشته، زمان‌بر نیست و به صورت آنی انجام می‌شود، در واقع به واسطه‌ی این اتفاق، ارتباط بسیار سریعی بین ما و خوانندگان و بین ما و نویسندگان ایجاد شده است.

ما برای تک تک مجلات و بسایت تخصصی داریم و خوشبختانه روزانه ۸۰ هزار معلم به این صفحات مراجعه می‌کنند.

ارائه محتوای ۱۰ ساله مجلات رشد در قالب کتاب

در بخش دیگری از اقدامات، یک تطبیق بین عناوین مجلات تخصصی رشد با حوزه‌های تربیت و یادگیری انجام داده‌ایم که نزدیک به ۵۰ درصد آن انجام شده است. ما همچنین محتوای ۱۰ ساله مجلات رشد را بازآفرینی و به شکل کتاب ارائه کرده‌ایم و در این مسیر ۷۰ کتاب تولید شده که حاصل مجلات رشد کودک است.

در بخش معاونت فناوری آموزشی که مهم‌ترین بخش کار ماست، سعی کردیم که دیگر نیروها را نیز به این سمت سوق دهیم. در این مسیر حتی مجلات رشد ما نیز در بخش فناوری، فعالیت و تلاش می‌کنند زیرا سعی در فربه کردن این بخش داریم.

پایش ۵۰ ساله فیلم رشد

پایش ۵۰ ساله فیلم رشد نیز از مباحثی است که ما تا امروز دنبال کرده‌ایم. ۱۰ سال نخست این جشنواره انجام شده و مابقی اقدامات را نیز ان شاء الله طی سال جاری انجام خواهیم داد. در این مسیر نزدیک به ۸۰۰ فیلم استخراج و به دفاتر ارائه شده است. سامانه مدیریت محتوای آموزشی نیز از دیگر بخش‌هایی است که در حال تکمیل است تا به عنوان یک دانش‌نامه، امکان استفاده معلمان از آن فراهم شود.

ما در تولید مستند شهید موسوی، مشارکت داشته‌ایم و کار مستندسازی برای شهید بهشتی و باهنر نیز انجام شده است.

در زمینه QR Code باید پیشرفت بیشتری داشته باشیم

در بخش تأمین محتوای رمزیندهای سریع پاسخ نزدیک به ۳۰ درصد کار انجام شده است البته در بحث بارگذاری در شبکه رشد، نزدیک به ۲ هزار عنوان، کار انجام شده، اما در بحث رمزینده این میزان به ۳۰ درصد می‌رسد. دلیل این امر نیز، این است که کارت خبر الکترونیکی به تازگی در چرخه قرار گرفته است لذا امیدواریم که در سه ماهه‌ی دوم در زمینه رمزینده سرعت بیشتری را دنبال کنیم.

در این بخش قرار شد که داشبورد شبکه رشد را اصلاح کنیم که در دست انجام است. داشبورد شبکه رشد شامل عناوین پیش دبستانی، دبستانی، متوسطه اول و متوسطه دوم خواهد بود. ما در شبکه آموزشی تربیتی رشد در تولید محتوا مشکلی نداریم و این شبکه می‌تواند از پس خدماتی که مدنظر است، برآید و کار ارائه شود.

شاید تصور شود که جشنواره رشد یک جشنواره و یک فراخوان ساده است ولی این طور نیست. ما در جشنواره رشد هم هدف‌گذاری انجام داده‌ایم، هم هزینه-فایده را مد نظر قرار داده‌ایم و هم معلمان را محدود کرده‌ایم. سابقاً معلمان هر آنچه که بود را می‌فرستادند ولی الآن گفته‌ایم که باید فیلم، موشن گرافی، انیمیشن و محتوای تعاملی باشد.

همکاری با سایر سازمان‌ها و شرکت‌های دانش بنیان

در فاز نهادهای فرادستگاهی خوشبختانه دفاتر تألیف می‌پذیرند که دستگاه‌های بیرونی هم می‌توانند کمک کنند. تا امروز از سازمان‌های دیگر نزدیک به ۱۵۰۰ دقیقه محتوا دریافت کرده‌ایم و به جد این بحث را نیز دنبال می‌کنیم. همچنین، سعی داریم که یک نهضت بزرگ تعاملی با شرکت‌های دانش بنیان شکل دهیم.

در بحث جشنواره فیلم رشد نیز تیزرها سفارش داده شده و کمیته‌ها نیز تشکیل شده است. در این دوره، بنا بر این قرار گرفته که آثار دریافتی بتواند متناسب با نیاز ما باشد لذا سعی داریم که مشارکت‌های بیرونی را براساس نیازهایی که داریم، تعریف کنیم تا بتوانیم از این محتواها در کار استفاده کنیم.

نزدیک به ۱۰ شیوه‌نامه تا امروز کار شده است که مربوط به بخش‌های مختلف کار ماست. شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی یکی از این موارد به شمار می‌رود که بسیار حائز اهمیت است. یکی دیگر از شیوه‌نامه هم بحث شیوه‌نامه تحولی جشنواره کتاب رشد است که در چرخه کار قرار گرفته است.

قرار دادن نشان استاندارد الکترونیکی در کتاب‌ها

قرار دادن نشان استاندارد به صورت الکترونیکی در کتاب‌ها یکی دیگر از اقدامات دفتر انتشارات و فناوری آموزشی به شمار می‌رود و تاکنون نزدیک به ۲۰ هزار اثر به آن مجهز شده تا مخاطبان بتوانند، شناسنامه‌ی اثر را کامل دریافت کنند.

در زمینه انتشارات مدرسه و بنیاد ICDL هم کارهای خوبی انجام گرفته است. ما در انتشارات مدرسه هم در بحث بازار، هم در بحث تجدید چاپ و هم در بحث صوتی‌سازی تغییرات و تحولات خوبی داریم. بنیاد ICDL هم دیگر مشکل بالاتکلیفی ندارد و برایش مجوز صادر کرده‌اند. الان جزو نهادهای مجوزدار فعال است و با طیب خاطر به دنبال فعالیت‌های آموزشی در سطح کلان است.

اجرای شیوه‌نامه ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی

با توجه به اینکه بیشترین تمرکز ما بر برنامه‌های تحولی بود، تمرکز گزارش نیز بر این بخش‌ها قرار گرفت اما کارهای زیرساختی بسیاری نیز در این میان انجام شد که از جمله آن‌ها اجرای شیوه‌نامه ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی است. نقطه عطف این شیوه‌نامه این است که روش ارزیابی منابع آموزشی تربیتی، خودش استاندارد شده و امکان اشتباه در این بخش را به کمترین حالت ممکن می‌رساند.

کار مهم دیگری که در ساماندهی انجام شده این است که علاوه بر ارائه استاندارد به آثار، روش بررسی نیز استاندارد شده و بررسی کتاب‌ها، دو ارزیاب حضور دارند که پس از بررسی نشان استاندارد را اعطا می‌کنند. بنابراین علاوه بر افزایش ارزیابی‌ها، یک کمیته علمی نیز از افراد صاحب‌نظر تشکیل دادیم تا از هر گونه مشکل جلوگیری کنیم.

یکپارچه سازی سامانه های ارزیابی

سیدکمال شهابلو، معاون دفتر انتشارات و فناوری آموزشی اظهار داشت: نکته مهم دیگر که بعد از اصلاح فرآیند کار مورد توجه قرار می گیرد، یکپارچه سازی سامانه های ارزیابی است. ما یک سامانه برای محتوای مکتوب و یک سامانه برای غیر مکتوب داشتیم و الآن کسانی که مخاطبان ما هستند اعم از ناشر، تولیدکننده، مخترع، نویسنده و مترجم، می توانند به یک سامانه به آدرس roshd.ir/resource که ذیل شبکه ملی رشد تعریف شده است؛ مراجعه نمایند. این هم از کارهای بزرگ دیگری است که انجام شده است.

با اینکه استانداردسازی جزو برنامه های تحولی ما نبود، از ابتدای فرآیند ۱۰-۲۰ ساله ساماندهی، ۴۹ سند استاندارد و راهنمای تولید کتاب و... تدوین شده است که به صورت میانگین به دو یا سه سند استاندارد و راهنما می رسد، در حالیکه ما در حدود ۶ ماه گذشته نزدیک به ۱۵ استاندارد را تقدیم شورای هماهنگی علمی سازمان کرده ایم. همچنین یک گام بلندتر برمی داریم و با سازمان ملی استاندارد هم وارد همکاری شده ایم. ان شاء الله وقتی نشان این سازمان هم در کنار کار ما قرار بگیرد امکان تبعیت همه دستگاه ها و نهادهای ذیربط از آن بیشتر خواهد شد.

انتشار ۱۰ میلیون نسخه مجلات رشد در شرایط کرونایی

مجلات رشد، در تمام شرایط و حتی با وجود کرونا نیز متوقف نشد و ما تقریباً هر دو روز یک بار تولید اثر داشتیم و طی این مدت نزدیک به ۱۰ میلیون نسخه به مخاطبان ارائه شد. شما الآن دیگر نمی توانید صبر کنید تا انتشار و توزیع مجلات تمام شود و پس از پایان کار توزیع از مخاطبان بازخورد بگیرید، بلکه برای اینکه بازخورد را به صورت فرآیندی انجام دهید و طی فرآیند تولید مجله رشد بفهمید که مخاطب از کدام مطالب خوشش می آید و کدام مطالب باید غنی تر باشد لازم است که صفحات الکترونیکی داشته باشید تا از این طریق بتوانید ارتباط مستقیم، نزدیک و به سرعت با مخاطبان خود داشته باشید. این موضوعی است که ما آن را مد نظر قرار داده ایم.

مشخص کردن نحوه ارتباط مجلات تخصصی رشد با حوزه‌های تربیت و یادگیری

ما برای اینکه از بحث سلیقه خارج شویم و این کار را به صورت پژوهشی انجام دهیم، پژوهشی در زمینه ارتباط مجلات با حوزه‌های تربیت و یادگیری را در دستور کار داریم و ۵۰ درصدش انجام شده است. ان شاءالله با بهره‌گیری از نتیجه این پژوهش متوجه می‌شویم که آیا می‌توانیم مجلات تخصصی را همراه و همگام با ۱۱ حوزه تربیت و یادگیری داشته باشیم یا باید سبک دیگری را در پی بگیریم.

یکی دیگر از مسائل در مدارس متوسطه دوم، این است که از مجلات رشد و اغلب آثار خواندنی استقبال چندانی نمی‌شود، بنابراین امیدواریم که با استفاده از پژوهش‌هایی که در دست اجرا داریم، بتوانیم این نقص و مشکل را پوشش دهیم. در این مسیر بديهی است که باید افزوده‌های دیگری نظیر بخش‌های شنیداری، دیداری و... داشته باشیم که امیدواریم در سال آینده محقق شود.

بارگذاری ۵۴۰۰ محتوا در سایت رشد

محمدرضا شکرریز، معاون فناوری دفتر انتشارات نیز به فعالیت‌های این بخش اشاره کرد و گفت: معاونت فناوری می‌توانست چالش نباشد اگر که گذشتگان ما، ۱۸۰ پست این بخش را به ۱۰ پست تبدیل نمی‌کردند و قطعاً اتفاقاتی می‌توانست رخ دهد که این نابودی شکل نگیرد؛ بدیهی است که امروز آنچه که کاشته می‌شود، قطعاً در سال‌های آینده مورد استفاده‌ی نسل‌های بعد قرار می‌گیرد.

ما امروز به واسطه بیماری کرونا شاهد توجه به ابعاد مختلف فناوری در این بخش هستیم و در واقع بحران کرونا باعث شد چالش‌های فناوری آشکار شود و باعث توفیق این بخش شد. به همین خاطر از سال گذشته که تنها ۱۸۰ آموزش آپلود شده بود، ما امروز به ۵۴۰۰ محتوا در سایت رشد رسیده‌ایم.

احیای پروژه‌ی ساختمان خیابان سمنان یکی از بخش‌هایی است که امیدواریم زودتر انجام شود تا بتوانیم با توسعه‌ی فضا و امکانات، تولیدات را با سرعت بیشتری به سرانجام برسانیم.

چالش اصلی ما QR Code است

چالش اصلی ما QR Code است. البته این یک موضوع فرا دفتری محسوب می‌شود و دفاتر تألیف با آن درگیر هستند و همکاری‌های خوبی هم در این زمینه داشته‌اند. به اعتقاد من تنها بخشی که از برنامه عقب مانده، همین بحث QR Code است که ما برای رفع این چالش بزرگ به همکاری تنگاتنگ دفاتر تألیف نیاز داریم تا ان شاء الله بتوانیم همه رمزیندهای سریع پاسخ که حدود ۳۱۷۸ مورد است را در پایان شهریور روی پلتفرم رشد آپلود کنیم.

دو سناریو متفاوت برای پلتفرم رشد

ما پلتفرم رشد را با دو سناریو می‌توانیم پیش ببریم. یکی اینکه همین پلتفرم را به‌روزروی و آپدیت کنیم و توسعه دهیم. سناریو دیگر هم این است که پلتفرم جدیدی را آماده کنیم و به آن پلتفرم مهاجرت کنیم، گرچه آن هم فعلاً کار ما را راه نمی‌اندازد. نظر خود من این است که روی پلتفرم فعلی سرمایه‌گذاری کنیم و آن را توسعه دهیم. نکته دیگر که باید به آن توجه شود تولیدات فیلم است. این موضوع هم در برنامه‌های ما هنوز ناقص است و امیدواریم با همت دفتر طرح و برنامه، در این زمینه هم تولیداتی داشته باشیم.

کتاب الکترونیک تعاملی مورد توجه قرار گیرد

قائم مقام رئیس سازمان پژوهش بیان کرد: از آنجایی که درصد بندی مراحل اجرایی که ما برای گروه‌ها انجام داده‌ایم مشخص نیست، امکان بررسی را سخت می‌کند. در این مسیر ممکن است آنچه که دفتر مدنظر دارد با هدف کلی مغایرت‌هایی وجود داشته باشد، لذا بررسی مراحل دستیابی به درصد اهداف بسیار حائز اهمیت است. بسیار بهتر بود که درباره دلایل به تعویق افتادن طرح‌ها، گزارشی دریافت می‌کردیم. ما کتاب‌های الکترونیکی را در دو فاز تعریف کردیم که یکی مربوط به تمام کتاب‌های درسی است اما در فاز دوم، کتاب الکترونیک تعاملی که یک موضوع جدید است، که مدنظر ماست، پس نیاز است که بر این بخش یک تجدیدنظر داشته باشید. ما با اصفهان همکاری‌هایی انجام داده‌ایم ولی محدود به اصفهان نیستیم و کتاب الکترونیک تعاملی از هر جا عرضه شد شما باید برای آن برنامه‌ریزی داشته باشید.

لزوم نگاه ویژه به سند راهبردی جشنواره رشد

سند راهبردی جشنواره یکی از کارهای بزرگی است که دفتر انتشارات و فناوری باید دنبال آن باشد بنابراین باید به عنوان یک برنامه ویژه به آن نگاه کنید. شما قرار است یک سند راهبردی ارائه دهید تا چشم اندازتان از جشنواره فیلم رشد در ۵۰ سال آینده را ارائه دهید که این باید به صورت ویژه دیده شود. نکته دیگر این است که برای طراحی جشنواره‌ها و انتشار فراخوان باید به زمان توجه بیشتری داشته باشیم زیرا قطعاً یک زمان مشخص برای این عرصه نیاز است.

بحث دیگر این است که پلتفرم رشد باید بتواند نیاز دانش‌آموزان، مدیران، معلمان، مدیران و... را کاملاً ببیند و درک کند. البته بدیهی است که امروز سازمان، بودجه لازم برای توسعه یکباره این بخش را نداشته باشد اما لازم است که در این عرصه یک زمان بندی مشخص داشته باشیم و یک چشم‌انداز و افق روشن از نیاز جامعه‌ی تعلیم و تربیت و تحقق آن در پلتفرم رشد باشیم.

نگران کوچک‌سازی ساختار نباشیم

ما خیلی نباید نگران کوچک‌سازی ساختار باشیم. همه دنیا به دنبال چابک‌سازی ساختار است. ساختارهایی که ما در حال حاضر داریم به نسبت کشورهای پیشرفته دنیا، واقعاً ساختارهای گسترده‌ای است. درست است که ساختار مهم است ولی یک ابزار است بنابراین ضمن اینکه باید به تقویت ساختار توجه داشته باشیم اما نباید از کوچک بودن ساختار بترسیم و بگوییم کارهای بزرگ را نباید انجام دهیم.

دکتر حسن مظاهری دبیر شورای هماهنگی علمی سازمان نیز در این بخش به طرح سؤالی درباره وضعیت کرونا پرداخت و گفت:

شاید لازم بود که به روند ارائه مجلات رشد در دوران کرونا می‌پرداختیم زیرا بسیاری از کودکان این مجلات را دوست دارند و برای آن لحظه شماری می‌کنند. به نظر من قابل توجه است که مقداری برنامه‌هایمان را در دوردست‌ها بررسی کنیم و ببینیم که امروز دانش‌آموزان مجلات را چگونه دریافت می‌کنند؟

بحث دوم راهنمای برنامه‌ی درسی حوزه تربیت و یادگیری است که به نوعی محور کار سازمان به‌شمار می‌رود و در این مسیر و مبتنی بر این راهنماها می‌تواند اقدامات بیشتری انجام دهد لذا لازم است که تلاش کنیم که ارتباط با این بخش را بیشتر کنیم.

تأکید بر ابعاد علمی و آموزشی در تولیدات دفتر انتشارات

دکتر حسن ملکی در بخش پایانی این جلسه از انتقادات ابراز خرسندی کرد و گفت: وقتی نقدی صورت می‌پذیرد، در راستای رشد و پیشرفت انجام می‌شود. احساس می‌کنم که این دفتر به سمت رشد حرکت می‌کند و در مقایسه با سال گذشته بهبود داشته است هر چند تا نقطه مطلوب فاصله داریم.

این دفتر ظرفیت بالایی دارد زیرا افراد متفکری در آن مشغول به کار هستند. برای رشد در این بخش یک اصل این است تولیدات و کارها را علمی‌تر کنیم لذا هر مقدار بتوانیم از علوم مربوط به کار خود بهره‌مند شویم به همان اندازه نیز موفق خواهیم بود. به‌عنوان مثال اگر کار به روان‌شناسی مربوط است از روان‌شناسان بهره‌مند شویم. با وجود اینکه دفتر اندیشمندان متعددی دارد اما به‌دلیل مأموریت‌های مختلف، می‌توان از افراد خارج از سازمان نیز بهره‌برد زیرا هر چه کار علمی‌تر باشد، خدا از او راضی‌تر است.

در اصل دوم باید بر آموزشی بودن کار تأکید داشته باشیم و علمی بودن روند با آموزشی بودن در پیوند باشد. مجلات رشد، رسانه آموزشی و پرورشی هستند و با مجلات آکادمیک متفاوت هستند به همین دلیل باید سبقه آموزشی داشته باشند. این ویژگی زمانی ممکن می‌شود که تولیدکنندگان این مجلات، سابقه تربیتی داشته باشند و بین آن‌ها افراد قوی در عرصه تربیتی وجود داشته باشد.

مجلات رشد باید اعتقادی و فرهنگی باشند

مجلات رشد ما باید اعتقادی و فرهنگی باشند لذا هرگز نباید بپذیریم که یک واژه به‌کار برده شود و مخاطب را نسبت به مسائل اعتقادی دچار مشکل کند. تفکر ما کاملاً مشخص است و ما زیر سایه تعلیم و تربیت اسلامی زندگی می‌کنیم و آموزش و پرورش دانشگاه نیست که ما با هم مواجه کنیم زیرا کودک معصوم را نمی‌توان وارد این عرصه کرد. کودک معصوم انتظار دارد، کسانی که برای او کار می‌کنند فطرت‌گرا و فطرت‌شناس باشند و برای او دلسوز حرکت کنند.

در این بخش باید آدم‌های معتقد قدم بردارند. برای ما مهم است که مجلات بار فرهنگی و اعتقادی داشته باشند کما اینکه در کتاب‌هایی که توسط انتشارات مدرسه تولید می‌شود، نیز همین انتظار را داریم. وجه ممیز ما با سایرین، بخش فرهنگی ماست و با همین زنده هستیم.

هر آنچه تولید می‌کنیم به زبان مخاطب باشد

باید هر آنچه تولید می‌کنیم به زبان مخاطب باشد. اینجاست که باید از روان‌شناسان کمک بگیریم و یکی از رشته‌هایی که باید با شما مرادده داشته باشد، روان‌شناس متعهد و مسئول است البته سایر رشته‌ها نظیر تکنولوژی آموزشی نیز نیاز است.

تولیدات را زیبا و هنری کنیم

همان‌طور که می‌دانید، دنیای امروز به نحوی است که نوجوانان و جوانان، لقمه‌ی مفید نازیبا را رد می‌کنند بنابراین کسانی برنده هستند که پیام خود را زیبا ارائه می‌کنند. این پیام را رهبر معظم انقلاب نیز مطرح کرده‌اند و همواره بر مسئله‌ی هنر و زیبایی‌شناسی تأکید داشته‌اند ضمن اینکه زیبایی در دین ما نیز بسیار اهمیت دارد. امروز دشمنان ما پیام‌های خود را با لباس زیبا ارائه می‌کنند.

تأکید بر استانداردسازی دقیق و عالمانه

اصل دیگر این است که مباحث را فناورانه بیان کنیم و از این عرصه بهره‌برداری لازم را کنیم لذا مراقب باشیم که فناوری آموزشی در دفتر علیل نشود و بی‌خاصیت نماند. کسی انتظار تبدیل شبکه ملی رشد به شاد را ندارد اما می‌خواهیم که این شبکه ضعیف نماند؛ این بخش باید به جایی برسد که ۸ یا ۹ میلیون کاربر داشته باشد. در این مسیر باید برای کارهای مهم برنامه‌ریزی داشته باشید که نخستین بخش آن استانداردسازی است. این بخش باید هم وسعت و هم عمق پیدا کند یعنی تمام اموری که ما وظیفه داریم برای آن استاندارد تعیین کنیم، مورد غفلت واقع نشود و استانداردهای تولید شده، کاملاً سلامت باشد.

استانداردهای تولید شده ما باید دقیق و عالمانه باشد. نکته‌ی دیگر هم‌سویی با تحول است لذا بررسی کنید که اگر این بخش، مناسب است آن را انجام دهیم. این بخش جنبه‌ی پیشنهادی دارد و لازم است که در یک اتاق فکر روی آن بیاندیشیم تا ببینیم در کدام ابعاد چنین اقدامی قابل اجراست. ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی بخش دیگری است که باید با سرعت بر روی آن تمرکز کنیم زیرا در این عرصه عقب مانده‌ایم. باید این سامانه به قدری کار کند که در مدارس کل کشور، استاندارد و آرم را ببینند و بدانند که این کتاب مورد تأیید سازمان هست یا نیست لذا امروز بسیار از ایده‌آل فاصله داریم.

ارزیابی تولیدات دیگر بخشی است که باید مدنظر قرار گیرد. در این مسیر باید تولیدات خودمان را نظیر انتشارات مدرسه را بازبینی و ارزیابی کنیم.

رقیب جشنواره فیلم رشد، معصومیت کودک است

کیفیت بخشی به جشنواره‌ها نیز موضوع دیگری است که باید به آن توجه کنیم. توجه داشته باشید که جشنواره‌ی فیلم رشد ۵۱ ساله شده است و این به معنای یک رویداد پخته است و امکان خامی در آن نیست بنابراین جشنواره‌ی ما باید به نحوی برگزار شود که مانند یک فرد ۵۰ ساله پخته و کامل عمل کند لذا باید فیلم‌هایی در آن عرضه شود که امکان استفاده در بسته‌های تربیت و یادگیری را فراهم کند. جشنواره فیلم رشد نباید خود را رقیب فیلم فجر بداند زیرا رقیب ما معصومیت کودک است.

حمایت و پشتیبانی از زمینه‌های سریع پاسخ نکته‌ی بعدی است. جشنواره‌ی محتواهای الکترونیکی کار بسیار ارزشمندی است اما باید توجه داشته باشیم که شکست در زمینه‌ها، برای سازمان دارای پیامدهای نامناسبی است. امروز ما یک شیوه‌نامه‌ی ویراستاری داریم که تاکنون در سازمان وجود نداشت و به گفته بسیاری از متخصصان، در نوع خود، عالی است. این شیوه‌نامه طی این هفته به شما تقدیم می‌شود. لذا تمام مطالب سازمان پژوهش باید بر مبنای این شیوه‌نامه ویراستاری شود. استفاده از ظرفیت‌های نهادهای بیرونی نیز اقدامی است که من کاملاً با آن موافق هستم اما باید توجه داشته باشیم که این ارتباط کاملاً حکیمانه انجام شود. در این مسیر باید به گونه‌ای حرکت کنیم که هضم نشویم.

تقویت زیرساخت‌ها، موضوع دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد و کار به نحوی باید پیش برود که زیرساخت، پاسخگوی محتوای تولید شده نباشد زیرا در غیر صورت ما متضرر خواهیم شد.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

نشست

مدیران

سازمان پژوهش

با

وزیر آموزش و پرورش



در نشستی که با حضور دکتر محسن حاجی میرزایی وزیر آموزش و پرورش و دکتر حسن ملکی معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و جمعی از مدیران سازمان در تاریخ هفتم تیر سال جاری در سالن اجتماعات وزارت آموزش و پرورش برگزار شد، عملکرد سازمان پژوهش در سال کاری اخیر مورد ارزیابی قرار گرفت.

در شروع این نشست محسن حاجی میرزایی بیان کرد:

هدف این جلسه گزارش عملکرد نیست بلکه بیشتر ارزیابی عملکرد است. ما می‌خواهیم به پشت سر برگردیم و نگاه کنیم تا ببینیم در این سال‌ها چه کار کرده‌ایم. توصیه فرهنگ دینی ما این است که هر روز این کار را انجام دهید و ما هم ان‌شاءالله این کار را خواهیم کرد.

اکنون ما در یک نقطه عطف قرار داریم، این تیم صرف‌نظر از اینکه خودش بخواهد این مسیر را ادامه دهد و یا اینکه آن را به دست گروه دیگری بسپارد، باید از مختصات نقطه‌ای که در آن بوده تا مختصاتی که الآن در آن قرار گرفته است، یک ارزیابی انجام دهد. یعنی حرکت کمی و کیفی مشاهده شود و بررسی کند تا ببیند چه ارمغانی را برای مسئولان بعدی به جای گذاشته است.

گزارش عملکرد در کتاب چاپ می‌شود و در اختیار بعدی‌ها قرار می‌گیرد اما اینکه شما چگونه این کار را مدیریت و ساماندهی کرده‌اید و به پیش برده‌اید آن ارزشی است که شما ایجاد کرده‌اید. عملکرد ما وقتی است که یک تغییری ایجاد کنیم و یک تمایزی را به وجود بیاوریم و یک ضرورتی را متوجه شویم و اصلاح کنیم.

در سازمان یک مأموریتی وجود دارد و مهم‌ترین فلسفه وجودی سازمان این است که آن مأموریت را تحقق ببخشد. بنابراین خواهش من این است که درباره اینکه در فهم آن مأموریت کجا هستیم و چقدر جلو رفته‌ایم گفت‌وگو کنیم.

در ادامه جلسه رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گفت:

عنوان مطالبی که ارائه می‌شود "برنامه‌ریزی درسی در مسیر تحول" است و سپس فرآیندها و برنامه‌های تحولی سازمان پژوهش را در چهار بخش "کجا بودیم؟"، "به کجا رسیده‌ایم؟"، "چگونه رسیده‌ایم؟"، "برنامه‌های آینده کدامند؟" ارائه می‌شود.

بخش نخست: کجا بودیم؟

در شرایطی که بنده مسئولیت سازمان پژوهش را عهده‌دار شدم، در مسئله تحول، بحث همسوسازی با اسناد تحولی پیگیری می‌شد و نه انطباق با اسناد. همچنین، الگوی بومی برنامه‌ریزی درسی وجود نداشت و معمولاً از الگوهای ترجمه‌ای استفاده می‌کردند اما بنده به عنوان مسئول سازمان در رشته برنامه درسی بومی اندیش هستم. اصلاً ماهیت فکری‌ام این است که ما بدون الگوی بومی نمی‌توانیم در داخل کشور تحول ایجاد کنیم.

در زمان ورود بنده، کتاب درسی، محور بود و حالا برنامه درسی محور شده است. آن زمان گروه‌های آموزشی ما موضوع محور بودند و هر موضوع درسی یک گروه داشت و گروه‌های وسیع ترکیبی - مانند آنچه که الآن هست - وجود نداشت. ما الآن برای نمونه حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی را داریم که داخلش چند موضوع وجود دارد و به ترکیبی گرد هم آمده‌اند. این یکی از محسنات برنامه درسی ملی است که به گروه‌های ترکیبی فکر کرده و نه به موضوعات مجزا از یکدیگر. آن زمان رشته‌های زائد متعدد در شاخه‌های کاردانش وجود داشت، الگوی تحلیل حرف و مشاغل بازار کار نیازسنجی در فنی و حرفه‌ای وجود نداشت، استانداردهای اغلب رشته‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای کهنه بودند، ماده قانونی ۸۲۸ در بحث ساماندهی منابع آموزشی و تقویتی معطل مانده بود، شبکه ملی رشد در وضع کاملاً ابتدایی خودش قرار داشت و مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گرفت و جشنواره فیلم رشد و جشنواره کتاب رشد بدون توجه به پیامدهای آنان در آموزش و بسته‌های تربیت و یادگیری به یک عادت سازمانی تبدیل شده بود.

بخش دوم: به کجا رسیده‌ایم؟

اکنون برنامه‌ریزی درسی به عنوان یک راهبرد اصلی و مقدم بر تولید هر نوع رسانه انجام می‌گیرد. برخلاف شرایط قبلی که با کمال تأسف وازبه برنامه‌ریزی را از عنوان دفتر هم حذف کردند. بنده مخالف آن تفکر هستم و ما برنامه‌ریزی را اضافه کردیم و الآن داریم با این قاعده کار می‌کنیم. فطرت‌گرایی توحیدی رویکرد اصلی تولید برنامه است. واژه فطرت‌گرایی توحیدی در برنامه درسی ملی ذکر شده و بنده متعهد به انجام آن هستم. کاری که بنده با کمک همکارانم انجام دادم این است که فطرت‌گرایی توحیدی را در مدل برنامه درسی ارائه کردم.

در یازده حوزه تربیت و یادگیری به علاوه دوره پیش دبستان، راهنمای برنامه درسی تولید شده و خدمتتان تقدیم شده است و الآن در شورای عالی دبیرخانه دارد بررسی می‌شود. به نقش تربیتی خانواده به عنوان یک عنصر اصلی پرداخته شده است و ما در این زمینه از سند تحول بنیادین الهام گرفته‌ایم. بنابراین در همه راهنماهای برنامه درسی معلوم شده که عنصر خانواده چه کاره است و چه باید بکند. مرجعیت علمی و نقش تعلیمی و تربیتی معلم در تولید راهنماهای برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته است.

برای کتاب‌های درسی همه دوره‌های تحصیلی رمزینه دسترسی سریع پاسخ انجام شده و یا در دست انجام است و اطمینان می‌دهیم که هیچ خللی در این زمینه به وجود نخواهد آمد. معارف انقلاب

اسلامی در تعداد قابل توجهی از کتاب‌های درسی وارد شده است. این دستور صریح مقام معظم رهبری بوده و ما معارف انقلاب را در ۳۰ عنوان کتاب درسی وارد کرده‌ایم و الآن دارد تدریس می‌شود. بخش معارفی کتاب‌ها را هم در سه جلد مدون کرده‌ایم و بنده خدمت آقای وزیر ارسال کرده‌ام. جشنواره‌های چهارگانه فیلم، عکس، کتاب و تولید محتوای الکترونیکی، با سیاست‌گذاری جدید برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. تعداد ۹۷ رشته کاردانش، بازطراحی و استانداردهایش اصلاح شده است. الگوی تحلیل حرف و مشاغل بازار کار رشته‌های فنی و حرفه‌ای تهیه شده و مبنای نیازسنجی قرار گرفته است. محتوای نشریات مختلف نیز غنی‌سازی شده است.

بخش سوم: چگونه رسیده‌ایم؟

ما الگوهای متعدد برای مواجهه صحیح با واقعیت‌ها را تهیه کردیم که الگوی تدوین برنامه‌های درسی فطرت‌گرایی توحیدی مهم‌ترین آن‌هاست. این الگو با الگوهای دیگر تفاوت ماهوی دارد. اگر الگوهای دیگر را هم‌رشته‌های بنده ترجمه کرده‌اند، بنده ترجمه نکرده‌ام بلکه تولید کرده‌ام. بنده در جلسات علمی دانشگاه علامه طباطبایی در کنار دو داور از این الگو دفاع کردم و این الگو امتیاز خودش را کسب کرده است منتها آن را به سازمان آوردیم و قدری بومی و عملیاتی‌تر کردیم. ما سعی کرده‌ایم با الگوی تدوین برنامه‌های درسی فطرت‌گرایی توحیدی در این راه حرکت کنیم. شوراها و کمیته‌های برنامه‌ریزی درسی متعددی را تشکیل دادیم. با حوزه علمیه قم مرتبط شدیم و نمایندگان از آنجا در شوراها ما عضویت پیدا کردند و الآن هم عضو هستند. از طریق کارگاه‌های آموزشی و جلسات هم‌اندیشی سعی کردیم وفاق فکری و عملی لازم ایجاد شود. بنده در قریب به ۹ کارگاه آموزشی خدمت همکاران بوده‌ام و راهنماهای برنامه‌های درسی مولود آن کارگاه‌ها و جلسات است. با سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و تربیتی متعددی مرتبط شده‌ایم و از ظرفیت آنان در غنی‌سازی و تولیدات بهره برده‌ایم.

بخش چهارم: برنامه‌های آینده کدامند؟

از برنامه‌هایی که ما برای آینده مد نظر داریم؛ تولید الگوها و راهنماهای برنامه تدوین و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری است. راهنماهای برنامه درسی بخشی از کار است و کار مکمل این است که بسته تربیت و یادگیری تولید کنیم. همکاران ما برای سال ۱۴۰۱ مشغول همین امر هستند تا نمونه‌هایی را تولید کنند.

برنامه دیگر ما تولید بسته‌های تربیت و یادگیری برای دوره پیش دبستان است. با ابلاغ اخیری که حضرتعالی به بنده لطف کرده‌اید ما کمیت‌های که داشته‌ایم را بازسازی کرده و افراد بیشتری را دعوت کرده‌ایم و این کار را به سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک مرتبط کرده‌ایم. از همین رو برای مهر ماه پیش رو چند نمونه بسته خدمتتان تقدیم خواهیم کرد.

تداوم تولید محتوای الکترونیکی تعاملی در برنامه‌های درسی از دیگر برنامه‌های ما است. الآن حدود ۲۰۴ عنوان تولید شده و بقیه‌اش هم در دست انجام است. در این زمینه بیشتر با یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان که در اصفهان قرار دارد مرتبط هستیم. متأسفانه تدوین الگوی چند تألیفی را انجام نداده‌ایم و این را جزو برنامه‌های خود می‌دانیم. موضوع تدوین الگوی چند تألیفی از جمله کارهایی است که کارهای دیگر نگذاشت به آن بپردازیم. یک مقدماتی را فراهم کرده‌ایم ولی خود الگو هنوز تدوین نشده است.

برنامه دیگر ما شناسایی مسائل اساسی جامعه است که در این ارتباط هم فعلاً نقص داریم. یکی از این مسائل، پیر شدن جمعیت و برنامه‌ریزی برای مواجهه با آن است. برنامه‌های درسی باید در دانش‌آموزانی که فردا پدر یا مادر خواهند شد ایجاد نگرش کند تا آنان به افزایش جمعیت کمک کنند. ما همچنین در بررسی ابعاد تربیتی و کاربردی کتاب‌های درسی دچار نقص هستیم. در موضوع علم نافع در ارتباط با کتاب‌های درسی هنوز مشکل داریم و این جزو کارهای مانده ما است که بنا داریم انجامش دهیم. یعنی کتاب‌های درسی موجود ما کاربردی شوند و به درد ما بخورند.

ما اجرای آزمایشی برنامه‌های درسی و بسته‌های یادگیری را قبل از اجرای سراسری مد نظر داریم و این جزو کاستی‌هایی است که باید در آینده انجامش دهیم. بازاندیشی و تدوین الگوهای مؤثر در درج معارف انقلاب اسلامی و اسناد لانه‌جاسوسی در کتب درسی، یکی دیگر از برنامه‌های ما است. مجلس شورای اسلامی این موضوع را مرتب دارد پیگیری می‌کند و از ما درباره درج اسناد لانه‌جاسوسی در کتب درسی گزارش می‌خواهد. این موضوع مبنای قانونی دارد و ما هم موظف هستیم که انجامش دهیم.

از دیگر برنامه‌های ما، تدوین برنامه‌های عملیاتی جهت اجرای زیرنظام برنامه درسی است. البته زیرنظام هنوز به طور رسمی به ما ابلاغ نشده ولی ما چون از مواردش اطلاع داریم بخشی از آن را انجام داده‌ایم و بخش دیگرش را هم انجام خواهیم داد.

چالش‌هایی که برای آن‌ها چاره‌اندیشی شد

در بخش دیگری از این نشست مدیران سازمان پژوهش گزارشی از مأموریت‌ها و فعالیت‌های حوزه مدیریتی‌شان ارائه کردند. دکتر علی محبی در این بخش بیان کرد:

نقشه کلان برنامه‌ریزی درسی زیر نظر آقای دکتر ملکی در شش گام آماده شده است که اولین گامش همین راهنماهای برنامه‌های درسی است که تدوین شده است.

ما همچنین با چالش‌هایی در وزارتخانه و در سازمان مواجه بودیم که دکتر ملکی به زیبایی برای این چالش‌ها چاره‌اندیشی کردند. از جمله این چالش‌ها، تغییرات در کتب درسی بود که معمولاً ما زیر سؤال می‌رفتیم که چه کسی این تغییرات را ایجاد کرده و آیا سلیقه‌ای است یا نه. از این رو شیوه‌نامه تغییر کتاب‌های درسی نگاشته شد که براساس آن، فرآیند تغییرات کتب درسی و افراد تغییردهنده مشخص باشند. با وجود این شیوه‌نامه می‌شود گفت که دیگر اگر تغییراتی صورت می‌گیرد مبنای کارشناسی و دقیق علمی دارد.

چالش دیگری که ما با آن مواجه بودیم بحث اشکالات ویرایشی بود که مطرح می‌شد و الحمدلله سازمان با تدوین شیوه‌نامه ویرایش محصولات سازمان این چالش را هم رفع کرد.

عضویت صاحب‌نظران در شوراهای سازمان پژوهش

بعضی از دوستان در جلساتی که برگزار می‌شد سازمان پژوهش را به این متهم می‌کردند که محدود به یک عده خاص است و آن‌ها درباره امور سازمان تصمیم‌گیری می‌کنند، در حالیکه اکنون با آیین‌نامه‌ای که با امضای آقای دکتر ملکی برای گروه‌های آموزشی ابلاغ شده است حدود ۲۰ فرد مسلط و صاحب‌نظر از ۵ تخصص تعلیم و تربیت عضو شوراهای ما شده‌اند و به همکاران ما کمک می‌کنند.

یک اشکال هم وجود داشت که حقیقتاً ما را قدری رنج داد. بنده وقتی وارد سازمان پژوهش شدم توقع این را داشتم که مجموعه وزارتخانه کاملاً به کمک سازمانی بیاید که به تعبیر مقام معظم رهبری، قلب آموزش و پرورش است. جنابعالی در خیلی جاها مساعدت کردید اما در مورد بدنه ستادی جنابعالی این احساس در بسیاری جاها وجود نداشت که این‌ها در جهت تحقق اهداف سازمان با ما هم‌راستا هستند و ما را کمک می‌کنند. گاهی اوقات حتی عکس این را هم دیدیم.

برای افت تحصیلی ناشی از کرونا باید چاره اندیشید

دکتر حسین سوزنچی، مدیرکل دفتر تألیف کتاب‌های درسی آموزش عمومی و متوسطه نظری نیز بیان کرد:

مسئله‌ای که زمین مانده و باید در همین دولت تکلیفش مشخص شود؛ بحث وضعیت برنامه‌ریزی درسی دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ است. طبق آمارهای جهانی که اعلام می‌شود دنیا در این مدت یک افت تحصیلی ناخواسته داشته و قطعاً وضعیت کشور ما هم همین‌طور است، اما نمرات ما به خاطر تقلب و آزمون‌های غیر حضوری بالاتر رفته که این یک بحران است و ما باید برایش فکر کنیم.

الآن در محور برنامه درسی دو دیدگاه کاهش یا تلفیق مطرح شده است. سازمان پژوهش در سال قبل دیدگاه کاهش را در پیش گرفت، و دیدگاه تلفیق هم در این بازه زمانی شدنی نیست. به اعتقاد من یک دیدگاه سوم هم وجود دارد که آن دیدگاه کمک گرفتن از خانواده‌هاست. در دوران پسا کرونا بسیاری از مادران به خصوص در دوره ابتدایی توانستند معلم شوند و این پتانسیل مهمی است که کاملاً مورد غفلت قرار گرفته است. بنابراین ما می‌توانیم معلمان بالفعل در خانه را به کار بگیریم و مشارکت‌شان را هدایت کنیم.

لزوم توجه به برنامه درسی پنهان

محور بسیار مهم دیگر، مسائل حوزه تربیت است. در اینجا بحث برنامه درسی پنهان مطرح می‌شود. به هر حال دانش‌آموزان در مدرسه با هم تعامل و ارتباط برقرار می‌کنند و این تعامل برای‌شان رشد اجتماعی به همراه می‌آورد بنابراین باید برای برنامه درسی پنهان اندیشید و به مسئله تربیت دانش‌آموزان کمک کرد.

معضل خیلی مهم دیگر جبران عقب‌ماندگی است. ما حق نداریم به معلم فشار آنچنانی وارد کنیم. معلمان ما در ایام کرونا دو دسته شدند. یک عده رفتند و خوابیدند که من معتقدم اقلیت بودند و یک عده دیگر واقعاً کار کردند. می‌خواهم بگویم اکثریت معلمان ما تلاش‌های همیشگی خود و چه بسا تلاش‌های بیشتری نسبت به گذشته انجام داده‌اند و اگر مشکلی وجود دارد و احياناً افت تحصیلی ایجاد شده است نباید انگشت اتهام را به سمت معلم ببریم و نباید برای جبران عقب‌ماندگی به معلمان فشار وارد کنیم.

تاکید بر تقویت حکمرانی و اصل مشارکت

افشار بهمنی، مدیرکل دفتر آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش نیز خطاب به وزیر آموزش و پرورش گفت:

آذر سال ۱۳۹۸ به همراه دکتر ملکی در یک نشست تخصصی خدمت شما رسیدیم که در آن نشست آقای دکتر ملکی براساس مطالعات چند ساله خودشان در عرصه برنامه درسی دو رویکرد را ارائه کردند که یکی طراحی دوره تحصیلی فنی و حرفه‌ای و کاردانش مبتنی بر آموزش عمومی و دیگری التزام تغییر شاخه کاردانش بود. بعد از آن تاریخ ما به مدت ۱۵ ماه با مشارکت معاونت متوسطه و دستگاه‌های اجرایی متولی و پیشنهاددهنده، مطالعات و کارهایمان را انجام دادیم اما حجم مسائل انباشته شده‌ی دو شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش مانع از ایجاد یک وفاق، هم‌افزایی و هم‌گرایی شد. دلیل اصلی اش ضعف اساسی در حکمرانی این آموزش‌ها بود.

جناب‌عالی به درستی شورای راهبری فنی و حرفه‌ای را تشکیل دادید اما متأسفانه یک جلسه هم با حضور خود شما تشکیل نشد. ما از آن زمان سعی کردیم رشته‌های کاردانشی که حدود ۱۰ سال به هیچ‌کدام از ابعادشان توجه نشده بود را به صورت فشرده بررسی کنیم. تا بهمن و اسفند سال گذشته ۷۹ رشته را سامان دادیم و ابلاغ کردیم و بعد به جایی رسیدیم که از نهادها و دستگاه‌ها خواهش کردیم که ما خودمان کمک کنیم تا استانداردهای شغلی که وظیفه آن‌هاست را بنویسیم. متأسفانه نمی‌توانستند این کار را انجام دهند.

در این شرایط خوشبختی بنده این بود که این دو سال هم‌زمان شد با فهم عمیق آقای دکتر ملکی در حوزه برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نیز توجه اعتقادی عمیق آقای دکتر حاجی میرزایی برای توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.

آقای دکتر حاجی میرزایی، در جلسه‌ای که ۱۵ آبان سال ۱۳۹۹ با حضور شما در سازمان پژوهش برگزار شد، به پیشنهادهای مطرح شده عنایت ویژه‌ای نشان دادید و برخی امور با همت شما پیگیری شد. در آن جلسه به اصل مشارکت تاکید کردید ولی متأسفانه به دلیل ضعف در حکمرانی، بعضی از حوزه‌های مشارکت به بیراهه می‌رود. عذرخواهی می‌کنم ولی ما نباید در مشارکت وا داده شویم. ما نباید تفاهم‌نامه را ببندیم ولی سازمان پژوهش هیچ اطلاعی نداشته باشد. این مشارکت باید دو طرفه باشد.

محمد ابراهیم محمدی مدیرکل دفتر انتشارات و فناوری آموزشی در ادامه افزود:

آقای دکتر ملکی یک حرکتی را شروع کرده‌اند که من فکر می‌کنم بعدها مشخص می‌شود "تحول در انقلاب آموزشی" است. این تحول به گونه‌ای شد که هم مطالعات را جدی‌تر کرد و حرکت‌ها را در مسیر راهبردها دقیق‌تر کرد و هم زمینه را برای هم‌افزایی، مردمی‌سازی و مشارکت بیشتر کرد. همچنین، این حرکت اوضاع را به نفع دانش‌آموز سامان داد.

زمانی از بیرون می‌آمدند و التماس می‌کردند که در کتاب درسی برای دانش‌آموز پیامی داشته باشند، اما امکانش نبود، در حالی که الان سفره پهن است. من اسمش را "سازمان با درهای باز" می‌گذارم و معتقدم که این رویه به نفع دانش‌آموز و مبتنی بر استانداردهاست.

در گذر همین اتفاق، قرار است در سال آینده هر درس کتب درسی یک رمزینه داشته باشد. اتفاق دیگری که رخ داده این است که شبکه رشد بر اثر مطالعه، تعمق و بازنمایی، از حالت یک شبکه ایستا به یک پایانه دانشی تبدیل می‌شود. مجلات رشد یکی از میراث‌های ماندگار این نهاد تعلیم و تربیت است که در کل خاورمیانه بی نظیر است. این مجلات در ایام کرونا با قوت منتشر و توزیع شد و به دست دانش‌آموزان رسید. این مجلات الان اولاً راهبرد دارند که تحت نظر استاد ملکی افق آینده را مشخص می‌کند و ثانیاً برای اولین بار دارد به صورت چندرسانه‌ای ارائه می‌شوند. یعنی مجلات هم خوانشی، هم دیداری و هم شنیداری هستند.

جشنواره‌های رشد ما گاهی اوقات دچار فقر هویت می‌شدند ولی الان خوشبختانه افق و راهبرد این جشنواره‌ها مشخص شده است، به همین خاطر الان بخشی از چشمه‌های تأمین محتوای کتاب‌های درسی، جشنواره تولید محتوای الکترونیکی و بخشی از آن جشنواره فیلم رشد است.

یک دغدغه بسیار مهم در سازمان وجود دارد که بحث عملیاتی‌سازی مصوبه ۸۲۸ و سامان بخشی به منابع مکتوب و غیرمکتوب است. خوشبختانه برای اولین بار، شیوه‌نامه اجرایی این مصوبه به تصویب رسید و ما الان ادعا می‌کنیم که در کل کشور، این سامانه به عنوان عیار کار است، و از آن گذشته ما آمادگی خودمان را اعلام کرده‌ایم که کتاب‌ها قبل از چاپ نشان استاندارد بگیرند تا به آن‌ها اعتبار بخشیده شود.

به طور کلی نظر من این است که یک تحول دارد در سازمان رخ می‌دهد که مؤلفان مختلف در این تحول نقش داشته‌اند. فکر می‌کنم سال آینده تحصیلی، سال تحول در مسائل آموزشی است.

توسعه سامانه فروش و توزیع مواد آموزشی

در ادامه احمدرضا امینی، مدیرکل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، گفت: تا قبل از سال ۱۳۹۴، عملیات تولید و توزیع کتاب‌های درسی به صورت سنتی انجام می‌شد و از سال ۱۳۹۴ تاکنون، سامانه فروش و توزیع مواد آموزشی به مرور توسعه پیدا کرده و امروز عملیات ثبت سفارش و توزیع کتب درسی همه پایه‌ها و دوره‌های تحصیلی از طریق این سامانه انجام می‌گیرد. از مزایای اصلی این سامانه می‌توان به متناسب‌سازی تولید و توزیع اشاره کرد. ما قبلاً تولید بیش از اندازه داشتیم در صورتی که نیاز واقعی ما این‌قدر نبوده است ولی الآن در این زمینه متناسب‌سازی صورت گرفته است. همچنین شفافیت مالی صورت گرفته و گردش‌های مالی مازاد، حذف شده است.

ما با حمایت‌های جناب آقای وزیر و تیم اقتصادی دولت، توانستیم در چند سالی که تحریم‌های ظالمانه وضع شده بود، کاغذ کتاب‌های درسی را با ارز ترجیحی تأمین کنیم و این باعث شد که قیمت کتاب درسی در یک سطح متعادل نگه داشته شود و افزایش پیدا نکند. سامانه سیدا به تازگی باز شده و به مردم اطلاع‌رسانی شده که پایه‌های اول، هفتم و دهم می‌توانند در این سامانه کتاب سفارش دهند، اما بنا بر پالایشی که ما کرده‌ایم خطاهای زیادی در اطلاعات وارد شده در این سامانه وجود دارد که نیاز به پیگیری دارد تا ان‌شاءالله مشکلی در این زمینه وجود نیاید.

کوچک سازی سازمان امر مثبتی نیست

حیب‌الله مهری مدیرکل امور اداری و پشتیبانی سازمان بیان کرد: وقتی مقام معظم رهبری می‌فرمایند سازمان پژوهش قلب آموزش و پرورش است بنده این‌طور فهم می‌کنم که همه ما مؤظف هستیم این قلب را هر چقدر که می‌توانیم تقویت کنیم تا بتواند وظیفه قلب بودن خودش را به نحو احسن انجام دهد.

دولت همیشه شعار می‌دهد که ما دنبال کوچک‌سازی دولت هستیم ولی به نظرم بحث کوچک‌سازی سازمان همیشه بحث مثبتی نیست. الآن ساختار سازمان، ساختار متناسب با مأموریت‌ها و وظایف نیست. همان‌طور که الآن دکتر سوزنچی فرمودند در بسیاری از گروه‌های درسی و جاهای مختلف

با فقر نیروی انسانی مواجه هستیم و نمی‌توانیم نیرو جذب کنیم زیرا ساختارمان اجازه نمی‌دهد. به نظرم این مسئله جای تأمل بیشتری دارد. در رابطه با استان‌ها، به نظر من حذف معاونت پژوهشی استان‌ها یک موضوعی بود که جای بازنگری دارد و می‌شود با تأمل بیشتری به آن نگاه کرد چون به هر حال معاونت‌های پژوهشی استان‌ها بازوی سازمان پژوهش بودند. معتقدم که باید دستوری داده شود تا اگر سازمان پژوهش دست روی هر نیرویی از آموزش و پرورش گذاشت آن نیرو را به سازمان بدهند.

نقطه اصلی همه تحولات، برنامه درسی است

در ادامه دکتر محسن حاجی میرزایی وزیر آموزش و پرورش ضمن تقدیر تشکر از زحمات رئیس و مدیران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیان کرد: ان‌شاءالله تلاش همه دوستان موجب تحول در نظام تعلیم و تربیت شود. من با همه وجودم باور دارم که نقطه اصلی همه تحولات در آموزش و پرورش، برنامه درسی است و به شدت هم از وضع برنامه درسی ناراحت و نگران هستم. تصور می‌کنم یک سازمان با چهار دهه فعالیت نباید در حوزه برنامه درسی در اینجایی باشد که الان هست. آبخور نظام جذب معلم، نظام تربیت معلم و نظام ارزشیابی ما همین برنامه درسی است و آن برنامه‌ای که برای تربیت دانش‌آموزان ضروری است باید در سازمان پژوهش طراحی و تمهید شود و بقیه باید در جهت آن تمهید حرکت کنند. لذا قطعاً به این مومن هستم و حاضر هستم هر تلاشی برای تقویت این کار انجام دهم.

تحول موضوعی نیست که بشود به تأخیرش انداخت

قبلاً هم خدمت آقای دکتر ملکی عرض کرده‌ام که این کاری نیست که بشود آن را به تأخیر انداخت. ممکن است ابتدای این کار یک مقدار دشوار و پیچیده باشد و لازم باشد یک فرآیندی را طی کنیم تا به تحول برسیم ولی ما باید برای سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ هم حرف داشته باشیم. ما به نسل فعلی دانش‌آموزان هم مدیون هستیم بنابراین باید ورود و مداخله کنیم تا در این زمینه توفیقاتی به دست آوریم.

در این جلسه حرف‌های خوبی زده شد و کارهای خوبی آغاز شده است و ان شاء الله خداوند توفیق بدهد که این کارها به نتیجه برسد. در مورد ارتباط افقی که به آن اشاره کردید خیلی تعجب می‌کنم که قبلاً نبوده است زیرا فهم من از برنامه‌درسی این است که یک نظام تار و پودی است و بین حوزه‌های یادگیری و دانش عمومی که افراد باید ببینند و قابلیت‌هایی که باید ایجاد شود، باید چفت و بست وجود داشته باشد و همه این‌ها در یک شبکه‌ای از تحولات با هم ارتباط داشته باشند. توقع وجود دارد که این امر مهم ایجاد شود.

ما جامعه پویایی داریم و دائماً با مسائل جدیدی روبرو می‌شویم. به مسئله پیری و کهنسالی جمعیت اشاره کردید و ممکن است مسائل دیگری هم وجود داشته باشد. ما باید بتوانیم متناسب با اقتضانات زمان، واکنش‌های سریع و عمیق داشته باشیم. کرونا پدیده‌ای بود که پیش‌بینی نمی‌شد ولی آمد و بساط همه را به هم زد. در این شرایط درجه شایستگی مجموعه‌ها به توانایی‌شان برای کنش با این پدیده ناشناخته بود.

از پتانسیل خانواده‌ها برای آموزش استفاده کنیم

موضوع افت تحصیلی در دوران کرونا که به آن اشاره شد موضوع بسیار مهمی است و شاید یکی از جاهایی که باید به این موضوع فکر کند خود سازمان پژوهش است که باید طراحی راهگشا داشته باشد. بنابراین خواهش من این است که در سازمان پژوهش هم به این موضوع فکر کنید تا اگر لازم است طرحی نو برای رفع این معضل داشته باشیم. موضوع پتانسیل خانواده‌ها یک موضوعی است که بنده از همان ابتدا به آن اشاره کردم. من مکرر گفتم که خانواده در دوران کرونا تبدیل به دستیار معلم شد. ما برای آموزش خانواده‌ها فعالیت‌های مختلفی انجام دادیم و خوشبختانه ثمر واقع شد.

در اجلاس وزرای آموزش و پرورش کشورهای جهان تصریح شد که کرونا برای ما روشن کرد که مدرسه و معلم جایگزینی ندارند و هیچ نمایشگر و هیچ صفحه نمایش و هیچ فضایی نمی‌تواند جایگزین مدرسه و معلم شود. در دوران کرونا خیلی از مشاغل از بین رفتند و در مورد آینده هم پیش‌بینی می‌شود که خیلی از مشاغل اهمیت خود را از دست بدهند اما به نظر من معلمی و مدرسه دوباره زنده شد.

میزان بلوغ یک مجموعه به قدرت ترکیب شدنش است

من اعتقاد دارم که هر چیزی یک ارزش مستقل دارد ولی آنچه که از ارزش مستقل هر پدیده اهمیت بیشتری دارد این است که آن‌ها کنار هم قرار بگیرند و یک کل ارزشمند بسازند. همه ما در خلق نتایج ترکیبی ضعیف عمل می‌کنیم و توانایی این کار را کمتر داریم اما باور من این است که هر کس از مناسبات معیوب می‌نالند باید از خودش شروع کند.

میزان بلوغ یک مجموعه، قدرت ترکیب‌شوندگی‌اش با بقیه است. هر چقدر راحت‌تر و هموارتر بتواند با بقیه عناصر و اجزا ترکیب شود، خالق اثرات پایدار و مهم‌تری خواهد شد. بنابراین ما برای حل مسائل مربوط به آموزش و پرورش باید کرنش و تواضع کنیم و همدلی بخریم.

من فکر می‌کنم که ما برای تقویت فرهنگ سازمانی همکاری، باید سرمایه‌گذاری کنیم و باید از برخی رویکردهای شخصی خود بگذریم تا بتوانیم همکاری بهتری داشته باشیم. البته این یک توصیه است، و یک اشکال اساسی‌تر وجود دارد و آن اشکال این است که ما در احراز مسئولیت‌ها خوب عمل نکرده‌ایم. احراز مسئولیت یعنی شما مسئولیت‌ها را به گونه‌ای توزیع کنید که هیچ تداخل اشتراکی نداشته باشد و مرزها و مفصل‌بندی‌هایش روشن شده باشد. این اتفاق نیفتاده است ولی این مشکل را می‌شود حل کرد و ما با رفتارهایمان می‌توانیم دیگران را به سمت کار مناسب‌تر سوق دهیم.

در تغییر ساختار وزارتخانه دخالتی نداشته‌ام

ساختار سازمانی طراحی شده مورد رضایت هیچ‌کدام از معاونت‌ها نیست و از همه معاونت‌ها کم شده است. این تصمیم دولت نبوده بلکه بنا بر اجرای قانون چنین اتفاقی افتاده است. ممکن است که کاستن از معاونت‌ها خوب انجام نشده باشد. بنده مدعی خوب انجام شدنش نیستم زیرا دخالتی در انجامش نداشته‌ام.

زمانی که بنده به وزارتخانه آمدم گفتند که باید یک تغییر ساختار اتفاق بیافتد و من گفتم ترجیح من این است که در دوره مسئولیت من تغییر ساختار ایجاد نشود. بعد گفتند این تغییر ساختار به تأیید همه معاونت‌ها رسیده است و بنده به همین اعتبار آن را تأیید کردم اما بعد از معاونت‌های مختلف به بنده گفتند که ما در این تغییر ساختار دیده نشده‌ایم. بعد فهمیدیم که اطلاعات دقیق نبوده

است. در حال حاضر در این فرصت محدود نمی‌شود وارد این کار شد ولی دست شما در حوزه ستاد باز است. هر چقدر که فکر می‌کنید اقتضای کار است و برای پیشرفت کار لازم است، ساختار را توسعه دهید و من هم حمایت می‌کنم.

در زمینه QR Code کار خوبی انجام شده است

رمزیندهای سریع پاسخ (QR Code)، کار بسیار بزرگ و خوبی است و در شرایط فعلی کمک زیادی می‌کند، اینکه فرمودند از الگوی بومی استفاده می‌شود نیز خیلی خوب است. ما در الگوی بومی باید یک حرف بالای حرف دنیا بزنیم. یعنی باید تجربه دنیا را عمیقاً فهم کنیم و بعد آنچه که لازم است را به آن اضافه کنیم و اسمش را الگوی بومی بگذاریم. ما از نظر آرمان‌ها با بسیاری از کشورهای دنیا متفاوت هستیم. ما دنبال دانش‌آموز مطلوبی هستیم که در سند تحول بنیادین تعریف شده است. دنیا ممکن است دغدغه‌های ما را نداشته باشد و دنبال یک نوع تربیت خاص دیگر باشد. این یک وجه کار است و وجه دیگرش تکنیک کار است. دنیا برای اینکه دانش‌آموزش را سکولار بار بیاورد یک تکنیک دارد که شاید ما برای موحد بار آوردن دانش‌آموزان خودمان بتوانیم از آن تکنیک استفاده کنیم.

تمام معلمان در شبکه رشد حضور داشته باشند

ما یک میلیون معلم داریم و شبکه ملی رشد باید این معلمان را تغذیه کند. مطلوبش این است که هر یک میلیون معلم ما روی شبکه رشد باشند. این یک هدف‌گذاری مهم است که باید به سمتش برویم تا این کار انجام شود.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزش



سیاست‌های

کلی

جشنواره

بین‌المللی

فیلم رشد



رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی طی نشست‌هایی با دبیر و اعضا دبیرخانه جشنواره فیلم رشد سیاست‌ها و راهبردهای سازمان در روند برگزاری پنجاه و یکمین جشنواره فیلم رشد را بیان کرد. این نشست‌ها در تاریخ ۳ خرداد و ۹ شهریور ۱۴۰۰ برگزار شد.

هنجارهای نوین، قواعد نو و ابتکاری در جشنواره فیلم رشد ایجاد شود

ما در آستانه برگزاری پنجاه و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد قرار داریم. جشنواره فیلم رشد، رخداد مهم و تأثیرگذاری که می‌خواهد با گذر از پرچین پنجاه سالگی وارد پنجاه و یکمین دوره حیات خودش شود و قطعاً از چنین جشنواره‌ای انتظار بلوغ داریم. آدم‌ها در نوجوانی و سنین پایین ممکن است اشتباهاتی را مرتکب شوند که تا حدودی توجیه دارد و معمولاً گفته می‌شود این آدم نوجوان است، بی‌تجربه است، و به طور طبیعی اشتباهات و کم‌کاری‌هایی هم دارد و این اتفاقات را که حاصل کم‌تجربگی و جوانی است، این‌گونه توجیه می‌کنند. ولی اگر همین رفتارها را از یک انسان چهل، پنجاه ساله مشاهده کنند، دیگر چنین رفتارهایی را قابل توجیه نمی‌دانند، یعنی از فردی با سن و سالی در این حدود انتظار می‌رود دیگر اشتباه نکند یا خیلی کم اشتباه کند. خب این قاعده‌ای است که درباره آدم‌ها وجود دارد و چون در مثل مناقشه نیست، همین قاعده می‌تواند درباره رویدادها هم صادق باشد، چون رویدادهای مختلف را هم آدم‌ها مدیریت می‌کنند. پس انتظار می‌رود که آدم‌ها از تجارب پیشین و دستاوردهای گذشته درس بگیرند و اگر اشتباهاتی، خلأهایی و یا اشکالاتی در گذشته وجود داشته است، آن‌ها را مرور و در تجدید آن رویداد، اشکالات احتمالی را اصلاح کنند. این انتظار به نوعی خواسته عقل و مطالبه‌ای عقلانی است.

حتماً انتظار می‌رود که یک جشنواره پنجاه ساله با جشنواره‌ای پنج ساله در اموری مانند: محتوا، روش، مدیریت جشنواره، نحوه بهره‌برداری از فیلم‌های واصله و سایر امور متفاوت و متمایز باشد. با توجه به این مقدمه کوتاه و مواردی که بدان اشاره شد، ما اگر بخواهیم ان‌شاءالله امسال یک جشنواره متمایز و یک قدم جلوتر از جشنواره‌های قبلی برگزار کنیم، که حتماً قصدمان این است، باید کار را با سیاستگذاری‌های متمایز و موثرتری پیش ببریم. معنی این حرف این است که شورای سیاستگذاری این جشنواره است که می‌تواند با تعیین هنجارهای نوین، تعیین قواعد نو، ابتکاری، ابداعی و اقدامات شایسته دیگر یک رنسانسی در عمر و دوره جدید حیات جشنواره فیلم رشد ایجاد کند. معنای لغوی رنسانس همان نوزایی است و ما هم باید از خودمان بپرسیم که آیا می‌توانیم در این جشنواره به نوزایی و زایش‌های جدید بیندیشیم؟ و آیا اساساً این حق را داریم؟ به نظرم می‌آید نه تنها چنین حقی وجود دارد که به چند دلیل که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌کنم، این چنین کاری برای ما یک تکلیف است تا با اقداماتی برنامه‌ریزی شده و شایسته، جشنواره فیلم رشد را با یک نگاه نو و حیات دیگر آغاز کنیم.

فصل اول

انتظاراتی از جنس دوران بلوغ

۱-۱) عمر و قدمت جشنواره شاخصی برای عقلانیت و پختگی بیشتر

یکی از این دلایل، همان عمر و قدمت جشنواره است که به طور طبیعی از جشنواره‌ای با سابقه پنجاه دوره برگزاری و حضور مؤثر در صحنه بین‌المللی و داخلی، انتظار عقلانیت و پختگی داریم. انتظار داریم که این جشنواره در راستای اهداف تعلیم و تربیتی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با اهداف و برنامه‌های نوین و پیش‌روی ما پیوند بخورد و قطعاً انتظار این است که این جشنواره نباید موازی با اهداف و برنامه‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی باشد. متأسفانه باید اذعان کنیم که این اتفاق به نوعی رخ داده است و در حال حاضر جشنواره فیلم رشد، آن گونه که شایسته است در ساختار این سازمان جای تعریف شده‌ای ندارد. تصور این است که این جشنواره به نوعی به وادی رقابت با جشنواره فیلم فجر و امثالهم غلتیده است، در حالی که این گونه جشنواره‌ها اساساً رقیب ما نیستند.

۱-۲) جشنواره فیلم رشد باید در زمینه فیلم‌های آموزشی مرجعیت داشته باشد

باید به خودمان نهیب بزنیم و یادآوری کنیم که رقیب ما نظام تعلیم و تربیت را کد و عقب‌مانده‌ای است که بدان مبتلا هستیم. به همین جهت هم ما باید همت خودمان را در این جهت و در مسیر کار اصلی جشنواره بگذاریم و خودمان را از دیگر جشنواره‌ها متمایز کنیم، تا ان‌شاءالله نتایج متفاوت و متمایزتری به دست آوریم. ضمن این که باید توجه داشته باشیم محور کار ما هر فیلمی نیست و تنها فیلم آموزشی برایمان موضوعیت دارد. به همین دلیل هم باید دقت کنیم که وقتی فیلم آموزشی محور کار ماست، جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد باید در زمینه

فیلم‌های آموزشی مرجعیت داشته باشد. معنای این حرف این است که هر جای دیگری هم اگر بخواهند فیلم آموزشی تولید کنند، باید به جشنواره فیلم رشد در آموزش و پرورش، به عنوان یک مرجع علمی و هنری بنگرند، به عنوان یک مرجع علمی نگاه کنند، نه اینکه این جشنواره بخواهد تابع امور و جشنواره‌های دیگر باشد.

۳-۱) از سنت‌های نهادینه جشنواره تخطی نکنیم!

اندکی تأمل در این مسایل و این که این جشنواره پنجاه دوره را پشت سر گذاشته است، این هشدار و هوشیاری را به ما می‌دهد که باید عاقلانه‌تر عمل کرد. باید پنجاه و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد موقعیت تثبیت شده‌ای به لحاظ زمانی داشته باشد و به همین دلیل خواهش می‌کنم از این سنت زمان برگزاری جشنواره که یک بار از آن تخطی کردیم، امسال و هیچ سال دیگری تخطی نکنیم. سالیان سال است که این جشنواره بین‌المللی در آذرماه برگزار می‌شود و ما هم موظف هستیم همین سنت را حفظ کنیم زیرا مخاطبان جشنواره و مردم ما در آن زمان خاص منتظر برگزاری این جشنواره هستند. چون می‌دانید که براساس دستاوردهای علمی و برخی تحقیقات و پژوهش‌ها، نگرش آدم‌ها متصل به زمان و مکان است. به همین خاطر وقتی که شما زمان نهادینه شده این جشنواره را تغییر می‌دهید به نوعی نگرش آن‌ها و طرز تلقی ملی را از یک رخداد علمی، آموزشی و تربیتی تغییر داده و این ذهنیت تثبیت شده برای جشنواره فیلم رشد را از دست می‌دهید، پس لطفاً این کار را نکنید و قرار بر این باشد که این رخداد مهم را در همین آذرماه برگزار کنیم.

۴-۱) ضرورت توجه به رخدادهای اجتماعی نوپدید

ضمناً یک سری عوامل و موارد دیگری نیز وجود دارد که به ما می‌گویند، که حرف‌هایی شنیدنی و قابل تأمل است و باید درباره آن‌ها از نو بیندیشیم، قدری بیشتر فکر کنیم و از این فرصت مشارکت اندیشه‌ها به خوبی استفاده کنیم. خوشبختانه در حال حاضر در شورای سیاستگذاری جشنواره، افراد اندیشمند و کارشناسی حضور دارند که اگر همین دوستان بیشتر اندیشه و تفکر کنند و ایده بدهند، می‌توانیم از محصول این ایده‌ها به یک فضای نوین و تازه‌تری برسیم.

ضمن این که یک سری ضرورت‌های اجتماعی نوپدید وجود دارد که مختص عصر و زمانه ما هستند و شاید بتوان گفت اکثر آن‌ها در پنجاه سال پیش وجود نداشته است. یک سری اموری وجود دارد

که نیازمند نوعی اندیشه، نازک اندیشی و دقت بیشتر ماست. به عنوان مثال شما می‌توانید مسأله "مقاومت" را به عنوان یک سوژه به سر سفره این جشنواره بیاورید. این بحث مقاومت و بیداری در ملت‌های مسلمان در خاورمیانه که در پرتو انقلاب اسلامی ایران پدید آمده، از آنچنان عمق و غنایی برخوردار است که خودش می‌تواند مرجع و منشأ کارهای بزرگی در قالب هنرمندانه فیلم و رسانه‌های دیداری باشد. اینجا و در این جشنواره هم که موضوع آن فیلم آموزشی است، باید بررسی کرد و دید که در زمینه تولید فیلم‌های آموزشی مبتنی بر مقاومت و بیداری چه کارهایی می‌توان انجام داد. شما همین یک نمونه را در ذهنتان برجسته و حلاجی کنید و حتماً با کمی اندیشه و تأمل متوجه خواهیم شد که از این نمونه‌ها زیاد است و حالا پرسش این است که با چنین بسترهای نو و جدیدی آیا ما می‌توانیم به عنوان یک جشنواره پیر در صحنه حضور داشته باشیم؟

۵-۱) جشنواره را یک جوان پا به سن گذاشته ببینیم

اعتقاد من این است که ما می‌توانیم و باید جشنواره جوان داشته باشیم، جشنواره‌ای که گرچه پنج‌ساله از عمرش می‌گذرد ولی می‌توانیم با دمیدن روحی تازه به این جشنواره آن چنان جوهره طراوت و جوانی به آن بدمیم که در پناه آفرینش و شگفتی‌های حاصل از نوزایی آن، جشنواره فیلم رشد را به عنوان مرجعی علمی و هنری و آموزشی در جایگاه واقعی آن تثبیت کنیم. پس اگر بخواهم خلاصه و در یک کلام انتظاراتی را که از این جشنواره دارم، بیان کنم این است که جشنواره پیش‌روی ما باید با یک فضای دیگر، با یک روش دیگر، با یک شیوه نوین و با توجه به ضرورت‌های اجتماعی، علمی و فرهنگی موجود در کشور خودمان و با نگاه متعالی و رو به توسعه و پیشرفت طراحی و اجرا شود. بر این اساس سیاست‌ها باید چه چیزی باشند؟ سیاست‌ها در بخش قبلی صحبت بنده معلوم شدند. صحبت‌های ارزشمند دوستان را هم در جلسه شنیدیم و خوب است که ضمن یک جمع‌بندی، بنده توصیه‌های سیاستی مورد نظر را بیان کنم و بعد اگر مورد تأیید جمع بود، همین‌ها را محور کار قرار بدهیم و بر این اساس کارهای جشنواره فیلم رشد را پیش ببریم. ضمن اینکه از همراهی شما و اظهار نظرهای خیلی خوبی که در این جلسه مطرح شد، تشکر می‌کنم. از نگاه بنده توصیه‌های سیاستی که باید به آن توجه شود به شرح نکات زیر است:

۶-۱) حضور کارشناسان خارج از سازمان در شورای سیاستگذاری

نکته اول این است که شاید بهتر باشد در شورای سیاستگذاری جشنواره یکی دو نفر هم از نیروهای مرتبط کارشناس و صاحب نظر، خارج از سازمان حضور داشته باشند. این موضوع را هم باید تدبیر و دنبال کنیم. به نظرم خوب است دو نفر از استادان و اهل نظر به ما در این زمینه کمک کنند که باید ابلاغ رسمی عضویت در شورای سیاستگذاری برایشان صادر شود.

۷-۱) تعقیب اهداف دو بعدی تولید فیلم آموزشی و فراهم کردن شرایط حضور معلمان هنرمند

نکته دوم این است که اهداف این جشنواره، اهدافی دو بعدی است. یک بُعد آن موضوع تولید فیلم‌های آموزشی است یعنی می‌خواهیم از قِبَل و رهگذر این جشنواره به مجموعه‌ای از فیلم‌های آموزشی به عنوان ابزاری به مثابه رسانه برسیم. حالا این که این تولیدات از سوی چه کسی و چگونه باشد در موارد بعدی عرایض من قدری خودش را نشان خواهد داد. پس بُعد تولیدی این جشنواره یعنی آثاری که بیاید، گزینش شود و پروسه داوری را طی کند و یک بعد اهداف است. اما هدف دیگر ما هدف فرایندی است. هدف فرایندی به این معناست که ما از طریق این جشنواره باید شرایطی را برای نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها که در واقع آن بُعد تربیتی اهداف ماست فراهم کنیم. همین که ما زمینه‌ای فراهم کنیم تا معلمان هنرمند هم در جشنواره حضور پیدا کنند، در راستای همین هدف است.

فراموش نکنیم که موضوع معلمان هنرمند هم ضلعی از این جشنواره است می‌توان آن را در کمیته برنامه‌ریزی مطرح و قدری این موضوع را به هم نزدیک کرد، ولی این وجه دوم اهداف به همین قضایا مربوط می‌شود و ما باید شرایطی را فراهم کنیم تا معلمان هنرمند هم بتوانند قابلیت‌هایشان را از قوه به فعل در بیاورند.

در مورد اهداف جشنواره باید بگویم هدف این است که می‌خواهیم از یک سو به یک سری فیلم‌های خوب آموزشی برسیم و از سوی دیگر هم زمینه و شرایطی را فراهم کنیم که افراد نوآور و خلاق پای به میدان تولید فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی بگذارند. که این اهداف قاعدتاً در این جشنواره باید با ساختار و فعالیت‌های تعریف شده‌ای که در این جمع به دنبال آن هستیم محقق شود.

۸-۱) موتور محرکه شورای سیاستگذاری، آورده‌های کمیته برنامه‌ریزی

نکته مهم دیگر این است اگر کمیته برنامه‌ریزی فعال نباشد ما در این شورا کاری از پیش نخواهیم برد، زیرا شورای سیاستگذاری باید در مورد آورده‌های کمیته برنامه‌ریزی گفت‌وگو کنند و ضمن تعیین سیاست‌ها، آن را پخته و آماده کنند و به همین دلیل تأکید دارم که آن کمیته حتماً تشکیل و فعال شود.



فصل دوم

توصیه‌های سیاستی

درخصوص توصیه‌های سیاستی هم مواردی که باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرد به شرح زیر است:

۲-۱) محوریت فیلم آموزشی

ما از یک سیاست لازم‌الاجرا حتماً عدول نمی‌کنیم و آن سیاست محوریت فیلم آموزشی و نه هر فیلمی است. همان‌گونه که عرض کردم ما اصلاً مایل به رقابت با جشنواره‌های فیلم بماهو فیلم که در کشور وجود دارد؛ نیستیم و هیچ رقابتی و کاری با آن‌ها نداریم. جنس کار ما فیلم آموزشی است. ظاهراً هم به نظر می‌رسد در این حوزه ماهیتی (فیلم آموزشی) در کشور تنها و منحصر به فرد هستیم. پس خیلی باید از جهت مدیریتی، تدبیر کنیم و موضوع کار جشنواره طوری پیش برود که این «اسوه بودن» خودش را حفظ کند.

۲-۲) توجه به ابعاد تخصصی جشنواره

انتظار داریم به ابعاد تخصصی جشنواره کاملاً توجه شود. برگزاری این جشنواره از بُعد هنری با تأکید بر فیلم آموزشی یک تخصص است، پس دقت کنیم که کار را به غیرمتخصصان نسپاریم. متخصصانی که شاید تعدادشان زیاد نباشد اما معتقد هستیم هر تعدادی که هستند در موضوع فیلم آموزشی هنرمند و صاحب‌نظر هستند. ممکن است از بعضی از هنرمندانی که به‌طور خاص به فیلم آموزشی نمی‌پردازند ولی کارهایشان در سیاق فیلم آموزشی است مانند آقای مجید مجیدی هم استفاده کنیم. اگر شما فیلم «خورشید» ایشان را نگاه کنید خواهید دید که انصافاً ابعاد آموزشی زیادی دارد. ما باید یک چنین کارگردان‌ها را شناسایی، ترغیب و تقاضا کنیم مشاور باشند و در امور جشنواره مشورت بدهند. بُعد تخصصی برای ما خیلی مهم است و چون من و شما متخصص این کار نیستیم، باید از وجود این متخصصان استفاده کنیم. یا این که یک روز خانم نرگس آبیاری از

خواهران کارگردان بسیار موفق که فیلم شیار ۱۴۳ ایشان شاخص است به سازمان آمده بودند که فرصت مغتنمی بود. خاوه‌ری که دوره‌ای (در دهه‌های ۷۰ و ۸۰) کارشناس بخش بررسی آثار مخاطبان مجلات رشد در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی همین سازمان بودند. خب ما باید از این آدم‌های متخصص و صاحب‌نظر به عنوان مشاور استفاده کنیم. البته باید مراقب باشیم که برای این گونه امور مشاوره‌ای از هنرمندان بی‌مسأله، دلسوز و قابل و شایسته دعوت کنیم تا ضمن دوری از حاشیه‌ها، ابعاد تخصصی کار جشنواره نیز تقویت شود.

۲-۳ استفاده از توان و ظرفیت‌های برون سازمانی

برای پیشبرد بهینه و مؤثر امور حتماً توان و ظرفیت‌های بیرون از سازمان را شناسایی کنیم و از آن‌ها در زمینه محتوایی و در زمینه‌های مالی کمک بگیریم. گذشته این جشنواره هم نشان می‌دهد که درخصوص ایجاد ارتباط و استفاده از کمک‌های حامیان فرهنگی، علمی و آموزشی موفق بوده است و باید از این تجارب خوب استفاده شود.

ضمناً ما نباید فقط از بودجه سازمان هزینه کنیم، باید اسپانسرهایی را شناسایی و از حمایت‌های مالی و معنوی آنان هم استفاده کنیم.

۲-۴ مبنای جشنواره «مسیرتحوالی برنامه‌های درسی و تولید بسته‌های تربیتی و یادگیری»

باید در ساماندهی این جشنواره «مسیرتحوالی برنامه‌های درسی و تولید بسته‌های تربیتی و یادگیری» را مبنا قرار دهیم. از آن جایی که در مسیر اصلی خود به سوی تولید بسته‌های آموزشی حرکت می‌کنیم، در این ارتباط باید از خودمان سؤال کنیم که بسته‌های تربیتی و یادگیری از بُعد رسانه‌های فیلم آموزشی چه نیازی دارند؟ ما چگونه می‌توانیم آن نیازها را از طریق این جشنواره تولید و آماده بهره‌برداری کنیم. به این موضوع هم بیندیشیم که چطور بین این جشنواره و جشنواره محتوای الکترونیکی یک نسبت برقرار کردیم. الحمدلله با استفاده از ظرفیت و زمینه فنی رمزینه‌های سریع پاسخ، قدم‌های خیلی خوبی برداشته شد که خیلی هم مؤثر و مفید است. اینجا هم همین سؤال را بپرسیم که ما این جشنواره را چگونه مدیریت کنیم که حاصل آن، تولیدات و محتوای بسته‌های تربیتی و یادگیری را کمک و تقویت کنند.

۲-۵) طراحی ساختار فعالیت‌های جشنواره با توجه به عرصه‌های اصلی فعالیت سازمان

لازم است که ساختار فعالیت‌های جشنواره را با توجه به عرصه‌های اصلی فعالیت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تنظیم کنیم. مثلاً ما در سازمان دو بخش کلی داریم: بخش فنی حرفه‌ای، کار و دانش و بخش نظری. باید از خودمان بپرسیم در حالی که این دو بخش جایگاهشان مشخص است، آیا نباید جایگاهشان و سهمشان در جشنواره معلوم شود؟ به عبارت دیگر آیا نباید بخشی از تولیدات این جشنواره معطوف به فیلم‌های آموزشی در حوزه فنی حرفه‌ای و کار و دانش باشد؟ آیا شایسته است که همه فیلم‌ها فقط مرتبط با شاخه نظری باشد؟ در حالی که ما در امور فنی حرفه‌ای و کار و دانش هم به رسانه‌های مناسب و امثالهم نیاز داریم که می‌توانیم از این زاویه نیز نگاهی نو و خلاق و معطوف به هدف به جشنواره و فعالیت‌هایش داشته باشیم.

۲-۶) بها دادن بیشتر به نوآوری و خلاقیت

حتماً لازم است که به نوآوری و خلاقیت بهای بیشتری بدهیم. ما باید در کمیته برنامه‌ریزی روی این امور فکر کنیم و از خودمان بپرسیم اگر بخواهیم به نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها بهای بیشتر داده بشود این جشنواره چگونه باید برگزار بشود؟ چه فضایی باید ایجاد شود که افراد نوآور احساس کنند اینجا می‌توانند کارشان را عرضه کنند و ارائه بدهند. موضوعی که گاه توجه به افراد را فراموش می‌کنیم. مثلاً در این جشنواره‌ای که امسال برگزار شد، چند دانش‌آموز و دانشجو آمده بودند که بعضی از آن‌ها واقعاً نوآور بودند و انتظار می‌رود که فضای توجه به این افراد و ایجاد زمینه برای بهره‌مندی از افراد چه دانش‌آموز و معلم و چه کارشناس و هنرمند به خوبی فراهم شود.

۲-۷) استفاده از تجارب بین‌المللی

ما باید حتماً از تجارب جهانی، هم در طراحی‌های سالانه و هم برگزاری جشنواره استفاده کنیم. من نمی‌دانم این تجارب جهانی که الان عرض می‌کنم مصداقش چه چیزهایی می‌توانند باشند. باید تحقیق و بررسی شود که آیا در دنیا جشنواره‌ای مانند جشنواره فیلم رشد وجود ندارد؟ من خیلی بعید می‌دانم جشنواره‌ای در این حد و قواره که فقط به فیلم‌های آموزشی بپردازد، وجود داشته باشد. اینکه اصرار دارم از این تجارب استفاده شود، دلیلش این است که اگر در این دوره و زمانه کسی

از تجارب جهانی استفاده نکند، باید در عقل او شک کرد. البته در این تجارب ما الگوهای عمل خودمان را از آن‌ها نمی‌گیریم، این الگوها، مدل‌هایی است که متعلق به خودمان است ولی باید از تجربه آن‌ها استفاده کنیم. پس دوستان در این زمینه هم فکر کنند و در مورد کشورهایی که چنین جشنواره‌هایی در آن اجرا می‌شود، شناسایی و ترتیبی داده شود تا بتوانیم از تجارب مفیدشان استفاده و بهره‌برداری کنیم.

۸-۲) شناسایی و ترغیب معلمان هنرمند

در مورد معلمان هنرمند نیز مطالبی مطرح شد که باید تأکید کنیم این‌ها باید ضمن شناسایی، ترغیب شوند و مورد توجه قرار گیرند که این امر یکی از سیاست‌های این جشنواره است. همچنین در مورد این عزیزان هنرمند باید مشابه این کاری که معاونت محترم پرورشی دارند انجام می‌دهند، صورت گیرد و تجارب مربوطه در این جشنواره نیز مورد استفاده قرار گیرد. گمان من در مورد سر اینکه چرا معاونت پرورشی همیشه یار و مددکار این جشنواره بوده، این است که چون جنس آن معاونت محترم جنس تربیتی است و با کار جشنواره فیلم رشد ارتباط دارد، این ارتباط همیشه وجود داشته است که ما هم باید این کار و ارتباط صمیمی و مؤثر را تقویت کنیم.

۹-۲) طراحی یک برنامه تبلیغی جامع

سیاست دیگر اینکه باید برای چنین جشنواره مهم و فراگیری یک برنامه تبلیغی جامع طراحی کنیم. باید بپذیریم که در این زمینه ما ضعیف بوده‌ایم و برای سال جاری برنامه تبلیغی جامعی را در همان کمیته برنامه‌ریزی طراحی و برای اجرای مؤثر آن فکر بشود. باید همواره یادمان باشد که حتی اگر یک کار عالی و خوب به درستی تبلیغ و شناخته نشود مظلوم واقع می‌شود و غریب خواهد ماند. ما همواره شاهد هستیم که گاهی وقت‌ها کار ضعیفی را با تبلیغ وسیع چگونه در ذائقه مردم خوشایند معرفی می‌کنند، حالا ما که خلاف نمی‌کنیم و اتفاقاً برای هدفی والا گام برمی‌داریم، چرا نباید کار درست و اصولی خودمان را تبلیغ کنیم؟ ضمناً باید حواسمان باشد که برنامه تبلیغی موفق نیازمند یک طرح و برنامه حساب شده، جامع و هدفمند است و توجه داشته باشیم که مراد بنده از برنامه تبلیغی صرفاً تیزرهای تلویزیونی نیست، و باید از طرق و شیوه‌های متنوع و متفاوت و دیگر وسایلی که بتوانند پیام ما را به مخاطب برسانند، استفاده کنیم. شما حتماً می‌دانید که ابلاغ به چه معناست، در همین ارتباط تبلیغ یعنی پیام را کامل به مخاطب

رساندن و مبلغ حقیقی کسی که پیام را به طور کامل به مخاطب می‌رساند، حالا اینکه مخاطب اساساً چنین پیامی را قبول کند یا نکند مطلب دیگری است، پس حتماً فراموش نخواهیم کرد که پیام جشنواره باید به مخاطب آن برسد، این جشنواره نباید غریبانه برگزار شود و باید به گونه‌ای عمل کنیم که مخاطب همراه ما متوجه شود که جشنواره فیلم رشد خیلی رویداد مهمی است که می‌خواهد برای آشنایی او با بهترین و تازه‌ترین فیلم‌های آموزشی آن هم در سطح بین‌المللی اتفاق بیفتد.

۱۰-۲) توجه به ابعاد تربیتی و هنری جشنواره

حتماً باید به ابعاد تربیتی و هنری جشنواره خیلی توجه بشود. این جشنواره آثار تربیتی و آثار هنری در بطن خود دارد که این بُعد تربیتی و هنری برای ما خیلی مهم است یعنی در این جشنواره ما بیش از آن که بخواهیم به دانش برسیم، می‌خواهیم به فضاهای تربیتی نوین دست پیدا کنیم.

۱۱-۲) استفاده از نظرات و نگاه هنرمندان صاحب نظر و دلسوز کشور

سیاست دیگر این است که نظرات و نگاه هنرمندان سالم و دلسوز کشور را برای حمایت و کمک به این جشنواره جلب کنیم. بنده فقط از آقای مجید مجیدی و خانم نرگس آبیاری اسم بردم، اما خوشبختانه مانند ایشان تعداد زیادی از هنرمندان در کشور ما هستند که باید این‌ها را شناسایی کنید تا ان شاء الله در قالب یک تیم مشورتی در این جشنواره حضور داشته باشند. مثلاً ده نفر دیگر مثل مجید مجیدی را [که انصافاً یکی از کارگردان‌های بسیار مبرز و تأثیرگذار کشورمان هست] را شناسایی کنیم، و ملاک انتخاب افراد هم به خاطر کار هنری و کاری اثرگذار که انجام داده‌اند، باشد. این‌ها را شناسایی کنید و جلسه‌ای بگذارید تا بنده هم حضور پیدا کنم و در خدمت دوستان عزیز با هم یک نشست بگذاریم تا نظرشان را برای همکاری در جشنواره جلب کنیم. کاری کنیم که اصطلاحاً با این هنرمندان شایسته و صاحب نظر دم‌خور باشیم، به گونه‌ای که ده نفر به عنوان تیم مشورتی جشنواره، به ما مشورت بدهند و چنین کاری می‌تواند خیلی اثرگذار باشد.

۱۲-۲) جوایز و مشوق‌هایی در حد نام بزرگ جمهوری اسلامی ایران

در مورد جوایز و مشوق‌ها، وقتی قرار است که از بیرون از کشور و از کشورهای دیگر افرادی بیایند و اثر آن‌ها برگزیده شود، اگر می‌خواهیم به آن‌ها جایزه‌ای بدهیم، آن جایزه باید شایسته نام بزرگ کشور ایران باشد. حالا اینکه چگونه و چقدر باشد من متخصص آن نیستم و در مورد این که توازن چگونه باید برقرار بشود، می‌شود به آن فکر و به گونه‌ای تدبیر کرد که آنچه به‌عنوان جایزه و یا امر تشویقی اهدا می‌شود، برانگیزاننده و مؤثر باشد.

۱۳-۲) طراحی برنامه عملیاتی و زمانبندی دقیق

ما باید برای همه کارهایمان و از جمله جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد برنامه عملیاتی و با زمانبندی دقیق داشته باشیم که اگر نداشته باشیم شکست می‌خوریم. البته این که تأکید کردم دبیر جشنواره در هر دوره باید زودتر مشخص شود و ابلاغ بگیرند، برای این است که همه این‌ها برمی‌گردد به اینکه با تعیین دبیر، قطار جشنواره هم سریع‌تر با برنامه‌ای دقیق به حرکت درآید.



فصل سوم

آسیب‌های جشنواره فیلم رشد

من در ادامه صحبت‌هایم به چند آسیب احتمالی اشاره می‌کنم تا یک زمینه‌ای باشد و دوستان نیز نظر بدهند تا به یک جمع‌بندی محتوایی و سیاستی دست پیدا کنیم. من با خودم فکر می‌کردم اگر از بنده پرسند صرف نظر از این جلسه - کلی عرض می‌کنم - چه آسیب‌هایی این جشنواره را تهدید می‌کند، بنده به عنوان مسئول سازمان پاسخ می‌دهم چه باید باشد؟ یعنی به عنوان مسئول سازمان که پاسخگوی این مسائل هستم اگر از بنده پرسند چه آسیب‌هایی محتملاً این جشنواره را تهدید می‌کند چه پاسخی خواهیم داشت؟

خب من این موارد به ذهنم رسیده است و عرض می‌کنم در سیاست‌گذاری‌ها و بحث‌هایی که مطرح می‌کنم باید قدری آفت‌زدایی هم بشود و مانع آسیب‌های احتمالی گردد. در مجموع ما باید در این خصوص خیلی طبیعی و تعالی‌بخش حرکت کنیم تا بتوانیم آن اهداف متعالی را که برای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و به تبع آن برای جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد، در نظر گرفته شده است، به خوبی تحقق بخشیم. در ادامه به برخی آسیب‌ها که ممکن است در کار جشنواره دامنگیر ما شود اشاره می‌کنم.

۳-۱) غلبه قالب و شکل بر محتوا

یکی از آسیب‌هایی که از گذشته‌ها وجود داشته و بنده هم آن را در مجموعه تجربیاتم دارم موضوع غلبه قالب و شکل بر محتوا در برگزاری این رویداد هست. توجه داریم که هر رویدادی و هر کاری یک قالبی و یک محتوایی دارد. و نکته‌ای که باید بدان توجه شود این است که این جشنواره در سازمان به یک عادت تبدیل شده است و همین که ما می‌گوییم پنجاه سال، که این پنجاه سال یک حُسن است و نشان می‌دهد قضیه ریشه‌دار است، اما در بطن خود یک خطر احتمالی هم برای ما دارد و آن این است که این پنجاه سال تبدیل به عادت سازمانی شود و بخواهیم بنشینیم و

بگوییم حالا پنجاه سال این جشنواره را برگزار کرده‌ایم و بنا به همان رویه این پنجاه و یکمی را هم برگزار می‌کنیم. گویی که توجه داریم این کار باید انجام بگیرد، اما این که چگونه انجام بگیرد و با چه محتوایی باشد خیلی مورد توجه نباشد.

از سویی دیگر شما استحضار دارید که در کار تربیتی و فرهنگی اصطلاحاً ما یک صورت و یک سیرت داریم. صورت کار همین بخش‌نامه‌ها، ارتباطات، دریافت فیلم، مقررات، ضوابط و غیره است که داریم دنبال می‌کنیم، اما محتوا یعنی این که جشنواره فیلم رشد عضوی از پیکره سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است، نه چیز دیگر. خب اگر این جشنواره عضوی از این پیکر است [که هست] باید با کل این پیکره واحد و هم سو کار کند، نه جدای از این، و نباید غلبه قالب بر محتوا اتفاق بیفتد که از محتوا چیزی به آن معنای واقعی آن دریافت نکنیم.

۲-۳) بها دادن فیلم بماهو فیلم

دومین آسیب می‌تواند این باشد که ما به فیلم بما هو فیلم بها بدهیم و به موضوع تربیت بها ندهیم. یعنی وقتی که از جشنواره بین‌المللی فیلم رشد صحبت می‌کنیم، تنها خود فیلم برای ما اصالت داشته باشد و اجزای محتوایی و ماهیت کار را فراموش کنیم. این درحالی است که ما برای تربیت کار می‌کنیم و هر کاری می‌خواهیم انجام بدهیم باید یک علامت سؤال بگذاریم و از خودمان بپرسیم که این کار تا چه حد بناست در تعلیم و تربیت و در رشد کودک و نوجوان و جوان ما اثر بگذارد؟ و این حرف معنایش این است که ما باید با پرهیز از فیلم محوری و یا محور قراردادن هر چیز دیگری تربیت محور حرکت کنیم. هر چند که ما در این جشنواره به دنبال فیلم هستیم، اما فیلم باید برای تربیت و در این زمینه ساخته شده باشد. باید یادمان باشد که همیشه یک نگرانی وجود داشته و حالا هم هست که جشنواره فیلم رشد بخواهد گردونه رقابت با جشنواره فیلم فجر و امثال این‌ها بیفتد که این امر یک خطر جدی برای جشنواره است. نباید فراموش کنیم که موضوع دیگر جشنواره‌ها چیز دیگری است که اصلاً ما کاری با آن‌ها نداریم، ما اهداف تعلیم و تربیتی خودمان را در نظر داریم و باید همان‌ها را دنبال کنیم.

۳-۳) غفلت از ظرفیت‌های بومی

سومین آسیب، غفلت از ظرفیت‌های بومی است. که البته توجه دادند و اشاره هم کردند و بنده هم تأکید می‌کنم که کار ما یک وجه‌اش بین‌المللی است و آن را نباید ضعیف کنیم، اما اصلاً

مایل نیستیم که وجه بومی و محلی جشنواره ضعیف و کم‌رنگ شود. ما خیلی هم خوشحالیم که فراخوان جشنواره امسال به زبان‌های دیگر هم ترجمه شده است [کاری که ظاهراً سال‌های قبل چنین اقدامی را نداشتیم] و این خیلی خوب است و باید هم ارتباطات خوبی با جهان برقرار شود. البته باز هم عرض می‌کنم ما باید جداً مراقب باشیم تا خدای نکرده با این دفتر و دستک‌های صهیونیستی و استکباری و غیره قاطی نشویم و در این خصوص باید یک هویت‌شناسی قوی داشته باشیم تا با غفلتی که ممکن است صورت گیرد در یک موقعیتی ناخواسته به چیزی که انحراف در مسیر است برنخوریم. پس گرچه اصل مسأله این است که ما باید فیلم‌های مناسب تولیدکنندگان فیلم خارجی دریافت کنیم، اما فراموش نکنیم ما ظرفیت‌های بومی فراوانی در کشور خودمان داریم. اصلاً این بحث معلمان هنرمند را بنده پیشنهاد دادم، عرض کردم که شما بیایید و از این طریق معلمان هنرمند را شناسایی کنید. یعنی قبل از برگزاری جشنواره مثلاً هفت هشت ماه مانده به جشنواره آن، آدم شناسایی شود، با او ارتباط برقرار کنید در این تعاملات فیلم او پخته، آماده و ساخته و در این جشنواره عرضه شود که این می‌شود همان بُعد تربیتی و همان ساختن انسان‌ها که ما به دنبال آن هستیم. به همین دلیل هم در جلسه قبل عرض کردم دبیرخانه جشنواره باید دائمی باشد تا این کارها را در طول سال انجام دهد و این ارتباطات را برقرار کند. لذا غفلت از ظرفیت‌های بومی می‌تواند یک آسیب دیگر باشد که باید به آن توجه کنیم.

سهل انگاری و سهل بینی (۳-۴)

سهل انگاری و سهل بینی آسیب دیگر است که می‌تواند به کار ما ضربه بزند. معنای این دو واژه هم این است که ما کاری به این عظمت را کوچک ببینیم. به نظرم آن تذکراتی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داده است تذکرات خوبی است و نکات خوبی را گفته‌اند که یک وجه آن جایزه و غیره است. پس ما باید کار جشنواره را یک کار بزرگ و با اهمیت ببینیم و با چنین نگاهی اصلاً سهل انگارانه و سبک برخورد نکنیم. نقطه مقابل سهل انگاری هم همت و جدیت و شفاف دیدن و ظریف دیدن و عمیق دیدن و این جور چیزهاست که باید این معنی را خوب توجه کنیم.

سهل انگاری و سهل بینی (۳-۵)

سهل انگاری و سهل بینی در این خصوص نداشتن برنامه است. ممکن است ما خیلی در انجام کاری جدی باشیم ولی برنامه نداشته باشیم. حتی ممکن است گام‌های اولیه را خیلی استوار برداریم ولی جهت گام‌های

بعدی ما معلوم نشود. دوستان و همکاران عزیز در هر سطحی باید عنایت داشته باشند و شما هم در خصوص امور این جشنواره باید دقت و عنایت داشته باشید که چقدر این قضیه مهم و حساس است. اساساً دوییدن خوب است به شرط اینکه جهت داشته باشد، فعالیت خوب است به شرط اینکه معلوم شود ما این گام‌ها را برای چه برمی‌داریم. و نکته مهمی که می‌خواهم بر آن تأکید کنم این است که تنها برنامه است که می‌تواند این مسیر و جهت را به وضوح و روشنی نشان دهد. پس برنامه‌محور حرکت کردن را در هر شرایطی در محور اولویت‌های خود قرار دهید. نداشتن برنامه یک آسیب است و شفاف نبودن سیاست‌ها موضوع مهم دیگری است که عرض کردم ما خودمان قدری در اینجا و در این قضیه ضعف داریم، بدین معنی که در واقع سیاست‌ها را هم‌قد این جشنواره مشخص نکرده‌ایم و ضرورت داشت که باید یک مقدار بیشتر در این زمینه بحث می‌کردیم.

۳-۶) عدم پیگیری و دنبال کردن کارها به شکل پیوسته و مطلوب

بدون شک آسیب بعدی کار ما عدم پیگیری و دنبال کردن کارها قدم به قدم تا زمانی است که جشنواره را برگزار کنیم. البته این پایان راه نیست و تازه بعد از جشنواره مأموریت دیگر ما شروع می‌شود و آن مأموریت این است که فیلم‌ها را بیاوریم و به داخل برنامه‌هایمان تزریق کنیم. دوستان شاهد هستند و من یک سال قبل هم این را عرض کردم که تنها برگزاری اختتامیه جشنواره مشکلی را حل نمی‌کند، جز اینکه دو سخنران این طرف و آن طرف بیاید و مسایلی مطرح شود. اصل کار مفید این است که ما باید فیلم‌ها را بیاوریم و بعد هم با دفاتر و با مدیران کل محترم جلسه بگذاریم و به آن‌ها گزارش داده شود که این فیلم‌ها و محتوای آن چیست و چه کاربردی می‌تواند داشته باشد. به طور طبیعی باید مشخص شود که این فیلم‌ها در این بسته‌هایی که می‌خواهد تولید شود و در این رمزینده‌ها و امثالهم جایگاهش کجاست؟ و مهم این است که واقعاً به داخل برنامه‌های ما تزریق شود.

به هر حال من فکر می‌کنم به هر حال باید مجموعه این آسیب‌ها را به درستی ببینیم و برای معالجه آسیب‌ها یا پیشگیری آن‌ها سیاست‌گذاری کنیم و برنامه داشته باشیم.

۷-۳) عدم مسئولیت پذیری افراد در نقشی که بر عهده دارند

و اما اگر بخواهم آخرین و مهم‌ترین آسیب جدی را بیان کنم، این است که هندسه نقش‌های افراد دقیق مشخص بشود که فردا کسی نخواهد مسئولیت خودش را گردن دیگران بیندازد و از همان آغاز مشخص و معلوم شود که هر کسی در این جشنواره چه-کاره هست؟ عدم پذیرش قلبی مسئولیت و دغدغه نداشتن برای خوب انجام دادن مسئولیت، از جمله آسیب‌های خطرناک و جدی است که می‌تواند همه پنبه‌های جشنواره را رشته کند و تار و پود نقش‌های آن را از هم بگسلاند.



فصل چهارم

اصول و سیاست‌های کلی حاکم بر جشنواره فیلم رشد

مواردی هم تحت عنوان سیاست‌های کلی حاکم بر برگزاری جشنواره فیلم رشد مطرح است که من این‌ها را یک‌به‌یک عرض می‌کنم تا مدون کنید و طبیعتاً یک ویرایشی کرده و نظمی به آن دهید.

۴-۱) تعیین جایگاه اصولی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی

اولین اصل که به درستی هم بدان اشاره شد این است که جایگاه جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد کجاست؟ این جشنواره چه کسی را می‌خواهد رشد بدهد؟ قاعدتاً و نهایتاً باید دانش‌آموز را رشد بدهد، اما باید مشخص شود که اگر بخواهد دانش‌آموز و معلم را رشد بدهد چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا رشددهنده باشد. به هر حال این یک اصل سیاستی است که باید جشنواره براساس آن طوری برگزار بشود که اسمی با مسمما داشته باشد و واقعاً دو قشر معلم و دانش‌آموز را که خیلی برای ما اهمیت دارند رشد و ارتقا دهد.

۴-۲) تداوم سیاست‌های معلم‌محوری در جشنواره

دومین اصل مورد نظر، تداوم سیاست‌های معلم‌محوری در جشنواره است. ما امسال هم اصرار داریم به اینکه معلمان هنرمند در این جشنواره دیده شوند. بیایند و آثارشان ارائه شود، حساس هستیم. باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که در این گفت‌وگوهای عملی حاشیه جشنواره حاضر شوند، حرف بزنند، کارشان را معرفی کنند و تجربیاتشان را بگویند. یعنی جشنواره پنجاه و یکم باید محلی برای عیان شدن و بیان وجوه مختلف هنرمندی معلمان در جمهوری اسلامی ایران باشد. حالا اینکه چند نفر شناسایی شوند و حضور پیدا کنند؟ به محدودیت‌ها و ظرفیت ما بستگی دارد، که تعدادش خیلی مهم نیست، اما این برنامه با این راهبرد باید حتماً مد نظر باشد.

۳-۴) هم سو بودن فیلم های منتخب با شاخص های برنامه درسی

سومین اصل مورد نظر این است که فیلم های منتخب باید با یکی از شاخص های برنامه درسی در حوزه ها و دروس مختلف همسو بوده و با آنها تناسب داشته باشد. برنامه درسی ملی یک بحث مهم و جدی است. پس آثار تولید شده هم باید با برنامه های درسی حوزه های تربیت و یادگیری همسو باشند.

۴-۴) اصالت داشتن رویکرد تربیتی جشنواره

چهارمین اصل این است که باید توجه داشته باشیم همان گونه که در عنوان جشنواره هم آمده است، رویکرد تربیتی جشنواره برای ما اصالت دارد. البته این امر معنایش این نیست که به فیلم توجه نکنیم، اتفاقاً باید به ماده اصلی کار که فیلم است توجه کنیم منتها پیکان توجه ما توجه تربیتی است. زیرا ما فیلم را که برای فیلم نمی خواهیم، فیلم را برای تربیت و برای آموزش و پرورش می خواهیم. حاصل این جشنواره باید به ضرورت های تربیتی ما پاسخ بدهد. و باید توجه داشته باشیم که مصداق ضرورت های تربیتی ما چیست؟ به عنوان یک مصداق درخصوص همین رمزینه هایی که اعلام کردیم باید حاصل این جشنواره قابلیت این را داشته باشد که حداقل بخشی از آن وارد این رمزینه های سریع پاسخ شود و بشود از آن استفاده کرد. خب این رمزینه ها که درب مهر شده نیست و ما در طول سال می توانیم واقعیت های افزوده یک عنوان درسی را تغییر دهیم و در طول سال، این محیط، حالت پویا داشته باشد.

۵-۴) ضرورت توجه به دیگر بخش های نهادینه شده جشنواره

ضمناً در این جشنواره آن بخش های مرسوم جشنواره ای که نهادینه شده است باید مورد توجه قرار بگیرد. چون این جشنواره بما هو جشنواره، دارای یک ساختاری است که آن ساختار هم باید اینجا مورد توجه قرار بگیرد. یعنی این که موضوع ما فقط فیلم نباشد، و به طور مثال همین گفت وگوهای حاشیه ای، گفت وگوهای تخصصی، میزگردهای علمی و از این قبیل می تواند این جشنواره را تا حدودی پویا کند. در مورد اینکه جشنواره حتماً باید در سینما فلسطین برگزار شود، عهدهی نبسته ایم! بنابراین از همین حالا، می توانید برای انتخاب سالن های دیگر از جمله سالن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان در خیابان حجاب که امکانات بیشتری دارد، تالار وحدت و یا مکان های دیگر هماهنگ

کنید. در مورد تقدیر از برگزیده‌ها چه از بُعد مادی چه از بعد معنوی بازنگری و در مورد طرق مختلف که می‌شود تقدیر کنیم، فکری شود.

۴-۶) ضرورت توجه به ابعاد فرهنگی و ارزشی فیلم‌های منتخب

نکته مهم دیگر این که ابعاد فرهنگی و ارزشی فیلم‌های منتخب یادمان نرود! اینجا جمهوری اسلامی ایران است، استرالیا نیست، کانادا نیست، کشورهای دیگر نیست. به همین جهت اینجا باید چیزی مطرح شود که شایسته این نظام ارزشی باشد. البته نمی‌خواهم بگویم دگماتیک و بسته عمل کنیم، اصلاً غرضم این نیست. ولی این‌طور هم نباشد که فردا یک فیلم در جامعه نمایش داده شود و یک حساسیت‌هایی ایجاد کند که بگویند این چه فیلمی است که پخش شد، چون شما مشاهده می‌کنید که چگونه در جامعه حساس، به چنین اموری حساس هستند و به‌طور طبیعی هم باید این مراقبت‌ها صورت گیرد. حتماً در گزینش‌ها و انتخاب‌ها به نیازهای مخاطب باید توجه شود. حتی ممکن است که لازم باشد در جایی یک مخاطب‌شناسی نیز به عمل آید.

۴-۷) آماده‌سازی و آموزش معلمان جهت بهره‌برداری از محصولات جشنواره

آماده‌سازی و آموزش معلمان جهت بهره‌برداری از محصولات جشنواره فراموش نشود. این که به معلمان می‌گوییم از این فیلم‌ها استفاده کنند، باید مشخص شود که چگونه می‌توانند از این آثار، استفاده کنند؟ معلوم شود که عملاً چه کاری باید بکنند؟ این موضوع هم نیازمند یک تغییر نگرش و آماده‌سازی از طریق آموزش است. چون اگر این کار را نکنیم انگار که ما یک حرفی زده‌ایم و لوازمش را فراهم نکرده‌ایم، پس این موضوع هم باید مورد توجه قرار بگیرد. ضمناً و حتماً ما باید از شبکه شاد به‌عنوان یک سامانه وسیع دانش‌آموزی بهره‌برداری کنیم. حتماً و حتماً این مد نظرمان باشد چون بالاخره شبکه شاد تنها اپلیکیشن، تنها سامانه و تنها مسیر و طریق ارتباط وزارتخانه با دانش‌آموزان و خانواده‌ها است. در این کار باید وارد شوید و مسیر را پیدا کنید. خوشبختانه دوستان از معاونت‌های محترم آموزشی در این جلسه هستند و از طریق آن‌ها باید هماهنگی و پیگیری کنیم و این هم یک کار مهمی است که باید در مورد آن بحث و تصمیم‌گیری شود.

۸-۴) بازنگری و بازتعریف ماموریت‌های جشنواره بر اساس مقتضیات حال

شاید هم لازم باشد ما مجدداً یک تعریفی از جشنواره فیلم رشد در شرایط امروز داشته باشیم. این که حدود و ثغور و جایگاه و نقش آن، امروز چگونه تعریف می‌شود؟ شما ملاحظه کنید پنجاه و یکمین سال، یعنی پنجاه سال گذشته و شایسته است که یک بار سؤال کنیم که آیا الآن هم (بعد از پنجاه دوره) ماهیت این جشنواره باید همین‌ی باشد که هست؟ این سؤال را به طور جدی بپرسیم و برای آن پاسخ ارائه دهیم.



فصل پنجم

نکات تکمیلی

در ادامه هم به چند نکته مهم دیگر که می‌تواند جنبه تکمیلی داشته باشد و باید مورد توجه قرار گیرد، اشاره می‌کنم.

۵-۱) نیم‌رخ‌ی که می‌تواند کامل‌تر شود!

این مواردی که گفته شد، فعلاً تا اینجا یک نیم‌رخ‌ی از سیاست‌های ما است، و باب صحبت و گفت و گو در این خصوص بسته نیست، چون فردا ممکن است نکته یا نکاتی به نظر اعضای شورای سیاست‌گذاری برسد که باید آن را اضافه کنیم. ان‌شاءالله ما باید در کمیته برنامه‌ریزی هم کارها را به یاری خدا پیش ببریم که امیدوارم بتوانیم به همان سنت تقویمی ریشه‌دار جشنواره را در موعد مقرر برگزار کنیم.

۵-۲) فراموش نکنیم: قدر و احترام امام زاده با متولی آن است!

همان‌طور که مستحضر هستید این جشنواره به عنوان یک رویداد بسیار بزرگ تربیتی - فرهنگی دارای ریشه و اصالت است و به دلیل همین هویت مستقل و مشخص انتظار می‌رود که به دلیل عمر پنجاه ساله آن، عمق و ظرفیت و تأثیرگذاری لازم را هم داشته باشد. حقیقتاً بنده انتظار داشته‌ام و نمی‌دانم این انتظار چه مقدار منطقی است که ما برای یک چنین رویداد مهمی در بحث سیاست‌گذاری و جهت‌دهی محتوایی جشنواره باید بیش از آنچه که مطرح شده است، توجه و پیگیری می‌کردیم. بر همین اساس هم عرض می‌کنم که قدر و احترام امام‌زاده با متولی آن است و ما خودمان قبل از هر کسی و قبل از هر سخنی باید در عمل خودمان نشان بدهیم که قدر این رویداد فرهنگی را می‌فهمیم، می‌دانیم و این را در سیاست‌گذاری‌های خودمان متبلور کنیم.

۳-۵) در تعیین سیاست‌های جشنواره عقب هستیم!

زحمات و تلاش‌های همکاران به جای خود، اما بپذیریم که در تعیین سیاست‌های جشنواره عقب هستیم! آنچه که بنده در آن خصوص قدری خلأ و ضعف می‌بینم و مایلیم که در شورای سیاست‌گذاری جشنواره درباره آن نکاتی را عرض کنم، این است که ما در سیاست‌گذاری جشنواره قدری عقبیم و ضعف داریم و باید این واقعیت را بپذیریم. چون بنده از جهت روحیه کاری با اقدامات غیربرنامه‌ای و کارهای سست میانه چندان‌ی ندارم.

من این حرف را به این معنا عرض نمی‌کنم که زحمات و تلاش‌های دوستان را کم ارج و بی‌بهاء جلوه بدهم، اصلاً غرضم این نیست و به نوبه خودم از همه زحمات و اقدامات انجام شده تشکر می‌کنم. اعتقاد دارم شما برای این کار وقت هم گذاشته‌اید، اما این در جای خود که بالاخره هر کاری قدر و اندازه خاص خودش را دارد و برای آن کار باید مایه گذاشت و سیاست‌گذاری کرد. اما مهم‌ترین مسأله ما همین بحث تعیین سیاست‌ها و تعیین بایدها و نبایدها است که به عنوان چتر فکری باید بر این کار حاکم باشد و مهم است که در زمان و موقعیت خاص خودش معین و جاری شود.

۴-۵) برنامه ریزی برای توسعه نقش شرکای تعلیم و تربیت در برگزاری جشنواره

توجه به نقش شرکای تعلیم و تربیت از قبیل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و دیگر معاونت‌های محترم که اینجا هم شرف حضور دارند، خیلی مهم است. به همین دلیل باید نقش‌ها تعریف و مشخص بشود. یعنی دست به دست هم بدهیم و هر کدام تلاش کنیم که به سهم خودمان ارتفاع این جشنواره را که متعلق به همه آموزش و پرورش است بالاتر ببریم و با استفاده از ظرفیت و توانمندی همه بخش‌های مختلف آموزش و پرورش همگی مشترکاً این جشنواره را برگزار کنیم. در این نگاه درست است که مسئولیت جشنواره فیلم رشد با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است، ولی اگر نهادهای دیگری همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم به سهم خود وارد این گود شود، قطعاً جشنواره فیلم رشد پُربارتر می‌شود. اگر معاونت‌های آموزشی با توان و ظرفیت بیشتری وارد شوند، یعنی بیش از آنچه الآن نقش دارند ورود پیدا کنند، قطعاً این جشنواره مطلوب‌تر برگزار خواهد شد.

۵-۵) برگزاری جلسات نقد و بررسی آثار جشنواره

یک کار مهم دیگر هم این است که بیاییم و بنا را بر این بگذاریم که برای فیلم‌های منتخب، بعد از برگزاری جشنواره جلسات نقد و بررسی بگذاریم، ولی خیلی مراقبت کنیم که این مسأله یادمان نرود. الان مثلاً بنده این را عرض می‌کنم ولی با این گرفتاری‌ها فردا دیگر یادم نمی‌ماند که این را به شما گفتم، پس شما یادداشت و پیگیری کنید. برگزاری جلسات نقد و بررسی ان‌شاءالله در دستور کار باشد. اگر این ویروس کرونا رخت بر بندد که عالی است، جلسات را حضوری برگزار کنیم و اگر نشد به صورت مجازی انجام شود. می‌خواهم بگویم فیلم‌ها حتماً نقادی شود، چون نقد جامعه و گروه را زنده نگه می‌دارد، اگر نقد نباشد انسان‌ها می‌میرند، شخصیت‌ها سست و افراد افسرده می‌شوند.

۵-۶) حضور قوی و مؤثر در شبکه‌های اجتماعی

نکته دیگر حضور در یک شبکه اجتماعی قوی است. نمی‌دانم الان این فضا وجود دارد یا نه. اما بنا را بر این بگذاریم که از این فضای مجازی استفاده شود. تشکیل گروه‌های مجازی و ارتباطات قوی تقویت شود. البته ارتباطات در سطح ملی را عرض می‌کنم، تا از طریق بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی و این کارهایی که در فضای مجازی انجام می‌دهند و با هم مرتبط هستند، گروهی ویژه جشنواره تشکیل شود و هرچه که فکر می‌کنید لازم است و می‌تواند ارتباطات را قوی کند، ما از آن استقبال و بهره‌برداری کنیم.

۵-۷) آماده‌سازی و تدارک بسته جامع اطلاع‌رسانی و تبلیغات جشنواره

نکته آخر هم این که [همان گونه که قبلاً هم تأکید کردیم] بُعد تبلیغی این جشنواره از یادمان نرود. مثلاً به نظرم می‌آید از چند وقت دیگر باید در تلویزیون تیزرهای تبلیغاتی جشنواره پخش بشود. باید فکر کنید تیزر تبلیغاتی که می‌خواهید تهیه کنید چگونه باشد تا مثلاً وقتی که خانواده‌ها نشستند و می‌خواهند اخبار را نگاه کنند، با تیزر و اخبار تبلیغاتی برگزاری جشنواره فیلم رشد هم مواجه شوند. نمی‌دانم! باید مشخص شود که این کار آیا الان در برنامه‌های شما هست یا نه؟ قاعدتاً باید باشد، چون اگر نباشد دیگر فایده‌ای ندارد و اکنون زمانه‌ای است که نمی‌شود

در خلوت، کار بزرگ کرد. کار بزرگ زمینه‌های بزرگ می‌خواهد، فضای بزرگ می‌خواهد و این موضوع مهم یادمان نرود که باید این برنامه را تنظیم کنید، تا در زمان مناسب خودش عملیاتی شود. باید توجه داشته باشید غریبانه نمی‌شود گام برداشت. اصلاً دنیای امروز دنیای غربت نیست که مثلاً ما در یک گوشه‌ای بنشینیم و بخواهیم کار بزرگ انجام دهیم. یا این که به کسی نگوئیم و تبلیغ نکنیم، و انتظار داشته باشیم کار بزرگ، خودش را معرفی کند. چنین کار احتمالاً یک قرن طول می‌کشد، اما ما نیاز داریم که چنین کاری برای جشنواره فیلم رشد همین الآن انجام شود.

این‌ها را که عرض کردم مجموع مواردی بود که به ذهنم رسید. البته کلیات آن، صحبت‌های همگی حاضران در جلسه بود که بنده آن‌ها را یک‌جا جمع کردم. لطفاً مجموع صحبت‌های جلسه اول و این جلسه را مدون کنید تا ان شاء الله تحت عنوان «سیاست‌های حاکم بر برگزاری جشنواره فیلم رشد» ثبت شود و در این زمینه موضوعی را که در واقع باید «تولید دانش» بنامیم تهیه کنیم و حاصل این کار «مانیفست و منشوری» بشود تا بتوانیم براساس آن حرکت کنیم.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

شهریورماه ۱۴۰۰





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی

نشست ارائه گزارش عملکرد

دفاتر سازمان پژوهش و

برنامه‌ریزی آموزشی

بر اساس برنامه‌های ابلاغی

سال ۱۴۰۰



دفتر تألیف کتاب‌های درسی آموزش عمومی و متوسطه نظری

رمزینه‌های سریع پاسخ نقطه اتصال فناوری با برنامه‌های درسی است

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، بر لزوم توجه به رمزینه‌های سریع پاسخ تاکید کرد و گفت: رمزینه‌های سریع پاسخ، به معنای اتصال فناوری با برنامه‌های درسی، و یک قدم موثر است لذا ضرورت دارد که قدم‌های موثرتری را در این عرصه برداریم زیرا این راهبرد اصلی ما در سازمان است.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دومین نشست بررسی عملکرد دفاتر سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی با حضور معاون وزیر و ریاست سازمان و مدیران و معاونین دفاتر، صبح امروز یکشنبه ۲۵ مهرماه، در مدرسه تاریخی دارالفنون برگزار شد. دکتر حسن ملکی در ابتدای این جلسه، ضمن تشکر از اقدامات انجام شده در دفتر تالیف آموزش عمومی و متوسطه نظری، گفت: اقدامات انجام شده در بخش رمزینه‌های سریع پاسخ قابل تقدیر است هر چند نیاز به تقویت دارند اما امیدواریم که در سال آینده این روند ما را به سمت بهتری سوق دهد. این اقدام انجام شده در بخش ملی نیز به خوبی دیده شد زیرا این کار دارای عظمت و اثر بزرگی است.

او ادامه داد: برنامه درسی آموزش غیر حضوری نیز کار ارزشمند و متفاوت دیگری است که جای تشکر دارد زیرا این اقدام نسبت به آنچه که در سال گذشته انجام شد، بسیار بهتر و کاملتر بود که امروز به استان‌ها ارسال شده است لذا لازم است که به اشاعه و معرفی این برنامه نیز بپردازیم. رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تاکید کرد: امام علی (ع) می‌فرمایند، انسان باید بداند که از کجاست و به کجا می‌رود لذا کاری که انجام می‌دهیم باید بر این بیان مولاعلی (ع) استوار باشد. بر همین مبنا ما باید مشخص کنیم که امروز در کجای مسیر قرار داریم و دلایل انجام نشدن اقدامات را کاملا مشخص کنیم زیرا این امر بسیار مهم و حائز اهمیت است زیرا پاسخ به این سوالات، باعث حرکت بهتر ما در مسیر می‌شود و آینده بهتری را ممکن می‌سازد.

بخش نخست گزارش دفاتر سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی با ارائه گزارش دفتر تالیف آموزش‌های عمومی و متوسطه نظری، اختصاص یافت.

بهنام نیک نژاد، مدیر طرح و برنامه در بخش نخست این جلسه، به ارائه گزارشی از اقدامات انجام شده در دفتر تالیف نظری پرداخت و گفت: در بخش تحقیق و پژوهش، این دفتر موضوعات مختلفی در دست اقدام داشته است بر همین مبنا نیز ما در پائینی، سعی کردیم که این موضوعات را از منظر

اجرا مورد بررسی قرار دهیم و بر اساس مستندات میزان اجرایی کارها را بر مبنای درصد ارائه کنیم. در واقع درون این پایش آنچه که مورد انتظار ما در این بازه زمانی بوده با آنچه که محقق شده است، مورد بررسی قرار گرفته است.

او ادامه داد: در بخش پژوهش، این دفتر برنامه‌های مختلفی نظیر: آسیب شناسی ارزشیابی درسی تربیت بدنی، بررسی وضعیت آموزش قرآن در مدارس تخصصی قرآن، آسیب شناسی وضعیت موجود آموزش عربی در نظام رسمی، استخراج عامل‌های اصلی تعیین کننده درک آموزگاران دوره ابتدایی از عمل تقسیم کسرها و را مورد بررسی قرار داده است که در هر بخش، میزان کار ارائه شده و موارد مورد انتظار، ارزیابی شده است.

در این گزارش، مباحث پژوهشی، اجرا و ارزشیابی، برنامه و تدوین، تولید بسته‌های تربیت و یادگیری نیز، مورد بررسی قرار گرفت. مدیر طرح و توسعه مالی در ادامه این جلسه به ارائه بودجه بخش‌های مختلف این دفتر پرداخت و اقدامات انجام شده در بخش قراردادهای، قسمت‌های برون سپاری و بودجه بندی برای حاضران توضیح داد.

آغاز حرکت جهادی پژوهش در دفتر تالیف ابتدایی و متوسطه نظری

در ادامه این جلسه دکتر معصومه نجفی پازوکی، سرپرست دفتر تالیف آموزش عمومی و متوسطه نظری، به ارائه گزارش این دفتر پرداخت و گفت: به نظر من، ضروری است که در بخش برنامه‌ای که برای یکسال پیش رو تنظیم می‌کنیم، دقت نظر داشته باشیم تا برنامه پیش رو، بتواند نمونه‌ای عملی، واقعی، دقیق و درست باشد، زیرا در این صورت قطعاً با این مشکل رو به رو نخواهیم شد. او افزود: ما در دفتر گروهی به نام برنامه ریزی و ارزشیابی داریم که متأسفانه در حجم بالای کارها عموماً به فراموشی سپرده شده است لذا ضروری است که این بخش فعال شود، زیرا درگیری در اقدامات متعدد، و اجرای کارها در بازه محدود زمانی، سبب می‌شود که این بخش به حاشیه رانده شود، به همین خاطر تلاش ما این خواهد بود که از هم اکنون بتوانیم بر روی برنامه سال ۱۴۰۱ متمرکز شویم، تا نتیجه بهتری را در آینده داشته باشیم.

سرپرست دفتر تالیف آموزش عمومی و متوسطه نظری، ادامه داد: محورهای فعالیت دفتر شامل پژوهش و تحقیق، بازطراحی دوره‌های تحصیلی، طراحی و تدوین، اجرا و ارزشیابی، تولید بسته‌های تربیت و یادگیری و غنی سازی دروس است که ما در حال فعالیت بر روی تک تک این بخش‌ها هستیم.

نجفی پازوکی، تلاش‌های انجام شده در بخش پژوهش را قابل توجه خواند و گفت: پژوهش‌های مربوط به دفتر تالیف طی سال جاری، ۲۷ مورد بوده که به جرات می‌توان گفت از تعداد پژوهش‌های ۵ سال گذشته، هیات علمی بسیار بیشتر بوده است بنابراین من در بدو امر خواستار این موضوع هستم که با توجه به ظرفیت دفتر در این عرصه، حجم کار و مواردی از این دست، کار انجام شده بسیار قابل توجه است.

او تاکید کرد: پژوهش از جمله مواردی است که طی سالهای اخیر در دفتر به شکل جدی دنبال شده است بنابراین حرکت دفتر به سمت پژوهش محوری واقعا قابل توجه است و باید آن را یک اتفاق بزرگ قلمداد کرد. شاید یکی از اشکالات بزرگ این دفتر عدم توجه به پژوهش بود لذا شروع این حرکت خجسته است و من معتقدم که در آینده بسیار موثر خواهد بود. نجفی پازوکی درباره تمامی موارد پژوهشی و افراد مسئول در این بخش‌ها را به همراه میزان کار اجرایی، موانع و موارد پیش رو توضیح داد.

اجرای ۷۰ درصدی رزمینه‌های سریع پاسخ

سرپرست دفتر تالیف آموزش عمومی و متوسطه نظری، از اجرای ۸ موضوع پژوهشی خارج از موارد ابلاغی خبر داد و گفت: علاوه بر ۲۷ موردی که به تفکیک توضیح داده شد، موضوعاتی چون "سنتز پژوهی مطالعات مدارس عشایری"، "مرور نظام مند بر مطالعات کلاس‌های چند پایه"، تجارب زیسته معلمان تربیت بدنی از چالش‌های برنامه ریزی درسی اجرا شده در دوره پاندمی کووید ۲۹، ارزشیابی از اجرای آزمایشی بسته آموزشی زبان انگلیسی هفتم، برنامه درسی سواد دیجیتال، مطالعه تطبیقی آموزش کودکان دو زبانه در جهان، شناسایی شایستگی‌های لازم برای دانش آموزان در عصر پسا کرونا و برنامه درسی کودکان با نیازهای ویژه نیز مورد پژوهش و بررسی قرار گرفت.

نجفی پازوکی به توضیح بخش بازطراحی با ذکر جزئیات کامل پرداخت و بیان کرد: در بخش بازطراحی دوره‌های تحصیلی عمومی و متوسطه نظری نیز بخش‌های مختلفی چون تعیین ویژگی‌ها و شاخص‌های بسته‌های تربیت و یادگیری، تکمیل راهنماهای برنامه درسی در حوزه تربیت و یادگیری به منظور رسیدن به راهنمای عملیاتی برنامه‌های درسی، طراحی الگوی عملیاتی آموزش و توانمند سازی معلمان، طراحی الگوی ارزشیابی برنامه درسی شامل تدوین الگوی سنجش و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، تربیت دانش آموزان دوره ابتدایی آموزش و پرورش عمومی ایران و بحث تدوین شیوه نامه نگارش و ویرایش فنی و زبانی سازمان پژوهش، باز طراحی و اجرای برنامه ویژه مدارس (بوم)،

رصد دائمی فعالیت‌ها و نظارت بر اجرای برنامه‌های درسی در مدارس، ارزشیابی درسی و اعمال اصلاحات بر مبنای نتایج ارزشیابی، اشاعه راهنمای برنامه درسی و بسته‌های تربیت و یادگیری مورد نظر این دفتر بوده است که در هر بخش میزان کار انجام شده در برنامه پیش رو ارائه شده است. او درباره بحث غنی سازی کتاب های درسی به رمزینه های سریع پاسخ اشاره کرد و گفت: ما در بخش تامین محتوای الکترونیکی برای رمزینه سریع پاسخ در کتاب های درسی با جهت گیری تقویت فرهنگ و تمدن اسلامی- ایران که در همان بخش رمزینه های سریع پاسخ تعریف شده است، نزدیک به ۷۰ درصد کار انجام شده است. در بخش استفاده از ظرفیت کتابهای درسی در بخش معارف اسلامی و معرفی امام خمینی (ره) نیز اقدامات موثری انجام شده است. سرپرست دفتر تالیف ابتدایی و متوسطه نظری، خاطر نشان کرد: در بخش برنامه درسی آموزش غیر حضوری که یک زمانبندی فشرده داشت، اقدامات متعددی نظیر جلسات متعدد انجام شد و مراحل مختلفی چون تعیین اهداف و نقشه محتوایی کلیه کتابهای درسی، اعتبار بخشی توسط کارگروه معلمان (ابتدایی / متوسطه اول و متوسطه دوم، ویرایش، بازخوانی، هماهنگ سازی فرمی، راهبردها، ارزشیابی، بخش معلمان شامل معلم و سواد سلامت، معلم و سواد دیجیتال، معلم و آموزش خود نظم دهی و خانواده- محیط، شامل سواد رسانه صیانت سایبری انجام شد. در ادامه این جلسه، دکتر نجفی پازوکی به جزئیات محتوای تولید شده در بخش رمزینه های این دفتر پرداخت و گفت: این محتواها در بخش های مختلفی شامل فیلم، پادکست، اینوف گرافی، انیمیشن، موشن گرافی، و سایر موارد بوده است.

انتشار فراخوان در عرصه پژوهش نیاز است

علی محبی، قائم مقام رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در این بخش از جلسه به بررسی و نقد گزارشات ارائه شده پرداخت و گفت: کارهای بسیار بزرگی در این دفتر انجام شده است اما باید در این روند، به حجم کارهای خارج از برنامه که بر عهده دفتر قرار دارد، نیز توجه کنیم لذا لازم است که این امر در متمم بازنگری شود و در دل برنامه ها قرار گیرد که باید در دستور کار قرار دهیم. او ادامه داد: در این مسیر باید سیستم پشتیبانی و فرایند مالی باید حمایت بیشتری انجام دهد ضمن اینکه باید خروجی کار را به لحاظ ارزیابی به دفتر و معاونت تخصصی بسپاریم. در این مسیر نیازمند هم افزایی بیشتر در بین بخش های مختلف هستیم تا بتوانیم شایسته سازمان کارها را ارائه کنیم. محمد علوی تبار، معاون توسعه منابع و پشتیبانی سازمان نیز در این بخش، از گزارشات ارائه شده،

تشکر کرد و گفت: آنچه که برای ما در دفتر طرح و برنامه مهم است، برنامه‌ای است که در ابتدای سال مصوب می‌شود و این امر برای ما یک سنجه و متریک خاص است که باید در قبال آن پاسخگو باشیم لذا ارزیابی ما نیز بر این مبنا شکل می‌گیرد و کلیت برنامه‌ها نباید دچار خدشه شود زیرا ما موظف به ارائه گزارش به وزارتخانه و سازمان برنامه هستیم. او افزود: ضروری است که تمام برنامه‌هایی که دفتر مد نظر قرار می‌دهد و بر روی آن کار می‌کند، باید در برنامه مصوب باشد لذا در مورد پژوهش‌های خارج از برنامه، باید این بخش را مد نظر قرار دهیم. یکی از تاکیدات ما در دفتر طرح و برنامه، حفظ مستندات است زیرا این موارد باعث جمع آوری داده‌های ارزشمند و منابعی است که برای آن زمان و هزینه صرف شده است ضمن اینکه همین جمع آوری‌ها باعث امکان بررسی و آسیب شناسی نیز می‌شود.

واقع بینی در تدوین برنامه‌های سالیانه ضروری است

دکتر حسن ملکی در بخش پایانی این جلسه، ضمن تشکر از گزارشات ارائه شده، بیان کرد: جلسه پیش رو بسیار مفید بود زیرا به واسطه این گزارش‌ها، ما می‌توانیم معایب و نقاط قوت را درک کنیم و این امر اندکی نیست و می‌تواند سبب خودشناسی و فهم سازمانی شود. او ادامه داد: قصد ما در این جلسه شناخت آسیب‌ها و درک دلایل اجرایی نشدن برنامه‌ها و علل و عوامل آن است. در این مسیر ضروری است که بخش‌های مختلف با یکدیگر همراه شوند تا در ارائه گزارش و برنامه‌ها به یک مفاهمه درست دست پیدا کنیم و بتوانیم یک زبان مشترک را به دست آوریم زیرا من معتقدم که این یک آسیب جدی است زیرا اگر مفاهمه برقرار نشود، هیچ معامله‌ای در معنای عام خود، صورت نمی‌پذیرد زیرا شرط اصلی فهم درست است. رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تصریح کرد: یکی دیگر از آسیب‌ها، عدم واقع بینی در تبیین برنامه‌های سالیانه است لذا ضروری است که برنامه‌ای مصوب شود که با توان سازمان و دفاتر هماهنگ باشد. طبیعی است که تعداد بالای عناوین پژوهشی، برای یک دفتر اندکی دور از واقع بینی است زیرا هر دفتر و سازمانی دارای یک ظرفیت است لذا ما باید برای پذیرش مسئولیت به ظرفیت‌ها نیز توجه کنیم. بر همین مبنا باید در برنامه‌های آتی این نکته را در مرکز توجه قرار دهیم و برای تدوین برنامه‌ها واقع بین باشیم.

مبنای برنامه ریزی پژوهش است

دکتر ملکی، افزود: وجود برخی عادات یک آسیب جدی است و باید این عادات‌های نادرست از بین برود. حذف واژه برنامه ریزی از دفتر تالیف نظری، حکایت از ایجاد فضایی برنامه ریزی ستیزی دارد زیرا هر کس با برنامه ریزی دشمنی کند با پژوهش دشمنی کرده است زیرا مبنای برنامه ریزی پژوهش است.

او تاکید کرد: باید به عادات اشتباه اعتراف کنیم زیرا بدون پژوهش برنامه ریزی کردن، اشتباه است. وقتی واژه پژوهش مطرح می‌شود، نباید به سمت مواردی ۵ ساله برسیم زیرا گاهی ممکن است برای یک سوال علمی، در مدت زمانی کوتاه‌تر به نتیجه دست پیدا کنیم و در بسیاری از موارد ما به آن نیازمندیم. گروه‌ها باید در راستای شکستن عادات بد تلاش کنند و یکی از این موارد پژوهش و برنامه ریزی است زیرا پژوهش بدون برنامه ریزی ممکن نیست و بالعکس.

رمزینه‌های سریع پاسخ نقطه اتصال فناوری با برنامه‌های درسی است

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی توجه به آسیب‌ها را یک نکته مهم در راستای پیشرفت دانست و گفت: نقدهای مطرح شده به معنای عدم توجه به زحمات همکاران نیست زیرا کارهای بزرگی در دفتر سازمان انجام شده است و من برای آن سپاسگذارم.

دکتر ملکی ادامه داد: امروز و در وضع موجود، ضروری است که دفتر تالیف نظری کارهای پیش رو را در مدت زمان تعیین شده، مد نظر قرار دهد، زیرا ظرفیت بسیار بالایی در این بخش وجود دارد و بر مبنای این ظرفیت نیز، من انتظارات بالایی از این بخش دارم زیرا افراد اهل نظر و دانشمندی در این دفتر حضور دارند.

او به طبقه بندی اقدامات مهم این دفتر پرداخت و بیان کرد: این دفتر باید در گام نخست، "تکمیل راهنماهای برنامه درسی" را مد نظر قرار دهد البته در این مسیر باید مراقب باشیم که خود را دچار پیچیدگی‌های مغل نکنیم ضمن اینکه ضروری است، از ساده اندیشی در این عرصه نیز، بپرهیزیم. نکته دوم در این دفتر، اتمام پژوهش‌ها و برنامه‌های ناقص است زیرا ما امروز باید به ضرورت‌ها بیاندیشیم.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تاکید کرد: "تکمیل رمزینه های سریع پاسخ"، یکی

دیگر از موارد مهم است زیرا این بخش به معنای اتصال فناوری با برنامه درسی است. این اقدام یک قدم موثر است لذا ضرورت دارد که قدم های موثرتری را برداریم و این راهبرد اصلی ما در سازمان است. امسال ۲۶ کتاب ما بدون رمزیننه وارد مدارس شد و برخی از کتابها نیز در بخش رمزیننه ها منظم نبود لذا ضروری است که ما به سمت رفع تمامی مشکلات این بخش برویم و یک ارتباط مناسب بین رمزیننه و محتوا برقرار کنیم.

دکتر ملکی ادامه داد: "اشاعه برنامه درسی، آموزش غیر حضوری "بخش دیگری است که باید بر اجرای آن تمرکز کنیم. تمهید مقدمات برای تولید بسته های تربیت و یادگیری برای اجرای آزمایشی نکته دیگری است که باید در هر گروه به آن توجه کنند لذا هر گروه باید یک بسته در ابتدایی و یک بسته در مقطع متوسطه را، ارائه کنند بر همین مبنا، ضروری است که همکاران به آن توجه ویژه داشته باشند لذا ما انتظار تولید ۲۲ بسته برای اجرای آزمایشی را داریم.

او افزود: همراهی در "کنترل کیفیت محتوای کتاب های درسی" یکی دیگر از نکات است که بر مبنای آن یک کمیته نیز، تشکیل شده است لذا ضروری است که با همراهی همکاران از این بخش حمایت کنیم. بدیهی است که کتاب درسی محصور در یک یا دو نگاه نیست به همین خاطر، بررسی کیفیت آثار توسط چند نفر از افراد متخصص می تواند به ما کمک کند که به شکل بهتری کار را ارائه کنیم.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تاکید کرد: "ویرایش کتاب های درسی" نکته دیگری است که باید به آن توجه کنیم و در این راستا نیز شورایی تشکیل شده است و با همکاری فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، شیوه نامه ویرایش صوری و فنی مدون شد بنابراین ضروری است که این بخش را نیز اعمال کنیم.

استفاده از ظرفیت اندیشمندان خارج از سازمان لازم است

ملکی بر لزوم استفاده از ظرفیت های بیرون از سازمان تاکید کرد و گفت: ما باید از ظرفیت بیرون از سازمان نیز در راستای تحقق اهداف سازمان استفاده کنیم البته این امر نیازمند یک مدل مشخص است زیرا ما، باید توجه داشته باشیم که هر کاری را به بیرون از سازمان ارائه ندهیم اما اینکه در برخی موارد بتوانیم، از بیرون سازمان کمک دریافت کنیم، مفید است زیرا وظیفه ما صیانت از مرزهای فرهنگی، ارزشی و فکری کشور است.

او ادامه داد: امروز ما در استان‌ها مغزهای متفکر بسیاری داریم بنابراین ما باید از این پتانسیل‌ها استفاده کنیم و محدود به افرادی مشخص نشویم لذا ضروری است که برای تنظیم‌گری آماده شویم و از تصدی‌گری فاصله بگیریم. در ادامه ضرورت دارد که کارگروه‌های موازی، در سازمان تشکیل و مدیریت شود تا بتوانیم از افراد بیرونی دعوت کنیم و در قالب پروژه‌های تعریف شده و معین از اندیشه‌های متعدد و پتانسیل‌ها، استفاده کنیم.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بر لزوم توجه به عنوان پژوهش تاکید کرد و گفت: گروه‌های ما باید به عنوان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی شناخته شود لذا باید واژه پژوهش را به تمام گروه‌ها اضافه کنیم و در تابلوها نیز درج شود زیرا این امر بسیار مهم است. در این راستا ضروری است، ارتباط شورای پژوهشی سازمان با دفتر و در قالب کمیته‌های پژوهشی تعریف و تقویت شود. همچنین باید، فرایندهای پشتیبانی اداری و مالی نیز، در این مسیر اصلاح شود و فرایندهایی که باعث طولانی شدن مسیر کار می‌شوند توسط همکاران این بخش، حذف و اصلاح شوند.





دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کار دانش

برنامه ریزی درسی به منزله یک سفر است

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی را به منزله یک سفر دانست و گفت: برنامه ریزی درسی یک مسافرت است لذا از زمانی که ما برنامه ریزی برای درس معینی را آغاز می‌کنیم، وارد این سفر می‌شویم.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، بخش دوم گزارش دفاتر سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی با حضور ریاست سازمان و مدیران، به ارائه گزارش دفتر تالیف فنی و حرفه‌ای سازمان اختصاص یافت.

در ابتدای این جلسه، دکتر حسن ملکی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی به حدیثی از امام علی (ع) اشاره کرد و گفت: مولا علی (ع) در نهج البلاغه به قاعده مهمی اشاره کرده است که در آن فرد هر کاری که انجام می‌دهد، باید بداند که منشاء کجاست، در کجا قرار داریم و به کجا می‌رویم؟ این بیان یک ریشه فلسفی و هستی‌شناختی دارد که به خلقت انسان مربوط است اما ما در این نشست بعد اجتماعی این حدیث را مد نظر داریم. در زندگی هر فرد و گروهی ضروری است که این سه سوال مقدس را مد نظر داشته باشد زیرا پاسخ اینگونه سوالات انسان را به سمت تعالی و پیشرفت سوق می‌دهد.

برنامه ریزی درسی یک کار گروهی است

او افزود: ما در این جلسه به دنبال پاسخ به این سه سوال هستیم تا بدانیم که در کجای کار هستیم، به کجا می‌رویم و قرار بود که به چه نقطه‌ای دست پیدا کنیم زیرا این امر به پیشرفت ما در مسیر کمک شایانی می‌کند و باعث رفع نقاط ضعف خواهد شد.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی از همکاران دفتر تالیف فنی و حرفه‌ای تشکر کرد و گفت: تلاش‌های صادقانه و خالصانه همکاران در این دفتر بر ما پوشیده نیست و بابت این امر نیز از یکایک همکاران سپاسگذارم.

ملکی ادامه داد: برخی در ادبیات برنامه درسی، برنامه ریزی درسی را یک سفر می‌دانند زیرا انسان در یک سفر به دنبال هدفی هست و راهی را برای دستیابی به هدف انتخاب می‌کند و در راه نیز منزلگاه‌هایی را بر اتراق انتخاب می‌کند. یک مسافر باید توشه راه نیز داشته و نیازمند پیش‌بینی‌هایی نیز برای جلوگیری از صدمه راه‌زنان و یک راه بلد در راستای نرفتن به کوره راه‌ها نیز هست. یک مسافر باید به

زمان نیز توجه کند زیرا دیر رسیدن یا خسته رسیدن هر دو مخرب است و متعادل و به موقع رسیدن، مهم است لذا می‌توان گفت که برنامه ریزی درسی یک مسافرت است و ما از زمانی که برنامه ریزی برای درس معینی را آغاز می‌کنیم، وارد این سفر می‌شویم.

او تاکید کرد: همانطور که در مسافرت مقصد معین می‌شود، در برنامه ریزی درسی باید اهداف مشخص شود. همانگونه که راه را در سفر دقیق انتخاب می‌کنیم، در برنامه ریزی درسی باید فرایند مشخص شود. همانگونه که در سفر راه بلد انتخاب می‌شود، در برنامه ریزی درسی نیز نیازمند متخصصان و اهل نظر هستیم زیرا قرار دادن برنامه درسی به دست افراد غیر متخصص و نااهل به معنای باختن است. همانگونه که در سفر از راهنزان دور می‌شویم باید در برنامه ریزی درسی نیز از راهنزهای برنامه درسی دور شویم و از فریب کوره راه‌ها نیز دوری کنیم و راه را به درستی بشناسیم. رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی بر لزوم توجه به کار گروهی تاکید کرد و گفت: در برنامه ریزی درسی نیازمند کار گروهی هستیم و کار تک نفره و فردی راه به جایی نخواهد برد. ما در این جلسه به دنبال مواخذه، یا نمره دهی نیست بلکه به دنبال فهم موقعیت در راستای رفع موانع و ایجاد موقعیت پیشرفت هستیم لذا با نگاه تحلیلی به گزارش‌های این جلسه خواهیم پرداخت و به دنبال چراها هستیم و بدانیم که مشکلات در کدام نقاط قرار دارند و نیازمند اصلاح در چه بخش‌هایی هستیم.

بهنام نیک‌نژاد، مدیر طرح و برنامه نیز در ادامه جلسه به ارائه گزارش تحلیلی این دفتر پرداخت و گفت: به لطف خداوند، اقدامات این دفتر در برخی از موارد بسیار بیشتر از حد انتظار بوده است البته آنچه که امروز ما در این برنامه ارائه خواهیم کرد کاملاً بر مبنای مستندات و مواردی است که به صورت ریز داده‌ها، ما ارائه شده است.

او در ادامه به ارائه گزارش جزئیات اقدامات انجام شده در دفتر تالیف فنی و حرفه‌ای و میزان انتظارات در بخش‌های پژوهش و تحقیق پرداخت. موضوعاتی چون تحلیل حرف و مشاغل بازار کار و رشته‌های فنی و حرفه‌ای، مطالعه تطبیقی الگوهای برنامه ریزی درسی، آسیب شناسی و طراحی نظام ارزشیابی فنی و حرفه‌ای و کاردانش، شناسایی مسائل اساسی گروه‌های درسی فنی و حرفه‌ای از جمله این موضوعات این بخش بود.

در ادامه، اقدامات اجرایی در بخش طراحی و تدوین، اجرا و ارزشیابی، غنی سازی کتاب‌های درسی و جزئیات مربوط به قراردادها، بودجه بندی و پروژه‌های برون سپاری، از جمله مباحثی بود که در این گزارش ارائه شد.

تولید ۶ هزار دقیقه محتوا در بخش رمزینه‌های سریع پاسخ

افشار بهمنی، مدیرکل دفتر تالیف فنی و حرفه‌ای و کاردانش نیز در بخش دیگری از این جلسه به ارائه گزارش این بخش پرداخت و گفت: ماهیت این جلسات به کیفیت بخشی و حل مسائل و مشکلات بسیار کمک می‌کند و در این عرصه موثر است.

او ادامه داد: ۱۱ مورد از پژوهش‌هایی که برون سپاری شده بود در کمیته پژوهش به پروپزال رسید اما هنوز برای شورای پژوهشی ارسال نشده است زیرا دارای چند اصلاحیه است.

مدیرکل دفتر تالیف فنی و حرفه‌ای و کاردانش تصریح کرد: چالش جدی ما در این عرصه پژوهشگرانی هستند که در حوزه فنی و حرفه‌ای، بتوانند دارای فهم موقعیتی باشند. بر همین مبنا نیز، ما با دانشگاه شهید رجایی و دانشگاه فنی و حرفه‌ای مکاتباتی داشتیم که متعاقب آن پژوهشگران محدودی آماده همکاری با ما شدند که البته در میانه راه رفت و برگشت‌هایی نیز داشت البته ده مورد از پژوهش‌هایی که به گروه‌ها واگذار شد، به لطف خداوند انجام شد و مستندات آن نیز، قابل بهره‌برداری است.

مدیرکل دفتر تالیف فنی و حرفه‌ای و کاردانش گفت: به کارگیری بازنشسته‌ها و کارشناسان پاره‌وقت اندکی در این بخش به ما کمک کرد تا بتوانیم بخشی از کمبود نیرو را پوشش دهیم اما متأسفانه تعطیلی‌های مربوط به کرونا و درگیری کارشناسان با این بیماری، در برخی موارد واقعا ما را با مضیقه رو به رو کرد.

بهمنی ادامه داد: حجم بسیار بالای رمزینه‌های سریع پاسخ بخش مهمی از اقدامات ما در این مدت بود و بیش از ۶ هزار دقیقه محتوا، در این بخش، تولید شد که کاری عظیم به شمار می‌رود. در این فرایند تلاش‌های بی‌دریغی بر عهده همکاران من قرار گرفت که جای تشکر دارد.

در ادامه عبدالله زاده، به ارائه گزارشی از روند اجرای رمزینه‌های سریع پاسخ پرداخت و گفت: تولید فیلم‌ها جزء برنامه‌های اصلی ما بوده است و طی ۵ ماه، تنها دو مورد، وجود دارد که هنوز به تولید نهایی نرسیده است و احتمالاً تا پایان هفته به اتمام خواهد رسید.

او افزود: در بخش رمزینه‌های سریع پاسخ، کار به صورت صد در صد به اتمام رسیده است زیرا در بحث تولید، طی هیچ سالی سازمان بیش از ۲۰ فیلم تولید نکرده است اما ما طی ۵ ماه، بالغ بر ۵۳ فیلم تولید کرده‌ایم که ۴۰ اثر بارگزاری شده و مابقی در حال بررسی هستند. این در حالی است که ما به دلیل کرونا، امکان جلسات و حتی سفر را نداشتیم لذا باید محدودیت‌ها را نیز در مسیر مد نظر قرار دهیم.

آریانژاد نیز در این بخش به توضیح درباره پژوهش در طراحی دوره تحصیلی فنی و حرفه‌ای و الگوی نیازسنجی، تجزیه و تحلیل حرف و مشاغل پیشنهادی، پرداخت و گفت: ما طی این مدت جلسات متعددی با اساتید و صاحب نظران در بخش نیازسنجی داشتیم البته اسنادی نیز، در گذشته وجود داشت، لذا ما سعی کردیم که با نگاهی موشکافانه پیش برویم و تمامی این اسناد را مورد تحلیل قرار دهیم. در این مسیر پس از مطالعه سه عنوان منابع نیازسنجی، تکنیک‌های نیازسنجی و امکان‌سنجی داشتیم که هر کدام در مقطع و مبانی مختلفی مورد بررسی قرار گرفت و کارگروه موضوعات مختلفی را برای آن پیش بینی کرد و ما سعی کردیم که با خرد جمعی به نیازسنجی و مباحثی دست پیدا کنیم که در گذر زمان نیز بتواند پاسخگوی ما باشد. در نهایت ما به جدولی رسیدیم که با دادن امتیاز به تکنیک‌های مختلف به یک یا چند تکنیک برای برنامه ریزی درسی دست پیدا کردیم که باعث انعطاف این الگو نیز می‌شود. سعی ما این است که طی سه ماهه سوم سال به جمع بندی دست پیدا کنیم و در رشته معماری داخلی به عنوان نخستین بخش از این الگو استفاده کنیم. گل بخش نیز به توضیح فعالیت‌های راهبری زمینه هنر و ویژگی‌های رشته صنایع دستی در دو شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش پرداخت و گفت: جلسات متعددی با شورای پژوهشی صنایع دستی در این راستا برگزار شد ضمن اینکه در فضای مجازی نیز مداوم اساتید و صاحب نظران در حال تبادل نظرات هستند.

او ادامه داد: همانطور که می‌دانید صنایع دستی به دلیل تنوع و هویت فرهنگی و استراتژیک و سهولت اشتغال، مواد اولیه بومی و ارزان قیمت بودن آن به اشتغالزایی، بسیار شاخه خاصی است زیرا این بخش می‌تواند ارز آور باشد لذا سعی ما این بوده که به شکل مناسبتری مشاغل مرتبط به این شاخه را ارائه کنیم. ما در حال تلاش هستیم که بتوانیم طی سه ماه آینده الگوی مربوط به این بخش را ارائه دهیم.

خانم رضوانفر، به ارائه گزارشی در راستای چالش‌های موجود در کاردانش پرداخت و گفت: یکی از چالش‌ها در این بخش، مربوط به رشته‌های جدید است زیرا گاهی استانداردهای تعریف شده، فاقد اصول و نیازسنجی بوده است. در این مسیر دو رشته حمل و نقل ریلی و خط و سازه‌های فنی را، مورد بررسی قرار دادیم و راهنمای برنامه درسی آن نیز در دست تکمیل است.

ضرورت توجه به ظرفیت‌های دفاتر در تدوین برنامه‌های مصوب

دکتر علی محبی در ادامه از اقدامات انجام شده تشکر کرد و گفت: با توجه به حجم بالای کار در بخش تولید رمزینه‌های سریع پاسخ‌دهی اندیشیده شده که قرار شد برای هر کتاب یک محتوای بارگزاری شود. نکته دیگر این بود که در فنی و حرفه‌ای از ابتدای آبان ماه محدودیت هر کتاب یک رمزینه برداشته می‌شود و انشالله تمام محتواها بارگذاری خواهد شد که طی مدت باقیمانده انجام خواهد شد. ضروری است که بر روی زمانبندی کارها برای طراحی دوره نیز بیاندهشیم زیرا خروجی کارها زمانی مفید است که بتوانیم در بدنه برنامه ریزی آن را اعمال کنیم.

او افزود: پذیرش برنامه‌های بیش از ظرفیت در این دفتر نیز نمود دارد البته همه این موارد پیشنهاد خود دفاتر است اما ضروری است که به ظرفیت نیز توجه کنند. ضعف ساختاری نیز نکته دیگری است که باید به آن توجه شود زیرا گروه پژوهش و تربیت معلم، نادیده گرفته شده‌اند و متأسفانه گروه منحل شده است لذا لازم است که یک برش عملیاتی در این بخش داشته باشیم. استفاده از ظرفیت‌های برون سازمانی در این دفتر نیز باید مد نظر قرار گیرد و باید با رعایت فرایندها از پتانسیل‌های بیرونی نیز بهره‌مند شویم.

محمد علوی تبار معاون توسعه منابع و پشتیبانی سازمان نیز در این بخش، به روند بررسی عملکرد دفاتر اشاره کرد و گفت: قطعاً زمان بیشتری برای بررسی موارد مختلف کارهای هر دفتر شامل برون سپاری، قراردادهای و بررسی داشته باشیم و سپس بتوانیم درباره درصدهای کار بتوانیم قضاوت کنیم و این امر می‌تواند تأثیر بسیار زیادی در مفاهمه دو طرف داشته باشد. انشالله در دوره بعدی و با تصمیمات پیش رو بتوانیم در بازه زمانی وسیعتری به مباحث بپردازیم.

او افزود: ضروری است که دفاتر برنامه‌ها را متناسب با ظرفیت‌های اجرایی خود ارائه دهند زیرا در میانه سال با این مساله مواجه می‌شویم که درصد میانگین دفتر با کاهش رو به رو خواهد شد و این اساساً خوشایند نیست. در این مسیر باید پتانسیل نیروهای بیرونی را مد نظر قرار دهیم تا در پایان سال با عملکردی متناسب رو به رو شویم.

طراحی دوره تحصیلی یک ضرورت بی بدیل است

در بخش پایانی این جلسه، دکتر حسن ملکی به جمع بندی مباحث مطرح شده پرداخت و گفت: در بخش فنی و حرفه‌ای، نخستین آسیب مربوط به نبودن نقشه کلی یا طراحی دوره تحصیلی فنی و حرفه‌ای و کاردانش است البته این دغدغه مدتهاست که احساس می‌شود و جلساتی نیز در این راستا تشکیل شد اما هنوز حاصل نشده است.

او افزود: طراحی دوره تحصیلی یک ضرورت بی بدیل است که جایگزینی ندارد. در ادامه ما باید به نقص ساختاری و تشکیلاتی نیز توجه کنیم البته ما نباید برون فکری کنیم زیرا برخی اشکالات ربطی به تشکیلات ندارد بر همین مبنا نیازمند ساختار نوین سازمان و دفاتر هستیم تا بتوانیم این بخش را نیز، به تصویب برسانیم.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تصریح کرد: سومین خلاء و آسیب در این بخش، مربوط به فقدان الگوی برنامه ریزی درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش است. بدیهی است که فنی و حرفه‌ای با بخش نظری متفاوت است اما قطعاً تشابهاتی نیز بین این دو بخش وجود دارد. به نظر من این تفاوت و تشابه در الگوی برنامه ریزی درسی، خود را نشان می‌دهد لذا ضروری است که در این مسیر گام برداریم و بر روی آن تمرکز کنیم.

دکتر ملکی ادامه داد: در اسناد تحولی راجع به فنی و حرفه‌ای و کاردانش دلالت‌های شفاف وجود ندارد و تنها اشاراتی به این بخش شده که کافی نیست لذا ما باید طراحی دوره داشته باشیم تا این خلاء را پوشش دهیم. نکته دیگر این است که نسبت فنی و حرفه‌ای با دنیای کار به باز تعریف نیاز داریم البته طرح تحلیل حرف و مشاغل می‌تواند به این نیاز پاسخ دهد بنابراین لازم است که این الگو پخته شود و رشته‌ها به زمینه‌های شغلی متصل شود زیرا مشاغل دائم در حال تغییر هستند.

سازمان پژوهش یک درخت کهنسال است

رئیس سازمان پژوهش به ضرورت‌های بخش فنی و حرفه‌ای اشاره کرد و گفت: ضروری است که طراحی دوره تا پایان آبان ماه به اتمام برسد. نکته دیگر طراحی الگوی برنامه ریزی فنی و حرفه‌ای و کاردانش است که باید در مرکز توجه قرار گیرد و کار ویژه شامل مطالعات خاص ادبیات فنی و حرفه‌ای را می‌طلبد. الگوی نیازسنجی و سایر الگوهای ارائه شده، که در دست انجام است، باید در اسرع وقت به اتمام برسد.

دکتر ملکی تاکید کرد: ما نیازمند خوشه‌ای از مشاغل، و نه یک شغل هستیم زیرا در این صورت شایستگی‌های مشترک را می‌توان تدوین کرد. امروز در شرایطی است که مشاغل در حال تغییر هستند و گاهی یک شغل زود می‌میرد، اما زمینه‌ها عمری طولانی دارند. در این عرصه باید مهارت آموزشی دانش آموزان را جدی‌تر بگیریم و به این سوال پاسخ دهیم که دانش آموز هنگام فارغ التحصیلی در انجام یک مهارت، قابلیت داشته باشد؟ البته این مساله صرفاً مختص به فنی و حرفه‌ای نیست و در بخش نظری نیز کاربرد دارد لذا ضروری است که باید در این باره فکر کنیم. او عدم توجه به مهارت را عامل مهمی در مشکلات دانست و گفت: متأسفانه ما امروز، در سیستم آموزشی حجم بالایی از دانایی را، اما بدون مهارت شاهد هستیم. به این معنا که دانشجویان یا دانش آموزان دارای تحلیل خوبی هستند اما در کار ناتوان ظاهر می‌شوند و این امر گاهی در مسابقات بین المللی نیز نمود پیدا می‌کند لذا کمیته‌های پژوهشی در دفاتر باید جدی گرفته شود و به شورای پژوهشی سازمان متصل شود.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی بیان کرد: بدیهی است که اگر سازمان ما به پژوهش نپردازد، اقداماتش سست خواهد بود لذا باید به این مساله کاملاً جدی نگاه کنیم و چاره اندیشی داشته باشیم. در این مسیر باید دفاتر موضوعات را در کمیته پژوهشی مطرح کنند و سپس به شورای پژوهشی سازمان ارائه دهند تا مصوب شود. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ریشه در سالیان بسیار دور دارد و یک درخت کهنسال است بنابراین درست نیست که پژوهش در این سازمان، دیده نشود زیرا اگر در بدنه برنامه ریزی پژوهش نباشد، کار، فاقد ارزش است.

دکتر ملکی گفت: بسیاری از افراد خارج سازمان کار انجام داده‌اند بنابراین ما باید بتوانیم از این مباحث نیز استفاده کنیم و به نوعی تتبع داشته باشیم و منابع اصلی را در عرصه پژوهش‌ها به دست آوریم. تتبع در این بخش، به معنای جستجوی منابع است لذا ما باید یک بانک اطلاعاتی داشته باشیم و بتوانیم پژوهش‌های مربوط به کار خود را جمع آوری کنیم و پژوهشگران را بشناسیم. او افزود: ما نیازمند الگوی بهره‌وری از ظرفیت‌های بیرون از سازمان هستیم تا بدانیم که با چه قاعده و روشی می‌توانیم از پتانسیل‌های خارج از سازمان بهره‌مند شویم زیرا تلاش ما این نیست که کاری را به دیگران بسپاریم بلکه مساله استفاده از اندیشه سایر افراد و در بیرون سازمان است لذا باید بر روی نکات موجود در این بخش توجه ویژه داشته باشیم.



دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

دفتر انتشارات و فناوری آموزشی باید نگاه حامی به برنامه‌های درسی داشته باشد

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر انتشارات و فناوری آموزشی را موظف به دنبال کردن نگاه حامی نسبت به برنامه‌های درسی قصد شده دانست و گفت: فعالیت‌های این دفتر، به مثابه یک حامی است که باید از برنامه‌های قصد شده، حمایت کند.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، بخش سوم گزارش دفاتر سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی با حضور ریاست سازمان و مدیران، به ارائه گزارش دفتر انتشارات و فناوری آموزشی اختصاص یافت.

در ابتدای این جلسه، دکتر حسن ملکی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، گفت: امیدوارم بتوانیم در جلسه پیش رو، به آسیب شناسی برنامه‌های مصوب شده سازمان، بپردازیم و دلایل به تعویق افتادن هدف‌های برآورده نشده را درک و بررسی کنیم لذا در این جلسه نیازمند توصیف و تبیین هستیم تا بتوانیم علاوه بر مشاهده گزارشات، بتوانیم به آسیب شناسی و شناخت محدودیت‌ها و موانع بپردازیم. در واقع چراها، بیش از پاسخ‌ها در این جلسه حائز اهمیت است به همین خاطر به تبیین باید توجه کرد زیرا تبیین به معنای علت یابی است.

او ادامه داد: بدیهی است که بخشی از جلسه به گزارش کار و موفقیت‌ها اختصاص داده خواهد شد، اما از نظر ما، اصالت با تبیین است، چرا که سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دارای یک مأموریت اصلی و تعدادی مأموریت‌های فرعی است. همانطور که می‌دانید، مأموریت اصلی ما، ساماندهی برنامه‌های درسی قصد شده است لذا برنامه‌هایی که بر پایه هدف‌های قصد شده نظام در دوره ابتدایی و دوره‌های بالایی تدوین شده، هدف اصلی ما به شمار می‌رود و نمود اصلی و بارز آن را می‌توان در کتاب‌های درسی دید.

رئیس سازمان پژوهش تاکید کرد: بدیهی است که مباحث مطرح شده، بدان معنا نیست که ما صرفاً بر کتاب تاکید داشته باشیم به همین خاطر نیز در این دوره با استقرار رمزیننه‌های سریع پاسخ سعی کردیم که کتابهای درسی را وسعت و غنا ببخشیم. زیرا همانطور که می‌دانید، کتاب درسی به عنوان یک متن آموزشی، فرصتی است که امکان تعلیم و تربیت را برای دانش آموزان فراهم می‌کند اما تنها گزینه نیست.

دکتر ملکی، دستیابی به اهداف درسی قصد شده را نیازمند پشتیبانی سخت افزاری و نرم افزاری خواند و گفت: بدیهی است که موفقیت ما در بخش‌های مذکور، منوط به نوع حمایت و پشتیبانی

سخت افزاری و نرم افزاری است. در این بخش، پشتیبانی سخت افزاری، همان بخشی است که به تامین تجهیزات مورد نیاز، نیروی انسانی، بودجه و ... می‌پردازد. این بخش توسط معاونت توسعه منابع سازمان انجام می‌شود و دارای شکل سختی است.

دفتر انتشارات و فناوری آموزشی حامی برنامه‌های درسی قصد شده است

او در توضیح پشتیبانی نرم افزاری بیان کرد: پشتیبانی نرم افزاری، بخشی است که از طریق دفتر انتشارات و فناوری آموزشی شکل می‌گیرد زیرا فعالیت‌های این دفتر، به مثابه یک حامی است که باید از برنامه‌های قصد شده، حمایت کند لذا باید این دفتر دارای ویژگی‌های یک حامی، باشد. رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تصریح کرد: بدیهی است که یک حامی در راستای نتیجه بهتر، باید نسبت به حمایت شونده، شناخت کافی داشته باشد زیرا در غیر اینصورت امکان حمایت درست، میسر نمی‌شود، بنابراین ما باید این سوال را مطرح کنیم که اساسا دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، تا چه اندازه نسبت به برنامه‌های درسی، شناخت دارد؟ ویژگی دوم این است که یک حامی باید توانایی پشتیبانی را نیز دارا باشد البته منظور از این توانایی، مباحث مالی نیست بلکه این مبحث، بخش‌های نرم افزاری و فکری را نیز، شامل می‌شود لذا ما باید به این موضوع پردازیم که آیا مجلات رشد، توانایی پشتیبانی کتاب‌های درسی را دارند؟

دکتر ملکی خاطر نشان کرد: در راستای پشتیبانی مجلات رشد از کتاب‌های درسی، باید مطالبی در نشریات منتشر شود تا امکان به روز رسانی اطلاعات را به معلمان بدهد زیرا اگر مجلات رشد، توانایی اجرای چنین کاری را نداشته باشند، باعث سرخوردگی معلمان می‌شوند و این قشر احساس می‌کنند که منبعی در خور برای این امر دریافت نمی‌کنند بنابراین باید در این بخش نگاهی جدی دنبال شود.

او ادامه داد: نکته دیگر این است که حامی باید باور به حمایت شونده داشته باشد. به عنوان مثال این نکته که برنامه درسی قصد شده بر محور تحول حرکت می‌کند، باید در باور دفتر انتشارات و فناوری وجود داشته باشد که البته هست زیرا در غیر اینصورت، در نگرش نقطه تلاقی ایجاد می‌شود و به عدم تحقق اهداف منجر خواهد شد. نکته دیگر این است که یک حامی باید دارای هم آوایی و همراهی با حمایت شونده باشد لذا باید تقدم و تاخر زمانی بین حامی و حمایت شونده، در مرکز توجه قرار گیرد زیرا در این صورت امکان پشتیبانی نرم افزاری به شکل بهتری فراهم می‌شود. به

عنوان مثال وقتی برنامه درسی با فطرت‌گرایی توحیدی حرکت می‌کند، مجلات رشد نیز باید در این مسیر تولید شوند و حرکت کنند زیرا در غیر اینصورت، برداشت مناسبی به دست نخواهد آمد. رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش، حمایت را عنصر مهمی در رشد خواند و گفت: در تمام عالم هستی، طبیعت و حتی عالم تکوین، هیچ چیزی بدون حمایت خلق نمی‌شود لذا می‌توان گفت که عالم خلقت به شکلی است که انسان بدون حمایت امکان رشد نمی‌یابد البته حمایت به معنای وابسته‌سازی نیست بلکه به معنای پر کردن خلاءها و امکان ایجاد حرکت است لذا ما باید از این منظر به مساله نگاه کنیم.

ملکی، برگزاری جشنواره‌ها را یک ضرورت خواند و اظهار کرد: جشنواره‌ها محل بروز شکوفایی حمایت‌حاملی از حمایت‌شونده است و این امر باید در این نقطه بروز و ظهور پیدا کند لذا ما باید این نقاط را به یکدیگر متصل کنیم و کار را پیش ببریم.

در ادامه جلسه، بهنام نیک‌نژاد، مدیر طرح و توسعه مالی به ارائه گزارشی از روند برنامه‌های اجرا شده در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی پرداخت و گفت: اقدامات انجام شده در این دفتر قابل تقدیر است و کارها به شکل منظم پیش رفته است. در این دفتر بخش پژوهش و تحقیق شامل مباحثی چون ارزشیابی محتوایی مجله رشد جوان از منظر تناسب با اهداف آموزشی دوره متوسطه دوم، ارزشیابی مجلات رشد بزرگسال از منظر معلمان و کارشناسان آموزشی و مطبوعاتی، آسیب‌شناسی و ارائه الگوی استفاده از ظرفیت‌های بخش غیر دولتی در مأموریت ساماندهی منابع آموزشی و تربیت، امکان‌سنجی ارزیابی پیش از چاپ منابع آموزشی و تربیتی مکتوب و پایش ۵۰ ساله جشنواره بین‌المللی فیلم رشد و تدوین سند راهبردی جشنواره است.

او در این بخش به ارائه گزارشی دقیق از میزان کار انجام شده و روند مورد انتظار ارائه کرد و اظهار کرد: در محور بازنگری در انتشارات مباحثی چون چند رسانه‌ای شدن مجلات رشد، طراحی و تدوین نقشه راه تحولی مجلات رشد، بازطراحی صفحات الکترونیکی مجلات رشد، تطبیق عناوین مجلات تخصصی رشد با حوزه‌های تربیت و یادگیری و بازاریابی و نشر محتوای ده ساله اخیر مجلات رشد در قالب کتاب مد نظر قرار گرفته و اقدامات متعددی در این بخش‌ها انجام شده است.

در ادامه مدیر طرح و توسعه مالی، گزارشی از اقدامات این دفتر در حوزه فناوری آموزشی شامل سرفصل‌هایی چون ساماندهی منابع آموزشی، طراحی و اجرای الگوی نوین برگزاری جشنواره‌ها، قراردادهای، بودجه و پروژه‌های برون‌سپاری شده، ارائه کرد.

اجرای الکترونیکی ۳۰ مجله رشد

محمد ابراهیم محمدی، سرپرست دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیز در ادامه جلسه به ارائه گزارشی تفصیلی از برنامه‌های اجرای این دفتر پرداخت و گفت: دفتر انتشارات و فناوری آموزشی دارای کارها و عناوین متعددی است به همین خاطر شاید بتوان گفت که دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، تحت عنوان پیشانی سازمان شناخته می‌شود. بر همین مبنا نیز، تلاش ما این است که بتوانیم همان پشتیبانی نرم افزاری که ذکر شد، را در برنامه‌هایمان داشته باشیم. او افزود: نکته دیگر ارتباط مناسب دفتر انتشارات با دفتر تالیف نظری و دفتر فنی و حرفه ای و کاردانش است که سبب برگزاری جلساتی نزدیک و تبادل نظرات شده در راستای رشد و پیشرفت کار شده است.

سرپرست دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، مجلات الکترونیکی رشد را دارای رشد چشمگیر خواند و اظهار کرد: هم اکنون، بالغ بر ۳۰ عنوان از مجلات رشد، دارای صفحات اختصاصی در فضای فناوری و به شکل وب سایت هستند و روزانه شاهد، آمار نزدیک به ۶۰ هزار بازدید در این بخش هستیم. همچنین تلاش ما این است که بتوانیم ارتباطی معنادار بین مجلات تخصصی با حوزه‌های تربیت و یادگیری ایجاد کنیم.

محمدی درباره بخش تدوین استاندارد تولید مواد و رسانه‌های آموزشی مکتوب، گفت: در این بخش، تاکنون نزدیک به ۲۰ اثر در بخش آزمایشی، به انجام رسیده است. همچنین، هر ناشری که تمایل داشته باشد، می‌تواند به سایت مراجعه کرده و لیبل تاییدیه را از سوی ما، دریافت کند البته در این بخش نیازمند تبلیغات و معرفی به ناشران و علاقمندان در راستای توسعه کار نیز، هستیم.

بارگزاری محتوای مجلات رشد در شبکه رشد

او ادامه داد: امسال بر اساس نیازهایی که داریم کارهای جشنواره رشد را حمایت کنیم و بالغ بر ۱۰۷ کشور در این جشنواره حضور پیدا کرده‌اند و آثار مناسبی نیز به دست ما رسیده است. برای نخستین بار به چند زبان انگلیسی، فرانسه، عربی و فارسی فراخوان منتشر شده است و با استقبال مناسبی در فضای بین‌المللی رو به رو بودیم و چه بسا بتوان گفت که در فضای خارج از کشور، این جشنواره بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و شناخته شده‌تر است.

سید کمال شهابلو نیز در این بخش از جلسه به ارائه گزارشی در بخش انتشارات مجلات پرداخت

و گفت: کاری که در سال تحصیلی کنونی رخ داده، بیشتر شامل فعالیت‌های چند رسانه‌ای بوده است البته در این بخش پیش بینی ما قبل از وارد شدن به مرحله اجرایی، ارائه ۱۲۰ عنوان محتوای چند رسانه‌ای بود که خوشبختانه توانستیم در مرحله اجرای مجلات به ۱۳۰ عنوان محتوای افزوده برسیم.

تصریح کرد: در بحث کتابهای چاپ شده نیز، امروز از ۳۰ عنوان کتاب نام برده شده، بالغ بر ۲۷ کتاب چاپ شده و آماده ارائه است و سه عنوان باقیمانده در مرحله صفحه آرایی است. همزمان و به موازات فعالیت‌هایی که در تولید ۱۵۸ عنوان مجله انجام می‌دهیم تاکنون ۵ جلسه اندیشه ورزی با حضور صاحب نظران و دست اندرکاران عرصه تربیت داشته‌ایم و در بحث فطرت گرایی توحیدی در مجلات رشد، از نظرات این جلسات استفاده خواهیم کرد. حضور در شبکه شاد از جمله دیگر اقداماتی است که ما طی سال جاری دنبال کردیم لذا محتوای مجلات رشد تخصصی در اختیار مسئولان شبکه شاد شد و این مطالب بر روی این بخش بارگزاری خواهد شد تا افراد بتوانند به این محتوا دسترسی داشته باشند.

جهانگردی، به توضیحاتی درباره شیوه نامه پرداخت و گفت: شیوه نامه مورد نظر به صورت کامل و صد در صد انجام شده است. به لحاظ پژوهشی نیز، در جلساتی که در کمیته پژوهش برگزار شد، سخت گیری‌های متعددی لحاظ شد تا بتوانیم کارهایی کاربردی را ارائه کنیم.

او افزود: تاکنون بالغ بر ۴۲ کتاب در مرحله پیش از چاپ بررسی شدند که تعدادی تایید نشدند اما بالغ بر ۲۲ عنوان تایید و نشان استاندارد را دریافت کردند البته هدف اصلی ما اجرای آزمایشی کار بود تا بتوانیم برای آن سامانه‌ای طراحی کنیم و بتوانیم تا جایی که امکان دارد، به صورت مستقل کار را از طریق سازمان ارائه دهیم و از نیروهای داخلی سازمان بهره مند شویم.

شکرریز نیز در این بخش گفت: ما در دفتر انتشارات، بخش‌های مختلفی را چون تکنولوژی فناوری و انتشارات را با هم داریم که هر کدام دارای جنس‌های مختلفی است بنابراین مدیریت در این بخش کاری سخت و شایان تقدیر و تشکر است. فاز دوم کتاب الکترونیکی ۵۰ عنوان پیش بینی شده که آماده و تحویل داده شده است اما اگر دفاتر این مدل را مورد پذیرش قرار ندهند، طبعاً ممکن است مسیر دچار تغییر شود. لازم است که در مورد جشنواره‌ها، استودیوها و رمزینه‌های سریع پاسخ، موانع را برطرف کنیم زیرا برخی موارد باعث کاهش سرعت رشد می‌شود.

ضرورت بررسی کتاب‌های تالیف شده در مرحله پس از چاپ

دکتر علی محبی نیز در این بخش از جلسه، ضمن تشکر از اقدامات انجام شده، گفت: درصد پیشرفت کارها برابر برنامه در این دفاتر ملموس است و جای تقدیر و تشکر دارد. کتاب چاپ شده باید در راستای ورود به مدرسه ارزیابی شود اما وقتی کتاب پیش از چاپ مورد بررسی قرار گرفته و مهر تایید دریافت می‌کند، علاوه بر ایجاد کار بیشتر، می‌تواند امکان تبلیغاتی نیز به دنبال داشته باشد لذا لازم است که در این بخش تجدید نظر کنیم.

دکتر ملکی نیز در این بخش، گفت: تاکید ما بر این است که پیش از چاپ کاری با کتابهای تالیف شده نداشته باشیم و تنها بررسی در مرحله پس از چاپ انجام خواهد شد. در این مرحله اگر کتاب با شاخص‌های ما هماهنگی داشته باشد، مهر تایید دریافت خواهند کرد اما در این پروسه وارد حوزه پیش از چاپ نخواهیم شد.

محمد علوی تبار نیز در این بخش گفت: تناسب بین برنامه‌های اجرایی و موارد مصوب در این دفتر قابل توجه بود و جای تقدیر و تشکر دارد البته در راستای بهبود اقدامات این دفتر نیاز است که به تیراژ فیزیکی نشریات رشد توجه زیادی داشته باشیم زیرا با توجه به اینکه مجلات ما شکلی خودگردان دارند، باید بر روی مباحث جانبی این بخش، نظیر مسائل مالی نگاه کنیم و برای آن راهکارهای تازه‌ای بیاندیشیم.

او افزود: سعی ما بر این است که در بحث تحولی و به خصوص رمزینه‌ها هیچ مشکلی ایجاد نشود. بر همین مبنا هر تجهیزات و پشتیبانی سخت افزاری که باید از سوی دفتر ما تامین می‌شود، کامل ارائه شود البته تلاش ما این است که در بخش خدمات رفاهی نیز اقداماتی را پیش بینی کنیم.

دکتر حسن ملکی نیز در جمع بندی این جلسه گفت: ما مکلف به اجرای قانون ۸۲۸ هستیم که متأسفانه علی‌رغم اقداماتی که در گذشته انجام شده بود، به مرحله اجرا نرسید. ما در این راستا یک آیین نامه اجرایی در شورای سیاستگذاری مصوب کردیم لذا مکلف به عملیاتی کردن آن آیین نامه اجرایی هستیم. در این آیین نامه بنا بر این است که تولیدات منابع آموزشی مورد بررسی قرار گیرد و هر کدام که تایید شد، مهر استاندارد ما را دریافت کند و آرام آرام به سمتی برویم که منابع مطلوب و مناسب والدین و دانش آموزان را تایید کند لذا ما بیش از این به دنبال هیچ چیز نیستیم و در مسیر قبل از چاپ قرار نخواهیم شد.

ضرورت سرمایه گذاری بر بخش تبلیغات

او ادامه داد: فاز دوم محتواهای الکترونیکی بدون تردید باید ادامه پیدا کند زیرا ما مصمم هستیم که در این بخش محتواهای الکترونیکی تولید کنیم. فاز نخست این کار انجام شده است و باید فازهای دیگر نیز دنبال شود زیرا ما در حال حرکت به سمت آموزش‌های ترکیبی هستیم و نیازمند عملیاتی شدن این بخش هستیم.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تصریح کرد: در رابطه ما مساله پسا کرونا، درخواستی از سازمان شد مبنی بر اینکه در دوران به پایان رسیدن پاندومی کووید ۱۹، و در شرایط عادی، برنامه‌های درسی مدارس چگونه باید باشد و روند ما آیا به شکل گذشته باز خواهد گشت یا این اوضاع باعث تغییر ذائقه کودکان شده و والدین چیز دیگری از ما می‌طلبند؟ لذا ما باید پاسخی عالمانه به این فضا ارائه کنیم و ضروری است که تحقیق و پژوهشی در این راستا و توسط دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، و با همکاری سایر دفاتر انجام شود.

ملکی خاطر نشان کرد: ضروری است که بر روی بعد تبلیغی تمرکز بیشتری داشته باشیم و برش رسانه‌ای خود را تقویت کنیم. به عنوان مثال در مواجهه با ماده قانون ۸۲۸ و اقدامی که انجام شده، آیا ما باید منتظر متقاضی باشیم یا باید وارد عمل شویم و این مساله را در جامعه تبدیل به مطالبه عمومی کنیم. ما باید بتوانیم فضایی را ایجاد کنیم تا والدین بدانند که کتابهای مورد تایید سازمان پژوهش، مطلب مفید و سالمی برای کودکانشان است. بدیهی است که این امر به آسانی ایجاد نمی‌شود لذا لازم است که برای ایجاد گفتمان غالب در جامعه و معرفی این بخش، اقداماتی را مد نظر قرار دهیم و از تبلیغ و گفتمان سازی بهره مند شویم.

لزوم توجه به

زیرساخت‌های سخت افزاری در شبکه رشد

او ادامه داد: زحمات بسیاری در شبکه ملی رشد، کشیده شده است و به همین خاطر، امروز این بخش با گذشته تفاوت بسیاری پیدا کرده و شاهد رشد آن است، اما با این وجود ما هنوز با حد مطلوب فاصله داریم. حد مطلوب ایجاد انس و الفت مناسب بین دانش آموزان این شبکه است لذا باید شبکه ملی رشد هم معروفیت و هم مرجعیت به دست آورد البته لازمه این امر تحقق زیرساخت در این بخش است.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تصریح کرد: در این راستا ما ابتدا باید توان زیرساخت شبکه رشد را مورد بررسی قرار دهیم و به ظرفیت سازی در این بخش پردازیم. ملکی بر لزوم توجه به رمزینه‌های سریع پاسخ تاکید کرد و گفت: در نظام تعلیم و تربیت ما رمزینه‌های سریع پاسخ یک اقدام فناورانه کم نظیر است اما یقیناً هنوز در این بخش به نظر نیاز داریم. منظور از نظر نگاه کارشناسان است تا هیچ کتاب، هیچ درسی بدون رمزینه نباشد و رمزینه‌ها نامنظم و ناهمگون نیز نباشند و شاهد یک نظم و همراهی درست در این بخش باشیم به گونه‌ای که مخاطب احساس کند که فرهنگی بر این بخش حاکم است و فضا رها نیست. بدیهی است که این اتفاق در نتیجه تجربه رخ خواهد داد اما ضروری است که به این سمت باید حرکت کنیم.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزش



هویت‌زدایی از
آموزش‌های سنتی،
یک سم است و
اعتبارزدایی از آموزش‌های
الکترونیکی یک غبن



به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، امروز چهارشنبه ۲۸ مهرماه در راستای اجرای برنامه‌های زیرنظام پژوهش و ارزشیابی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با هدف ارتقاء سطح دانش علمی اداره کل شهرستانهای استان تهران نشست تخصصی با عنوان "آموزش و پرورش پسا کرونا: الزامات و اقتضائات" به صورت حضوری و وبیناری برگزار شد.

دکتر حسن ملکی در این نشست با اشاره به موضوع آموزش در دوران پسا کرونا اظهار کرد: پیش از ورود به بحث اصلی لازم است مقدماتی را طرح کنم؛ مورد نخست آنکه یک سری اهداف تربیتی اصیل در اسناد بالادستی از جمله سند تحول بنیادین و همینطور در برنامه درسی ملی به عنوان سند فرعی مطرح است که این اهداف اصیل تربیتی نه با کرونا عوض می‌شود و نه با پسا کرونا تغییر پیدا می‌کند. اهداف تربیتی که ما در اسناد بالادستی داریم و به احتمال زیاد کارشناسان محترم پژوهش و سایر همکاران به این اسناد مراجعه کرده‌اند می‌دانند که برخی از این اهداف قابل تغییر نیستند. باید تلاش کنیم آنها را بشناسیم و برای عملیاتی کردنشان برنامه داشته باشیم

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ضرورت‌های آموزش در دوران پسا کرونا را برشمرد و گفت: هنر ما در پسا کرونا باید حفظ تعادل میان آموزش‌های حضوری و مجازی باشد.

حسن ملکی با اشاره به موضوع آموزش در دوران پسا کرونا اظهار کرد: پیش از ورود به بحث اصلی لازم است مقدماتی را طرح کنم؛ مورد نخست آنکه یک سری اهداف تربیتی اصیل در اسناد بالادستی از جمله سند تحول بنیادین و همینطور در برنامه درسی ملی به عنوان سند فرعی مطرح است که این اهداف اصیل تربیتی نه با کرونا عوض می‌شود و نه با پسا کرونا تغییر پیدا می‌کند. اهداف تربیتی که ما در اسناد بالادستی داریم و به احتمال زیاد کارشناسان محترم پژوهش و سایر همکاران به این اسناد مراجعه کرده‌اند؛ می‌دانند که برخی از این اهداف قابل تغییر نیستند. باید تلاش کنیم آنها را بشناسیم و برای عملیاتی کردنشان برنامه داشته باشیم

وی افزود: برخی اهداف تربیتی ما ریشه در آموزه‌های وحیانی و تعلیمات قرآنی دارند که اگر شما به برنامه درسی و سند تحول بنیادین رجوع کنید از این اهداف اصیل مبتنی بر آموزه‌های وحیانی را به طور متعدد ملاحظه می‌کنید. بنا ندارم در اینجا به همه اهداف که ریشه در تعلیمات قرآنی ما دارند و با زمان تغییر نمی‌کنند و ما باید تابع آنها باشیم و عملیاتی کنیم به طور تفصیلی اشاره کنم، فقط به یک جهت گیری کلی اشاره می‌کنم و آن این است که ما در تعلیم و تربیتمان، یک تعلیم و تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، علمی عملی و اخلاقی دانش آموزان را داریم که اگر آنها به این اهداف رسیدند بتوانند موقعیت خودشان را نسبت به خودشان، نسبت به خدا، نسبت به دیگر انسان‌ها و نظام خلقت به درستی درک کرده و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خودشان را کسب کنند.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با بیان اینکه این جهت‌گیری ما در هدف‌ها، ارتباطی به کرونا و پسا کرونا ندارد گفت: ممکن است شرایطی مانند کرونا موانعی ایجاد و در فرایند تحقق

این اهداف اختلال ایجاد کنند، اما ماهیت این اهداف برآمده از شرایط نیستند، بلکه شرایط باید خود را وفق بدهند تا تعلیمات مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و قرآنی ما در مدارس تحقق یابد و دانش آموزان متناسب با این اهداف تربیت شوند. البته یکسری اهداف تربیتی هم وجود دارد که ریشه در یکسری واقعیات اقتصادی و اجتماعی متغیر دارند و تغییر می‌کنند و نمی‌توان گفت آنها اهداف ثابت هستند بلکه برآمده از برخی تحولات و فعل و انفعالات برآمده از شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امثال اینها هستند.

وی تاکید کرد که اگر ما از حذف کرونا حرف می‌زنیم و می‌گوییم که باید این طور عمل بکنیم و اینطور عمل نکنیم باید توجه داشته باشیم که ما یکسری اهداف تربیتی اصیل داریم که نظام تربیتی باید خودش را مسئول بداند تا زمینه سازی کرده و شرایطی فراهم کند که اهداف با درصد بالایی در مدارس ما تحقق یابد و شرایط اجرایی اش را فراهم کند، با آسیب های مخمل آن اهداف مقابله کرده و آسیب شناسانه برخورد و در جهت رفع آنها هم تلاش کند.

وی افزود: نکته دوم این است که ما در مواجهه با پسا کرونا باید از دو طرز تلقی ناصحیح و ناروا پرهیز کنیم؛ که یکی از آنها «عصرپنداری» و دیگری «سهل انگاری» است. این دو باید در خصوص فهم دوران پسا کرونا مورد توجه یک کارشناس تعلیم و تربیت قرار بگیرد. درباره پسا کرونا باید نسبت به این دو اصل پرهیز کرده و واقع بینانه برخورد کنیم. نباید نسبت به پسا کرونا به عنوان عصری که در انتظارش هستیم و او در انتظار ماست طرز تلقی داشته باشیم که به دنبال آن باری از چه باید کردها و چه کنم ها را به ذهن خود تحمیل کرده و بعد نتوانیم به درستی تصمیم بگیریم.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی با بیان اینکه تغییرات فناورانه در زندگی ما و همه جهان رخ داد، اما ربطی به کرونا نداشت اظهار کرد: درست است که کرونا آن را تشدید کرد و باعث شد سریعتر به آن بپردازیم، اما فناوری از سال های قبل و نحوه بهره برداری از فناوری اطلاعات در تصمیم گیری های تعلیم و تربیت در جوامع بشری شکل گرفته بود و مبادا این طرز تلقی ایجاد شود که کرونا آمد و ما را به فناوری و آموزش مجازی متصل کرد.

ملکی افزود: بله، بنده هم تصدیق می‌کنم که اگر کرونا نبود شاید با این سرعت عمل به آموزش های مجازی و یادگیری های الکترونیکی روی نمی‌آوردیم؛ اما باید توجه کرد که این مسئله علت های متعددی دارد و باید تلقی ما نسبت به این پدیده اینگونه باشد که گویی در راهی حرکت می‌کنیم، به یک نقطه طوفانی رسیده ایم. در یک جاده، نه راه تغییر می‌کند و نه هدف عوض می‌شود و ما در همان راه قرار داریم و به سوی اهداف مورد انتظار حرکت می‌کنیم اما پدیده ای

مانند کرونا با ابعاد منفی که برای جامعه ما ایجاد کرد باعث شد نحوه حرکتمان را بازاندیشی کنیم وگرنه هدف ما همان هدف است و راه ما همان است.

وی تصریح کرد که بنابراین نباید عصرپنداری کنیم و اینطور تلقی کنیم که کرونا دارد تمام می‌شود و می‌خواهیم وارد یک عصر نوینی به نام پساکرونا بشویم که این تلقی بزرگنمایی از پساکرونا است. البته در مقابل این طرز تلقی ناصحیح نباید دچار سهل بینی شویم و لازم است که هوشیاری خود را تقویت کرده، مطالعات لازم انجام شود و کارشناسان توجه کنند و بدانند ضرورت‌های مطالعاتی چه هستند و باید شما کارشناسان خودتان را به توانایی‌های مربوط به آموزش مجازی تجهیز کرده و از نگاه عصرپنداری و سهل انگارانه پرهیز کنید. این نگاه باعث می‌شود که پساکرونا را نوعی رجعت بدون مانع به آموزش‌های مدرسه‌ای در نظر بگیریم. همانطور که نباید عصرپنداری داشته باشیم سهل انگاری هم درباره پساکرونا روا نیست و باید واقع بین باشیم. واقعیت‌ها را به درستی بفهمیم و مواجهه خودمان را با واقعیات موجود و آتی به درستی مدیریت کنیم.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی درباره تحولات آموزش و پرورش در دوران پساکرونا نیز گفت: وقتی اوضاع فعلی به اتمام رسید علی‌الظاهر به یک شرایط بدون مسائلی که امروز گرفتارش هستیم می‌رسیم؛ در آن زمان باید چه تحولاتی را مدیریت کنیم؟ چه ضرورت‌هایی را باید بپذیریم و آنها را در ادامه اوضاعی که از قبل از کرونا در زندگی ما شروع شده بود ادامه دهیم؟ یکی از آنها ضرورت وجود ابزار الکترونیکی شخصی در تعلیم و تربیت است که برخی عنوان یادگیری سیار را هم به آن اطلاق کرده‌اند که بارزترین مصداقش همین گوشی‌های تلفن همراه باشد که در دست همگان است.

وی افزود: برخورداری از گوشی هوشمند در دوران پساکرونا به مثابه یک ابزار اساسی آموزش و عنصر مهم فعالیت‌های یادگیری و یاددهی در نظام تعلیم و تربیت ما مورد پذیرش قرار گرفته است ولی در پساکرونا این پذیرش با قوت بیشتری نمایان خواهد شد و جامعه ما دیگر نخواهد توانست گوشی‌های همراه را از دانش‌آموزان بگیرد. اکنون نوجوانان ما متوجه شده‌اند که می‌توانند از طریق این ابزار اطلاعات زیادی به دست آورده و چیزهای زیادی یاد بگیرند. این موضوع به عنوان یک ضرورت در دوران پساکرونا مطرح شده است. قبل از کرونا مدیریت مدارس و حتی والدین مراقب بودند که دانش‌آموزان با گوشی تلفن همراه وارد کلاس درس نشوند، زیرا نظر این بود که در فرایند یاددهی - یادگیری اختلال ایجاد می‌کند، اما اکنون به یک ضرورت تبدیل شده است.

ملکی با اشاره به اینکه ضرورت دومی که مطرح است لزوم توجه به سواد رسانه‌ای به عنوان یکی

از شایستگی‌های معلم است گفت: آنها که در نظام تعلیم و تربیت کار کرده‌اند؛ می‌دانند که مسئله شایستگی‌های معلم امروز به عنوان یک مقوله مهم در دنیا مطرح است و مطالعات بسیاری روی آن انجام شده و خواهد شد، زیرا اگر معلم از یک سری شایستگی‌ها برخوردار نباشد نخواهد توانست دانش‌آموزان را به اهداف مورد انتظار برساند.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ادامه داد: شایستگی‌هایی را مطرح می‌کنند که برخی مربوط به امور تخصصی و برخی مربوط به تربیت اجتماعی دانش‌آموزان و سایر ابعاد می‌شود. اما شرایط کرونایی باعث شده است که برای پساکرونا یک واقعیت مسلم را بپذیریم و آن واقعیتی به نام «سواد رسانه‌ای» است که ما باید در پساکرونا برای آن برنامه داشته باشیم و موضوع تقویت سواد رسانه‌ای در دانشگاه‌های فرهنگیان و شهید رجایی مورد توجه قرار بگیرد.

وی با بیان اینکه برخورداری از قابلیت و توانمندی مربوط به سواد رسانه‌ای یکی از شایستگی‌های حرفه‌ای برای تصدی شغل معلمی است عنوان کرد: اگر معلمی همه شایستگی‌ها را داشته باشد اما سواد و مهارت رسانه‌ای نداشته باشد؛ نمی‌تواند در این اوضاعی که آموزش‌های مجازی و محتوای الکترونیکی به یک ضرورت تبدیل شده بهره‌برداری درستی داشته باشد. البته این هم مسئولیت ما را در سازمان پژوهش زیاد می‌کند که به طور ویژه کارگروهی تشکیل داده ایم که برای دانشگاه فرهنگیان مسئولیتی ایجاد می‌کند. بنابراین سواد رسانه‌ای معلمان در دوران پساکرونا یکی از اضلاع شایستگی‌های حرفه‌ای است که باید به آن پرداخته شود.

ملکی ادامه داد: ضرورت سوم این است که ما باید از هویت زدایی از مفهوم سنتی مدرسه پیشگیری کنیم. یکی از چالش‌های شیوع ویروس کرونا، تعطیلی مدارس بود و به طور نابهنگام در آموزش‌های حضوری توقف به وجود آمد و باعث شد آموزش‌های مجازی رواج یابد و خانواده‌ها، مدارس، دانش‌آموزان، معلمان، مربیان پرورشی، همه و همه در برابر این واقعیت خضوع کردند، زیرا راهی به جز خاضع شدن نداشتند. واقعیتی به وجود آمده بود به نام تعطیلی مدارس؛ آموزش‌های حضوری به طور نابهنگام تعطیل شد و قریب به دو سال است که با این واقعیت دست و پنجه نرم می‌کنیم. رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی افزود: انشاءالله آرام به سمت بازگشایی مدارس حرکت می‌کنیم، اما نکته این است که در پساکرونا احتمالاً بسیاری از دانش‌آموزان این سوال را مرور خواهند کرد که "وقتی می‌توانیم از طریق فضای مجازی مطالبی را بیاموزیم و یاد بگیریم چه نیازی هست که در مدرسه حضور یابیم؟".

وی با تأکید بر اینکه باید مهارت‌های لازم را به دست بیاوریم، معلمان ماهرتر باشند، جوان‌ها مهارت

لازم را به دست بیاورند و از وجوه مثبت آموزش‌های مجازی بهره‌برداری کنیم عنوان کرد: ضمن اینکه به این امر اعتقاد داریم ولی هرگز معتقد هم نیستیم که باید جایگزین آموزش حضوری بشود. بلکه آموزش مجازی به عنوان روشی که می‌تواند جایگزین آموزش حضوری بشود نگاه نمی‌کنیم و شاید وجه متمایز نظام آموزشی ما با نظام‌های آموزشی دیگر در همین است.

ملکی افزود: مزه تربیتی آموزش‌های حضوری در ذائقه همه هست و این معنا را درک کرده‌اند که در آموزش حضوری آثار و برکات و خیریه هست که هرگز در آموزش‌های مجازی قابل وصول نیست و به همین علت در همین ایام کرونایی هم ملاحظه کردید که تعدادی کشورها مدارسشان را تعطیل نکردند، برخی جاها مدتی تعطیل بودند و سریع بازگشایی کردند. مقالات متعددی نوشته شد و وبینارها و سمینارهایی برگزار و اغلب دیدگاه‌ها این بود که آموزش غیرحضوری و تعطیلی مدارس باعث افت تحصیلی نامرئی شده است.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی افزود: دانش آموزان علی‌الظاهر نمره می‌گرفتند و نمرات بالایی هم کسب می‌کردند و بعضاً والدین به جای آنها حل مسئله می‌کردند و این هم جزء حواشی طبیعی این رویداد است که به وجود آمد اما معلوم نیست چقدر تربیت شدند و چقدر یاد گرفتند. اکنون که برخی مدارس باز شده‌اند یک عقب‌ماندگی‌هایی تحصیلی محسوس است و آموزش‌های غیرحضوری این ظرفیت را برای دستیابی به اهداف تربیت وسیع ندارد.

وی با بیان اینکه ما و همه همکاران نظام تعلیم و تربیت باید ضمن استمداد از بهره‌مندی از آموزش‌های مجازی باید در برابر هویت زدایی از مفهوم سنتی مدرسه هم بایستیم و برنامه‌های پیشگیرانه برای این مسئله هم داشته باشیم اظهار کرد: نکته دیگر که باید در دوران پسا کرونا روی آن کار پژوهشی انجام شود و نه صرفاً کار کارشناسی، «تقویت بنیان‌های نظری آموزش حضوری» است. باید از طریق مطالعات، پژوهش‌ها، شورای پژوهشی ادارات کل استان‌ها، در ستاد و سازمان روی این زمینه کار شود. باید بنیان‌های نظری مکشوف به جامعه معلمان معرفی شود. اگر از آموزش‌های حضوری حمایت می‌کنیم دلیل علمی‌اش چیست؟ فراتر از این سخنانی که مطرح می‌کنیم مبنای نظری آموزش‌های حضوری کدام‌اند.

ملکی تأکید کرد که باید نظریه پردازان ما روی مبانی نظری این مسئله کار کنند اگر بنیان‌های نظری یک موضوع را معلوم نکنیم صرفاً با گفتار و بخشنامه و خواستن‌ها کار درست نمی‌شود و باید روی بنیان‌های نظری کار شود و بر پایه آن برنامه‌های عملیاتی طراحی و به جامعه معرفی شود و آرام به این سمت برویم که آموزش‌های حضوری صیانت شوند.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با بیان اینکه یکی از آفت‌های اوضاعی که پیش آمد، ضمن برکات این فهم فناورانه این است که دانش آموز به یک بی‌نیازی از آموزش‌های حضوری برسد، به اهم مزایای آموزش‌های حضوری اشاره و عنوان کرد: در آموزش‌های حضوری نظام ارتباطی اثربخش برای دانش آموزان و معلمان فراهم می‌شود. انسان بالعصا یک موجود اجتماعی است و اگر کار اقتصادی، سیاسی و تربیتی می‌کند باید آن را در اجتماع انجام دهد. سرشت انسان سرشت تفردگرا نیست. این یک مکتب و امکان تربیتی است که در آموزش‌های غیرحضوری به طور طبیعی وجود ندارد.

وی افزود: اثر دیگر آموزش حضوری این است که امکان بهره‌گیری از الگو را برای دانش آموزان فراهم می‌کند. معلم برای دانش آموزان سرمشق، الگو و اسوه است. بین معلم و متعلم رابطه ظریف و عمیقی وجود دارد که آن را در جای دیگری نمی‌توان یافت. این امکان بهره‌برداری از الگو در آموزش حضوری تحقق می‌یابد و متعلم باید معلم را بدون واسطه ببیند. هر قدر واسطه بیشتر به میان بیاید اثرگذاری الگو کمتر می‌شود. بسیاری اهداف تربیتی ما از طریق الگو گرفتن محقق می‌شود. بسیاری اخلاقیات و اهداف تربیتی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی با الهام از رفتار معلم دست یافتنی است. ملکی با بیان اینکه سومین ویژگی آموزش حضوری یادگیری پنهان است که در برخی منابع به عنوان برنامه درسی پنهان از آن یاد می‌شود گفت: مراد از این یادگیری‌ها، یعنی یادگیری‌های قصد نشده و پیش بینی نشده که در محوطه مدرسه و حیات مدرسه و تعاملات دانش آموزان با یکدیگر محقق می‌شود. گاهی دانش آموزی چیزی از این طریق کسب می‌کند که هرگز از برنامه درسی رسمی کسب نمی‌کند که گاهی می‌تواند منفی و گاهی اوقات هم مثبت باشد.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با تاکید بر اینکه باید دانش آموزان را در ساحت‌های مختلف، تربیت کرد و این مهم در آموزش غیرحضوری محقق نمی‌شود اظهار کرد: امکاناتی که مربوط به ظرفیت بالای تعلیم و تربیت چندساحتی می‌شود در آموزش غیرحضوری وجود ندارد. اگر از آموزش حضوری حمایت می‌کنیم به علت عظمت و ارزشی است که دارد.

وی بر لزوم بازتعریف عناصر برنامه درسی در دوران پسا کرونا تاکید و اظهار کرد: برنامه درسی یعنی محتوا، معلم، روش، فضا، زمان، محیط، ارزش‌گذاری و امثال اینها. بازاندیشی و بازتعریف عناصر در دوران پسا کرونا لازم است و باید روش‌ها و شیوه‌های دستیابی به اهداف تربیتی اصیل را مورد توجه عمیق قرار دهیم و درباره محتوا بازاندیشی کنیم.

ملکی با اشاره به اینکه از آغاز سال تحصیلی جاری، محتوای برنامه درسی آموزش غیرحضوری به

مدارس بخشنامه شد گفت: اگر این برنامه را ملاحظه کنید متوجه می‌شوید که بازتعریف عناصر برنامه درسی به چه معناست. هریک از عناصر برنامه درسی باید با نگاه یادگیری ترکیبی، تلفیقی مورد توجه قرار بگیرد. اخیراً معتقدیم پساکرونا دوره یادگیری ترکیبی است. نه باید از آموزش سنتی هویت‌زدایی شود و نه به آموزش‌های مجازی بی‌اعتنایی شود. هویت‌زدایی از آموزش‌های سنتی، یک سم است. بی‌اعتنایی به آموزش‌های الکترونیکی غبن است.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تأکید کرد: بی‌تردید آموزش غیرحضوری هرگز نمی‌تواند جایگزین آموزش حضوری مستقیم و چهره به چهره شود اما باید بپذیریم که این اتفاق افتاده و نظام تعلیم و تربیت ما در پساکرونا با سوالات جدی مواجه خواهد شد. آموزش و مدرسه مجازی از جمله مواردی است که می‌تواند در پساکرونا به یک گفتمان آموزشی قوی تبدیل شود و نظام تعلیم و تربیت ما را تحت تأثیر قرار دهد. در برابر این پدیده نه باید منفعل باشیم و نه فعال منفی باشیم و در برابر این واقعیت بایستیم. مکلف‌ایم از امکانات یادگیری الکترونیکی بهره‌برداری‌های لازم را داشته باشیم. وی افزود: باید در پساکرونا هنرمان حفظ تعادل باشد. باید برنامه عملیاتی داشته باشیم و کار کنیم. یادگیری الکترونیکی طوری باشد که جا را برای آموزش‌های حضوری تنگ نکند و آموزش‌های حضوری هم نباید با آموزش مجازی تحجری و انجمادی برخورد کند باید توازنی در برخورد با این دو واقعیت ایجاد کنیم تا بتوانیم دانش‌آموزان را متوازن تربیت کنیم.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی



باید

پیوند نظر و عمل

در شورای اندیشه‌ورز

مد نظر

قرار گیرد



شورای اندیشه ورزی با حضور رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و جمعی از کارشناسان و صاحب نظران، روز یکشنبه ۹ آبان ماه برگزار شد.

در ابتدای این جلسه دکتر عبدالله اسدی مشاور رئیس سازمان و دبیر برگزاری جلسات شورای اندیشه ورزی، از تغییراتی در ترکیب بندی جلسات خبر داد و گفت: تا پیش از این شورای اندیشه ورزی اعضای ثابتی داشت اما در ترکیب جدید، تصمیم بر این شد که افراد جامع‌تری را در موضوعات مختلف مد نظر قرار دهیم. در این روند طی هر جلسه و بنا بر دستورات هر نشست، افرادی که به آن موضوع مسلط‌تر هستند، به جلسه دعوت خواهند شد لذا جلسات تخصصی‌تری را خواهیم داشت.

او افزود: در ادامه تغییرات، حضور همه ارکان و اضلاع سازمان که بناست متصل به موضوع مربوط به جلسه باشند، نیز الزامی است. در واقع تلاش ما این است که اتصالات و کمکی که شورا می‌تواند به موضوع مورد نظر داشته باشد، در همین جلسه مشخص شود و بخش‌های مربوطه آن را به صورت مستقیم دریافت کنند.

در ادامه دکتر حسن ملکی معاون وزیر و رئیس سازمان بر لزوم تداوم هیات اندیشه ورز تأکید کرد و گفت: هیات اندیشه ورز به عنوان عقل منفصل سازمان به شمار می‌رود زیرا تلاش ما این است که بتوانیم از این بخش، در راستای تصمیم‌گیری‌های بهتر استفاده کنیم.

او افزود: بدیهی است که با این دیدگاه، یک هیات اندیشه ورز ماموریت مدار است زیرا در این روند قصد معینی را دنبال می‌کنیم لذا اگر هدف مورد نظر برای اعضای هیات اندیشه ورز یادآوری نشود، ممکن است ما را در رسیدن به مقصود با مشکل رو به رو کند.

پیوند نظر و عمل در شورای اندیشه ورز باید مد نظر قرار گیرد

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تصریح کرد: من تأکید دارم که هیات اندیشه ورز، به عنوان یک هیات باقی بماند و به عنوان یک گروه اندیشه ورز، رها از بروکراسی کار را دنبال کند زیرا راهبرد اصلی ما تفکر و ارائه حاصل از آن است. البته منظور از تفکر نگاه فردی نیست بلکه تفکر جمعی دیدگاه ماست لذا در کنار نکات یاد شده، ادامه دار بودن و تداوم این هیات نیز، ضروری است. با همین دیدگاه نیز لازم است که هیات اندیشه ورز فارغ از قیود سازمان‌ها، بایدها، نبایدها و هنجارهای رسمی فکر کنند و حاصل اندیشه آنان، در اختیار سازمان قرار گیرد تا به واسطه آن بتوانیم اهداف سازمان را هر چه بهتر پیش ببریم.

دکتر ملکی بر لزوم توجه به ابعاد مختلف در روند برگزاری جلسات هیات اندیشه ورز تأکید کرد و گفت: ضروری است که مراقب باشیم که در هیات اندیشه ورز به واحد تحقیق و پژوهش تبدیل

نشویم البته این به معنای انجام ندادن کارها با تحقیق و پژوهش نیست؛ منظور اصلی من این است که هدف ما از تشکیل هیات اندیشه ورز این نیست که برای هر اقدامی تحقیق و پژوهش انجام دهیم و مدتی را نیز برای هر تحقیق صرف کنیم به عبارت دیگر روح حاکم بر این کار اندیشه ورزی است البته ممکن است که ضمن کار، اقدامات تحقیقی نیز انجام شود اما راهبرد اصلی ما اندیشیدن است لذا تلاش ما شناسایی مساله‌ها و اندیشیدن و تفکر درباره موارد مطروحه است. در این مسیر، ممکن است هر فردی برای نظر دادن، به ده‌ها تحقیق مراجعه کند اما نگاه ما نتیجه و اندیشه فرد است.

او ادامه داد: نکته دوم این است که ما در این هیات باید سعی کنیم که به یک شورای صرفا اداری تبدیل نشویم البته این به معنای حضور و معطلی در فضایی غیر رسمی نیست بلکه بیشتر عبور از قیود و بروکراسی اداری مد نظر است لذا ما باید بین این دو مرز، به مدیریت بپردازیم تا کار علاوه بر داشتن یک انضباط معقول، مبتلای به قیود مرسوم نیز، نشود.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی بر لزوم ارائه نظرات عملی تاکید کرد و افزود: ما در این هیات باید مراقب باشیم که در مباحث نظری شناور نشویم البته بدیهی است که باید برای رسیدن به هدف اصلی، بحث‌های نظری انجام شود اما این بحث‌ها باید به ثمر و میوه عملی تبدیل شود. در واقع هیات اندیشه ورز را باید باغبانی بدانیم که باید در نهایت منتظر ظاهر شدن میوه بر روی درخت باشد لذا نباید صرفا به دنبال بحث‌های نظری باشیم. با این دیدگاه من معتقدم که یکی از هنرهای این هیات اندیشه ورز، باید پیوند بین نظر و عمل باشد.

دکتر ملکی تصریح کرد: در این مسیر، ما باید مراقب باشیم که از عاملان و کنشگران عرصه تعلیم و تربیت دور نماییم. به تعبیری ترجیح این است که حاضران هیات اندیشه ورز، باید به متن و بطن مدارس متصل شود و انعکاسی از واقعیت‌هایی را ارائه کند که در برخی از مدارس مشاهده می‌شود. او به طرح سوالات مهم در این جلسه پرداخت و گفت: تلاش ما در این جلسه دستیابی به پاسخ برای چند سوال است که همگی به یکدیگر متصل هستند. سوال مبنایی و اصلی در جلسه پیش رو، این است که بسته تربیت و یادگیری اساسا به چه معنایی است؟ زیرا بسته تربیت و یادگیری به عنوان یک مفهوم نیازمند تعریف کاملتری است. سوال دیگر این است که بسته تربیت و یادگیری در هر یک از دوره‌های تحصیلی چه معنایی دارد؟ به عنوان مثال این بسته در دوره ابتدایی چه مختصاتی را داراست و در مورد دیگر دوره‌ها، این دیدگاه و تعریف چگونه است؟

یکپارچه نگری در بسته تربیت و یادگیری ضروری است

در ادامه دکتر اسدی، به ارائه تعریف بسته تربیت و یادگیری حاصل از جلسات قبل پرداخت و گفت: بسته تربیت و یادگیری مجموعه‌ای یکپارچه، معتبر، منسجم، پویا و تعاملی از اجرا متنوع آموزشی با محوریت کتاب درسی به همراه تجویزات روشی و توصیه‌ها و پیشنهادات ابزاری که در آن به حاصل ضرب مختصات مخاطب در امکانات و اقتضائات محیط و زمانه توجه شده است و هدف آن تحقق تربیت به عنوان یک فرایند یکپارچه و جامع در هر عنوان درسی به تفکیک مقاطع و پایه‌های تحصیلی در مخاطبین است.

دکتر علی محبی، قائم مقام رئیس سازمان نیز در ادامه این جلسه، به ارائه گزارش اقدامات سازمان در راستا پرداخت و بیان کرد: پیش از این تعریف دیگری نیز در دفتر فنی و حرفه ای ارائه شده بود که سبب شد کار منسجم‌تری، در آن دفتر انجام شود. یکی از برنامه‌های عملیاتی ما تولید بسته‌های تربیت و یادگیری است لذا در دفتر آموزش نظری سه کارگروه در این راستا تشکیل شد. او افزود: هم اکنون، یکی از کارگروه‌های تشکیل شده، به دنبال به حل اشکالات مربوط به راهنماهای تولید شده و پاسخ به سوالات شورای عالی است. کارگروه دوم نیز سعی در تکمیل راهنماها دارد اما کارگروه سوم به دنبال تعیین تکلیف بسته تربیت و یادگیری و تدوین راهنمای عملی بسته‌های تربیت و یادگیری است. کار در این سه کارگروه در حال انجام است و هنوز به خروجی قابل ارائه دست پیدا نکرده‌ایم.

دکتر معصومه نجفی پازوکی، سرپرست دفتر تألیف کتاب‌های آموزش عمومی و متوسطه نظری، بر لزوم توجه به سوالات پایه‌ای در مسیر تاکید کرد و گفت: در رابطه با کارگروهی که مربوط به بسته یادگیری است، تاملی انجام گرفته و تاکنون سوال‌هایی نیز در زمینه تولید بسته یادگیری، مشخص کرده‌ایم اما نکته اصلی تعیین دیدگاه ماست.

او ادامه داد: در سالهای گذشته، تولید اجزایی در کنار کتاب درسی، درون سازمان رایج بود لذا اجزای تولیدی، بیشتر نقش پشتیبان را داشتند. در واقع این بسته‌ها به نحوی طراحی می‌شدند که حتی اگر نبودند یا به دست معلم نمی‌رسیدند نیز، کار ناقص نمی‌ماند زیرا این بخش‌ها، به نحوی پشتیبان بودند. به عنوان مثال فیلم‌هایی که تحت عنوان «بر فراز آسمان» برای آموزش معلم تولید می‌شد، اجزایی بودند که به همراه کتاب درسی آماده می‌شدند و اهداف خود را داشتند اما اجزا و عناصر پشتیبان بود.

سرپرست دفتر تألیف کتاب‌های آموزش عمومی و متوسطه نظری تصریح کرد: از چهار سال پیش، نگاه ما در سازمان بر یکپارچه سازی بسته‌ها متمرکز شد لذا دیگر تولید بسته‌های تربیت و یادگیری به معنای گذشته نبود. بر همین مبنا ما در پایه اول ابتدایی، نمونه‌ای که کار کردیم، متفاوت دیده شد لذا دیگر بقیه اجزا به کتاب افزوده نشدند. در این دیدگاه، از همان ابتدا که طراحی آموزشی شکل داده می‌شود، یک سناریو نوشته، و بر اساس آن اهداف مشخص دنبال می‌شود به همین خاطر، مسیر کاملاً شکلی یکپارچه داشت.

نجفی خاطر نشان کرد: سناریوی مد نظر ما بسیار بر مبانی نظری مهارتی که قصد آموزش داریم، مبتنی است، لذا اگر قصد ما آموزش مهارت‌های زبانی است، کار بر ادبیات آن حوزه مبتنی بود البته هنر و ابعاد دیگر نیز با این بخش تلفیق می‌شود.

دکتر وفائیان معاون دفتر تألیف آموزش عمومی و متوسطه نظری نیز در این جلسه، گفت: اینکه ما چه تصویری از بسته داریم، بسیار مهم است لذا این مساله که آیا در کنار هم قرار گرفتن چند جز مختلف مانند کتاب و فیلم نمایشی می‌تواند، بسته را تعریف کند، سوال اصلی است. در واقع، ما باید در بدو امر، مشخص کنیم که نگاه ما چگونه است و آیا همان روند تولید چند فیلم و آموزش مد نظر ماست، و یا اینکه یک نگاه واحد و در مقابل این تکتک را مد نظر داریم. در بدو امر تصویر ما از بسته بسیار مهم است و صرفاً نمی‌توان بر تعریف تمرکز کرد لذا نیازمند تاملات دیگری هستیم. او افزود: در این مسیر ضروری است که سوالات دیگری را نیز مطرح کنیم. به عنوان مثال باید تفاوت دوره‌ها کاملاً مشخص شود. نکته دیگر این است که دو گانه تربیت و یادگیری شامل چه مواردی است و قصد ما در این مسیر چیست؟ باید در مسیر این بسته‌ها دقیقاً کارکرد معلم را مشخص کنیم یعنی بدانیم که نقش معلم در این بخش چیست و آیا صرفاً نقش معلم با پخش کردن یک کلیپ آموزشی اتمام پیدا می‌کند یا ما بعد دیگری را نیز از معلم انتظار داریم؟

نگاه تک بعدی در طراحی بسته تربیت و یادگیری پاسخگو نخواهد بود

دکتر فاطمی نژاد نیز بر لزوم توجه به ابعاد مختلف در طراحی بسته یادگیری اشاره کرد و گفت: در طراحی بسته تربیت و یادگیری، باید نگاه جامع دنبال شود زیرا نگاه تک بعدی در این بخش، پاسخگو نخواهد بود لذا در این راستا ما باید، با موثرین تعلیم و تربیت، شامل دانش آموزان، اولیاء، معلمان و ... ارتباط داشته باشیم. بدیهی است که با این نگاه، نمی‌توانیم موضوعی را درس دهیم، و

بر کاربردی بودن آن تاکید داشته باشیم اما گروه مخاطبان را مد نظر قرار ندهیم. او ادامه داد: انتقال معنا و مفاهیم به دانش آموزان نکته دیگری است که باید به آن توجه کنیم زیرا ضروری است که این محتوا در حوزه دانش، بینش و مهارت افزایشی باشد. بدیهی است که در غیر اینصورت، ما نمی‌توانیم ارتباط مناسبی بین دانش آموز و مفاهیم ایجاد کنیم که در نهایت سبب خواهد شد که مهارت مد نظر ما، حاصل نشود.

این کارشناس تصریح کرد: متنوع بودن نکته دیگری است که باید در طراحی بسته‌های تربیت و یادگیری لحاظ شود. تنوع قالب‌های ارائه محتوا، موضوعی دیگری است که با توجه به تغییر ذائقه مخاطب، دستخوش تغییر است و باید به آن توجه داشته باشیم. در بخش دیگر، بحث کنشگری و فعال بودن دانش آموز را نیز، باید در طراحی بسته مورد نظر قرار دهیم زیرا در غیر اینصورت آموزش به صورت مونولوگ و تک سویه دنبال می‌شود و نتیجه مورد نظر را به دنبال نخواهد داشت.

سعید بدیعی، مدیرکل حوزه ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گفت: در گذشته نگاه به بسته‌ها متفاوت بود و بیشتر با نگاه مکمل این بخش دنبال می‌شد اما امروز این نگاه پاسخگو نیست و باید به دنبال یک بسته منسجم و پازل گونه باشیم.

او افزود: باید برای طراحی بسته یادگیری مکان و جغرافیای نواحی مختلف کشور را مد نظر قرار دهیم. به این معنا که برای مناطق محروم نگاه کاملاً متفاوت و انعطاف پذیری را دنبال کنیم تا امکان رسیدن به هدف آموزشی فراهم شود لذا نباید اجزای بسته را محدود کنیم و لازم است که در کنار این امر، یک نگاه بومی را نیز داشته باشیم.

بسته‌های تربیت و یادگیری باید بازوی کمکی معلمان و دانش آموزان باشد

دکتر صدر نیز در بخش دیگری از این جلسه، گفت: بسته‌های ما باید با هدف گذاری درباره آینده کودک نیز مرتبط باشد. در این راستا من فکر می‌کنم که هدف گذاری را از تربیت در هر رده سنی مشخص کنیم زیرا امروز فضای آموزشی ما و مطالبات والدین در کنار فضای کنکور و کتابهای کمک آموزشی، جامعه را به سمت آموزش محوری و ارائه اطلاعات بیشتر سوق داده است.

او افزود: بسته تربیت و یادگیری بیش از آنکه روی یاد دهی تمرکز داشته باشد روی یادگیری تمرکز دارد و متمرکز بر دریافت یاد گیرنده است. هر چقدر سن کودک کمتر باشد تمرکز بر یاد گیرنده نیز باید بیشتر باشد اما به نظر می‌رسد که نوع آموزش‌ها و سنجش‌ها همچنان بر یاد دهی متمرکز

هستند. بر همین مبنا ضروری است که بسته‌های یادگیری بر یادگیری تمرکز کند و به صورت فرایندی این مسیر را دنبال کند.

او بر لزوم استفاده از بازی در آموزش کودکان تاکید کرد و گفت: بازی محوری یکی از ابعادی است که می‌توان از آن در همه دوره‌های سنی استفاده شود البته در ابتدایی اول، این بخش باید به عنوان هدف نیز دیده شود.

دکتر مهدیه وکیلی، بر لزوم توجه به زاویه دید معلمان تاکید کرد و گفت: معلمان در فرایند آموزش، به خاطر موضوع محور بودن و اینکه تعدد دروس داریم، و تلاشی که بر افزایش ابعاد مهارتی و نگرشی شده، همچنان با حجم زیادی از کار مواجه هستند لذا ضروری است که در نحوه تدوین بسته‌های تربیت و یادگیری مد نظر قرار گیرد، این است که باید این بسته‌ها به عنوان بازی آموزشی برای معلم و دانش آموز نگاه شود.

او افزود: در این راستا بسیار مهم است که بسته‌های تربیت و یادگیری به محتوایی اضافه‌تر از کتاب تبدیل نشود بلکه بازی کمی برای رسیدن به اهداف دروس در هر پایه باشد. به عنوان مثال رمزینه‌های سریع پاسخ به خوبی توانسته اجرا شود اما مساله اینجاست که بسیاری از معلمان یا دانش آموزان به سراغ این بخش نمی‌روند زیرا در ظاهر به حدی کار وجود دارد که عملاً این کارها، را اضافه بر سازمان می‌بینند لذا بسیار مهم است که نحوه تدوین و ارائه ما به گونه‌ای باشد که در هم تنیدگی لحاظ شود.

برنامه درسی ملی و سند تحولی بنیادین چتر فلسفی ماست

دکتر حسن ملکی در بخش پایانی جلسه، ضمن تشکر از حاضران و مباحث مطرح شده به جمع بندی موارد مطرح شده پرداخت و گفت: در جمع بندی این جلسه لازم است سوالاتی را مطرح کنیم و به آن بیاندیشیم. نخستین سوال این است که آیا ما می‌توانیم در این مباحث از چند پیش فرض ثابت صحبت کنیم؟ زیرا من معتقدم که اگر ما چند پیش فرض و تکیه گاه نداشته باشیم، در حال انکار خودمان، فلسفه تعلیم و تربیت و اسناد تحولی هستیم. همانطور که می‌دانید، اسناد تحولی ما، کاملاً مبتنی بر فلسفه تربیتی اسلام است، و در آن امور ثابت موجود است لذا ما نمی‌توانیم بر روی مباحث ثابت چشم بندیم و این قطعاً مورد نظر هیچکدام از ما نیست.

او افزود: یکی از مواردی که باید مد نظر قرار گیرد، چتر فلسفی ماست که در برنامه درسی ملی و سند تحولی بنیادین نیز ذکر شده است. در همین راستا زمانی که ما می‌گوییم بسته ما شامل

تربیت و یادگیری است، بر تربیت تاکید داریم زیرا تربیت برای ما اصالت دارد و مهم است لذا این مساله را چیزی نمی‌تواند تغییر دهد.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تصریح کرد: باید به این توجه داشته باشیم، بسته‌ای که از آن صحبت می‌کنیم در متن تربیت و یادگیری، و نه حاشیه، تعریف می‌شود لذا نگاه کمکی برای ما اصلا وجود ندارد. عقل حکم می‌کند که ما در این کار، دچار یک آرمانگرایی غیر قابل وصول نشویم زیرا بدیهی است که در مقام حرف درباره این بسته بسیار می‌توان صحبت کرد که درست نیز هستند اما باید توجه کنیم که آیا این مباحث قابل اجرا نیز هست؟

دکتر ملکی تاکید کرد: در این مسیر ما نمی‌توانیم امکانات را نادیده بگیریم زیرا ما تابع امکانات، محدودیت‌ها و موانع خودمان هستیم البته بدیهی است که ما به دنبال عبور از این موانع هستیم اما نباید نگاه معجزه به مباحث داشته باشیم.

او ادامه داد: ما برای پاسخ دادن به چستی بسته تربیت و یادگیری و نسبت آن با دوره‌های تحصیلی، ضروری است که به سوالات مقدماتی تری پاسخ دهیم. سوال نخست این است که اساسا ما چه برداشتی از خود مفهوم تربیت و یادگیری داریم؟ و زمانی که از یادگیری حرف می‌زنیم مراد ما کدامیک از نظریات یادگیری است؟ زیرا ما تابع هر کدام از این نظریات باشیم در بسته ما تاثیرگذار خواهد بود.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی خاطر نشان کرد: پیشنهاد من این است که ما همان مفهومی را در تربیت مبنا قرار دهیم که در اسناد بالا دستی ما قرار دارد زیرا تعریف ارائه شده در این بخش بسیار محکم و قابل توجه است. سوال دیگر این است که ویژگی‌های روانشناختی مخاطب ما اساسا چیست؟ همچنین باید به این سوال پاسخ دهیم که ویژگی‌های انسان شناختی کودک و نوجوان در نظر ما چیست؟ در این مسیر، ما باید بدانیم که در این روند چه نقشی برای معلم و دانش آموز در این بسته‌ها قائل هستیم؟ یا چه نقش و جایگاهی برای خانواده قائل هستیم؟ زیرا بسته‌های تربیت و یادگیری ما باید محل تجمع عملی و فکری نهاد خانه و مدرسه باشد.

دکتر ملکی ادامه داد: سوال دیگر این است که هدف‌های تربیت و یادگیری ما کدامند؟ زیرا تولید بسته بدون اندیشیدن به اهداف اساسا غیر ممکن است. باید به این نکته توجه کنیم که محتوای از قبل تدوین شده، در یک طرف و تجارب تربیت و یادگیری در طرف دیگر، درون تحلیل ما چه جایگاهی دارد. به عبارت دیگر محتواهای از قبل طراحی شده، در بسته ما باید چقدر استفاده شوند؟ همچنین کتاب درسی در بسته مورد نظر ما، دارای چه جایگاهی است؟ در اینجا باید ذکر کنم که

قطعا به صلاح نیست، در بدو امر به حذف کتاب درسی بیاندهشیم زیرا کتاب درسی در کشورهای که بسته‌های تربیت و یادگیری وجود دارد، حذف نشده است. ما نباید جایگاه کتاب را مخدوش کنیم البته من نیز معتقدم که در برخی مقاطع نظیر پایه اول ابتدایی، باید کتاب درسی را منعطف و نرم طراحی کنیم اما در مقاطع و پایه‌های بالاتر، این امر به شکل دیگری باید دیده شود. در واقع لازم است که جایگاه کتاب درسی را تعریف کنیم و بخش‌هایی از یادگیری را به سایر ارکان بسته منتقل کنیم.

او تاکید کرد: باید به این سوال پاسخ دهیم که فرایند یکپارچه تربیت و یادگیری در قالب کدام سناریو قابل ارائه است؟ سناریو اقدام خوبی است که به ما کمک می‌کند جاده تعلیم و تربیت را مشخص کنیم و جایگاه مواد و مصالح آموزشی را به تصویر درآوریم لذا این دیدگاه بسیار عقلانی و مناسب است. سوال دیگر این است که کشورهای دیگر، برای طراحی بسته تربیت و یادگیری چه کرده‌اند؟ در راستای پاسخ دادن به این سوال، ما باید به تجربه دیگر کشورها نیز در این راستا توجه داشته باشیم. سوال دیگر این است که چقدر نگاه ملی و چه میزان نگاه بومی در بسته تربیت و یادگیری ما جایگاه دارد؟ و آیا نگاه ما این است که یک بسته در کل کشور تدریس شود یا به دنبال این هستیم که بسته‌هایی تولید و عرضه کنیم. با این دیدگاه ما استان‌ها را با تکرر بسته‌ها مواجه می‌کنیم لذا شاید این نگاه درست‌تر باشد.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی ادامه داد: سوال دیگر این است که ارتباطات و مناسبات بسته تربیت و یادگیری با محیط تربیت را چگونه تفسیر می‌کنیم؟ این سوال بسیار مهم و ظریف است به این معنا که آیا بین این دو، داد و ستد وجود دارد؟ به عبارت دیگر بسته‌ای که ما تولید می‌کنیم چقدر زمینه محور و چقدر منقطع از زمینه است؟

دکتر ملکی افزود: نکته دیگر این است که چه تحلیلی از امکانات و توانایی‌های وضع موجود داریم؟ سوال دیگری که باید به آن فکر کنیم، این است که چقدر ما رسانه‌های مدرن را در راستای این امر، می‌شناسیم؟ در این راستا باید به ظرفیت مواردی نظیر انیمیشن، موشن گرافی و ... درست بیاندهشیم. بدیهی است که این سوالات تمامی آن چیزی نیست که باید به آن بیاندهشیم اما ضروری است که به این مباحث فکر کنیم و پاسخ دهیم. در واقع پاسخ به این سوالات، باعث تحلیل و طبقه بندی می‌شود. در مرحله بعد ما باید از پاسخ‌ها به استخراج گزاره‌های توصیفی، برای تولید بسته‌ها دست پیدا کنیم و در نهایت مجموعه‌ای از گزاره‌های تجویزی را، از آن استخراج کنیم.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی

جلسه

«بررسی

شیوه‌های نوین

توزیع بهینه

کتاب‌های درسی»



جلسه «بررسی شیوه‌های نوین توزیع بهینه کتاب‌های درسی» با حضور رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی عصر روز یکشنبه ۵ دی ماه برگزار شد. در این نشست تعدادی از نمایندگان بخش‌های مختلف آموزش و پرورش که در بحث توزیع کتاب‌های درسی ایفای نقش می‌کنند نیز حضور داشتند.

در ابتدای جلسه، دکتر حسن ملک، بر لزوم توجه به خدمات و ابعاد آن در هر سازمانی تاکید کرد و گفت:

هر سازمانی بدون استثنا، در راستای ارائه یک سری خدمات به وجود آمده است که البته نوع آن متفاوت است. بدیهی است که برخی از بخش‌ها به ارائه خدمات مادی می‌پردازند و برخی خدمات معنوی ارائه می‌دهند اما در این میان هستند، سازمان‌هایی که خدمات آنها هم مادی و هم معنوی است. به هر حال، خدمات شامل هر بعدی باشد، نیازمند ارائه مطلوب است و اساساً شایستگی سازمانی منوط به ارائه خدمات مطلوب است زیرا همانگونه که یک کارخانه را از تولیدات آن داوری می‌کنند، سازمان‌ها را نیز، از روی خدمات آنان قضاوت می‌کنند.

توجه به کرامت مصرف‌کننده یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است

خدماتی که از سوی سازمان‌ها ارائه می‌شود، باید دارای چند ویژگی کلی باشد و هر سازمانی باید در ارائه خدمات به آن توجه کند. نکته اول در این بخش، ارائه "خدمات سالم" است زیرا خدمات ناسالم باعث ناراحتی مصرف‌کننده خواهد شد و بدیهی است که مخاطب طاقت پذیرش خدمات معیوب را نخواهد داشت کما اینکه سازمان استاندارد نیز در تمام کشورها با همین هدف و برای تعیین حد مطلوب ایجاد شده است تا بتواند خواسته مصرف‌کننده را لحاظ کند.

ارائه "به موقع خدمات"، ویژگی دیگری است که باید سازمان‌ها به آن توجه کنند زیرا اگر خدمتی خارج از زمان مورد نیاز، یعنی زودتر یا دیرتر، ارائه شود، موجبات ضرر را فراهم می‌کند لذا خدمات ارائه شده باید به موقع باشد زیرا در غیر اینصورت مصداق مثل نوش‌داروی پس از مرگ سهراب خواهد بود.

بدیهی است که در این مسیر، خدمات ارائه شده، باید "حافظ کرامت انسان‌ها" باشد لذا نباید به گونه ای ارائه شود که عزت و کرامت انسان‌ها را خدشه دار کند و افراد احساس کنند که در قبال خدمات، شخصیت آنان مصدوم می‌شود. بدیهی است در تفکر انسان‌شناسی اسلامی که معتقدیم، ما خادم انسان و کرامت بشر هستیم.

مسئله دیگر این است که باید، خدمات "آسان به دست مصرف‌کننده" برسد لذا اگر خدمات به سختی ارائه شود و مصرف‌کننده به مرارت و زحمت تن دهد، روند مناسب نیست و باید این چند ویژگی که شامل هر خدمتی از جمله خدمات سازمان پژوهش، کاملاً رعایت شود لذا ما نیز باید به این نکات و ویژگی‌ها توجه کنیم.

خدمات سازمان پژوهش، عرصه متفاوتی به شمار می‌رود زیرا کالا و خدماتی که به جامعه ارائه می‌شود، دارای ویژگی‌های خاصی است. در واقع خدمات سازمان، معنا در ظرف ماده است و این کار ما را سخت می‌کند. در واقع کتاب درسی، به معنای ارائه مجموعه‌ای از معانی مختلف در ابعاد اجتماعی، ادبی، فرهنگی و ... است، و تمام این معانی در قالب یک کتاب درسی که بعد مادی پیدا کرده است، به مخاطب ارائه می‌شود لذا این کار را برای ما سخت و مشکل می‌کند. زیرا به هر حال معنا در یک ظرف مادی ارائه می‌شود و اگر ظرف مادی خدشه دار شود، در معنا نیز خدشه ایجاد می‌شود.

کتاب درسی تمدن ساز است

یکی از مهمترین خدمات سازمان، شامل کتاب درسی است که مخاطب و مصرف کننده آن نیز، دانش آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی و خانواده‌هایشان هستند. در واقع خدمات سازمان دارای ابعاد مختلفی است که یکی از مهمترین آن بعد ملی است؛ به این معنا که این کالا در کل کشور و بر سر هر سفره‌ای وجود دارد لذا نمی‌توان آن را به یک استان یا منطقه محدود کرد. نکته دوم این است که کالای تولیدی ما، تمدن ساز است لذا اگر بپذیریم که جمهوری اسلامی ایران به سمت تمدن اسلامی در حال حرکت است، باید بپذیریم که دانش آموزان ما از طریق آموزش و کتاب، برای این عرصه آماده می‌شوند. بدیهی است که کتاب درسی در عرصه تمدن سازی بسیار مهم و حائز اهمیت است، تا جایی که گاهی مطلب یک کتاب درسی در یک کشور درباره کشوری دیگر، بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد و حتی باعث فرار گرفتن دو ارتش در مقابل یکدیگر می‌شود. در این راستا توزیع کتاب درسی بسیار مهم است زیرا کتاب درسی می‌تواند حتی بر سیاست خارجی نیز تاثیرگذار باشد. عقلانیت، خلاقیت و تدین، که از ویژگی‌های انسان متمدن است، به وسیله کتاب در کودک شکوفا می‌شود لذا کتاب درسی بسیار ارزشمند به شمار می‌رود.

نکته دیگر این است که کتاب درسی کالایی، بدون جایگزین است لذا اگر دانش آموز در نقطه‌ای به این کتاب دسترسی پیدا نکند، امکان جایگزینی ندارد و سرگردان می‌ماند. نکته چهارم این است که کتاب درسی تا به مصرف اصلی برسد از چند مرحله عبور می‌کند و واسطه‌هایی در میانه راه وجود دارند. بدیهی است که در انتقال هر کالایی اگر تعداد واسطه‌ها زیاد باشد و کار بدون نظارت رها شود، مصرف کننده متضرر می‌شود البته ما نظیر کالاهای عادی کشور، واسطه‌هایی نداریم که بر روی قیمت کالا تاثیر گذار باشند اما واسطه‌های موجود در مسیر، بر روی زمان تاثیرگذار

هستند البته واضح است که ما برای توزیع به این واسطه‌ها و نگاه چند مرحله‌ای نیاز داریم اما باید راهکاری را، در نظر بگیریم که از مشکلات این بخش، کاسته شود. موضوع دیگر این است که عرصه توزیع کتاب، مسئله خیز است لذا اگر در توزیع کتاب درسی اندکی تعلل شکل گیرد، انتقادات همه اقشار را به دنبال خواهد داشت به همین خاطر، ما در توزیع، نیازمند مراقبت ویژه هستیم.

این جلسه در راستای پاسخگویی به دو سوال اساسی شکل گرفته است البته ممکن است پاسخ‌ها طی این جلسه تمامی مباحث را حل نکند اما سبب حرکت ما در یک مسیر مشخص می‌شود. سوال نخست این است که در وضع موجود، فرایند توزیع کتاب درسی چگونه است که نقدهایی می‌توان بر آن وارد کرد؟ در این سوال نیاز است که ما وضع موجود را تشریح کنیم. سوال دیگر این است که مطلوبترین شیوه برای توزیع کتاب درسی کدام است و اساسا ما باید از چه شیوه‌هایی، در این عرصه استفاده کنیم؟ بدیهی است که ممکن است در این عرصه نیاز پیدا کنیم که از شیوه‌های متعدد استفاده کنیم اما لازم است که جلوی مشکلات گرفته شود.

چاپ بیش از ۱۴۷ میلیون کتاب برای سال تحصیلی جاری

احمد رضا امینی، مدیرکل نظارت بر نشر و توزیع کتاب‌های درسی نیز به ارائه یک گزارش از آخرین فعالیت‌های انجام شده پرداخت و گفت:

یکی از هدف‌های ما در مدل‌های توزیع این است، که کتاب به شکل مطلوب و با قیمت مناسب در سراسر کشور، توزیع شود. در این راستا، یکی از نکات مهم این است که توزیع کتاب درسی، همسان و متناسب باشد و مصرف کاغذ بهینه شود. در ادامه نیز، ما نیاز داریم که توزیع کتاب سنواتی، به حداقل برسد و تعداد کتاب منسوخه نیز به صفر نزدیک شود. همچنین تعداد کتاب مرجوعی باید به حداقل برسد ضمن اینکه نیازمند شفافیت در گردش مالی نیز هستیم.

امسال در دوره تحصیلی ابتدایی ۵۱ عنوان کتاب وجود داشت و بیش از ۵۹ میلیون کتاب برای آن چاپ شد. در بخش اول متوسطه نیز، بیش از ۴۸ میلیون کتاب، برای ۶۰ عنوان کتاب چاپ و توزیع شد.

در بخش دوم متوسطه نیز بیش از ۳۰ میلیون کتاب برای ۱۴۳ عنوان و در بخش دوم متوسطه فنی و حرفه‌ای و کاردانش بیش از ۴ میلیون کتاب برای ۴۸۹ عنوان به چاپ رسید. در بخش کودکان استثنایی نیز ۴۷۰ هزار کتاب برای ۲۴۲ عنوان کتاب به چاپ رسید لذا در مجموع ما امسال برای

۹۸۵ عنوان کتاب، بیش از ۱۴۷ میلیون کتاب چاپ و توزیع شد که نشان دهنده حجم و میزان گسترده کار در این بخش است. امینی در ادامه به ارائه گزارشی دقیق از میزان رشد تعداد ثبت نام دانش آموزان در سه بازه زمانی پرداخت و عوامل موثر بر توزیع کتاب درسی را توضیح داد.

حل مشکلات سامانه ثبت سفارش کتاب ضرورت دارد

پرتوی از معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، از اقدامات انجام شده، تشکر کرد و گفت: با توجه به تجربه‌ای که در بخش‌های مختلف داشته‌ام، معتقدم که ما باید ابتدا متولی امر را در ستاد، ادارات کل و بخش‌های مختلف شناسایی کنیم زیرا مدیر مدرسه اغلب در این موارد دچار سردرگمی می‌شود و عملاً با وجود درگیری تمام بخش‌ها در توزیع کتاب، کسی پاسخگوی نهایی نیست.

نکته دیگر مشکلات سامانه ثبت سفارش است که در این دوره بسیار مشکل ساز شد. بدیهی است که ثبت سفارش در سامانه بسیار مفید است اما این به شرطی است که قبل از شروع ثبت سفارش، مشکلات سامانه رفع شده باشد زیرا در غیر اینصورت باز هم با مشکلات امسال رو به رو خواهیم شد. به نظر من، تا یکپارچگی در سامانه‌ها رخ ندهد، این مشکلات ادامه خواهد داشت. زمان تحویل کتاب نیز، نکته مهم دیگری است که باید برای کالایی چون کتاب که بیش از اندازه مهم است، مورد توجه قرار گیرد.

دو دانگه، از معاونت آموزش متوسطه نظری ضمن تشکر از تلاش‌های انجام شده، گفت: بحث مطالعه تطبیقی می‌تواند در این عرصه به ما کمک کند تا راهکار بهتری به دست آوریم لذا لازم است که به مطالعه برنامه کشورهای پیردازیم که سیستم آموزشی شبیه به کشور ما دارند. در این راستا لازم است که بدانیم آنها برای توزیع کتاب‌های درسی خود چه اقداماتی انجام می‌دهند و از تجربیات آنان استفاده کنیم.

بخش عمده‌ای از مشکلات امسال مربوط به سامانه‌ها بود که لازم است از بخش فناوری برای آن پاسخگو باشند لذا لازم است سامانه‌ها رفع مشکل شوند و به بلوغ دست پیدا کنند. بحث تغییرات کتاب درسی، یکی دیگر از نکاتی است که به تولید مجدد منجر می‌شود البته گاهی کتاب‌ها هر چند سال یکبار تغییر می‌کنند لذا هر چه تغییرات کمتر شود، میزان نیاز به تولید و ارائه کتاب کاهش پیدا خواهند کرد و در این راستا دفاتر تالیف می‌توانند موثر باشند.

جامعه دانش آموزی کودکان استثنایی نیازمند توجه ویژه است

محمدی از سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی نیز، گفت:

شاید جامعه دانش آموزان استثنایی، یک درصد از کل دانش آموزان کشور را تشکیل دهند اما این عرصه، از نظر پیچیدگی به همان اندازه، مباحث متعددی را شامل می‌شود. با توجه به معلولیت‌ها و شرایط دانش آموزان، ما نیازمند نگاه ویژه‌ای هستیم زیرا نوع کتاب‌های این بخش متفاوت است و در این عرصه ۲۴۳ عنوان کتاب باید به این دانش آموزان ارائه شود.

طی چند سال گذشته کتاب‌ها توسط سازمان استثنایی چاپ و سپس برای اداره کل استان‌ها ارسال می‌شد، تا به توزیع برسد اما در این روند گاهی شاهد سفارشات بیش از میزان نیاز بودیم لذا من معتقدم ثبت کتاب از طریق سیستم بسیار امر خوبی است که مانع اصراف و اشتباهات می‌شود اما متأسفانه مشکلات سامانه باعث شد که عملاً بخش‌های دیگری به مشکلات افزوده شود. بدیهی است که اگر سامانه اصلاح نشود، ما در سال آینده با مشکلات بسیار رو به رو خواهیم بود.

علیخانی، رئیس اداره پشتیبانی گفت:

موضوع کتاب بسیار حساس است و این امر بر کسی پوشیده نیست اما به نظر می‌رسد که یکی از عمده‌ترین مشکلات بحث سامانه‌هاست. ما در آموزش و پرورش ۶۱ سامانه داریم که هر کدام یک دیتای جداگانه دارند لذا به نظر می‌رسد که جمع‌سازی سامانه‌ها و یکپارچه‌سازی این بخش‌ها خواسته آموزش و پرورش است، زیرا در این صورت امکان دسترسی به یک خروجی و گزارش کامل، بیشتر است اما به نظر می‌رسد که در اجرای سامانه طی سال تحصیلی جاری، شاهد اندکی شتاب زدگی بودیم. ۹۸ درصد دانش آموزان ما در تهران ثبت سفارش کرده بودند و عملاً مشکل خاصی در این بخش، نداشتیم اما در بحث توزیع و صدور حواله‌ها مشکلاتی وجود داشت که به لطف همکاری‌های انجام شده، حل شد. مسئله اینجاست که این روند توزیع هزینه‌هایی را به مدارس تحمیل می‌کند که باعث نارضایتی مدیران شده است.

در این راستا و برای توزیع مناسب ما ۸۴ انبار در سطح شهر تهران مد نظر قرار دادیم که هر کدام آن‌ها انبارداری جداگانه داشتند. در عین حال برای استثنایی نیز انباری جداگانه داشت تا توزیع مناسب صورت گیرد اما همین امر باعث افزایش هزینه‌ها شد و مشکلاتی در عرصه بودجه به وجود آورد. اگر بتوانیم در سال جاری از امکانات پست برای ارسال کتاب‌ها استفاده کنیم، علاوه بر کاهش هزینه‌ها، امکان بهتری برای ارائه خواهیم داشت.

احمد رضا امینی در پاسخ به نکته مطرح شده، گفت:

ما در یک پابلوت کار در سال ۹۶ با اداره پست، به توزیع کتاب اقدام کردیم. در این پروژه آزمایشی، پنج منطقه از استان تهران مد نظر قرار گرفت اما متأسفانه اتفاقات خوبی رخ نداد و مشکلات بسیار زیادی برای ما درست شد. مسئله اصلی این است که بازه زمانی توزیع کتاب سازمان بسیار کوتاه است و عملاً نیازمند یک توان اجرایی بالاست که برای اداره پست امکانپذیر نیست. شرکت‌های خصوصی نیز، برای توزیع به مناطق دور از شهر، تمایلی ندارند و این بخش‌ها به لحاظ اقتصادی برای آنان پاسخگو نیست لذا استفاده از این بخش نیز در بررسی‌های انجام شده، امکانپذیر نیست. این مسئله در سفارشات تک جلدی ما نیز دیده می‌شود تا جایی که نمونه‌های بسیاری به سازمان مرجوع شده است زیرا برخی از مخاطبان، آدرس دقیق پستی را ذکر نکرده‌اند.

مطالعه تطبیقی در راستای استفاده از تجربیات دیگر کشورها نیاز است

سعید بدیعی، مدیر کل حوزه ریاست نیز، بسته بندی کتاب‌ها در شرکت چاپ مبدا را دارای مشکلاتی خواند و گفت:

برای شرکت چاپ امکان بسته بندی کتاب‌ها در درون چاپخانه وجود ندارد زیرا در هنگام چاپ کتاب‌ها در طبقه بندی‌های خاص و به شکل سری بسته بندی می‌شود. به همین خاطر اگر قرار باشد که در خود شرکت چاپ این کار انجام شود، نیازمند کار مضاعف و صد البته فضای بیشتری در بخش انبار است که عملاً امکانپذیر نیست.

دکتر علی محبی، معاون برنامه ریزی و تولید بسته های تربیت و یادگیری سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی نیز ضمن تشکر از اقدامات و زحمات انجام شده، گفت:

فشار کار در این بخش بسیار بالاست و گاهی انتقادات مختلفی را شامل می‌شود لذا واقعا زحمات انجام شده در این بخش، جای تشکر و قدردانی دارد. امروز ما باید به این سوال پاسخ دهیم که آیا قائل به کاهش تمرکز هستیم یا قصد ما این است که مدیریت متمرکز بر چاپ و توزیع داشته باشیم؟ لذا در راستای پاسخ دهی به مدل مطلوب، ابتدا لازم است که نحوه تمرکز را مشخص کنیم. اگر ما قائل به کاهش تمرکز باشیم و بخواهیم بر توزیع متمرکز شویم، لازم است که به بررسی تطبیقی بپردازیم و از تجربیات کشورهای دیگر بهره‌مند شویم. همزمان با بررسی تطبیقی ما نیازمند یک آسیب شناسی جدی در این عرصه هستیم لذا لازم است طی چند ماهی که به توزیع مانده

است، یک آسیب شناسی از صفر تا صد توزیع داشته باشیم. در این راستا لازم است که فرایند را گام به گام بررسی کنیم و زمان مربوط به هر کدام را اندکی دچار تغییر کنیم تا جایی که توزیع را بتوانیم در مدت زمان بیشتری به اجرا برسانیم.

شاید یکی از راه‌ها این باشد که سوبسید کتاب را به دانش آموز ارائه دهیم؛ در این صورت دانش آموز به محض نیاز، کتاب را شخصا دریافت خواهد کرد کما اینکه برخی از کشورها به این سمت رفته‌اند و ما نیز باید در آینده به این سمت حرکت کنیم.

بازخوانی زنجیره نشر و چاپ مورد نیاز است

محسن باهو، مشاور فناوری سازمان پژوهش و برنامه ریزی، برگزاری جلسه را اقدام مثبتی خواند و گفت:

اگر ما فعالیت این بخش را آنالیز نکرده و اندازه کسب و کار را مشخص نکنیم، نظر دادن چندان ثمر بخش نیست زیرا نظرات تئوری، چندان کاربردی نیست و در عمل با توجه به ابعاد و هزینه‌ها، مشکل ساز است.

بخش چاپ و توزیع، یکی از دیرینه‌ترین فعالیت‌های سازمان پژوهش است که بیش از نیم قرن به فعالیت می‌پردازد لذا لازم است که به ابعاد مختلف مسئله نگاه تازه‌ای داشته باشیم. در این راستا بدیهی است که کسب و کار چاپ از زنجیره‌های متعددی تبعیت می‌کند که یکی از ارکان اصلی آن دفتر تالیف است لذا باید آنالیز این بخش را بسیار حساستر از بحث چاپ سپاری مورد توجه قرار دهیم.

در این راستا، پس از آماده شدن محتوا، کار به اقدامات هنری اختصاص پیدا می‌کند و کارهایی که مربوط به آماده سازی محتوا در یک چارچوب است، توسط سازمان انجام می‌شود.

به نظر من کار اصلی سازمان در این بخش به پایان می‌رسد اما با توجه به تاکیداتی که وجود دارد و بر مبنای توانمندی سازمان، من معتقدم که سازمان، کار بسیار مناسبی در بخش نشر و توزیع ارائه کرده است زیرا عوامل بسیار زیادی در این عرصه وجود دارد که عملا از حیطة وظایف سازمان خارج است. در این راستا من معتقدم که کل این زنجیره باید، یک بار، بدون هیچ نوع سوگیری مجددا بازخوانی شود و مباحث از نو دیده شود.

مهدی خانی رییس اداره ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایات سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، نیز در ادامه جلسه گفت:

در اغلب گزارشات، بحث سامانه سیدا بسیار پررنگ ارائه شد، تا جایی که تمامی مشکلات دیگر نیز، در سایه این سامانه، کم رنگ و عملاً نادیده گرفته شد. در این راستا، اصلاح ساختار سامانه یک ضرورت است زیرا این بخش نقش و تاثیر بسیار مهمی در روند چاپ و نشر بر عهده دارد. عدم تمایل مدیران مدارس و بعضاً مسئولین منطقه و استانی به بحث توزیع کتاب یکی از مشکلات موجود در این عرصه بود زیرا توزیع کتاب دقیقاً در زمان ۲۰ شهریور قرار می‌گیرد. این مساله سبب می‌شود که کاری مضاعف بر دوش این افراد قرار گیرد و باعث عدم همکاری این بخش‌ها شود لذا شاید لازم باشد که درباره مساله زمان تجدید نظر کنیم. باید توزیع کتاب را به صورت استانی مورد بررسی قرار دهیم زیرا هر استانی دارای مشکلات خاص خود است لذا لازم است که هر استانی در این باره طی جلساتی درباره مشکلات صحبت کنند.

بررسی امکان و‌گذاری حوزه چاپ و توزیع به استان‌ها

یوسف گلی رئیس اداره آماده سازی نیز مساله توزیع را بسیار جدی و مهم خواند و گفت: دو دسته عوامل درون سازمانی و برون سازمانی در سیستم موجود دخیل هستند. در بخش عوامل درون سازمانی چالش جدی وجود ندارد اما عوامل بیرونی سازمان، دغدغه اصلی به شمار می‌روند که مشکلات بی شماری را نیز به دنبال دارند. یکی از دلایل اصلی توزیع کتاب در شهریور ماه، ثبت نام دانش آموزان در مدارس است بنابراین امکان توزیع کتاب تا پیش از این زمان امکانپذیر نیست. مهدی ایلیکا، رئیس اداره حراست سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی نیز بیان کرد: با کمی فکر و راهکار می‌توان از شرکت‌های خصوصی و پلتفرم‌هایی که تعریف شده، استفاده کنیم و حتی به رهگیری در حین توزیع بپردازیم و اندکی از فشار کارها کاسته شود. در این راستا نیاز است که یک راهکار مشخص را مد نظر قرار دهیم و افراد مسئول به صورت کامل مشخص شوند. به نظر می‌رسد که می‌توانیم کشور را به پنج بخش تقسیم کرده و برای هر بخش یک چاپخانه مشخص کنیم ضمن اینکه می‌توان در هر دوره یکی از استان‌ها را مسئول امر کرد که علاوه بر ایجاد انگیزه باعث شکل گیری یک رقابت مناسب نیز می‌شود. محمد علوی تبار، معاون توسعه منابع و پشتیبانی نیز در این بخش گفت: در بحث تولید و توزیع کتاب درسی ما با محدودیت منابع رو به رو هستیم لذا تلاش ما این است که بتوانیم کیفیت را با وجود تمام مشکلات حفظ کنیم.

۵۰ درصد قیمت تمام شده مربوط به کاغذ است که نیازمند صرفه جویی است لذا افزایش میزان تیراژ تحت عناوین مختلف امکانپذیر نیست و باید بر مبنای ثبت سفارش چاپ انجام شود. افزایش قیمت کتاب از جمله مواردی است که تأکیدات بسیاری بر آن قرار دارد به همین خاطر، بر روی کوچکترین تغییر قیمت، حساسیت وجود دارد لذا تمام تلاش ما بر این امر متمرکز است. متأسفانه مشکلات سامانه سیدا باعث شد که ما امسال با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم کنیم و عملاً با فشاری مضاعف بتوانیم کار را به سرانجام برسانیم زیرا در برخی از بخش‌ها جامعیت دیتا وجود نداشت لذا ضروری است که در سال آینده سامانه سیدا یک ارتباط درست و مناسب بتواند با بخش توزیع کتاب ایجاد کند و مشکلات قبل رفع شود.

توزیع کتاب‌های درسی توسط سایر روش‌ها مورد تأکید قرار گرفت

در بخش پایانی جلسه، دکتر ملکی مباحث مطرح شده را مثبت خواند و در جمع بندی گفت: برای برنامه ریزی چاپ و توزیع کتاب در سال تحصیلی آینده، لازم است که به نکات متعددی توجه کنیم. در این راستا لازم است که از فناوری اطلاعات استفاده کنیم و در این کار باید هوشمندی خود را بالا ببریم یعنی بیاندیشیم که در این مدل از توزیع، چه بهره برداری بهتری می‌توانیم از فناوری داشته باشیم و کار را دقیقتر ارائه دهیم. سامانه سیدا امسال مشکلات بسیاری به وجود آورد و بخش عمده مباحث مربوط به تجمیع و یکپارچه سازی سامانه‌ها بود که البته ایده بسیار خوبی بود که اندکی عجولانه به مرحله عمل رسید. در این راستا لازم است که یک گزارش جامع و مستند آماده شود تا بتوانیم خدمت وزیر محترم ارائه کنیم و در سال آینده از مشکلات این سامانه پیشگیری کنیم. لازم است که بخش چاپ و توزیع، یک بررسی همه جانبه درباره روند کار داشته باشند. در این مسیر باید متولی امر تولید از ستاد تا مدرسه کاملاً دقیق مشخص شود تا در سیر ارسال کتاب از چاپخانه تا مدرسه چه کسانی باید ایفای نقش کنند و نسبت آنان با سازمان چیست؟ لازم است که به این فکر کنیم که ما در همین سیستم توزیع فعلی، آیا می‌توانیم به سایر روش‌ها نیز فکر کنیم یا نه؟ به این معنا که جز بخش پست، آیا سیستم و شیوه‌های مکملی را نیز می‌توانیم مد نظر قرار دهیم تا بخشی از مشکلات سال جاری را رفع کنیم؟ لذا لازم است که در این باره اندکی فکر کنیم و بیاندیشیم.

لازم است که امسال استان تهران را به عنوان یک پایلوت انتخاب کنیم و شیوه ارسال کتاب از اداره کل شهر تهران، به منازل را مد نظر قرار دهیم تا به صورت آزمایشی این طرح را مورد بررسی قرار دهیم. در واقع تلاش ما این است که این نمونه عملیاتی را بتوانیم در آینده به سایر بخش‌ها تعمیم دهیم.

ما برای بلند مدت در سیستم توزیع کتاب‌های درسی، نیازمند سیاست‌های اجرایی شفاف هستیم. این سیاست‌ها نیز باید برخاسته از یک تحلیل همه جانبه محیطی باشد و به مباحث مختلفی چون فرصت‌های موجود، تهدیدها و مباحثی از این دست بپردازد زیرا مواردی داریم که دارای نقاط مبهم هستند و شناخت کافی از آن‌ها وجود ندارد. در ذیل این تحلیل قطعا سوالاتی مطرح خواهد شد که باید به آن پاسخ دهیم.

یکی از سوالات مهم این است که اگر سازمان پژوهش مسئول توزیع کتاب تا دست مصرف کننده و دانش آموز است، استلزامات این مسئولیت چیست؟ سوال دیگر این است که آیا بازه زمانی مرسوم و معمول برای ثبت سفارش و توزیع کتاب‌های درسی، قابل تغییر نیست؟ و آیا با تغییر عوامل، امکان تغییر این زمانبندی وجود دارد؟ سوال سوم این است که آیا نمی‌توان با حذف واسطه‌ها سریعتر و آسانتر کتاب را به دست دانش آموز رساند؟ سوال دیگر این است که چگونه از شرکت‌های خصوصی و ارکان خارج از آموزش و پرورش می‌توان در این روند استفاده کرد؟ سوال بعدی این است که دیگر کشورها در این مسیر با چه روشی وارد عمل شده‌اند؟ به عنوان مثال کشورهایی چون ژاپن و انگلستان که نظامی متمرکز دارند، برای این امر، چگونه عمل می‌کنند؟

سوال دیگر این است که در این روند، از فناوری اطلاعات چگونه می‌توان بهره برداری بیشتر برد تا کار دقیقتر انجام شود؟ و نکته آخر اینکه شرایط استان‌ها و کثرت استانی چه اثری در تنظیم فرایند توزیع کتاب‌های درسی دارد و آیا ما را ملزم به چند روش توزیع می‌کند یا می‌توانیم در یک روش توزیع فنون مختلفی را تبیین کنیم.

لازم است یکی از این دو کارگروه برای کوتاه مدت مواردی قابل اصلاح و ترمیم برای توزیع در سال ۱۴۰۱ را بررسی کند و یک کارگروه با مسئولیت معاون پشتیبانی سازمان به قصد بررسی اساسی تر برای تهیه شیوه نامه نوین توزیع تشکیل شود.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش

مراسم

گرامیداشت هفته پژوهش

با شعار

"پژوهش، خلاقیت

و تحول برنامه درسی"



مراسم گرامیداشت هفته پژوهش با شعار "پژوهش، خلاقیت و تحول برنامه درسی" روز سه شنبه ۳۰ آذر در سالن اجتماعات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار شد. در این نشست که با حضور معاونان و تعدادی از مدیران و کارکنان سازمان پژوهش و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار شد.

دکتر حسن ملکی معاون وزیر و ریاست سازمان ضمن تشکر و قدردانی از همه همکاران که همیشه در صحنه همکاری و تشریک مساعی هستند، اظهار داشت: ایام شهادت بانوی بی بدیل جهان اسلام حضرت فاطمه سلام الله علیها را تسلیت عرض و از خداوند متعال طلب می کنم که توفیق تبعیت از فرهنگ فاطمی را به ما اعطا کند.

هرچند طبق تقویم هفته پژوهش را پشت سر گذاشته ایم اما خود پژوهش همیشه پیش روی ماست و تمام شدنی نیست پس هر زمان از پژوهش سخن بگوییم حرف تازه ای است. مبارکی هفته پژوهش به حل مسئله هاست اگر توانستیم مسائل را حل کنیم این مبارکی عملی است اما اگر نتوانستیم مسائل مان را حل کنیم این مبارکی فقط لفظی است. مبارکی لفظی هم خوب است اما ماندگاری ندارد، ماندگاری برای پژوهش های عملی است. هفته پژوهش هم اگر مبارک است به این دلیل است زیرا پژوهش گره گشایی و حل مساله می کند.

از آقای محبی، مدیران کل دفاتر و همه شما عزیزان تشکر می کنم. امروز روز مبارکی است از این بابت که دور هم جمع شده ایم تا نظاره گر بخشی از فعالیت های خوب شما عزیزان باشیم. اینها نمادی است که نشان می دهد دفاتر ما فعال است و به آن پیمان که با هم بسته ایم یعنی حرکت در مدار تحول پایبند هستیم و با استقامت و شجاعانه و مدلل و علمی پیش می رویم. ابتدا دو نکته مقدماتی را عنوان می کنم و بعد از آن به عرایض اصلی ام که به اخلاق پژوهش مربوط می شود خواهیم پرداخت.

نکته اول اینکه وقتی از پژوهش سخن می گوئیم نباید این تلقی ایجاد شود که ما قادر هستیم همه مساله ها را از طریق پژوهش حل کنیم و همه سوالات از این طریق پاسخ داده خواهد شد؛ نادرست است. بخشی از این مسائل قابل حل است و بخشی دیگر قابل حل نیست. در آموزه های دینی تدبیر کنید می بیند بخشی از این آموزه ها تعبدی و بخشی تعقلی است. یعنی در دینی که به آن معتقد هستیم نباید اعتقاد داشته باشیم همه چیز با پژوهش حل می شود. موظفیم بخشی از امور را تعبداً تسلیم شویم یعنی دین مرکب است از تعبد و تعقل. تعقل در آن جایی که عقل انسان امکان بازگشایی مسائل را دارد و تعبد هم در جاهایی که از عالم بالا پاسخ ها باید بیاید. ما پاسخ آن ها را نداریم کما اینکه انبیاء آمده اند تا به ما پاسخ دهند سوالاتی را که در مکتب خانه ها قابل حصول نیست. در قرآن هم برخی آیات وجود دارد که خداوند بزرگ همین معانی را به ما تذکر داده؛ از یک طرف فرموده که تحقیق، تفکر و تعقل کنید این بخش عمده زندگی ما است و پژوهش هم یک تفکر نظام مند است؛ پژوهش چیزی جز تفکر نیست اما برخی امور وجود دارد که قرآن هم تعبیر ظریفی دارد.

باید خود را عادت بدهیم که در برابر حق و آنچه که انبیاء آورده اند، تسلیم باشیم. آنجا دیگر تحقیق نیست بلکه تعبد است. در برخی آیات می بینید که خداوند متعال ابهاماتی را مطرح می کند اما پاسخی نمی دهد. ما اینطور می فهمیم که جواب انسان با آن ظرفیت عقلانی که خداوند خلق کرده برابری ندارد. انسان باید تعبداً تسلیم باشد.

مثلاً از پیامبر در مورد روح سوال می شود و خداوند در قرآن می فرماید که "وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي" یعنی از سوی خداوند آمده و همین و بس. یعنی نمی توانی وارد این عرصه شوی قابل بیان و ارائه نیست ولی آنهایی که ایمان دارند با چشم باطن به آن می رسند.

مثلاً در سوره انفطار آمده "وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ، ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ" در حالی که این همه کتاب در مورد روز جزا نوشته شده اما خداوند خطاب به پیامبر می فرماید که تو چه میدانی روز جزا چیست؟ باید به آن جا برسی تا این مسئله را درک کنی با مدرسه نمی توان آن را فهمید بلکه باید ایمان و چشم باطن داشت. از این تعابیر در قرآن خیلی زیاد داریم. اینها می خواهد یک پیام را به ما برساند و آن این است که ای انسان های مومن تعبد و تعقل با هم است. اگر صرفاً با تعقل بخواهیم ادامه دهیم شکست می خوریم. پژوهش باید انجام داد اما به نادانسته های خود نیز باید معترف باشیم و در برابر خدا بندگی کنیم.

پژوهش در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی مغفول بوده و هست و هنوز هم اعتقاد دارم این سازمان در زمینه پژوهش حق مطلب را ادا نکرده است. سالیان سال اسم پژوهش بود ولی عمل پژوهش آنطور که باید باشد نبود و هنوز هم به طور کامل نیست. کما اینکه لفظ برنامه ریزی درسی در این سازمان حذف شد.

زمانی لفظ پژوهش و برنامه ریزی درسی از عنوان این سازمان حذف شد و این یعنی جدا کردن روح سازمان و ماندن کالبد آن. یعنی سازمان پژوهش کارش را به تالیف کتب درسی، تولید وسایل و ابزارهای آموزشی معطوف کند که این سازمان، سازمان پژوهش باطراوت و با روح نیست. سازمان پژوهش زمانی دارای بالندگی و روح است که دوبال پژوهش و برنامه ریزی درسی را داشته باشد و قبل از تولید رسانه ها دو کار نظام مند انجام شود یکی پژوهش و دیگری برنامه ریزی درسی.

امیدوارم این دو لفظ در سازمان نهادینه شود هر چند که الفاظ مشکل ما را حل نمی کند چون لفظ، نمادی از عمل است اما اگر پژوهش و برنامه ریزی درسی جدا شوند در این سازمان لاشه ای بیش نخواهد ماند و این مشکلی را حل نمی کند.

برای اینکه این مسئله را به طور نهادی و ساختاری برگردانیم تلاش کردیم شورای پژوهشی سازمان

را تشکیل بدهیم که انجام شد و کارهای خودمان را به طور عالمانه در معنای پژوهشی پیش ببریم، چند پژوهش هم تصویب شده و به همین ترتیب ادامه خواهیم داد. همه شما هم کمک کنید تا این مسیر را براساس قانون تشکیل سازمان پژوهش طی کنیم.

بایستی براساس قانون تشکیل سازمان پژوهش که قانون مصوب مجلس است که بالاتر از آن دیگر نیست، بر اساس مطالبات خودمان قدری فعال عمل کنیم، یعنی اینکه بگوییم سازمان دارای این مأموریت است و مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش ناسخ مصوبات مجلس نمی‌تواند باشد. ولی چه زمانی می‌توانیم این حرف را بزنیم زمانی که در زمینه‌ی پژوهش، قوی ظاهر شویم.

معیارهای رفتار اخلاقی در علم و پژوهش

یکی از ابعاد تحول، تحول در اخلاق است که اینک در الگوی تدوین هدف در برنامه درسی ملی یکی از عناصر مهم اخلاق است لذا پایه قانونی دارد و هم به لحاظ اخلاقی در تمام عرصه های زندگی باید رعایت شود. سوال این است که ما به عنوان پژوهشگر در عرصه اخلاقیات چه مواردی را باید رعایت کنیم؟

صداقت

اولین مسئله مهم صداقت است. صداقت در امر پژوهش به چه معناست؟ به این معنا که کسی که پژوهشگری می‌کند از دو چیز باید پرهیز کند جعل داده ها و اطلاعات و تحریف نتایج. یعنی پژوهشگر باید از داده سازی و از تحریف نتایج پرهیز کند. شما سرقت های علمی را شنیده اید و بررسی کرده اید. این سرقت های علمی نشان می‌دهد که اگر یک پژوهشگر از لحاظ علمی و اخلاقی به نکته ای پایبند نباشد، پژوهشگری نه تنها چیزی به بشریت اضافه نکند بلکه چیزی هم کم می‌کند. حال اگر صداقت در بین پژوهشگران نباشد به اعتماد لطمه می‌زند. پژوهشگران دیگر به هم اعتماد نمی‌کنند و در نتیجه به اهداف علمی نمی‌رسند و کشور نجات پیدا نمی‌کند. یک امر اخلاقی آثار اجتماعی و سیاسی دارد.

گشودگی یعنی پرهیز از خست علمی

یک پژوهشگر باید نتایج تحقیق خود را با دیگران به اشتراک بگذارد مگر آنکه تحقیقی باشد که

نتایج آن حالت امنیتی داشته باشد که نشود آن را اشتراک گذاشت مثلاً در بحث انرژی هسته‌ای پژوهشگران گمنام هستند که کسی نه تحقیقات آن‌ها را می‌شناسند و نه تحقیقات آن‌ها اشتراک گذاشته می‌شود. این مقالات را استثنا کنید در بقیه موارد توصیه می‌شود. بنابراین باید نتایج تحقیقات اشتراک گذاشته بشود تا دیگران آن را نقد کنند و ایرادات آن را بگیرد، اگر تعاملات علمی بین پژوهشگران به وجود آید و یک جامعه علمی تشکیل شود، تصور کنید که من و شما هر چه می‌دانیم برای خودمان بماند و به دیگران منتقل نکنیم و به اشتراک گذاشته نشود، احتکار اطلاعات صورت می‌گیرد مانند کالا که وقتی احتکار بشود فایده‌ای ندارد. لذا اهل اخلاق در علم گفته‌اند بحثی که باید رعایت شود گشوده بودن است. این در بین علمای اسلام به این معنا آمده است. حتی الان در حوزه‌های علمیه این روند همچنان باقیست که کرسی‌ها تشکیل می‌شود و نتیجه مطالعات در آن اشتراک گذاشته می‌شود. شما می‌توانید در سازمان ما این‌ها را بررسی کنید. این باعث رشد علم می‌شود.

مسئولیت اجتماعی

سومین اصل مسئولیت اجتماعی است. یک پژوهشگر و عالم باید یک مسئولیتی را رعایت کند البته یک مناقشه وجود دارد که برخی پژوهشگران اعتقادشان بر این است که یک پژوهشگر به اخلاقیات زیاد کار ندارند و آن به دولتمردان و علمای اخلاق ارتباط دارد و یک پژوهشگر باید پژوهش بکند و حاصل آنچه پیش می‌آید ربطی به پژوهشگر ندارد؛ این در تفکر دینی ما قابل قبول نیست؛ البته این تنها به ما منحصر نیست خیلی از آدم‌ها در ادیان دیگر به این رسیده‌اند که وقتی به یک یافته علمی می‌رسند در برابر آن مسئولیت اجتماعی دارند و هرکسی آگاه‌تر شد؛ مسئول‌تر است، نمونه‌های متعددی می‌شود در این رابطه مطرح کرد.

قانونی بودن

اصل دیگر اصل قانونی بودن است، یعنی در واقع ما در پژوهش‌هایمان قانونمند باشیم، یک سری قوانین وجود دارد که پژوهشگران باید به آن پایبند باشند البته این قانون‌ها در کشورهای مختلف؛ متفاوت است، در هر عرصه‌ای باید قوانین را شناخت و مطابق آن عمل کرد و توجه داشته باشید قانون توسط هرکسی شکسته بشود همه افراد ضرر می‌کنند.

اصل فرصت

اصل فرصت ابعاد گوناگونی دارد، ما در پژوهش باید برای کسانی که پژوهش می‌کنند؛ فرصت آفرینی کنیم البته باید فرصت علمی به طور مساوی بین پژوهشگران تقسیم شود. مثل فرصت مطالعاتی که برخی دانشگاه‌ها می‌فرستند. مهم این است که فرصت باعث می‌شود انسان، علم و توانایی علمی خودش را توسعه دهد اما در سازمان پژوهش منظور از فرصت علمی چیست؟ کاش شرایط به جاهای برسد که بتوانیم کارشناسان خودمان را به تناسب شرایط شان به برخی کشورها برای طی دوره‌های چند ماهه اعزام کنیم و از حاصل مطالعات آنها سازمان پژوهش، غنی شوند، البته با امکاناتی که هم اکنون وجود دارد شاید نیازی نیست برای پژوهش مکان را عوض کنیم کفایت جست و گری را بیشتر کنیم و بتوانیم از این فرصت استفاده کنیم.

اصل کارآمدی

آخرین نکته، کارآمدی است، کارآمدی در تحقیق به این معنی است که ما در عرصه‌ای پژوهش کنیم که این عرصه معطوف به نیاز و ضرورت‌های اصلی ما است حال این نیاز و ضرورت در دانشگاه‌ها و کشورهای مختلف متفاوت است.

در سازمان پژوهش نیاز و ضرورت‌هایی داریم که شما بهتر می‌دانید، حرکت پژوهشی که ما اکنون آغاز کرده‌ایم قاعدتاً باید به نیازهای ما پاسخ بگوید اگر این اتفاق نیافتد ما خیری از پژوهش نمی‌توانیم ببینیم. معنایش این است که باید مساله شناسی کارآمد داشته باشیم.

ضرورت داشتن نقشه مسائل

چندبار تقاضا کرده‌ام و در هفته پژوهش تکرار می‌کنم ما باید در سازمان پژوهش نقشه مسئله داشته باشیم. چطور برای مسائل مختلف نقشه می‌کشیم مثلاً بعضی مسائل دو ساله است و برخی مسائل دیگر ممکن است ۲۰ سال طول بکشد ما نیازمند تشکیل و طراحی شبکه و مسائل پژوهش هستیم و مناسب آن نقشه برنامه‌ها داشته باشیم. این چه قدر زیبا می‌شود. اکنون ممکن است بپرسند که نقشه اساسی شما برای برخورد با برنامه درسی چیست؟ این مسائل با نقشه راه برطرف می‌شود. پیشنهاد می‌کنم همکاران در این باره فکر کنند و پیشنهاد بدهند. در سازمان پژوهش باید نقشه و شبکه مسائل داشته باشیم که نشان دهد امسال چه مسائل مهمی پیش رو داریم. بعد از این مسئله

نیازمند نقشه پژوهش هستیم و در ادامه برای حل مسائل باید نقشه برنامه ها و راه حل ها را داشته باشیم.

مثلا همین پیر شدن جمعیت در جامعه ما اگر امروز به آن نپردازیم فردا دیر می شود. تصور کنید جامعه ما ماموریت‌های عظیمی مانند عملیاتی کردن گام دوم و حرکت به سمت جامعه ای که نباید در برابر استکبار تسلیم شود دارد، چه می شود که این جامعه بعد از ۲۰ سال یک جامعه پیر می شود، آیا این جامعه شکست نمی خورد؟ قطعاً شکست می خورد. پیروزی را جوان‌ها می آورند، پیرها راه را نشان می دهند اما رهروان جوانان هستند، حال حضرت آقا این را فرمودند، عقل هم این را تایید می کند مجلس تصویب می کند ما در سازمان پژوهش با هم پیمان ببندیم تا مسئله ها را شناسیم و آن ها را با برنامه‌های درسی تطابق ندهیم کوتاه نیاییم.

مساله استکبار ستیزی

روح استکبار ستیزی باید در روح جوانان ما دمیده شود، همه ما می دانیم آمریکا دشمن ما است و این باید در برنامه های درسی ما بیاید، این باید در درس ها تزریق شوند، جوانان ما وقتی دیپلم می گیرند مومن هستند، عالم هستند، متفکر هستند و با آمریکا دشمن هستند.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش



نشست

طراحی

و تدوین

سند

راهنمای برنامه‌ی درسی



نشست طراحی و تدوین سند راهنمای برنامه‌ی درسی جهت آشنایی دانش‌آموزان با توطئه‌های استکباری آمریکا با حضور رئیس سازمان، جمعی از مدیران و کارشناسان عصر روز چهارشنبه ۸ دی ماه برگزار شد.

این نشست در راستای رهنمودها و تحقق مطالبات مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) جهت آشنایی دانش‌آموزان با توطئه‌های استکباری آمریکا براساس اسناد لانه‌ی جاسوسی برگزار شد که در ابتدای جلسه دکتر حسن ملک‌ی، گفت:

این جلسه با هدف مهمی تشکیل می‌شود زیرا موضوع مبارزه با استکبار که در رأس آن آمریکا به‌عنوان شیطان بزرگ قرار دارد و نماد بارز استکبار جهانی است، از چند جهت برای ما اهمیت دارد. ما در سازمان پژوهش مصمم هستیم که با قوت بیشتری حرکت کنیم لذا این مباحث برای ما یک تذکر مهم است. بدیهی است که استکبار ستیزی، به لحاظ اعتقادی و شرعی، برای ما حائز اهمیت است زیرا ما تابع اسلام هستیم، ضد مستکبر به‌شمار می‌رویم و در آیات قرآن محکم و شفاف، به این امر اشاره شده است. در برخی از آیات، خداوند به مؤمنان دستور داده مبارزه با مستکبران، ظالمان و کسانی که با عدل و انصاف در می‌افتند را به‌عنوان وظیفه دنبال کنند. البته این مسئله در دیگر ادیان الهی نیز ذکر شده اما در دین مبین اسلام به شکل بالغ‌تری ذکر شده است.

تأکید بر استکبار ستیزی دارای مبنای قانونی است

هم اکنون که ما تحت پرچم ولایت زندگی می‌کنیم، مسئله‌ی استکبار ستیزی، امر مهمی به‌شمار می‌رود زیرا هم بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی، یعنی امام راحل (ره) و هم مقام معظم رهبری، بر مسئله‌ی مبارزه با استکبار به‌عنوان برنامه‌های اصلی تأکید دارند و حتی در همین سخنرانی‌های جدید نیز، جهاد تبیین را مطرح کردند. بر همین مبنا ما باید بدانیم که اگر بخواهیم جهاد تبیین را در سازمان پژوهش اجرا کنیم، چگونه است و باید بدانیم که اساساً جهاد تبیین، باید چگونه در لباس کتاب درسی ظاهر شود؟

مبارزه با استکبار و نحوه‌ی مواجهه با آن، علاوه بر مبنای دینی، دارای بُعد عقلانی نیز هست. البته بدیهی است که موارد دینی، عقلی نیز هستند اما به‌صورت ویژه این مسئله بر عقل تأکید دارد. در این راستا و بر مبنای تأکیدات، ما باید با استکبار که توازن حیات بشر را به هم می‌زند، مبارزه کنیم زیرا انسان عاقل زیر بار ظلم نمی‌رود چرا که ظلم باعث از بین رفتن عقل و عاقل می‌شود.

یکی دیگر از مباحث، مبنای قانونی استکبار ستیزی است لذا با توجه به اینکه مجلس شورای اسلامی طی قانونی، استکبار ستیزی را تصویب رسانده است، لذا آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها موظف هستند که بحث اسناد لانه‌ی جاسوسی را به‌طور مشخص در متون آموزشی ذکر کنند.

همان‌طور که مستحضرید، مبارزه با استکبار مبنای تاریخی نیز دارد، لذا اگر ما مبنای تاریخ اصیل خودمان را که تاریخ پیامبران است؛ مطالعه کنیم، متوجه خواهیم شد که این روند، از حضرت

آدم (علیه السلام) آغاز شده و در کل تاریخ جریان داشته است، لذا در هیچ زمانی راه پیامبران جدا از استکبار ستیزی نبوده و همواره این بزرگان در حال مبارزه با ظلمت بوده‌اند. بر همین مبنا ما همواره در تاریخ، شاهد جنگ حق و باطل هستیم بنابراین جلسه‌ی پیش رو دارای پشتوانه‌ی تئوری، نظری، تاریخی، اخلاقی و قانون است.

تدوین یک سند جامع استکبار ستیزی از پیش دبستانی تا پایان دبیرستان ضروری است

بدیهی است که درج مطالب مربوط به اسناد لانه‌ی جاسوسی و استکبار ستیزی، جزء وظایف اصلی ما به‌شمار می‌رود. بر همین اساس از سال‌ها قبل این مسئله در مرکز توجه قرار گرفت و در کتاب‌های درسی به طرق مختلف به آن پرداخته شد. این روند اما، از زمانی که مقام معظم رهبری تأکید کردند که معارف انقلاب را وارد کتاب‌های درسی کنیم، شدت گرفت. بر همین مبنا ما به کمک دانشگاه امام حسین (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام)، توانستیم مطالبی را انتخاب کنیم و این مباحث را در قریب ۳۰ کتاب درسی به‌کار بردیم، لذا امروز این مطالب در اختیار دانش‌آموزان ماست. نکته اصلی این است که ما در ارتباط با استکبار ستیزی و چگونگی درج اسناد لانه‌ی جاسوسی در کتاب‌های درسی، نقشه و طرح منسجمی که شامل ابتدا تا انتهای دوره‌ی تحصیلی باشد، نداریم و این خلاء جدی به‌شمار می‌رود. بدیهی است که کارهای پراکنده‌ای در این حوزه انجام شده اما آنچه که ما را راضی می‌کند و جزء وظایف اصلی ماست، این است که نیازمند یک طرح و نقشه منسجم، معنادار و مناسب هستیم تا بتوانیم روند را به شکل یکپارچه، معنادار و همراه با رعایت تناسبات روان‌شناختی و هنری دنبال کنیم و به یک متن آموزشی دست پیدا کنیم.

کتاب‌های متعددی در این باره تألیف شده، اما آنچه که مد نظر ماست متن یادگیری و آموزشی است که از دوره‌ی پیش‌دبستان، آغاز شود زیرا در سازمان و پس از تأکید مقام معظم رهبری بر بخش پیش‌دبستان، اقدامات متعددی را شکل دادیم و شتاب بیشتری به کار بخشیده‌ایم. در این راستا ما باید تلاش کنیم که یک روند را از دوره‌ی مهد و پیش‌دبستانی آغاز کنیم که پایان آن دوره‌ی دبیرستان باشد، لذا سؤال این است که مسئله‌ی استکبار ستیزی و درج اسناد لانه‌ی جاسوسی در این بازه‌ی زمانی در قالب کدام طرح و نقشه و چگونه باید انجام شود؟

تلاش ما این است که در جلسات به بحث و بررسی قواعد کلی و موضوعات اصلی بپردازیم تا در نهایت یک نگاه و جمع‌بندی حاصل شود، لذا خروجی کار این جلسات می‌تواند به نقشه‌ی راه منجر شود. در

این راستا باید تأکید کنم که کارهای پراکنده چیزی نیست که ما به دنبال آن باشیم، زیرا نه تنها در این مسئله، بلکه در سایر زمینه‌ها نیز بر رویه‌ی انسجام و کار اصولی تأکید داریم. به‌عنوان مثال در مسئله‌ی پی‌ری جمعیت که مقام معظم رهبری بر آن تأکید کردند، ما در سازمان وارد عمل شدیم و وظیفه‌ی خود دانستیم، در کتاب‌های درسی به دانش‌آموزان که پدران و مادران آینده‌ی ما هستند، نگرش درست به ازدیاد جمعیت را با روش مناسب تربیتی، آموزش دهیم و نکات لازم را در ذهن آنان ایجاد کنیم.

این کار باید با مدیریت جهادی به نحوی پیش برود تا طی دو یا سه ماه به ثمر بنشیند، زیرا کارهای متعدد و پژوهش‌های گوناگونی توسط بخش‌های مختلف انجام شده است که قابل استفاده و بهره‌برداری هستند. امروز بنیاد بین‌المللی استکبارشناسی فعال شده و پژوهشکده‌ای در بخش بسیج دانش‌آموزی فعال هستند، لذا ما می‌توانیم از تجربیات این بخش‌ها و سایر ارگان‌ها در این راستا استفاده کنیم و این مسائل را در قواره‌ی تعلیم و تربیت و متون آموزشی قرار دهیم.

همکاری پژوهشکده‌ی شهید صدر با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

خزائی از پژوهشکده‌ی مشترک شهید صدر نیز، ضمن تسلیت ایام فاطمیه و شهادت سردار سلیمانی به توضیح فعالیت‌های پژوهشکده پرداخت و گفت:

پژوهشکده‌ی شهید صدر در بحث تمدن‌سازی انقلاب اسلامی فعال است و ذیل این مأموریت اصلی سه محور کلی ایجابی، سلبی و بحث‌گفتمان‌سازی را دنبال می‌کند. در این راستا و در مرکز مطالعات بنیادین تمدن، موضوعات مختلف مورد بحث، بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد. در این مرکز بحث‌های تاریخی با نگاهی مبتنی بر تاریخ انبیاء مورد توجه قرار می‌گیرد و مسائل مختلفی چون: مهندسی تمدن، ایرانی‌شناسی، حکمران‌شناسی و... مورد توجه قرار می‌گیرد.

نظام‌سازی فرهنگ، یکی دیگر از پژوهشکده‌های این بخش است که متناسب با ظرفیت‌های داخل پژوهشکده، بحث تمدن‌سازی را در شاخه‌ی فرهنگ و به‌صورت ویژه دنبال می‌کند. ذیل این بخش نیز، اندیشه‌های متعددی چون آموزش و پرورش، خانواده، رسانه، مسجد و... قرار دارند.

در واقع فعالیت اصلی این اندیشه‌ها این است که متناسب با این پژوهش‌ها به یک ایده‌ی پیش‌ران، دست پیدا کنند. در همین راستا نیز پس از آسیب‌شناسی، کارشناسان به یک مشکل اصلی و محوری دست پیدا می‌کنند و برای حل آن نیز ایده ارائه می‌دهند.

در رابطه با جلسه‌ی حاضر در بخش اندیشکده‌ی ما در حوزه‌ی آموزش و پرورش، کارهای متعدد و پیشنهادهاتی انجام شده که بر مبنای اسناد لانه‌ی جاسوسی و تأکیدات مقام معظم رهبری تدوین شده است، لذا امکان همکاری تعاملی در این بخش وجود دارد.

امکان دسترسی به اسناد لانه‌ی جاسوسی در فضای مجازی فراهم شده است

رمضان‌زاده از سازمان بسیج دانش‌آموزی نیز در این جلسه بیان کرد:

مدت کوتاهی است که مجموعه‌ی بسیج دانش‌آموزی تشکیل شده است اما طی آسیب‌شناسی‌هایی که در این بخش انجام دادیم، به این موضوع پرداختیم که اساساً چرا بحث اسناد در بین اقشار مختلف کمرنگ است.

در راستای معرفی اسناد لانه‌ی جاسوسی، یک پروژه‌ی جامع در بسیج دانش‌آموزی شکل گرفت، لذا تمامی ۱۱ جلد را در پایگاه اطلاع‌رسانی و سامانه‌ی اسناد لانه‌ی جاسوسی بارگذاری کردیم و در دسترس عموم قرار دادیم. در ادامه نیز، دسته‌بندی و کلیدواژه‌ها احصا شد تا امکان جستجو برای کاربران در تمام دنیا به راحتی فراهم شود.

تلاش ما این است که در آینده، در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم سیاسی، مدیریت، فنی و مهندسی و ... بتوانیم اسناد را مورد مطالعه قرار دهیم تا امکان بررسی حوزه‌های مختلفی چون امنیت و ... را مورد توجه قرار دهیم زیرا این اسناد تنها بر بُعد استکبار تمرکز ندارد و در برخی از اسناد به ابعاد فنی و پروتکل‌های شنود نیز اشاره شده است.

دغدغه‌ی اساسی این است که متأسفانه امروز دانش‌آموزان ما آشنایی درستی با بحث اسناد و تسخیر ندارند لذا با توجه به تأکید مقام معظم رهبری بر موضوع روایت تسخیر باید به این موضوع نگاهی جدی داشته باشیم، لذا در این راستا کتاب‌های درسی موقعیت بسیار خوبی هستند تا به‌وسیله‌ی آنها بتوانیم واقعیت‌ها را به شکل درست ارائه دهیم و از دروغ پراکنی‌ها و عدم آشنایی‌ها جلوگیری کنیم.

توجه به ذائقه‌ی نسل جدید باید در اولویت استکبار ستیزی قرار گیرد

دکتر رضا قمرزاده مشاور رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز در این بخش از جلسه بیان کرد:

آمریکا و استکبار با ابزار فرهنگ کار خود را شروع کرده و پیش می‌برد لذا جز با فرهنگ‌سازی استکبار ستیزی؛ نمی‌توان این بخش را معرفی کرد. در کتاب‌های درسی سال‌هاست که نشانه‌ها و رد پاهایی درباره‌ی مبارزه با استکبار گنجانده شده است اما این شکل همکاری همه‌جانبه و همراهی با سایر ارگان‌ها جای تشکر دارد.

تلاش ما این است که در نظام تعلیم و تربیت، استکبار ستیزی را به اتمسفر نظام تعلیم و تربیت تبدیل کنیم، لذا لازم است که هر بخشی نقش خود را به‌درستی ایفا کند. در این مسیر جهت‌گیری نظام تعلیم و تربیت ما باید روحیه‌ی استکبار ستیزی داشته باشد و فرهنگ استکبار ستیزی باید سیطره پیدا کند. در این راستا ما به‌دنبال نقشه‌ای هستیم که هر واحدی بتواند نقش و نگاه خود را نه تنها در کتاب‌های درسی بلکه در مجلات و بخش‌های مختلف به‌دست آورد، لذا این اقدام یک اتفاق مبارک است. استفاده از ظرفیت‌های مجموعه‌های مختلف جای تشکر دارد و من معتقدم که این پژوهش‌کده قابل اتکا و اعتماد است و این همکاری شروع مناسبی است. ذائقه‌ی عمومی جوانان ما که بیشتر به فضای مجازی تمایل دارند را صرفاً نمی‌توان با تکیه بر اسناد لانه‌ی جاسوسی تغییر داد، لذا نیاز به تغییر و ایجاد تناسب در این مسیر هستیم.

توجه به ابعاد شخصیتی دانش‌آموزان در هر دوره‌ی تحصیلی لازم است

مستأجرانی در ادامه‌ی این جلسه بیان کرد:

استکبار ستیزی یکی از سنت‌های تاریخی است، لذا مقابله‌ی جریان حق و باطل باید به‌عنوان یک سنت در ذهن دانش‌آموزان ما تثبیت شود، زیرا این مسئله همواره وجود داشته و خواهد داشت. تثبیت این مباحث در ذهن دانش‌آموز سبب می‌شود که امکان بازی‌های احساسی از دشمن دریغ شود بنابراین، ما باید جریان ۱۲ سال تحصیلی را در کنار مقطع مهدکودک و پیش‌دبستان مورد توجه قرار دهیم زیرا کودک و نوجوان، در هر سن و فصلی، یک بُعد شخصیتی مجزا دارد. در این راستا و برای تبیین این مباحث، ما باید در مورد مباحثی که قصد داریم مطرح کنیم، دقت کنیم، لذا طراحی نقشه‌ی تربیتی و فکر کردن در این عرصه یک ضرورت به‌شمار می‌رود. بدیهی است که برای این امر، ما باید بدانیم در چه مقطعی از تحصیل، امکان تأکید عقلی یا احساسی وجود دارد و در چه نقاطی می‌توان روی روحیه‌ی پرسشگری یا کنجکاوی دانش‌آموز تأکید کرد. بنابراین متناسب با روحیه‌ی دانش‌آموز باید این روند را مشخص کنیم.

متأسفانه فضای فرهنگی کشور چندان با این نگاه استکبار ستیزی همراه نیست، زیرا بحث مصرف‌زدگی خود باعث تشدید بی‌توجهی به استکبار جهانی می‌شود، لذا در ابعاد گسترده نیاز است که ما وارد عرصه‌ی فرهنگی شویم و به این مباحث نیز بپردازیم.

نگاه استکبار ستیزی در روند آموزش باید بین‌المللی دنبال شود

عبدالله اسدی، مشاور رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز در ادامه گفت: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دارای یک مأموریت و رسالت بین‌المللی است تا بتواند برای محور مقاومت الهام‌بخش باشد. در مسیر الهام‌بخشی به محور مقاومت، نکته‌ی نخست همان استکبار ستیزی است، لذا احساس می‌کنم که سازمان به جهت اقدامات تحولی انجام شده، برای نقش الهام‌بخشی هنوز فکر خاصی نکرده است. به همین خاطر لازم است که نگاه‌ها را فراتر از ایران طراحی کنیم و کشورهای مسلمان دیگر را نیز مد نظر قرار دهیم.

در این مسیر دست ما خالی نیست زیرا بخش مهمی از ظرفیت‌های الهام‌بخشی را در کشور داریم و حتی امکان کار در بخش‌های بین‌المللی تا حدود زیادی هموارتر است. همچنین ترکیب تخصصی ارائه شده در مجموعه‌ی پژوهش‌کده‌ی صدر و بسیج دانش‌آموزی نشان می‌دهد که ما از عهده‌ی این کار بر می‌آییم. بر همین مبنا، من فکر می‌کنم با توجه به اشرافی که به گفتمان انقلاب و علوم تربیتی وجود دارد، در این مسیر می‌توان به روند خوبی دست پیدا کنیم.

خانم بلوچی، عضو دبیرخانه‌ی کشوری درس آمادگی دفاعی نیز بیان کرد:

امروز برای درج مطالب جدید در راستای استکبار ستیزی باید از شیوه‌های نو و جذاب استفاده کنیم زیرا امروز، از روش‌های بسیاری برای هجمه به ذهن دانش‌آموزان استفاده می‌شود.

به‌نظر من، می‌توانیم از داستانک‌ها، شعر و موارد مختلف استفاده کنیم تا مباحث مربوط به لانه‌ی جاسوسی برای گروه‌های سنی پایین جذاب شود.

نکته‌ی دیگر این است که دو نوع درس در نظام آموزشی ما دنبال می‌شود که یکی از آنها شامل مواردی است که در کنکور بر روی آن تأیید وجود دارد. بر همین مبنا تلاش بسیاری برای خواندن و به‌خاطر سپردن آن توسط دانش‌آموز به‌وجود می‌آید. اما برخی از دروس چون آمادگی دفاعی این‌گونه نیست و عملاً دانش‌آموزان تلاش چندانی برای به‌خاطر سپردن آن انجام نمی‌دهند. به‌نظر من باید بیاندیشیم که آیا مناسب است این بخش‌ها را به کتاب‌های حساس دوره‌ی کنکور اضافه کنیم تا در صورت تکرار برای دانش‌آموزان نهادینه شوند، یا نه؟

ضرورت و وضعیت‌شناسی در عرصه‌ی استکبار ستیزی احساس می‌شود

دکتر خدایی نیز از همکاری شکل گرفته ابراز خرسندی کرد و گفت: وقتی یک سازمان از شکل جامع و خشک خارج می‌شود و توانمندی انعطاف‌پذیری و درک اقتضائات را می‌یابد، به یک سازمان هوشمند تبدیل می‌شود لذا وقتی شاهد هستیم که سازمانی به این بزرگی آمادگی می‌یابد که با سایر بخش‌ها همکاری کند، مایه‌ی خرسندی است. من معتقدم که جلسه‌ی حاضر یک اتفاق خوب و خاص به‌شمار می‌رود که البته نیازمند یک آمادگی جدی است. با توجه به مباحث طرح شده، به‌نظر می‌رسد که ما نیاز داریم به سؤالات متعددی پاسخ دهیم که یکی از آنها مشخص کردن جایگاه منظومه‌ی استکبار ستیزی است، لذا لازم است که درباره‌ی این مباحث، به‌صورت جدی بحث و گفتگو داشته باشیم. ما در این مسیر نیازمند یک وضعیت‌شناسی هستیم، زیرا در این صورت می‌توانیم دقیقاً کار را فارغ از سلیقه و دیدگاه فردی مورد تحلیل قرار دهیم و نگاهی فراتر از تحلیل کمی را دنبال کنیم.

تشکیل شورای سیاست‌گذاری و کارگروه تدوین سند استکبار ستیزی در دستور کار قرار گرفت

در بخش پایانی جلسه دکتر ملکی به جمع‌بندی مباحث مطرح شده پرداخت و گفت: آنچه که امروز درباره‌ی آن بحث می‌کنیم و آنچه که به‌وسیله‌ی همفکری‌های انجام شده تولید خواهیم کرد، باید برای سال ۱۴۰۲ مورد بهره‌برداری قرار گیرد زیرا اگر زمان مشخص نشود، عملاً تکلیف خودمان و کار مشخص نخواهد شد. سند بالادستی ما در این کار، عمدتاً بیانیه‌ی گام دوم است. البته این به معنای بی توجهی به سند تحول بنیادین یا برنامه‌ی درسی ملی نیست اما بیانیه‌ی گام دوم، به‌دلیل تازگی بیشتر موضوعات، امکان تعامل قابل توجه‌تری را در دل خود دارد، زیرا عملاً راه را به سمت آینده نشان می‌دهد. ما برای انجام این کار به یک شورای سیاست‌گذاری نیاز داریم تا به تدوین سند استکبار ستیزی در تعلیم و تربیت دست پیدا کنیم. در ادامه برای شورای سیاست‌گذاری، به یک کارگروه نیاز داریم. لذا پیشنهاد می‌کنم، پژوهش‌کده‌ی شهید صدر، درون این کارگروه به همراه کارشناسان حوزه‌ی ما و افرادی که با علوم روان‌شناسی مرتبط هستند، حضور داشته باشند تا بتوانند در ابعاد و بخش‌های مختلف کار را دنبال کنند. این کارگروه باید بحث‌های شورای سیاست‌گذاری را به سمت عملیاتی کردن سوق دهد تا به تدوین سند استکبار ستیزی تعلیم و تربیت دست پیدا کنیم.

بدیهی است که سند تدوین شده باید کاربردی و عملیاتی باشد لذا باید صحبت‌های غیرکاربردی، دوری کنیم. در این راستا سند مذکور باید فارغ از تک تک دروس به برنامه‌ریزی برای هر دوره‌ی تحصیلی بپردازد و اعلام کند که برای هر مقطع ما به چه مباحثی نیاز داریم. بدیهی است که در ادامه هر کدام از گروه‌های تألیف درون سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، سهم خود را از این سند برداشت خواهند کرد و به این بخش، متصل خواهند شد. تأکید من این است که بنیاد بین‌المللی استکبار ستیزی نیز در این عرصه مشارکت داشته باشد و به‌عنوان عضوی از کارگروه با ما همراه شوند زیرا تلاش ما شکل دادن به یک کارگروه شناسنامه‌دار است.

بدیهی است که اگر سازمان پژوهش در کار خود علامه‌ی دهر هم باشد، نیازمند مشورت با سایر افراد و استفاده از تجارب دیگران است. آنچه به‌عنوان سند در این راستا تدوین می‌شود، سند مادر محسوب خواهد شد، لذا معطوف به درس خاصی نخواهد بود و بر دوره‌های تحصیلی متمرکز می‌شود. در این راستا ضروری است که کارشناسان محترم با فلسفه‌ی تحصیلی هر دوره آشنایی داشته باشد زیرا همان‌طور که می‌دانید هر دوره‌ی تحصیلی یک فلسفه‌ی به‌خصوص دارد که درک آن باعث می‌شود پیام‌های مربوط به آن دوره درست انتخاب شود.

دوره‌ی ابتدایی، زمان ادب‌آموزی و آموزش عمومی است زیرا ما در این دوره آنچه که یک فرد برای زندگی منطقی و سالم نیاز دارد را به او می‌آموزیم و عملاً با تخصص روبه‌رو نیستیم. ما معتقدیم که انسان مؤمن باید با نگاه استکبار ستیزی آشنا باشد و با آن زندگی کند زیرا این ویژگی سرشتی یک مسلمان است، لذا باید این مسئله در افکار او نهادینه شود لذا باید بیاندیشیم که در این مسیر چه چیزهایی برای آموزش نیاز است و اساساً چگونه این مباحث، باید آموزش داده شود؟

توجه به فلسفه‌ی دوره‌های تحصیلی در تبیین مباحث استکبار ستیزی ضروری است

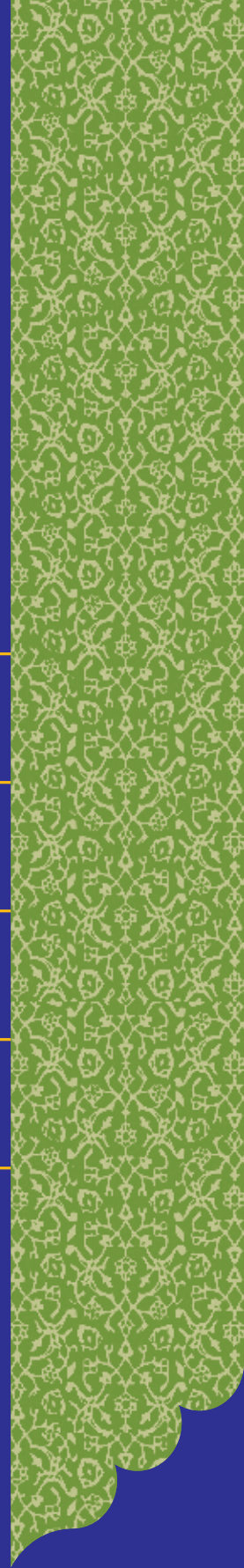
در دوره‌ی اول متوسطه نیز ما باید سعی کنیم که اندکی وارد مباحث تخصصی شویم زیرا در این دوره دانش‌آموز اندیشه‌ی هویت محوریت پیدا می‌کند. در دوره‌ی دوم متوسطه نیز ما باید نگاه تمدنی را دنبال کنیم زیرا دانش‌آموز در این دوره باید نقش تمدنی ایفا کند، لذا لازم است که بدانیم او درباره‌ی استکبار چه چیزهایی باید بداند؟ بدیهی است که در تمام این دوره‌ها اتصال به فلسفه‌ی دوره، اصل مهمی است. نکته‌ی دیگری که باید به‌عنوان اصل در تدوین این سند مورد توجه قرار دهیم این است که مطالب مورد نظر را با ارزش‌های اصیل پیوند بزنیم تا مطالب به زندگی عینی دانش‌آموز متصل

شود. در این مسیر ما باید به بُعد هنری و زیبایی‌شناختی نیز توجه ویژه داشته باشیم. در این روند ما باید به دانش‌آموز استکبار ستیزی را به‌عنوان سنت الهی و نه یک امر فرعی معرفی کنیم زیرا مبارزه‌ی حق با باطل، یک سنت الهی است. بر همین مبنا لازم است که بُعد تبیینی مطلب را به‌خصوص در دبیرستان مورد توجه قرار دهیم زیرا هر کجا که واژه‌ی تبیین می‌آید رابطه‌ی علی مطرح می‌شود، لذا باید همراه با علت‌ها به معلول بپردازیم و چرایی مباحث را کامل مطرح کنیم. ما باید به مباحث حاشیه‌ای که در ارتباط با استکبار ستیزی درون ذهن دانش‌آموز شکل گرفته بپردازیم، لذا باید بدانیم که اساساً چه شبهه‌ای امروز در ذهن دانش‌آموزان ما وجود دارد زیرا در صورت عدم شناخت این شبهات ماندگار خواهند شد و دروغ جای حقایق را خواهد گرفت. در این راستا لازم است که این ملاحظات در پژوهشکده‌ی صدر پخته شود و مورد بررسی قرار گیرد تا وقتی به سند دست یافتیم بتوانیم درباره‌ی اصول شکل‌گیری آن، به‌درستی و با روشنی پاسخگو باشیم. بدین ترتیب سند مورد نظر در کارگروه تهیه می‌شود و جهت تصویب در دستور کار شورای سیاست‌گذاری قرار می‌گیرد.



فصل ششم

مصاحبه‌ها





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

ندانستن، نخواستن و نتوانستن مسئولان و معطلی ۱۰ ساله سند تحول بنیادین

گفت و گو با دکتر حسن ملکی، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
خبرگزاری تسنیم / ۱۴ آذرماه ۱۴۰۰



در طول ۱۰ سالی که از ابلاغ سند تحول بنیادین می‌گذرد، مواجهه صحیح، به موقع، ساختارمند و اثرگذار با سند تحول به عمل نیامد و این یک خسران تربیتی است، تمام افرادی که سهواً یا عمداً موجب این توقف و رکود در اجرای سند تحول بنیادین شده‌اند باید پاسخگو باشند.

به گزارش خبرنگار اجتماعی خبرگزاری تسنیم؛ سند تحول بنیادین یکی از مناقشه‌برانگیزترین موضوعات آموزش و پرورش در سال‌های اخیر بوده است. حدود یک دهه پس از ابلاغ "سند تحول بنیادین آموزش و پرورش" اجرای این سند همچنان محل مناقشه میان مسئولان است و در شرایطی که مقرر بود سند تحول بنیادین هر ۵ سال یک بار بازنگری شود اما هنوز این سند به طور کامل وارد فاز اجرا نشده است.

هر کدام از طیف‌های فعال در حوزه آموزش و پرورش معتقدند این سند باید به سلیقه و توسط آنان تدوین شود نتیجه این رویه، داشتن سندی است که در برخی بخش‌ها، قابلیت اجرا ندارد و اصول برنامه‌ریزی راهبردی در آن رعایت نشده است.

یکی از محورهای مهم برنامه‌های پیشنهادی وزرا به مجلس درباره اجرای سند تحول بنیادین است و یکی از محورهای استیضاح وزرا نیز عدم اجرای این سند است با این حال همچنان پیشرفت اجرای سند تحول قابل قبول نبوده است و میزان اجرای آن نیز به طور دقیق مشخص نیست و در این رابطه آمارهایی از ۱۰ تا ۳۰ درصد عنوان می‌شود. همچنین بدنه آموزش و پرورش و خانواده‌ها نسبت به آن تا حدی بی‌تفاوت هستند.

درباره دلایل عدم اجرای سند تحول بنیادین، دشواری شاخص گذاری برخی گزاره‌های آن و مسائلی از این دست با حسن ملک‌رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گفت‌وگویی داشتیم. او پیش از این در یادداشتی با عنوان «۹ دلیل معطل ماندن سند تحول بنیادین» به بررسی دلایل عدم اجرای آن پرداخته بود.

تسنیم: ۱۰ سال از ابلاغ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌گذرد اما در تمام این سال‌ها سند تحول بیشتر در صحبت‌های مسئولان مورد توجه قرار گرفته است، دلایل عدم اجرای سند چیست؟ آیا تحولی در آموزش و پرورش اتفاق افتاده است؟

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش شناسنامه فرهنگی و تربیتی کشور است، هر کشوری چنین شناسنامه‌ای متناسب با فلسفه و فرهنگ خود دارد و چتر فکری و فلسفی برای نظام تعلیم و تربیت ایجاد کرده‌اند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اقدامات پراکنده‌ای در عناصر و اجزای تعلیم و تربیت انجام شد و در سال ۱۳۹۰ سند تحول بنیادین تدوین و ابلاغ و دو سال بعد، برنامه درسی ملی منتشر شد که یک سند فرعی و زیر نظام سند تحول است.

توقف و رکود در اجرای سند تحول

در طول ۱۰ سالی که از ابلاغ سند تحول بنیادین می‌گذرد، مواجهه صحیح، به موقع، ساختارمند و اثرگذار با سند تحول به عمل نیامد و این یک خسران تربیتی است، تمام افرادی که سهواً یا عمداً موجب این توقف و رکود در اجرای سند تحول بنیادین شده‌اند باید پاسخگو باشند. سند تحول به شرط عملیاتی شدن می‌توانست زمینه و شرایط رشد همه‌جانبه کودکان و نوجوانان را فراهم کند. البته مقصود بنده این نیست سند تحول بنیادین هیچ نقصی ندارد باید اجرا می‌شد تا نواقص و کاستی‌های آن مشخص می‌شد، هر چیزی که انسان تهیه می‌کند معمولاً نواقصی دارد.

ندانستن، نخواستن و نتوانستن در مواجهه با سند تحول

افرادی که با سند تحول بنیادین مواجهه دارند به سه گروه تقسیم می‌شوند؛ گروه نخست، «نمی‌دانند». گروه دوم؛ «نمی‌خواهند» و گروه سوم، «نمی‌توانند».

گروه نخست، عده قابل توجهی هستند که هنوز سند تحول بنیادین را نمی‌شناسند و نخواستند آن را بشناسند. ندانستن می‌تواند به این دلیل باشد که تصور می‌کنند ضرورتی ندارد درباره سند تحول بدانند و این ندانستن در بین کارشناسان، معلمان و حتی مسئولان تعلیم و تربیت مشاهده می‌شود بنابراین وقتی ندانند سند تحول دارای چه اهمیتی است برای عملیاتی کردن آن اقدام نمی‌کنند.

تسئیم: آیا در ندانستن سند تحول بنیادین سهم کارشناسان پررنگ‌تر است؟

سهم مدیران در سطوح بالا و میانی را پررنگ‌تر می‌دانم چون آنها باید این موضوع را به بدنه تزریق کنند. گروه دوم؛ افرادی هستند که نمی‌خواهند سند تحول اجرایی شود؛ برخی افراد تفکر سکولار دارند و پیوند دین با تعلیم و تربیت را رویداد مناسبی نمی‌دانند، این گروه اعتقاد دارند تعلیم و تربیت باید با انواع فلسفه‌ها و تفکرات غربی و شرقی همراه باشد و سایر فلسفه‌ها را به آسانی می‌پذیرند اما سند تحول بنیادین را قبول ندارند به عبارتی پیوند دین با معیارهای تربیتی برایشان مطلوب نیست و این عدم مطلوبیت به نوع جهان بینی و نگرش آنها مربوط است.

مقصرترین افراد در عملیاتی نشدن سند تحول

مدیران لایه اول مدیریت مقصرترین افراد در ارتباط با عملیاتی نشدن سند تحول بنیادین هستند، بنده مشاهده نکردم مدیر اصلی آموزش و پرورش با صداقت و شجاعت بگوید در زمان مسئولیت تصمیم دارم سند تحول بنیادین را عملیاتی کنم بنابراین باید تمام طرح‌ها و برنامه‌ها ذیل سند تعریف شود و تیم‌هایی برای نظارت تعیین شود. علت اینکه می‌گویم وزرای آموزش و پرورش مقصرترین هستند به این دلیل است که مدیران و معاونان به آنها نگاه می‌کنند، اگر او حساسیت نداشته باشد این موضوع به بدنه تزریق نمی‌شود، وزیر و مسئولان رده بالای آموزش و پرورش باید در برابر مسئولیت اجرای سند تحول پاسخگو باشند.

ناتوانی از اجرای سند تحول

گروه سوم؛ افرادی هستند که می‌دانند و می‌خواهند اما نمی‌توانند سند تحول را اجرا کنند، اگر بتوان برای ارزش‌ها و مبناهایی که در سند تحول تعیین شده است، مدل طراحی کرد آنگاه می‌توان سند را اجرایی کرد.

ماهیت سند تحول مبنایی است و سایر فعالیت‌ها بنا است به عنوان مثال برنامه درسی یا هر اقدامی که در بحث فضا و تجهیزات انجام می‌شود یک بنا است که مبنای آن سند تحول بنیادین است، باید با یک الگو آنها را به هم متصل کنیم؛ در مطالعاتی که انجام دادم اسم این الگو را "الگوی ربط" گذاشته‌ام.

در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی الگوی ربط را متناسب با فعالیت‌ها ایجاد کرده‌ایم، اما در سایر بخش‌ها توجهی نمی‌شود به همین دلیل دچار برخی اقدامات پراکنده هستند چه بسا در میان فعالیت‌های پراکنده اقدامات خوب هم وجود داشته باشد اما نمی‌توان گفت این بخش از آموزش و پرورش تصمیم دارد سند تحول بنیادین را از طریق الگوی یکپارچه معینی اجرا کند.

تسنیم: آیا کارشناسان از طراحی مدل ناتوان هستند؟

برخی کارشناسان توانایی لازم را ندارند و به نتوانستن اعتراف نمی‌کنند هم‌اکنون نیازمند معترفان به نقص هستیم که تعدادشان اندک است. البته درصد گروهی که "نمی‌دانند و نمی‌خواهند" بیشتر است.

افرادی که توانایی ندارند به ارزشمند بودن سند تحول آگاه هستند اما نمی‌توانند آن را اجرا کنند و حاضر نیستند بگویند بلد نیستیم بنابراین تلاش‌هایی می‌کنند ولی به اندازه تلاش‌ها سند تحول عملیاتی نمی‌شود.

تسنیم: اشاره کردید زیر نظام‌ها کارایی لازم را ندارد سند تحول بنیادین ۶ زیر نظام دارد آیا این زیر نظام‌ها فاقد اثرگذاری هستند؟

نسبت زیر نظام‌ها با سند تحول بنیادین یک نسبت توزیعی است نه یکپارچه و ساختاری. هدف‌های عملیاتی ورای کارها را به تناسب زیر نظام‌ها بین آنها پخش کرده‌اند و سند تحول را از یکپارچه بودن انداخته‌اند. به نظر بنده این یک اشتباه بزرگ است که در فرآیند اجرایی کردن سند رخ داده است. باید طور دیگری و با نگاه یکپارچه به اجرا نگاه و ساختاری عمل کرد نه توزیعی.

یکی از لوازم رویکرد ساختاری آن است که در هر بخشی از آموزش و پرورش با توجه به رشته علمی که به آن زیر نظام مربوط است چند بعد اساسی را تعیین و کشف کنیم و مولفه‌های سند تحول را

در آن ابعاد سازماندهی کنیم؛ به عنوان مثال در برنامه درسی ابعاد طراحی و تدوین، اجرا و ارزشیابی مهم و اساسی هستند، هدف‌های عملیاتی ورای کارها باید در این ابعاد استقرار پیدا کنند و احتمالاً تغییراتی در آنها بوجود آید.

بی‌اعتنایی به سنجش اجرای سند تحول

تسنیم: میزان سنجش پیشرفت سند تحول مشخص نیست و اعداد مختلفی از ۱۰ تا ۳۰ درصد اعلام می‌شود چرا نمی‌توان میزان پیشرفت اجرای سند را بررسی کرد از سوی دیگر برخی منتقدان می‌گویند بخشی از گزاره‌های سند تحول مانند حیات طیبه قابلیت اجرا و شاخص‌گذاری ندارد.

اجرای سند تحول بنیادین براساس شرایطی که گفتم محقق نشده بنابراین سنجش میزان تحقق آن نیز مورد اعتنا قرار نگرفته است. سنجش و ارزشیابی زمانی اهمیت پیدا می‌کند که سند تحول اجرا شود. می‌توان شاخص‌هایی را در نظر گرفت و براساس آن از طریق روش تحقیق کمی و کیفی، داده‌ها و اطلاعات مناسب و واقع‌بینانه تهیه و آن را تجزیه و تحلیل و براساس آن داوری کرد که سند تحول چه میزان عملیاتی شده است، در کدام ابعاد بیشتر اجرا و در کدام ابعاد با آن مواجهه درستی به عمل نیامده است، نقاط ضعف و قوت چیست.

اجرای ۱۰ تا ۳۰ درصدی سند تحول براساس حدس و گمان افراد

سنجش اجرای یک طرح، کار تازه‌ای در دنیای تعلیم و تربیت نیست و به آسانی می‌توان با الگویی متناسب میزان تحقق سند تحول را ارزشیابی کرد اما چون اصل سند مورد اعتنای کافی قرار نگرفته بنابراین سنجش میزان تحقق آن نیز مورد توجه قرار نگرفته است و اینکه گاهی گفته می‌شود میزان پیشرفت اجرای سند تحول ۱۰ تا ۳۰ درصد است این تنها حدس و گمان افراد است. درباره عدم شاخص‌گذاری برخی گزاره‌های سند باید بگوییم، شاخص‌گذاری برخی موارد مانند حیات طیبه دشوار است اما محال نیست اگر یک گروه قوی متخصص از تیم اعتقادی، روانشناسی، سنجش و اندازه‌گیری، ارزشیابی و نمایندگان معلم تشکیل شود می‌توانند به روش‌های علمی که در ارزشیابی و سنجش است انتزاعی‌ترین مفاهیم را به صورت عینی و کاربردی در آورده و مورد ارزشیابی قرار داد.

دشواری عینیت بخشی برخی گزاره‌های سند تحول

البته باز هم می‌گوییم برخی گزاره‌ها مانند حیات طیبه به سادگی قابل عینیت بخشیدن نیستند و باید تلاش بسیاری کرد تا در حدی قابل عینیت بخشیدن باشد چرا که برخی موارد انتزاعی و وحیانی را نمی‌توان عینی و قابل سنجش کرد اما می‌توان گام‌هایی برداشت؛ سند تحول بنیادین روی میز مدیران اصلی تعلیم و تربیت قرار نگرفته بنابراین ابعاد گوناگون آن ارزشیابی نشده و مورد توجه نبوده است.

تسنیم: آیا در آموزش و پرورش قوانین قدیمی مانند آیین نامه اجرایی مدارس که مربوط به سال ۷۹ است یا تشکیل سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مانع اجرای سند تحول بنیادین شده است؟

تردیدی نیست که قوانین، راهگشای اجرای یک طرح و سند هستند، ممکن است یک قانون به دلیل کهنه بودن موانعی برای عملیاتی کردن سند تحول ایجاد کند، تنقیح قوانین یعنی قوانینی که مربوط به گذشته است بررسی، اصلاح و متناسب سازی شود و باید این اقدام صورت بگیرد، در اصلاح قوانین کوتاهی نکنیم و ظرفیت قانونی اجرای سند تحول بنیادین را بالاتر ببریم.

نظارت و جلوگیری از رویه غلط وجود ندارد

تسنیم: اشاره کردید برخی از مسئولان و مدیران در اجرای سند تحول اهمال دارند آیا ناظر بالادستی وجود ندارد که وضعیت اجرای سند را رصد کند و آموزش و پرورش موظف به پاسخگویی باشد.

نظارت و جلوگیری به موقع از وقوع یک رویه غلط در دستگاه‌های دولتی وجود ندارد و در نظام تعلیم و تربیت نیز اینگونه است، آموزش و پرورش مسئولیت امور تربیتی را بر عهده دارد و خسارت‌هایی که در این دستگاه به دانش‌آموز و والدین وارد می‌شود گاهی غیرقابل جبران است، معتقدم در امر نظارت کوتاهی‌های بسیاری داشتیم.

کمیسیون‌های شورای عالی آموزش و پرورش کارآمدی ندارد

شورای عالی آموزش و پرورش باید بر اجرای سند تحول نظارت کند، مصوبات این شورا قانون است و قدرت بسیاری دارد. شورای عالی آموزش و پرورش وظیفه نظارت خود بر اجرای سند تحول را از زمان تصویب و ابلاغ سند به خوبی انجام نداده است و کمیسیون‌های متعدد در این شورا وجود دارد اما کارآمدی لازم را ندارند.

تسینیم: هم‌اکنون بدنه آموزش و پرورش و خانواده‌ها نسبت به سند بی‌توجه هستند از سوی دیگر بحث به‌روزرسانی و بازنگری سند مدنظر است. رفع انحصار و مشارکت عمومی در اصلاح سند تحول چقدر ضرورت دارد؟ چرا یکی از انتقادهای این است که تدوین سند پشت درهای بسته انجام شده است.

این را قبول ندارم که سند تحول بنیادین در یک فضای بسته تدوین شده است، تعداد قابل توجهی از صاحب‌نظران و نخبگان در تدوین سند دخالت داشتند اما وقتی نسخه پایانی می‌خواهد شکل بگیرد جمع محدودی آن را تدوین می‌کنند.

هم‌اکنون که قرار است سند تحول بازنگری شود باید به شکل قوی‌تر و با مدل‌های قابل انعطاف‌تر این کار انجام شود. در بازنگری سند تحول هم عاملان و هم عالمان باید مخاطب باشند یعنی با نخبگان، صاحب‌نظران و کارشناسان تعلیم و تربیت مصاحبه‌های عمیق انجام و از روش‌های کیفی در تحقیق استفاده شود همچنین با عاملان یعنی معلمان، مدیران مدارس و افرادی که باید سند را اجرا و عمل کنند گفت‌وگو شود و اطلاعاتی که از اهل علم و عمل به دست آمده است را بررسی و ترکیب کنند و نسبت به اصلاح سند اقدام شود.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزش

سند

برنامه

درسی ملی

چتر فلسفی

ما است

گفت و گو با دکتر حسن ملکی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

گفتگو از رمضانعلی ابراهیم زاده گرجی

منتشر شده در نشریه رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی / دوره سی و سه / شماره ۱ / پاییز ۱۳۹۹



اشاره

با تدوین و تصویب و ابلاغ اسنادی مثل «سند تحول در آموزش و پرورش» و نیز «الگوی هدف گذاری برنامه درسی ملی»، همه منتظر بودند که آن‌ها به زودی عملیاتی شود. مقام معظم رهبری نیز بر عملیاتی و اجرایی کردن آن‌ها تأکید کردند. اما تاکنون که چندین سال از زمان تصویب و ابلاغ آن‌ها می‌گذارد، خبری از اجرا نیست. این سکون و رکود سبب شد تا پرسش‌های متعددی از یک‌سو و نقدهایی از دیگرسو در وزارتخانه، اعم از صف و ستاد، از سوی بسیاری از کارشناسان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت مطرح شود.

آنچه از جمع‌بندی پرسش‌ها و نقدها و جواب‌های مدیران مرتبط برمی‌آید، این است که منتقدان هنوز قانع نشده‌اند که چرا برنامه درسی ملی عملیاتی نمی‌شود! برای ابهام‌زدایی، در دفتر دکتر حسن ملکی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی حاضر شدیم. دکتر ملکی که عضو هیئت علمی و استاد تمام دانشگاه علامه طباطبایی است، نیازی به معرفی در این وجیزه ندارد. ایشان کارشناس و مدیری با سابقه در وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر تألیف کتاب‌های درسی بوده که پس از غیبتی چندساله بار دیگر به جایگاه مورد علاقه‌اش باز گشته است.

به این دلیل که موضوع مورد بحث در این گفت‌وگو کاملاً مشخص است، ما کمتر سؤال کرده‌ایم و دکتر ملکی خود نکات لازم را بیان داشته‌اند. توجه شما را به متن گفت‌وگو جلب می‌کنیم.

آقای دکتر ملکی! شما در آموزش و پرورش بودید و بعد به دانشگاه علامه طباطبائی رفتید. اکنون هم بار دیگر در خدمت شما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی هستیم، پس می‌توان نتیجه گرفت که جنابعالی با وضعیت نظام تعلیم و تربیت آشنایی دارید. بفرمایید که دیدگاه شما درباره تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش چیست؟

دکتر ملکی: خوشحالم که با شما دوستان در مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی دیدار دارم که برایم مغتنم است. اگرچه پرسش شما خیلی مهم و در عین حال خیلی کلی است، با این حال سعی می‌کنم توضیحاتی به آن بدهم.

از یک طرف رشته تحصیلی و تخصصی من برنامه‌ریزی درسی است که یکی از شاخه‌های علوم تربیتی به حساب می‌آید، و از طرف دیگر سابقه زیاد حضور در حوزه کارشناسی و مدیریتی در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی دارم. عضویت در شورای عالی آموزش و پرورش، قائم مقام وزیر در انجمن اولیاء و مربیان و مثل این موارد در کارنامه کاری‌ام در وزارت آموزش و پرورش وجود دارد. می‌توانم بگویم به تقریب در تمام قسمت‌های آموزش و پرورش بوده و از نزدیک آشنایی دارم و آن را خوب می‌شناسم.

با رعایت انصاف می‌گویم: «وزارت آموزش و پرورش به‌طور کلی؛ و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی چه در بخش فنی و حرفه‌ای و چه در بخش‌های نظری و در سایر امور نظام تعلیم و تربیت (مثل معاونت پرورشی، معاونت‌های آموزش ابتدایی، متوسطه و حتی در بخش نیروی انسانی) قدم‌های مؤثری در قالب گروه‌های مختلف برداشته است، در مجموع وقتی وضع کنونی آموزش و پرورش را با ۱۰ سال، ۲۰ سال، ۳۰ سال پیش مقایسه می‌کنم، که خودم از ۳۰ سال پیش به این طرف در آموزش و پرورش بوده‌ام، برآورد این است که ما پیشرفت‌های به نسبت خوبی در ابعاد مختلف نظام تعلیم و تربیت داشته‌ایم. با وجود این، به دلیل مسئولیت سنگین تربیتی در نظام جمهوری اسلامی، و به دلیل هدف غایی که فلسفه تعلیم و تربیت ما پیش روی ما قرار داده و اکنون در اسناد بالادستی ما نمود عینی پیدا کرده است، ما هنوز خیلی فاصله با آنچه باید باشد داریم.

من از همین جا شروع می‌کنم. اکنون ما تعدادی اسناد بالادستی در نظام تعلیم و تربیت داریم. مثل سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی و سایر اسنادی که شورای عالی آموزش و پرورش تولید کرده است. به این ترتیب از نظر اسناد چیزی کم نداریم. البته اگر همین اسناد را بخواهیم به‌عنوان نقشه راه، موشکافانه بررسی کنیم، ممکن است بتوان اشکال‌هایی پیدا کرد. این اشکال‌ها نیز طبیعی

است، زیرا باور داریم هر کار انسان ساخته، بدون اشکال نیست. اما در مجموع همین اسناد موجود که اسناد تحولی شناخته می‌شوند، اسناد معتبر و مهمی‌اند که باید مبنا قرار بگیرند. اما نقص بزرگ نظام تعلیم و تربیت ما - با همه زحماتی که تاکنون کشیده شده - یک نقص ریشه‌ای و مبنایی است؛ و اگر این نقص برطرف نشود، نمی‌توانیم ادعا کنیم که نظام تعلیم و تربیت ما در مسیر تمدن‌سازی اسلامی - ایرانی دارد دانش‌آموزان را تربیت می‌کند. زیرا افق نگاه ما این است که به سوی ایجاد تمدن اسلامی - ایرانی در حرکتیم و آن تربیت نیروی انسانی است. اگر بخواهیم به این مقصود برسیم احتیاج به نیروی انسانی تربیت‌شده‌ای داریم که قابلیت‌های دانشی، ارزشی و نگرشی و قابلیت‌های مهارتی و در کل قابلیت رفتاری لازم را کسب کند و بتواند در ابعاد مختلف زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی به‌صورت مؤثر ایفای نقش کند. این نیروی انسانی تا سطحی باید در آموزش و پرورش تربیت شود و در سطوح بالاتر در دانشگاه‌های کشور.

تربیت در آموزش و پرورش، تربیت زیرساختی و زیربنایی است، یعنی اگر در مدارس موفق به چنین کاری نشویم، در دانشگاه‌ها نیز موفق نخواهیم شد. می‌دانید که بنده الان در هر دو مرکز - آموزش و پرورش و دانشگاه - حضور دارم. خروجی‌های آموزش و پرورش، ورودی‌های دانشگاه‌ها را تشکیل می‌دهند. اگر خروجی‌ها مرغوبیت‌های تعلیم و تربیت را کسب نکرده باشند، خیلی خیلی سخت است که بشود در دانشگاه تربیتشان کرد. علت آن هم برمی‌گردد به غلط بودن زیربنا. اگر بخواهیم این اتفاق نیافتد باید بتوانیم برنامه درسی و تعلیم و تربیتی مؤثر و مفید داشته باشیم، این کار مستلزم داشتن نرم‌افزارها و مدیریت‌ها از یک‌سو و حمایت‌های اقتصادی و بودجه‌ای از دیگرسو است. نقص در هر یک از این موارد سبب می‌شود که نتوانیم نقش خود را به خوبی ایفا کنیم.

■ آقای دکتر این اسناد را چگونه می‌توان عملیاتی کرد؟

اسناد بالادستی که اکنون داریم قابل دفاع است، ولی آنچه نداریم و اگر موفق به تأمین آن نشویم در درس‌ساز می‌شود، این است که این اسناد باید عملیاتی و کاربردی بشوند تا بتوانیم براساس آن‌ها برنامه‌های خاص بخش‌های مختلف را طراحی بکنیم. به عبارت دیگر، بناهایی که در بخش‌های مختلف آموزش و پرورش تولید می‌شود (در سازمان پژوهش، در معاونت برنامه‌ریزی، در معاونت پرورشی و ...) که آن‌ها را بناهای متعدد نام می‌نهم. این بناهای متعدد باید مبتنی به مبنا بشوند، مبنا چیست؟ مبنا همان محتوای اسناد بالادستی است.

بنده به عنوان فردی از آموزش و پرورش و دانشگاه، که علاقه‌ام به آموزش و پرورش بیشتر است، عرض می‌کنم این یکی از کاستی‌های مبنایی و ساختاری نظام تعلیم و تربیت ما در وضع کنونی است. اگر این کاستی برطرف نشود، یعنی تلاش نکنیم که بناها بر مینا استوار بشوند و یک حلقه واسط این‌ها را به هم متصل نکنند، هر کاری بکنیم گره اصلی ما را باز نخواهند کرد. گرچه امکان دارد گره‌ای را در گوشه‌ای باز کنند. اما پاسخ‌گوی نیاز اصلی ما نخواهند بود. نیاز اصلی ما، برنامه‌های تربیتی و رسمی مبتنی بر اسناد تحولی است. در این صورت است که این برنامه‌ها عملیاتی می‌شود.

نظام تعلیم و تربیت متمرکز و فلسفه خاص آن چگونه با هم جمع می‌شوند؟

این مورد هم منحصر به ایران ما نیست؛ چه در کشورهایی که غیرمتمرکز اداره می‌شوند و چه کشورهایی که نیمه‌متمرکز اداره می‌شوند و چه کشورهایی که مانند کشور ما متمرکزند و آن هم به دلیل فلسفه تعلیم و تربیت خاصی است که داریم که تمرکززدایی ممکن نیست. البته ضرورت دارد که این تمرکز سنگین کاهش یابد. در تمام این کشورها مشاهده خواهید کرد که هیچ‌یک از بناهای تربیتی بی‌ریشه نیست؛ ریشه فلسفی، ریشه انسان‌شناختی و ریشه اعتقادی دارند که خودشان آن‌ها را قبول دارند.

ما مفتخریم به پذیرش فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی که در مقابل فلسفه‌های متعدد از قبیل: پراگماتیستی، ایدئالیستی، اگزیستانسیالیستی و ... وجود دارد.

چطور ممکن است که نظام ما فلسفه تعلیم و تربیت داشته باشد ولی برنامه‌های تربیتی

خودش را بر این اساس مبتنی و تدوین نکند؟

پاسخ این سؤال را با یک مثال عرض می‌کنم، با این یادآوری که «در مثل مناقشه نیست». ساختمانی که ما الان در آن حضور داریم، وقتی در برابر یک زلزله قوی دوام می‌آورد که فونداسیون و پی‌ریزی قوی داشته باشد. اگر فونداسیون ضعیف باشد، هرچند نمای زیبایی داشته باشد فرو می‌ریزد.

عرض بنده این است که، با وجود توضیحاتی که در برخی از ابعاد نصیب نظام تعلیم و تربیت ما شده، اما هنوز یک اقدام زیربنایی و مبنایی از نیازهای معوقه ماست و این کار به میدانی فراخ نیاز دارد؛ نباید به میدان محدود دل خوش کنیم.

دلیل روشنی دارد که چرا این کار نشده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در فرمایشاتی که با معلمان هر سال دارند، هر بار یک مطلب را تکرار می‌کنند که چرا اسناد بالادستی اجرا نمی‌شود؟ در سال گذشته فرمودند، گفته می‌شود حدود ۱۰ درصد سند عملیاتی شده است و ۹۰ درصد سند عملیاتی نشده؛ این یعنی هیچ!!

باید اقرار کنیم که اکنون ۸ سال از تدوین و تصویب اسناد بالادستی می‌گذرد. چرا در این ۸ سال عملیاتی نشده؟ چرا حرکت همگانی، ریشه‌ای، ادامه‌دار و هدفمند برای عملیاتی کردن اسناد بالادستی نکرده‌اند؟ آیا نتوانسته‌اند؟ شاید در جاهایی نتوانسته‌اند. آیا نخواستند؟ شاید در مواردی نخواستند! نمی‌دانم. اما بالاخره آیا «نتوانستن» یا «نخواستن» است؟

مشکل سند بالادستی چیست که به‌طور جدی برای عملیاتی کردن آن اقدام نکرده‌اند؟!

آنچه را بنده عرض می‌کنم و حاضرم در مجامع عمومی باز هم مطرح بکنم، این است که این سؤال در گردونه نظام تعلیم و تربیت ما بی‌جواب است. کسی هم نیست که بتواند جواب روشنی بدهد. در همین سازمان پژوهش که ما اکنون در آن حضور داریم، در یک سال اخیر، حرکت‌هایی شده که هنوز به بار ننشسته‌اند. شما کتاب‌های درسی ۱۰ سال گذشته را بررسی بفرمایید. گرچه وضعیت کتاب‌های درسی بهتر شده، اما ارتباط جدی با اسناد بالادستی ندارند. خود دوستان می‌فرمودند که «همسوسازی کرده‌ایم!» همسوسازی یعنی چی؟

آیا اسناد بالادستی تهیه و تدوین و تصویب شده که شما با آن‌ها «همسو» بشوید؟! اسناد بالادستی برای این است که شما بناهای خود را بر آن مبتنی کنید. بین «همسوسازی» و «مبتنی کردن» فرق است. همسوسازی یعنی یک حلقه و یک بندی از اسناد بالادستی را گرفته‌ایم و کارمان را براساس آن پیش برده‌ایم. اما اسناد بالادستی برای چنین اقدامی تولید نشده! برای آویزان شدن به یک حلقه آن تدارک نشده!

برای رفع این مشکل چه کاری باید انجام شود؟

ما باید روح اسناد بالادستی را به خوبی درک کنیم و آن روح را به تمامی برنامه‌ها بدمیم. در اینجا بنده به یک وجه از اسناد بالادستی اشاره می‌کنم. در اسناد بالادستی ما رشد همه‌جانبه کودک و نوجوان یک محور است. یعنی نظام تعلیم و تربیت ما باید این قابلیت را داشته باشد که کودکان و نوجوانان را به‌صورت همه‌جانبه رشد بدهد. این هدف مبتنی بر اسناد بالادستی و آموزه‌های قرآنی است.

در قرآن واژه «رشید» داریم؛ رشید یعنی کسی که متوازن رشد کرده است. این مسئولیت اگر در برنامه‌های درسی ما خرد شود، چه وضعی و صبغه‌ای خواهد داشت؟

اگر بخواهیم برنامه‌های درسی ما رنگ فطرت بگیرند، گفتن آسان است ولی عمل به آن، مستلزم برنامه‌ریزی است. شما باید از ابتدا و از مبانی شروع کنید. باید مبانی را طبقه‌بندی کنید. از مبانی گزاره‌های ارزشی مشخصی استنتاج کنید. در سایه آن گزاره‌های ارزشی، نیازسنجی و هدف‌گذاری بکنید، سپس انتخاب محتوا و سازماندهی محتوا بکنید تا بشود گفت روح آن سند در نظام تعلیم و تربیت دمیده شده است! این هم نیاز به کارهای کارشناسی متعددی دارد.

من تا اینجا نظرم را درباره آموزش و پرورش گفته‌ام. دستشان درد نکند، کارهایی انجام داده‌اند ولی کار اساسی و ریشه‌ای مانده است و آن اتصال بنا به میناست که تاکنون نشده است. اگر انجام شده نشان دهند کجاست و اگر انجام نشده، بگویند پس کی قرار است انجام شود! و بنده مسئولیت سازمان پژوهش را بر عهده گرفته‌ام تا ان شاء الله بتوانم با همکاری دوستان و همکاران این مهم را به هدف برسانم.

پس از تهیه اسناد تحول، گفتند آموزش و پرورش باید در شش بعد متحول شود. برای مثال گفتند، برای نیروی انسانی دانشگاه فرهنگیان باید متحول گردد. یا معاونت اداری و مالی باید فضای آموزشی را تغییر دهد و تغییر و تحولات دیگر ...

از اول معلوم بود که چنین نخواهد شد. همان طور که تا به حال اتفاقی را شاهد نیستیم. سازمان پژوهش و دفتر تألیف قرار بود برنامه‌های درسی را متحول کند. متصدیان امر گفتند، برای تحول برنامه درسی، اول باید الگوی هدف‌گذاری را عوض بکنیم. اما از آن زمانی که برنامه درسی ملی را نوشتند، معلوم بود که باید الگوی هدف‌گذاری برنامه‌ریزی درسی بلوم (Bloom) به الگوی برنامه‌ریزی درسی ملی تغییر پیدا کند.

شاید به این پرسش باید کسانی پاسخ بدهند که برنامه را تدوین کرده‌اند. اما حال ما در خدمت شما هستیم؛ بفرمایید به نظر شما، الگوی هدف‌گذاری برنامه درسی ملی ما از کدام

الگوی بین‌المللی تبعیت می‌کند؟ یا به کدام یک از آن الگوها نزدیک‌تر است؟

من معتقدم لزومی ندارد هر الگویی را که در نظام تعلیم و تربیتی خودمان طرح می‌کنیم و قصد عمل به آن را داریم، حتماً شباهتی به یکی از الگوهای بین‌المللی داشته باشد. نه علم ما را ملزم بدان می‌کند و نه عقل. علم به ما می‌گوید؛ در نظام تعلیم و تربیت، در برنامه‌ریزی درسی نظریه‌های

متعددی وجود دارد و هر نظریه‌ای یک شناسنامه فلسفی دارد؛ استثنا هم ندارد. اگر ما برای خودمان فلسفه‌ای داریم، حق داریم بر پایه آن فلسفه، حرف از الگوی خودمان بزنیم. از نظر علمی هیچ اشکالی ندارد که ما الگوی دیگری برای برنامه‌ریزی درسی طراحی کنیم.

آیا این سخن شما پاسخ به منتقدانی است که می‌گویند الگوی برنامه‌ریزی درسی ملی از الگوهای مطرح تبعیت نمی‌کند؟

می‌خواهم به این گروه از برادران و خواهران عرض کنم، آیا همان متخصصی که در غرب، در عرصه تعلیم و تربیت الگویی ارائه کرده است در مقطعی از زندگی علمی خودش، از الگوی دیگری تبعیت کرده؟ اگر این‌طور باشد که دیگر نوآوری معنا ندارد. هر نظریه‌پردازی پس از مطالعه و فکر و تحقیق، به الگویی رسیده است. البته هر الگویی باید مدلل و مبرهن باشد. اما هیچ الزامی نداریم که بگوییم، الگویی که در برنامه درسی ملی آمده، چون شباهتی به هیچ‌یک از الگوهای مطرح جهانی ندارد، پس اعتبار هم ندارد! حرف درستی نیست. هریک از الگوهای مطرح، زمانی نبوده و بعداً پیدا شده. ما هم الگویی داریم.

آنچه ما به عنوان الگوی هدف‌گذاری در برنامه درسی ملی نام می‌بریم، گذشته از داشتن وجوه مثبت، حاوی نکات قابل تأملی است. پس ایراد الگویی به آن وارد نیست. باید این قسمت نقد شود.

به نظر شما که متخصص برنامه‌ریزی درسی هستید وجه مثبت الگوی هدف‌گذاری برنامه‌ریزی درسی ملی چیست؟

آن وجه مثبتی که در الگوی کنونی هدف‌نویسی وجود دارد، توجه به پنج عنصر اساسی تربیتی است که ریشه در تربیت اسلامی دارد. اگر بخواهیم افراد را تربیت کنیم باید از بعد عقلی، ایمانی، علمی، اخلاقی و مهارتی پرورش‌شان بدهیم. کسی که معتقد به تربیت اسلامی باشد، نمی‌تواند منکر این عناصر باشد. وجه مثبت دیگر چهار عرصه مطرح شده مواردی است خیلی اساسی، ریشه‌ای و مبنایی در زندگی انسان و آن همان نظام ارتباطی چهارگانه است: رابطه انسان با خود، رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خلق و رابطه انسان با خلقت. این‌ها ریشه در نظریه مرحوم شهید محمدباقر صدر دارد. ایشان این تفکر را وارد نظام فکری و تعلیم و تربیتی کرد. بنابراین در بعد عمودی و در بعدی افقی این وجوه مثبت را داریم.

نقاط ضعف الگوی هدف‌گذاری درسی ملی در چیست؟ به‌عنوان یک متخصص برنامه‌درسی لطفاً پاسخ بدهید.

ما در هر وضعیتی و در هر زمانی در نظام جمهوری اسلامی ایران، باید دانش‌آموزان را مؤمن بار بیاوریم. باید دانش‌آموزان را متفکر و اخلاقی بار بیاوریم. این «باید»‌ها از یک سلسله امور ثابت ریشه می‌گیرد. آن امور ثابت هم ریشه در وحی و مبانی اعتقادی ما دارد. ما از امور ثابت باید صیانت کنیم و آن‌ها را عملیاتی و در برنامه‌های درسی تزییق بکنیم. اما نکته‌ای هم هست و آن نقص در الگوی هدف‌گذاری است، چرا؟ زیرا اگر فقط بر این اساس بخواهیم هدف‌گذاری بکنیم، نمی‌توانیم به امور متغیر مستحده که در طول زمان بروز پیدا می‌کند توجه بکنیم؛ ما مسائل اجتماعی و مسائل متصاعدشونده امروزی هم داریم. این مسائل اساسی‌اند و باید دانش‌آموزان را در ارتباط با آن مسئله‌ها نیز تربیت بکنیم تا بتوانند به‌صورت منطقی با مسئله‌ها مواجه شوند. باید طوری تربیت شوند که در برابر مسائل اجتماعی متغیر، کم‌نیاورند. این مسائل ریشه در وحی ندارند و برخاسته از تحولات اجتماعی‌اند.

یعنی می‌فرمایید الگوی برنامه‌درسی ملی به امور مستحده ورود نمی‌کند.

به نظر می‌رسد الگوی هدف‌گذاری درسی ملی، یک الگوی گسسته از امور متغیر است. با این الگو نمی‌توانیم با امور متغیری که باید بدان‌ها پاسخ بدهیم، مواجه شویم. مثالی بزنم؛ الان که با هم صحبت می‌کنیم اگر بخواهیم واقع‌بینانه با قضایا برخورد کنیم، در همین نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که نوعاً حاضریم برای صیانت از آن جان فدا کنیم، به دلایل گوناگون مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متعددی بروز و ظهور پیدا می‌کند. این مسائل متعدد و گوناگون از زندگی کودک و نوجوان گسسته نیست. اگر بخواهیم نظام تربیتی برای کودک و نوجوان طراحی کنیم، باید قبل از هدف‌گذاری تکلیف خودمان را با نیاز مشخص کنیم. از خلأهای همین الگوی هدف‌گذاری این است که معلوم نیست بر پایه کدام الگوی نیازسنجی طراحی شده است. اگر اسمش را برنامه‌ریزی درسی می‌گذاریم، از هدف شروع نمی‌شود، چیزی که اکنون نیز باید در سازمان پژوهش گفت، این است که الان ما حوزه‌های تربیت و یادگیری طراحی می‌کنیم. بنده رئیس سازمان هستم و دوستان به‌طور کامل مرا می‌شناسند، که صریح‌اللهجه‌ام و با کسی تعارف ندارم. بنده عرض می‌کنم اگر حوزه‌های تربیت و یادگیری را طراحی می‌کنیم و اسمش برنامه‌ریزی درسی است؛ الگوی نیازسنجی ما کجاست؟

اگر ممکن است راجع به نیازسنجی توضیحی بفرمایید.

چرا هیچ خبری از واژه «نیاز» نیست؟ آیا قبول ندارید؟ در این صورت نباید هدف را قبول داشته باشید. زیرا هدفها بر پایه نیازها طراحی می‌شوند، به چه دلیل در برابر نیاز سکوت کرده‌اید؟ اگر نمی‌دانید، از کسی که می‌داند بپرسید. زیرا کار تخصصی است. دارید برنامه‌ریزی درسی تدوین می‌کنید! بنده در انرژی هسته‌ای تخصص ندارم، اما در برنامه‌ریزی درسی متخصصم و حرف‌های زیادی دارم. می‌خواهم به یک اصل اساسی اشاره کنم. اگر دوستانی که در بخش‌های مختلف مشغول کارند، بی‌اطلاع‌اند، جای آدم بی‌اطلاع اینجا نیست. چطور آدم بی‌اطلاع می‌تواند مسئولیت کاری را بپذیرد؟! اگر مطلع‌اند ولی کوتاهی می‌کنند، خطای بزرگی است. نباید کوتاهی کنند. بنابراین ریشه کار به نیازسنجی بازگردد. به این سبب که آنجا کاملاً بی‌توجهی شده، بنده در موجودیت این شک دارم. با همه علاقه‌ای که به آن چهار عرصه و پنج عنصر دارم، اما در این الگوی برنامه درسی ملی، هدف‌گذاری باید یک بار برای همیشه از منظر برنامه‌ریزی درسی نقد شود. این باب را باید باز کنیم.

از بُعد تخصصی بنده احساس می‌کنم که این باب بسته است. معلوم نیست که من باید کجا دقّ الباب کنم و بگویم ایها الناس! این کاری که می‌خواهید آغاز بکنید و اسمش تحول برنامه‌های درسی است و اسمش عملیاتی کردن اسناد بالادستی است و می‌خواهید دل رهبری را شاد کنید، راهش این نیست. توجه به ابعاد برنامه‌های درسی است و برای این کار نیازمند افراد متخصص هستیم.

به نظر شما، چطور ممکن است این همه سرمایه‌گذاری کرده باشند و اسناد بالادستی و

سند تحول و الگوی برنامه درسی ملی را طراحی، تدوین و تصویب کرده باشند ولی بدون

نیازسنجی؟!

تمام حرف‌های بنده که تا اینجا درباره نیازسنجی گفتم مربوط به الگوی هدف‌گذاری است. چرا من در الگو تردید می‌کنم؟ زیرا احساس می‌کنم که این الگو، ریشه در یک الگوی نیازسنجی که بالاتر از هدف باشد ندارد.

بنده معتقدم از جهت ساختار یک کتاب درسی و از جهت اصول و روش‌هایی که باید در طراحی و تألیف یک کتاب درسی مورد توجه قرار دهیم و سایر قواعد کتاب‌های درسی ما اکنون خیلی بهتر از کتاب‌های درسی پیشین (مثلاً دهه ۶۰) است. از بُعد ابتدایشان بر نیازسنجی، نظر کلی دارم که شامل

حال، گذشته و آینده ما می‌شود که اگر نگوییم؛ ما در نظام تعلیم و تربیت، در نظام برنامه‌ریزی درسی نیازسنجی یک حلقه مفقوده است، ولی به آن، چنان که باید توجه نشده است. گاهی نیازسنجی را با نظرپرسی اشتباه می‌گیرند که یک خطای علمی بزرگ است. یعنی چه؟ یعنی پرسش‌نامه‌ای را تنظیم می‌کنند و آن را بین معلمان، دانش‌آموزان و گاهی بین تعدادی از صاحب‌نظران پخش می‌کنند و داده‌هایی به دست می‌آورند و براساس آن داده‌ها، تحلیلی می‌کنند و می‌گویند؛ نیازسنجی کرده‌ایم. بنده به‌عنوان متخصص این زمینه عرض می‌کنم، این کار نیازسنجی نیست، نظرخواهی یا نظرپرسی است!

■ آقای دکتر برای نیازسنجی باید از کجا شروع کرد؟

نیازسنجی را از گردآوری اطلاعات موثق باید آغاز کرد. هر قدر اطلاعات ما جامع‌تر و مطمئن‌تر باشد بهتر می‌توانیم به فهم نیازها برسیم. لذا اگر مبنای برنامه درسی، نیاز است معنای نیازها نیز اطلاعات است.

■ آقای دکتر! شیوه و الگوی نیازسنجی خودتان چیست؟

وقتی از نیازسنجی در برنامه‌ریزی درسی صحبت می‌کنیم، از خلأها و کاستی‌ها حرف می‌زنیم. «نیاز» یعنی آنچه نداریم. آنچه نداریم چیست؟ پاسخ به این سؤال با توجه به نوع فلسفه‌ها و نوع جهان‌بینی‌هایی که آن برنامه درسی را حمایت می‌کند، متفاوت است. ما براساس برنامه تعلیم و تربیت خودمان اعتقاد داریم که دانش‌آموزان برای نزدیک شدن به هدف غایی که همان قرب الهی، صراط مستقیم، عبودیت و حیات طیبه‌ای است که در برنامه درسی ملی مطرح شده، باید مراحل را طی بکنند. به‌طور دفعی نمی‌توان به اهداف بلند تربیتی رسید. این مراتب با توجه به سطوح رشد و فلسفه‌های دوره‌های تحصیلی متفاوت است. برای مثال؛ اگر سؤال شود که حیات طیبه‌ای که در برنامه درسی ملی آمده، بروز و ظهورش در دوره پیش‌دبستان چیست؟ در پیش‌دبستانی که با کودک چهار پنج ساله سروکار دارید و حیات طیبه از مسلمات تعلیمات تربیتی ماست، این کودکان چگونه باید به آن غایت متصل شوند؟ این سؤال را درباره دوره ابتدایی، دوره‌های متوسطه اول و دوم هم می‌شود مطرح کرد.

حال می‌گوییم، دستیابی به حیات طیبه یک نیاز است، آن هم نیاز وحیانی است (دارم بخشی از الگوی نیازسنجی خودم را تشریح می‌کنم).

یک بعد نیازسنجی مان تعیین نیازهای وحیانی در مراتب مختلف است و تعدیل آن‌ها با توجه به سطح رشد که وجهی از نیازسنجی‌اند؛ آن هم وجه وحیانی. ما نمی‌توانیم در این وجه دستکاری کنیم، ولی آیا نیازسنجی در برنامه‌ریزی درسی منحصر به همین وجه است؟

یعنی اگر نیازهای وحیانی را متناسب با سطوح رشد تعدیل کردیم، برای مثال حیات طیبه را در مراحل گوناگون رشد تحلیل کردیم و به تشکیک‌هایی مثل «حیات طیبه یعنی چه؟» به همراه سایر نیازهای وحیانی پاسخ دادیم، می‌شود یک وجهی از نیازسنجی ما.

وجه دیگرش چیست؟ بنده اسمش را «نیازهای اجتماعی» می‌گذارم. نیازهای اجتماعی با امور متغیر ارتباط پیدا می‌کنند که قبلاً عرض کردم. زیرا دانش‌آموز یک عضو جامعه است و در خلأ زندگی نمی‌کند؛ دوستانی انتخاب می‌کند، خانواده تشکیل می‌دهد، کارمند اداره‌ای می‌شود، شهروند جامعه است. پس باید دارای قابلیت‌هایی باشد تا بتواند نقش اجتماعی‌اش را در جامعه ایفا کند. این قابلیت‌ها را کی کسب می‌کند؟ زمانی که نیازهای اجتماعی او به وسیله برنامه‌ریزان خوب فهم شود، خوب تدوین شود و بر پایه آن تدوین، نیازها معین شده و هدف‌گذاری شود.

■ آیا امور سیاسی هم در همین وجه اجتماعی قرار می‌گیرد؟

بله! اجتماعی به معنای عام کلمه مورد نظر است. برای تعیین نیازهای اجتماعی به داده و اطلاعات نیاز دارید. داده و اطلاعات را باید با تحقیقات و مطالعات به دست آورید و با تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی آن‌ها، نیازها را مشخص کنید. نیازها یعنی خلأها و کاستی‌های مربوط به حوزه اجتماعی. وقتی نیازهای اجتماعی و نیازهای وحیانی را در کنار هم قرار می‌دهید، در برخی از امور، موازی‌اند. یعنی براساس نیازهای وحیانی می‌توانید به نیازهای اجتماعی جواب بدهید و مواردی هم هست که ربطی به نیازهای وحیانی ندارند، ولی واقعیت‌های جامعه است که ناگزیر باید با آن‌ها روبه‌رو شویم. اگر این دو وجه را به رسمیت بشناسید و اولویت‌بندی هم بکنید، به نیازها رسیده‌اید. این نیازها نشانگر همان خلأها و کاستی‌های تربیتی‌اند. برای پر کردن این خلأها، باید هدف‌ها را تدوین کنید. بدین ترتیب هدف‌ها تابعی از نیازهاست اگر در عرصه نیازسنجی کار نکنیم، چطور می‌توانیم در پی هدف‌گذاری باشیم. من وقتی از این زاویه نگاه می‌کنم کار را معیوب می‌بینم. این اشکال اساسی در بحث الگوی هدف‌گذاری برنامه درسی ملی است.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



رمزینه

پاسخ سریع

در

کتاب‌های درسی

گفت و گو با دکتر حسن ملکی، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

گفتگو از فریدالدین حداد عادل و بهناز پورمحمد

منتشر شده در نشریه رشد مدرسه فردا / دوره هفدهم / شماره ۷ / ۱۴۰۰



اشاره

امروزه معلمان امکان حضور فعال در مدرسه‌ها را ندارند و خانواده‌ها بیش از پیش درگیر ابعاد گوناگون تحصیل فرزندان خود شده‌اند. در این شرایط یکی از اصلی‌ترین بخش‌های نظام تحصیل و تدریس، کتاب‌های درسی هستند. مصاحبه حاضر شرح اهم فعالیت‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در زمینه ارتقاء کیفیت و کارایی کتاب‌های درسی براساس تجربه‌های ایام کروناست.

با توجه به حضور منابع اطلاعاتی جدید مانند شبکه‌های اجتماعی و منابع اینترنتی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی در زمینه تولید و نوآوری کتاب‌های درسی چه تمهیداتی را در نظر گرفته است؟

شبکه‌های اجتماعی و منابع اینترنتی واقعیت‌های غیرقابل اجتناب زندگی امروز ما هستند. در ارتباط با این موضوع، برای سال آینده، در کتاب‌های درسی چند اقدام اثرگذار و مهم را دنبال می‌کنیم. در ابتدا، سازمان پژوهش شورایی تشکیل داده‌است به‌عنوان شورای آموزش مجازی و برنامه‌های درسی که تاکنون سه جلسه هم برگزار شده است. به تحلیلی در این خصوص دست یافته‌ایم. هدف از برگزاری این جلسات آن است که بتوانیم نسبتی بین برنامه‌های درسی با فضای مجازی به‌طور عام تعریف کنیم. البته سؤالات متعددی داریم که هنوز به‌طور کامل پاسخ نگرفته‌اند. گام برداشتن در این ضرورت باید با احتیاط تربیتی صورت گیرد. معتقدیم تأمل و تفکر نیاز است. فعلاً آنچه ما انجام داده‌ایم و سعی کرده‌ایم قدری به این ابعاد توجه کنیم، تولید محتوای الکترونیکی است که یکی دو ماه پیش، از آن‌ها رونمایی شد. محتوای الکترونیکی که بُعد تعاملی قوی دارند، در کنار کتاب‌های درسی، برای دانش‌آموزان این امکان را فراهم می‌کنند که در فرصت‌های یادگیری وسیع‌تر، به تعامل تربیتی و یادگیری بپردازند. مخاطبان این محتوای الکترونیکی می‌توانند به آن بُعد تعاملی تربیت و یادگیری، با استفاده از امکاناتی که در این محتواها قرار داده شده است، دسترسی پیدا کنند.

کتاب‌های درسی حتی اگر در مناسب‌ترین شکل خود هم تألیف شده باشند، نوعی محدودیت ذاتی دارند؛ محدودیت مفهومی، مهارتی، نگرشی و ارزشی از جمله آن محدودیت‌ها هستند. در این ظرف، مظلوم معینی را می‌توانیم قرار دهیم. عمق و وسعت مطالبی که در کتاب‌های درسی قرار می‌گیرند، پاسخ‌دهنده سؤالات، ضرورت‌ها و نیازهای امروز دانش‌آموزان ما نیست. اصولاً فلسفه حضور شبکه‌های اجتماعی و منابع اینترنتی هم بر این اساس تعریف می‌شود. بنابراین، یکی از اقداماتی که انجام داده‌ایم، تولید محتوای الکترونیکی است. کار دیگر در همین زمینه این است که در عمل از امکان «رمزینة‌های پاسخ سریع» و واقعیت‌های افزوده در کتاب‌های درسی استفاده کرده‌ایم؛ کتاب‌هایی که آرام‌آرام برای مهر ۱۴۰۰ چاپ و عرضه می‌شوند. همه کتاب‌های درسی دوره‌های تحصیلی به امکان دسترسی و استفاده دانش‌آموزان از رمزینة‌های پاسخ سریع مجهز می‌شوند تا مخاطبان از آن‌ها بهره‌مند و استفاده کنند. این نوآوری فناورانه به کیفیت یادگیری می‌افزاید.

برای سال ۱۴۰۱ یا سه و چهار سال آینده، قطعاً باید در این زمینه به بلوغ برسیم تا بهتر عمل کنیم. بی‌تردید، هر قدر شورای فضای مجازی و برنامه‌های درسی غنی‌تر عمل کند، غنای برنامه‌های درسی را در پی خواهد داشت.

از کتاب‌های درسی سال ۱۴۰۰ که محتوای الکترونیکی در آن‌ها به کار گرفته شده‌اند، آماری دارید؟

برای ۲۰۳ عنوان کتاب درسی در بخش نظری، محتوای الکترونیکی تولید شده است. رمزینه‌ها شامل همه کتاب‌های درسی هستند. بنا داریم همه کتاب‌های درسی را به این امکان مجهز کنیم و به غنای آن‌ها بیافزاییم.

تولید واقعیت‌های افزوده با احتیاط‌های لازم، به خصوص در بعد فرهنگی و ارزشی فرصت می‌خواهد. غیر از جنبه‌های آموزشی، ما باید توجهات لازم را داشته باشیم. در ابتدا شاید سختی کار را احساس نمی‌کردیم. وارد که شدیم، کار ابعاد گوناگونی پیدا کرد و خیلی حساس شد. اگر بخواهیم درست عمل کنیم، باید هم ضوابط مشخص داشته باشیم و هم در به‌کارگیری آن‌ها دقت نظر به خرج دهیم. در حال حاضر توانسته‌ایم برای حدود ۲۰۳ عنوان کتاب درسی در بخش نظری و حدود ۳۰ عنوان کتاب درسی در بخش فنی و حرفه‌ای، فیلم‌های آموزشی تولید محتوای الکترونیکی داشته باشیم. در بخش نظری موفقیت ما بیشتر است.

رمزینه پاسخ‌سریع برای همه کتاب‌ها و در همه دوره‌های تحصیلی تدوین شده است و در بخش فنی و حرفه‌ای ۱۵۰ عنوان کتاب به رمزینه پاسخ‌سریع مجهز شده‌اند.

با توجه به شرایط موجود به خاطر کرونا و استفاده یکباره از تلفن همراه و اینترنت، قرار است کتاب‌های درسی چه تحولاتی داشته باشند؟

من به اصطلاح پسا کرونا معتقد نیستم. اعتقاد دارم کرونا، این ویروس منحوس، به هر حال باعث شد ما شرایط نویی را آغاز کنیم. شاید اگر کرونا نبود، این تحول دیرتر صورت می‌گرفت. این راهی نیست که بعد از بین رفتن ویروس کرونا، هر آنچه را که در شرایط کرونایی آماده کرده بودیم کنار بگذاریم و به همان وضع قبل برگردیم. رجعت امکان‌پذیر نیست. لذا آنچه الان از آن به‌عنوان عصر کرونا نام می‌بریم، به یک اصل پایدار تبدیل شده است. اتفاقاً ما ذائقه دانش‌آموز را از طریق تلفن همراه و اینترنت با غذاهای الکترونیکی آشنا کرده‌ایم. او حالا به غذای دیگر میل ندارد. اگر هم

میلی باشد، به محتوای الکترونیکی است. هر چند امکانات و شرایط ما هنوز محدودند و به طور کامل نمی‌توانیم آن‌گونه که دانش‌آموز و جامعه از ما طلب می‌کند، به آن‌ها پاسخ بدهیم. بر این اساس، کتاب‌های درسی و برنامه‌های درسی باید خودشان را با این شرایط وفق دهند. در حال حاضر شوراهای برنامه‌ریزی درسی، برنامه‌های درسی تحولی را طراحی می‌کنند. از طرف دیگر، از یافته‌های شورای مجازی سازمان هم باید بهره‌مند شویم.

در ارتباط با امکانات فناورانه اطلاعاتی و ارتباطاتی و برقراری رابطه مثبت بین آن‌ها و برنامه‌های درسی، با چالشی مواجهیم که نمی‌تواند مانع باشد، اما حداقل ما را به تفکر وامی‌دارد. فناوری اطلاعات و ارتباطات نباید بر برنامه‌های درسی سیطره پیدا کند. این حرف به معنای آن نیست که از این امکان بهره‌مند نشویم، بلکه منظور این است که به تفکر غالب تبدیل نشود. اگر سیطره پیدا کرد، فلسفه می‌شود. زمانی که فناوری اطلاعات و ارتباطات جای فلسفه ما را بگیرد، مهم‌ترین چالش به وجود می‌آید.

فلسفه تعلیم و تربیت برگرفته از اندیشه دینی خود ماست. این فلسفه معیارها، دلالت‌ها و ملاک‌هایی دارد. فناوری اطلاعات و ارتباطات را باید در این جغرافیا معنا کنیم. اگر این را درست معنا نکنیم، ممکن است فناوری اطلاعات و ارتباطات صدرنشین برنامه‌های درسی ما شود. در صورتی که صدرنشین برنامه‌های درسی ما فلسفه ماست.

اگر تمام اجزا و عناصر را از فناوری اطلاعات و ارتباطات بگیرید، آن‌ها ابزار و وسیله‌ای بیش نیستند. اگر وسیله جای هدف را بگیرد، تعلیم و تربیت اوضاع بدی پیدا می‌کند.

چالش دیگر ما این است که زمانی به فرزندان خود توصیه می‌کردیم و مدرسه‌ها هم به دانش‌آموزان تأکید می‌کردند با خودتان تلفن همراه به مدرسه نیاورید. الان نه تنها از این شرایط عدول کرده‌ایم، بلکه چند برابر تأکیدات دیگران که معتقد بودند ما آن زمان اشتباه می‌کردیم، به خانواده‌ها و دانش‌آموزان تأکید می‌کنیم از این امکان استفاده کنید. شرایط و اوضاع کرونایی ضرورت‌های آموزش غیرحضوری را بر ما ایجاب و تحمیل کرده است.

وقتی گوشی تلفن همراه دست یک نوجوان است، ممکن است به جاهای متفاوت و منابع گوناگونی سر بزند. اطلاعات در دنیا در و پیکر ندارند. ما هم نمی‌توانیم بگوییم کجا را بنگر و کجا را ننگر! کجا را بخوان و کجا را نخوان، و کجا را ببین و کجا را نبین! این امر و نهی‌ها دست ما نیست. بنابراین، چالش دوم ما این است که اگر نمی‌توانیم به طور کامل جلوی این آسیب و تحمیل را بگیریم، حداقل از میزان آن بکاهیم تا از یک بحران اخلاقی و تربیتی جلوگیری کنیم.

این دو چالشی که عرض کردم، دو چالش بسیار مهمی هستند که ما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی باید آن را دنبال کنیم تا به نتیجه‌ای مطلوب و کاربردی برسیم.

■ به تعلیم و تربیت امروز کشور اشاره کردید. نسبت آن نگاه فلسفی در تعلیم و تربیت با طراحی و تدوین نوین کتاب‌های درسی چیست؟

اکنون گروه‌های پژوهش و برنامه‌ریزی درسی مشغول طراحی برنامه‌های درسی تحولی هستند. تفاوت این برنامه‌های درسی تحولی با تلاش‌های سابق همکاران سازمان این است که برنامه‌های درسی و بعد هم مواد درسی و رسانه‌های تربیتی و یادگیری باید به‌عنوان بناهای متعدد بر آن مبتنی شوند. مبنا سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی است که دو سند ملی بالادستی هستند. تا زمانی که این دو سند بنیادین اصلاح و ترمیم نشوند، برای ما به‌عنوان چتر فکری و فلسفی محسوب می‌شوند.

برای اینکه برنامه‌ها در آن راستا قرار گیرند، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تعداد قابل توجهی کارگاه آموزشی برای کارشناسان برگزار و تدریس کرده است تا آنان با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی (رویکرد برگرفته از سند تحولی) آشنایی کامل پیدا کنند.

در برنامه‌ریزی درسی، رویکردهای متعددی وجود دارند. ما نمی‌توانیم در داخل کشور خودمان با رویکردهای عاریتی و ترجمه‌ای تحول ایجاد کنیم. باید اول تحول نرم‌افزاری و سپس تحول در رویکردهایمان را داشته باشیم. دغدغه من از سال‌های قبل، پژوهش و تحقیق در این زمینه بود؛ رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی. برنامه‌های درسی را بر اساس آن نظریه طراحی و تدوین می‌کنیم و الگوی طراحی و تدوین برنامه درسی تهیه می‌کنیم تا واسطه بین کتاب‌های درسی و اسناد تحولی ما باشد. مرحله راهنماهای برنامه درسی در اسفند سال ۱۳۹۹ به اتمام رسید. یازده علم فکری تحولی در برنامه‌های درسی (یازده حوزه تربیت و یادگیری که عنوان‌های آن‌ها در برنامه درسی ملی است)، در قسمت اول به‌عنوان راهنماها و برنامه درسی و نقشه راه، در قالب مجموعه چاپ می‌شوند که مخاطب آن طراحان و کارشناسان هستند. معلمان هم می‌توانند آن را مطالعه کنند.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی

کرونا و تسریع در تجهیز شبکه ملی مدارس ایران

گفت و گو با دکتر حسن ملکی، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
گفت و گو / رشد مدرسه فردا / دوره هفدهم / شماره ۱ / مهر ۱۳۹۹



اشاره

با توجه به شیوع ویروس کرونا و اهمیت نحوه مدیریت برنامه‌های آموزشی در مواجهه با این شرایط، دکتر فریدالدین حداد عادل، سردبیر مجله رشد مدرسه زندگی و دکتر عظیم محبی، عضو شورای سردبیری، با دکتر حسن ملکی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به گفت‌وگو نشستند و از دیدگاه‌ها و نظرات وی و تدبیرهای سازمان پژوهش درباره این موضوع پرسیدند. دکتر ملکی اظهار داشت، با ظهور کرونا، تعادل در آموزش و پرورش به هم ریخته است و این شرایط نیازمند انعطاف در عمل است. وی با اشاره به اینکه نهاد خانواده در حال تبدیل شدن به نهاد اصلی تعلیم و تربیت است، بر لزوم آموزش سواد مجازی به اولیا و دانش‌آموزان تأکید کرد. دکتر ملکی معتقد است، جامعه نیازمند اتاق فکری برای کاهش آسیب‌ها و تهدیدهای فضای مجازی و بهره‌برداری درست از آن است. وی تجهیز شبکه ملی مدارس ایران (رشد) را، که به‌شخصه پیگیر نهایی شدن آن است، از برنامه‌های اصلی سازمان در شرایط کنونی دانست. دکتر ملکی همچنین از برنامه‌های آموزشی سازمان در حالت‌های زرد و قرمز کرونایی گفت. در ادامه می‌خوانید:

تصویر ذهنی شما از فضای موجود آموزش و پرورش در قبال موضوع کرونا چیست؟

آثار و پیامدهای ویروس منحوس کرونا در همه ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زندگی، از جمله در آموزش و پرورش، نسبت‌ها را به هم زده است. در وضع متعادل آموزش و پرورش، نسبت بین تصمیمات تربیتی با تربیتی، علم، زندگی اجتماعی و سایر امور کلان حیات بشر، نسبت تعالی بخش، پیش برنده و در عین حال مشخصی است. شرط اینکه آموزش و پرورش بتواند در زندگی انسان‌ها اثر مثبت داشته باشد، این است که در وضع متعادل باشد. هر چند در بعضی جاها هم دیده شده که نبود تعادل، زمینه نوعی تعادل نوین را هم به وجود می‌آورد، اما به‌طور عمده، وقتی تعادل و نسبت‌ها به هم می‌خورند، کارایی نظام تعلیم و تربیت هم به همان اندازه کاهش پیدا می‌کند. پدیده کرونا در تعلیم و تربیت تعادل‌ها را به هم زد و نسبت‌ها را به هم ریخت. در روابط اجتماعی انسان‌ها دگرگونی‌هایی به وجود آمد. در بعضی جاها، از جمله در مناسبات بین والدین و مدرسه‌ها و معلمان، نسبت‌های نوینی تعریف شدند یا در حال تعریف شدن هستند. در سال‌ها و ماه‌های گذشته، والدین و دانش‌آموزان را از اینکه خیلی خود را در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی غرق کنند، پرهیز می‌دادیم. اما با ظهور پدیده کرونا مجبور شدیم از آن‌ها درخواست کنیم و تشویقشان کنیم که وارد فضای مجازی آموزشی شوند و دانش‌آموزان تبلت و تلفن همراه داشته باشند و امثال این‌ها. اوضاع کرونایی را که از یک جهت تهدید محسوب می‌شود، می‌توانیم با مواجهه درست، به فرصت تبدیل کنیم. آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد باید خود را برای مواجهه با این نسبت‌های نوین، مدیریت این نسبت‌ها، بهره‌برداری از فضای جدید و امثال این‌ها آماده کند. کرونا یک واقعیت است و باید با عقلانیت و منطق با این واقعیت مواجه شویم. مهم‌ترین رسالت آموزش و پرورش در شرایط کنونی این است که با قوانین نوین خود را برای مدیریت واقعیت جدیدی به نام آثار کرونا آماده کند.

اگر وضعیتی که کرونا به وجود آورد، دو یا سه سال دیگر هم ادامه پیدا کند، آینده آموزش و پرورش چگونه خواهد بود؟

اینکه در آینده اوضاع چگونه رقم بخورد، برای ما روشن نیست، چرا که زمان ناپدید شدن این ویروس و زمان تولید واکسن قطعی آن مبهم است! اما فرض را بر این می‌گیریم که همه جای کشور در وضعیت قرمز باشد و نظام تعلیم و تربیت به‌طور کامل به داخل خانه‌ها کوچ کند. یعنی نهاد خانواده که در شرایط عادی و معمولی و در عالی‌ترین شکل خود، شریک تعلیم و تربیت است،

شرایط کرونایی اوضاع را به نقطه‌ای برساند که این نهاد متولی اصلی تعلیم و تربیت شود و معلمان مدرسه شریک نهادی به نام نهاد خانواده شوند! در این حالت، خانه را باید مدرسه و نهاد اصلی تعلیم و تربیت در نظر بگیریم و مدرسه‌ها، مدیران و معلمان باید از راه دور نسبت خود را با این نهاد تعریف کنند. اگر این را مبنا قرار دهیم، ضرورت دیگری خود را نشان می‌دهد و آن این است که باید برای خانواده که به نهاد تربیتی و مدرسه تبدیل شده، برنامه‌هایی داشته باشیم و صلاحیت‌ها و توانایی‌هایی در آن ایجاد کنیم که بتواند مسئولیت سنگین تعلیم و تربیت را مدیریت کند. از طریق صدا و سیما، شیوه‌های مجازی و برگزاری کارگاه‌های آموزش مجازی گوناگون و معرفی انواع کتاب، والدین را برای انجام این مأموریت تاریخی آماده کنیم. اگر این کار را نکنیم، ممکن است والدین در کنار فرزندشان به صورت آزمایش و خطا چیزهایی یاد بگیرند، اما قادر نخواهند شد رسالت اصلی، مهم و تأثیرگذار خود را محقق کنند.

در بحران کرونا، رسالت فضای مجازی را برای عرصه تعلیم و تربیت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ناگزیریم از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان و تحقق اهداف تعلیم و تربیت استفاده کنیم. اگر قبلاً از جهت نگرشی تمایلی به این کار نداشتیم، الآن مجبور به تمایل هستیم. اگر این وضع ادامه پیدا کند، به سوادی با عنوان «سواد آموزش مجازی» نیاز خواهیم داشت و باید برای بهره‌برداری درست از فضای مجازی، سواد آموزش مجازی اولیا و دانش‌آموزان را بالا ببریم. ما دانش‌آموزان را از اینکه با گوشی تلفن همراه وارد مدرسه شوند، بر حذر می‌داشتیم، اما الآن گوشی در حال تبدیل شدن به وسیله‌ای ضروری مثل قلم، کاغذ و سایر ابزار است.

این‌ها واقعیت‌هایی هستند که در حال شکل‌گیری‌اند. اگر این وضع ادامه پیدا کند، تهدیدهایی از سوی فضای مجازی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار خواهند داد که شاید در مورد بخشی از آن‌ها گریز و گزیری نیست و شاید بتوان برای مواجهه با بخش‌هایی نیز مقابله‌های تربیتی و فرهنگی تدارک دید که به اتاق فکرهای با صلاحیت نیاز دارد! اینکه چه کنیم تا از تهدیدات فضای مجازی کمتر آسیب ببینیم، مهم‌ترین چالشی است که جامعه با آن مواجه خواهد شد.

وظایف معلمان و مدیران مدرسه‌ها را در قبال دانش‌آموزانی که به مدرسه نمی‌آیند، اما محصل هستند، بفرمایید.

معلمان باید در شرایط جدید در کنار آموزش از راه دور، رسالت تربیتی خود را همیشه به خاطر داشته‌باشند و برای آن تدبیر کنند. آموزش، مجازی شده، اما تربیت منها نشده است. البته من این را سخت می‌دانم که مربی از راه دور فراگیرندگان را به یک مجموعه هدف‌های تربیتی برساند و نباید از یاد ببریم که فضای مجازی در مسائل تربیتی محدودیت ذاتی دارد! موضوعات اخلاقی و تربیتی نوعاً در روابط نزدیک و چهره‌به‌چهره مربی و معلم با دانش‌آموز محقق می‌شود. اما اگر معلم و مربی به مسائل تربیتی حساس باشد، همراهی تعلیم و تربیت را از یاد نمی‌برد و می‌تواند در همین زمان کم و در این شیوه ارتباطی از راه دور نیز، چه بسا با گفتن یک جمله و با یادآوری یک نکته اخلاقی همراه با تدریس، به مجموعه‌ای هدف تربیتی دست پیدا کند. این برمی‌گردد به اینکه معلم چه کسی بوده و چه نگرش و شایستگی‌هایی داشته است تا بتواند این نقش را ایفا کند. همچنین، اگر شبکه ملی مدارس ایران (رشد) که اکنون در دست اقدام است، اصطلاحاً بالا بیاید و فعال شود و سازوکارهای ارتباطی که برای ارتباط بین دانش‌آموز، خانواده، مدیر و معلم در آن تعبیه شده‌اند، نهایی شوند، ما خواهیم توانست به ضرورت تربیتی و اخلاقی که معمولاً از قِبَل یک نظام ارتباطی مدیریت شده می‌تواند حاصل شود، بپردازیم.

شبکه ملی مدارس ایران را برای مخاطبان ما بیشتر معرفی کنید و از سایر برنامه‌های سازمان پژوهش برای مواجهه با آغاز سال تحصیلی در شرایط کرونایی بفرمایید.

برای مواجهه با شرایط کرونایی، از دو جهت خودمان را آماده می‌کنیم: یک حالت این است که در تعدادی از مدرسه‌ها، دانش‌آموزان دو روز در هفته به مدرسه بیایند و هفته‌ای سه روز نیایند و یا برعکس. در این حالت، بخشی از آموزش‌ها حضوری و بخشی از آن‌ها در منزل و به شکل مجازی انجام خواهد شد. برای مواجهه با این وضع که به اصطلاح وضعیت زرد نام دارد، گروه‌های آموزشی ما با رویکرد ترکیبی به این می‌پردازند که کتاب‌های درسی، فعالیت‌های تربیتی و فعالیت‌های مکمل که به‌طور عمده در شبکه ملی رشد بازرگاری و ارائه خواهند شد، چگونه باشند. حالت دوم وضعیت حساس و قرمز است. برایمان مهم است کدام بسته آموزشی را ارائه دهیم که برای معلمان قابل فهم و قابل اجرا باشد، برای دانش‌آموزان قابل فهم و قابل دریافت باشد و برای والدین نامأنوس نباشد و بتوانند به فرزندشان کمک کنند تا تربیت در وضعیت قرمز مدیریت شود.

محتوای کتاب‌های درسی را با شرایط آموزش مجازی متناسب می‌کنیم و بخشی از محتوا را به‌عنوان مطالب خودخوان و آزاد در نظر می‌گیریم که در امتحان لحاظ نمی‌شود. شیوه‌هایی برای تدریس و ارزشیابی به معلمان پیشنهاد می‌کنیم. برای خانواده‌ها و مدیران مدرسه‌ها نیز بسته‌هایی آماده می‌کنیم تا بهتر بتوانند این اوضاع را مدیریت کنند. این موارد در بخش برنامه‌های درسی رسمی قصد شده است که به دفتر برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری آموزش عمومی و متوسطه نظری مربوط می‌شود. همین کار را دفتر فنی و حرفه‌ای نیز در کارگروه‌های خاص خود برای شاخه‌ها و رشته‌هایش انجام می‌دهد.

شرایطی که کرونا به وجود آورد، موجب شد شبکه ملی مدارس ایران (رشد) سریع‌تر تجهیز شود. همچنین، در این شبکه، در فراخوانی از معلمان و سایر نخبگان و کارشناسان درخواست کردیم محتوایی را که در برنامه‌های درسی گوناگون تولید کرده‌اند، به دبیرخانه این موضوع در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی سازمان ارسال کنند. محتواهای ارسالی دریافت، ارزیابی و داوری می‌شوند. در نهایت تعدادی از آن‌ها را گزینش و در شبکه ملی مدارس ایران (رشد) بارگذاری می‌کنیم تا معلمان از آن بهره‌برداری کنند. دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نقش غنی‌سازی، مکمل و تسهیل‌گر را ایفا می‌کند.

در این خصوص که سازمان پژوهش و شبکه ملی مدارس ایران (رشد) ارزشیابی در فضای

مجازی را در دست بگیرد و آن را به شکل استاندارد در آورد، نظرتان چیست؟

آزمون‌های استاندارد و یا شیوه ارزشیابی مبتنی بر آزمون‌های استاندارد، با اوضاع استاندارد تناسب دارد و اوضاع کنونی ما با توجه به شرایط به وجود آمده، به‌طور طبیعی اوضاع استاندارد نیست. در این وضعیت، غیر از امتحانات نهایی پایه دوازدهم (که الحمدلله با موفقیت هم برگزار شد)، با اینکه بقیه امتحانات را استاندارد کنیم، موافق نیستیم. البته اصل موضوع استاندارد در شرایط معمولی قابل دفاع است و با آن مخالف نیستیم. آزمون استاندارد اگر عالمانه طراحی شود، به‌نظام تعلیم و تربیت نظم می‌بخشد. اما کرونا باعث شده آینده نامعینی پیش روی ما باشد و در این موقعیت، سخن از استاندارد، سخن قابل قبولی نمی‌تواند باشد و اگر هم می‌گوییم این روش‌های ارزشیابی را به معلم پیشنهاد می‌کنیم، فقط در حد پیشنهاد باشد. در هر استان ممکن است اوضاع منحصر به فردی رقم بخورد. در شرایط کرونایی، نسخه پیچیدن در نظام تعلیم و تربیت مجوز ندارد. منعطف عمل کنیم و اختیارات را به معلم بدهیم.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی

معلم باغبان فطرت؛

نگاهی به

نظریه

فطرت‌گرایی

توحیدی

گفت و گو با دکتر حسن ملکی، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

رشد معلم / دوره ۴۰۵ / شماره ۱ / مهر ۱۴۰۰



اشاره

نظر به اهمیت «نظریه فطرت‌گرایی» در برنامه‌های درسی، سردبیر مجله رشد معلم، دکتر عظیم محبی، با جناب آقای دکتر حسن ملکی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، گفت‌وگویی انجام داده است که با هم می‌خوانیم.

نظریه فطرت‌گرایی توحیدی را در فرایند تعلیم‌وتربیت تبیین فرمایید.

فطرت‌گرایی در سایر اندیشه‌های فلاسفه غربی مانند کانت و دکارت هم مطرح شده است، اما فطرت‌گرایی توحیدی یعنی آن فطرت‌گرایی که دانش‌آموز را در نهایت به قرب و صبغه الهی داشتن زندگی هدایت کند. این نظریه بر پایه تحلیل و تبیینی که از فطرت الهی انسان به عمل می‌آید، شکل می‌گیرد. در برنامه‌های درسی و تعلیم‌وتربیت معمولاً در هر نظریه‌ای یک کانون توجه یا کانون مرکزی وجود دارد و به اصطلاح گزاره‌های تعلیم‌وتربیتی و بایدها و نبایدهای تربیتی از آن کانون ریشه و نشئت می‌گیرند. مثلاً در یک نظریه جامعه را محور قرار می‌دهند و بر اساس آن برخی بایدها و نبایدهای تربیتی را استنتاج می‌کنند، در نظریه دیگر علم را محور قرار می‌دهند و از آن ریشه گزاره‌ها را استنتاج می‌کنند، در یک نظریه هم مسئله‌های اساسی را محور قرار می‌دهند و بر آن پایه تحلیل می‌کنند. خلاصه اینکه در تعلیم‌وتربیت و در برنامه درسی، در هر نظریه‌ای یک محور مرکزی مفهومی و نظری وجود دارد. شاید بتوان گفت که شما نظریه‌ای در علوم تربیتی پیدا نمی‌کنید که از این کانون مرکزی مفهومی بی‌نیاز باشد و آن را نداشته باشد.

حالا در نظریه فطرت‌گرایی توحیدی، نقطه مرکزی ما فطرت الهی انسان است. فطرت الهی انسان در اندیشه دینی ما چنان مهم است که اگر انسان بر پایه فطرت الهی‌اش تربیت بشود، در نهایت به مثل الهی تبدیل می‌گردد. این مقام غیر از فطرت در باره هیچ چیز دیگری در اندیشه دینی ما مطرح نشده است. در حدیثی قدسی آمده است: «عَبْدِي أَطْعَمَنِي حَتَّى أَجْعَلَكَ مِثْلِي يَا مَثَلِي» (بنده من اطاعت کن مرا تا تو را مثل خودم گردانم). البته بعضی‌ها گفته‌اند شاید در اینجا باید بگوییم تو را مثل خودم کنم، چون شاید مثل خدا گفتن تعبیر درستی نباشد، چون «لیس کمثله شی»؛ چیزی مثل خدا نمی‌تواند بشود.

فطرت یک سرمایه الهی است که به‌طور بالقوه در وجود انسان هست. اگر بخواهم عملیاتی عرض کنم، باید بگویم فطرت الهی انسان مانند یک زمین زراعی است که در دل آن دانه‌های متنوعی کاشته شده‌اند که به‌خاطر اینکه رشد کنند، به باغبان نیاز دارند. باغبان آن بذرها را فطری، از بُعد نرم‌افزاری، برنامه‌های درسی هستند و از بُعد انسانی هم معلم. معلم باغبان فطرت است. برنامه‌های درسی هم از بُعد نرم‌افزاری باید زمینه رویش و زمینه شکوفایی فطرت الهی انسان را فراهم کنند. در واقع فطرت‌گرایی توحیدی یک تفکر و فرهنگ است و این فرهنگ و تفکر به‌تدریج در نظام تعلیم‌وتربیت ما تحقق پیدا می‌کند. قابلیت‌های فطری کودک باید مرحله‌به‌مرحله رشد کنند. یعنی یک مقدار در دوره ابتدایی و بعد در دوره متوسطه اول و دوم و حتی در دانشگاه. اصلاً شکوفایی فطرت

تمامیت‌پذیر نیست. تا زمانی که انسان زنده است، قابلیت‌های فطری‌اش هم امکان و فرصت به فعلیت رسیدن و پرورش را دارند. بنابراین، نظریه فطرت‌گرایی یعنی نظریه‌ای که بر پایه تحلیل عمیق و همه‌جانبه فطرت الهی انسان شکل می‌گیرد.

در این نظریه، مربی یا همان دانش‌آموز، صاحب نقش مؤثر است. یعنی اگر دانش‌آموز یا مربی خودش برای به فعلیت درآمدن قابلیت‌هایش ایفای نقش نکند، اتفاق خاصی نمی‌افتد. درست است که معلم مرجعیت دارد و نقش فوق‌العاده مؤثری ایفا می‌کند، اما مربی تا خودش نخواهد شایستگی‌هایش را ایجاد کند، اتفاق خاصی نمی‌افتد. ما در قرآن داریم: «یا ایها الذین امنوا علیکم انفسکم»: آن‌هایی که ایمان آورده‌اید، شما را به خودتان می‌سپارم. یعنی این همه انبیاء و کتاب‌های الهی آمده‌اند که انسان را تربیت کنند، ولی در نهایت خدای متعال می‌فرماید خودت مراقب خودت باش. یعنی اگر انسان مراقب خودش نباشد و تلاش نکند قابلیت‌هایش به فعلیت برسند، صرف‌امام یا پیامبر با همه مقام‌های معنوی مقدسی که دارند، نمی‌توانند انسان را در جهت صراط مستقیم و تعالی حرکت بدهند. در نظریه فطرت‌گرایی توحیدی، انسان منفعل معنا ندارد. انسان باید فعال باشد، ایفای نقش کند و در واقع هم شایستگی‌های خودش را بشناسد و هم برای به فعلیت درآمدن آن‌ها نقش مؤثری ایفا کند.

یکی از نکات مهم در رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی توجه به شایستگی‌های پایه می باشد

این شایستگی‌ها کدام‌اند؟

– شایستگی تفکر

یکی از شایستگی‌هایی که انسان مؤمن باید متناسب با نظریه فطرت‌گرایی توحیدی داشته باشد، این است که متفکر باشد؛ یعنی هم اندیشه‌ورزی و تفکر درباره امور، به‌عنوان یک شایستگی، مورد قبولش باشد و هم برای اینکه آن را تقویت کند، در صحنه‌های مختلف ظاهر و حاضر شود؛ شایستگی انسان اندیشمند، متفکر، خلاق و مبدع‌بودن است. انسانی که قادر است به سؤالات پاسخ بگوید یا سؤالات خوب مطرح کند و پرسشگر قابلی باشد. ما چنین انسانی را در فطرت‌گرایی توحیدی می‌خواهیم. ممکن است انسانی جواب قانع‌کننده نداشته باشد، ولی سؤالات اساسی مطرح کند. هر کسی که سؤال اساسی مطرح کند، قطعاً به جواب هم می‌رسد. در حدیثی آمده است: «علم یک گنجینه است. کلید آن سؤال است». اگر انسان سؤال‌کننده نباشد، به آن گنجینه دست پیدا نمی‌کند.

– شایستگی علمی

صلاحیت دیگری که باز باید این انسان در نظریه فطرت‌گرایی توحیدی دنبال کند، بُعد تربیت علمی است. تربیت علمی به این معنا که انسان متدین، متفکر و معنادار. در نظریه فطرت‌گرایی توحیدی اول باید به علم علاقه‌مند باشد. بعد برای رسیدن به آن تلاش کند. بعد هم علم را از غیر علم و ظن و گمان تشخیص بدهد. علم را از وهم و گمان و فرضیه متمایز کند. علم‌شناس، علم‌دوست و علم‌گرا باشد. جوینده و تحلیل‌گر علم باشد و روحیه علمی داشته باشد. فطرت‌گرایی توحیدی انسانی را که روحیه علمی دارد پرورش می‌دهد.

– شایستگی ایمانی

انسان متناسب با فطرت‌گرایی توحیدی یک انسان دلیل‌گرا و برهان‌گراست. یعنی هم وقتی خودش چیزی مطرح می‌کند برهان ارائه می‌دهد و هم وقتی دیگران چیزی مطرح می‌کنند، برهان طلب می‌کند و می‌گوید دلیل شما چیست؟ اگر شما در جایی دیدید انسانی می‌گوید من این حرف‌های شما را شنیدم ولی دلیل و برهان نداشت، بدانید او آدم قوی و فکوری است که فطرت الهی او قدری پرورش پیدا کرده است. همین‌طور، انسانی که در فطرت‌گرایی توحیدی معنادار است، انسان مؤمنی است که قابلیت دارد به ایمانش بیافزاید. درست است که برای افزودن ایمان، کتاب الهی آمده است، برای افزودن ایمان پیامبران آمده‌اند، ولی خود انسان باید شایستگی داشته باشد تا بر اساس آن، ایمان خودش را افزایش بدهد و در واقع مؤمن‌تر شود. ما در قرآن داریم: «یا ایها الذین آمنوا آمنوا»: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورید. خب ایمان‌آوردندگان دیگر به چه چیزی ایمان بیاورند؟ این آیه خیلی معنای ظریف و هشداردهنده‌ای دارد. معلوم می‌شود که ایمان مراتب دارد و یک مرتبه نیست. می‌گوید: آن‌هایی که مؤمن هستید، مؤمن‌تر بشوید.

– شایستگی اخلاقی

شایستگی دیگر در عرصه اخلاق معنا پیدا می‌کند. انسان مؤمن، متفکر و علمی و انسانی که در فطرت‌گرایی توحیدی جایگاه دارد، انسان اخلاقی است. ما در فرمایشات حضرت علی (ع) داریم: «المَرءُ مَخْبِوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»: انسان در زیر زبانش پنهان است. سعدی هم در آن شعر زیبایی می‌فرماید: «تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد». یعنی ایها الناس، یکی از

شایستگی‌های انسان این است که رفتار خودش را به انضباط در بیاورد. یعنی اولاً حرف بزند، ثانیاً حرف اساسی بزند و ثالثاً هر جایی هر حرفی را نزند. هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد.

برنامه‌های درسی تا چه میزان زمینه تربیت این شایستگی‌ها را فراهم کرده‌اند و چه اقداماتی در حال انجام است؟

ما تلاش کرده‌ایم این نوع شایستگی‌های فطرت‌گرایانه تا حدود زیادی در برنامه‌های درسی لحاظ شوند، اما شما اطلاع دارید که این هنوز در حد همان راهنمای برنامه درسی است. باید تلاش کنیم در تولید کل بسته‌های تربیت و یادگیری، چه دوره ابتدایی و چه دبیرستان، که ان‌شاءالله برای آینده مدنظرمان است، این قبیل شایستگی‌ها را تحت پوشش قرار دهیم. به علاوه، در همین کتاب‌های درسی موجود هم ما در این موارد کاملاً خالی نیستیم. یعنی برخی از این نوع شایستگی‌ها در کتاب‌های درسی فعلی هم وجود دارند. شایستگی‌هایی که بر فطرت و نظریه فطرت‌گرایی توحیدی مبتنی هستند و در واقع از ابعاد فطرت الهی انسان ریشه و نشئت می‌گیرند، در کتاب‌ها وجود دارند، ولی ما در برنامه‌ریزی‌های تحولی خودمان آن‌ها را به‌طور اساسی‌تر دنبال می‌کنیم و من امیدوارم در ادامه راه بتوانیم هم مکمل‌های آن راهنماها را تولید کنیم و هم بسته‌های تربیت و یادگیری را سر و سامان دهیم.

نقش معلمان در تقویت این شایستگی‌ها چیست؟

اولاً باید خود این الگوی تعلیم و تربیتی فطرت‌گرایانه توحیدی را به معلمان آموزش دهیم. این آموزش هم صرفاً با نوشتن یک یا دو مقاله حاصل نمی‌شود. هر چند که آن مقالات اثر خودشان را دارند، ولی باید به‌عنوان یک موضوع کلاسی مطرح و بررسی شوند. معلمان سؤالات خودشان را مطرح کنند و تعاملاتی صورت گیرد تا به تدریج در چند جلسه آموزشی آن‌ها بفهمند رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی در تعلیم و تربیت به چه معناست؟

بحث دوم این است که ما باید به معلمان یاد بدهیم اصول و روش‌هایی که می‌توانند با آن‌ها یا از طریق آن‌ها ابعاد اساسی فطرت الهی کودک را پرورش بدهند، چه چیزهایی هستند. بعضی از این اصل‌ها عبارت‌اند از:

۱. **جامعیت:** یعنی معلم باید این معنا را بداند که اولاً مسئول کل کودک است، نه یک وجه از شخصیت او. ثانیاً باید این یکپارچه‌نگری را در راستای اندیشه دینی پیش ببرد. اصل جامعیت معلم

را متعهد می‌کند که در تدریس حواسش باشد این دانش‌آموز عقل، عاطفه و وجدان دارد، گرایش الهی دارد و مبادا او این گرایش الهی را با مثالی غلط و یا روبه‌ای نامطلوب مخدوش کند! این کودک معصوم به‌عنوان امانت در اختیار او قرار داده شده است. مبادا معلم سخنی بگوید که آن گرایش الهی و معصومانه او را زخمی کند و بعد دیگر نشود آن زخم را به‌اصطلاح با هیچ مرهمی خوب کرد. یعنی وقتی الگوی اصل جامعیت مطرح شد، این موارد باید به معلم فهمانده شود.

۲. ایفای نقش: معلم باید بداند در الگوی تدریس فطرت‌گرایی توحیدی، دانش‌آموز کنشگر و فعال است؛ البته فعال مؤدب و نه فعال ستیزه‌گر! ما مرتبی را فعال می‌خواهیم، اما غیرمؤدب نمی‌خواهیم. بعضی‌ها فعال بودن را با ستیزه‌گر بودن اشتباه می‌گیرند. چه زیباست که دانش‌آموز مؤدبانه فعال باشد! یعنی مؤدب باشد، فعال هم باشد. حرف خودش را بزند، سؤال خودش را مطرح کند، اشکال خودش را بگیرد و در عین حال حرمت معلم و موضوع را هم حفظ کند. پس این شد اصل ایفای نقش مرتبی.

۳. ارتباط با خانواده: ما وقتی می‌خواهیم تدریس کنیم، به‌خصوص در دوره ابتدایی، این را نباید فراموش کنیم که این دانش‌آموز از منزل یک پکت ذهنی همراه خودش آورده است؛ بسته‌ای که خالی نیست. داخل آن بسته طرز تلقی‌ها، نگرش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های متعددی، از خانواده خودش، گرفته است و دارد به مدرسه می‌آورد. این معلم باید این بسته‌ها را به‌تدریج بشناسد و با آن‌ها مقابله نکند، بلکه بکوشد بین خودش و والدین آن دانش‌آموز ارتباط برقرار کند.

رویکرد و منطق سنجش و ارزشیابی بر اساس نظریه فطرت‌گرایی توحیدی را تبیین بفرمایید.

ارزشیابی در فطرت‌گرایی توحیدی اولاً یک ارزشیابی همه‌جانبه شخصیتی است. ارزشیابی نباید فقط تحصیلی باشد. ما وقتی می‌خواهیم درباره کودک داوری کنیم، باید داوری فطری کنیم، نه داوری تک‌وجهی. مثلاً ممکن است دانش‌آموزی از بُعد تحصیلی نمره ۲۰ هم بگیرد، ولی اگر این را تحلیل کنیم، شاید ببینیم از بُعد اجتماعی خیلی رشد نکرده است یا از بُعد عاطفی رشد نکرده است. ما باید در داوری ارزشیابی خودمان این را لحاظ کنیم. البته خوب اگر این بخواهد در تعلیم و تربیت رسمی جای خودش را باز کند، باید برخی قوانین و آیین‌نامه‌ها تغییر کنند. آنچه مسلم است، اینکه ارزشیابی ابتر در نظریه فطرت‌گرایی توحیدی جایی ندارد. ارزشیابی جامع و ارزشیابی همه‌جانبه، یعنی آن ارزشیابی که امکان داوری را برای معلم فراهم می‌کند تا کل شخصیت او را تحت نظر بگیرد و داوری کند. همین‌طور، ما نباید در ارزشیابی دل‌پره ایجاد کنیم! نباید ناامیدی ایجاد کنیم! مراقب باشیم ارزشیابی

نباید نقض غرض کند! ارزشیابی نباید محل تربیت باشد! ارزشیابی نباید انگیزه‌های یادگیرنده را به مسلخ ببرد و دیگر انگیزه‌ها را بکشد، بلکه باید امیدآفرین و انگیزه‌آفرین باشد، به گونه‌ای که دانش‌آموز بعد از شنیدن داوری، امید بیشتری برای حرکت‌های بیشتر به دست بیاورد. همین‌طور، ارزشیابی باید به خودارزشیابی اهمیت بدهد. خودارزشیابی در منابع علوم تربیتی خیلی بحث مهمی است. ما باید برای دانش‌آموز شرایط خود را ارزیابی کردن، خود را بررسی کردن، خود اندیشیدن و خودکاو را فراهم کنیم. همین خودکاو خیلی موضوع مهمی است. یعنی دانش‌آموز باید یاد بگیرد خودش را بکاود، خودش را بررسی کند، خودش را ارزیابی کند. اگر این کار درست انجام بشود، وقتی این آدم بزرگ هم شد، خودش ارزیابی خودش را دارد؛ یعنی خودش خودش را محاسبه و ارزیابی می‌کند و در واقع بهتر می‌تواند در سازندگی خودش مؤثر باشد.

